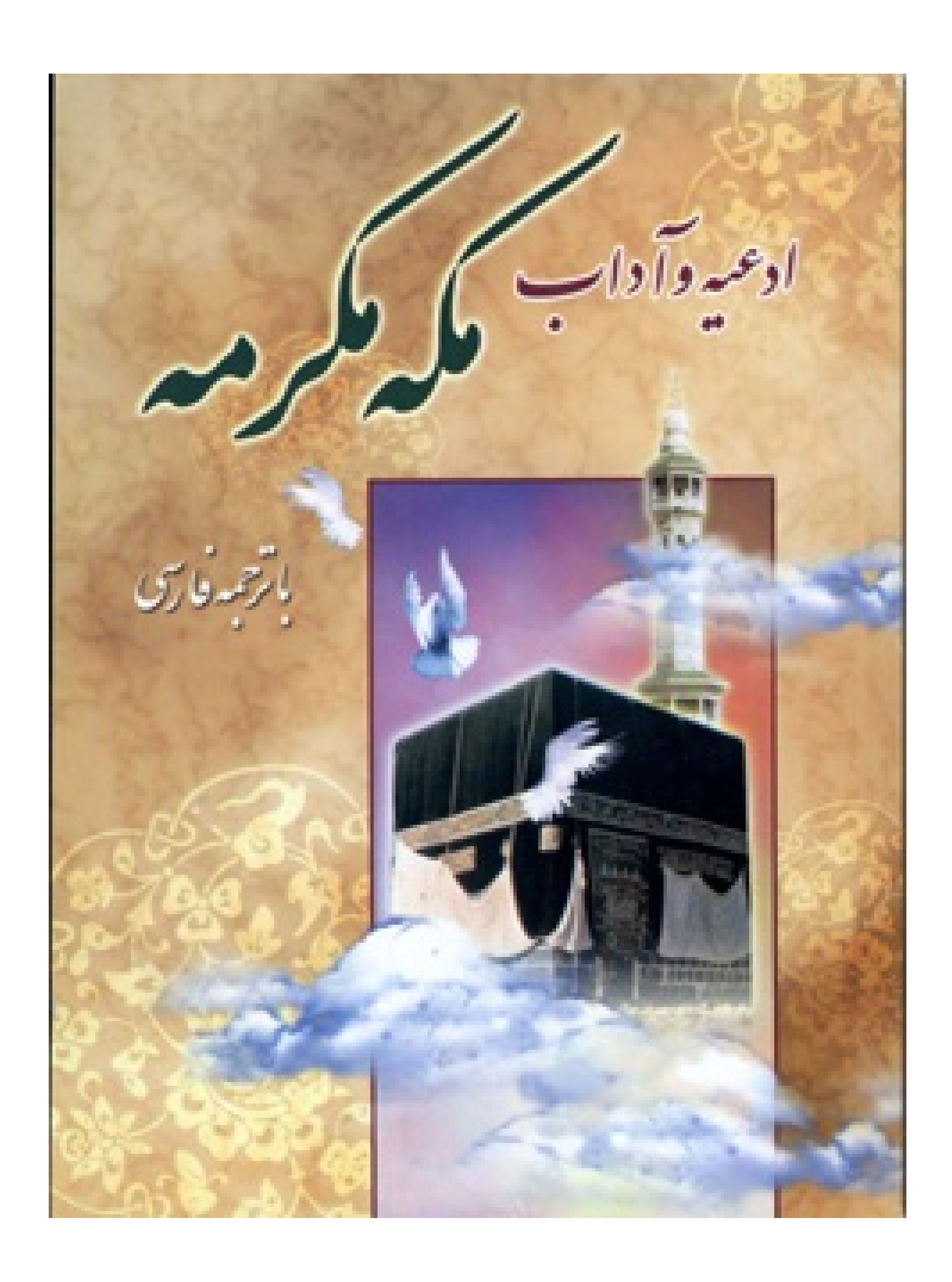

ادعیه و آداب
مکه مکرمه
با ترجمه فارسی


بسم الله الرحمن الرحیم

ادعیه و آداب مکه مکرمه با ترجمه فارسی

نویسنده:

مرکز تحقیقات حج

ناشر چاپی:

مشعر

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

ادعیه و آداب مکه مکرمه با ترجمه فارسی

مشخصات کتاب

عنوان و نام پدیدآور : ادعیه و آداب مکه مکرمه با ترجمه فارسی

تالیف مرکز تحقیقات حج .

مشخصات نشر : تهران : مشعر ۱۳۸۴.

مشخصات ظاهری : ۲۱۴ ص ۱۲×۵/۱۶س‌م

شابک : ۶۰۰۰ ریال ۹۶۴-۷۶۳۵-۶۷-۲ ؛ ۶۰۰۰ ریال (چاپ سوم) ؛ ۶۰۰۰ ریال (چاپ چهارم)

وضعیت فهرست نویسی : فاپا(چاپ دوم)

یادداشت : فارسی - عربی یادداشت : چاپ اول :۱۳۸۳(فیپا)

یادداشت : چاپ سوم : پاییز ۱۳۸۵.

یادداشت : چاپ چهارم: تابستان ۱۳۸۶.

موضوع : دعاها

موضوع : حج -- کتاب‌های دعا

شناسه افزوده : حوزه نمایندگی ولی فقیه در امور حج و زیارت. مرکز تحقیقات حج

رده بندی کنگره : BP۲۶۷/۸/الف ۳۵۴۰۴۱ ۱۳۸۴

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۷۷۲

شماره کتابشناسی ملی : م‌۸۳-۳۴۹۴۲

ص:۱

پیشگفتار

دعا و اقسام آن

دعا در لغت به معنای خواندن و در اصطلاح، درخواست حاجت از خداوند می‌باشد.

دعا بر دو قسم است:

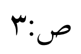
۱. گاه دعا کننـده مطالب و نیازهای خود را به زبان خود و به هر بیانی که قـدرت بر آن دارد در پیشـگاه خداوند اظهار می‌کند، این قسم را «دعاهای غیر وارده» می‌نامند.

۲. وگاه دعا کننده مطالب و خواسـته‌های خود را با الفاظ مخصوصی که از معصومین علیهم السلام رسیده است اظهار می‌نماید، این قسم ادعیه را «دعاهای وارده» یا «ادعیه مأثوره» می‌نامند.

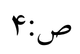
ادعیه مأثوره نیز بر دو قسم است:

الف- ادعیه‌ای که باید در شرایط خاصّی خوانده شود، مثلًا در وقت مخصوص یا محل معلوم، و بالاخره آداب و

ص:۲

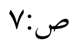


ص:۳

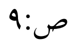

ص:۴۰


ص:۵


ص:۶


ص:۷

ص:۸


ص:۹

ص:۱۰

ص:۱۱

ص: ۱۲

شرایط ویژه‌ای از زبان معصوم علیه السلام برای آن ذکر شده باشد.

ب- دعاهایی که از معصوم رسیده ولی برای آنها هیچ‌گونه شرطی ذکر نشده است.

البته هر نوع دعـا و درخواست از پروردگـار یکتـا، مطلوب شارع است، و در روایت وارد شـده: «الـدُّعاءُ مُخُّ العِبادهْ» (۱) مغز و روح عبادت همان دعا است. همچنین در قرآن کریم در مناسبت‌های مختلف از زبان پیامبران و اولیای الهی دعاهایی نقل شده است، لکن ثواب و فضـیلت دعاهای مأثوره- وارده از معصوم علیه السـلام- برای کسـی که آشـنا به معانی آنها باشد، به مراتب بیش از دعاهای معمولی است، زیرا معصومین علیهم السـلام به امراض روحی فرد و جامعه آشـناتر و به کیفیّت راز و نیاز با حق تعالی آگاه‌تر هستند، و سایر انسان‌ها گاهی به جای خیر خویش شـرّ، و گاهی به‌جای سود و سعادت، زیان و شقاوت می طلبند: وَیَدْعُ الْإِنسانُ بِالشَّرِ دُعاءَهُ بِالْخَیْرِ وَ کانَ الْإِنْسانُ عَجُولًا. (۲)

۱- بحار، ج ۹۳، ص ۳۰۰

۲- اسـراء: ۱۱، ترجمه: «انسـان بر اثر شـتابزدگی بـدیها را طلب می‌کنـد آنگونه که نیکی‌هـا را می‌طلبـد و انسـان همیشه عجول بوده است.»

ص: ۱۳

بنابر این سزاوار است دعا کننده چگونگی درخواست مطالب و حاجات خود را از معصوم فرا گیرد.

البته تشخیص دادن دعاهای وارده و آگاهی از سخن معصوم کار آسانی نیست. اگر کسی بتواند از مدارک موجود، و با موازین علمی صحّت صدور دعا از معصوم را به دست آورد، می تواند آن را به قصد ورود بخواند، ولی اگر دلیل معتبر و مدرک قابل اعتمادی پیدا نکند و در پژوهش‌ها و بررسی‌های خود به این نتیجه برسد که سند فلان دعا ضعیف و غیر قابل اعتماد است، نباید آن را به‌طور جزم به معصوم نسبت دهد، بلکه به امید درک ثواب و رسیدن به پاداش آن را بخواند، در این صورت حتّی اگر در تشخیص خود به خطا رفته باشد، به ثواب آن خواهد رسید.

رجاء مطلوبیت:

گاهی دعا یا عملی که سند معتبر هم دارد مربوط به زمان یا مکان خاصّی است، مانند دعاهای ماه رمضان یا مناجات مسجد کوفه، در چنین مواردی اگر کسی بخواهد آنها را در غیر آن زمان یا آن مکان انجام دهد باید آنها را فقط به

ص: ۱۴

عنوان رجاء و احتمال مطلوبیت بجا آورد، نه به قصد استحباب یا ثواب ثابت، یعنی چنین نیت کند: «این دعا را می‌خوانم و این عمل را انجام می دهم به امید آنکه مطلوب باشد و مأجور باشم».

شرایط استجابت و قبولی دعا:

در احادیث و روایات ما برای اجابت دعا شرایط متعدّدی بیان شده که برای آگاهی از آنها می‌توان به کتاب‌های مفصّل روایی مراجعه کرد که ما در اینجا به برخی از آنها اشاره می کنیم (۱):

امام صادق علیه السلام درجواب قومی که عرض کردند:

ما دعا می کنیم ولی مستجاب نمی‌شود، فرمودند: چون کسی را می خوانید که نمی شناسید: «لِأَنَّكُمْ تَدْعُونَ مَنْ لا تَعْرِفُونَهُ». (۲)

شرط اوّل استجابت دعا معرفت پروردگار است، زیرا هر کس را به‌قدر معرفتش مزد می‌دهند.

۱- . نک: بحار، ج ۹۳ طبع ایران.

۲- بحار، ج ۹۰، ص ۳۶۸

ص: ۱۵

از حضرت علی علیه السلام سؤال شد: «فَما بالُنا نَدْعُوا فَلا نُجابُ؟» چرا دعای ما مستجاب نمی‌شود؟ حضرت فرمود: «إِنَّ قُلُوبَکُمْ خانَتْ بِثَمانِ خِصالٍ: أَوَّلُها أَنَّکُمْ عَرَفْتُمُ اللَّهَ فَلَمْ تُؤَدُّوا حَقَّهُ کَما أَوْجَبَ عَلَیْکُمْ ...». (۱)

اوّلین علّت آن است که نسبت به خداوند معرفت و شناخت پیدا کردید، ولی حقّ معرفت را عملًا پیاده نکردید.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: هر کس می‌خواهد دعایش مستجاب شود باید لقمه و کارش حلال باشد. (۲)

امام باقر علیه السلام فرمود: خداوند دعای بنده‌ای را که برعهده‌اش، مظالم و حقوق مردم باشد یا غذای حرام بخورد، قبول نمی‌کند. (۳)

رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: خداوند دعای کسی را که حضور قلب ندارد، قبول نمی‌کند. (۴)

امام صادق علیه السلام فرمود: خداوند به عزّت و جلال خود قسم

۱- بحار، ج ۹۰، ص ۳۷۶

۲- همان، ص ۳۷۲

۳- همان، ص ۳۷۲

۴- همان، ص ۳۲۱

ص: ۱۶

یاد کرده که من دعای مظلومی را که خود در حقّ دیگری چنین ظلمی نموده است، مستجاب نمی‌کنم. (۱)

رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: دعایی که اوّلش «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحمنِ الرَّحِیم» باشد، رَد نمی‌شود. (۲)

رسول گرامی صلی الله علیه و آله فرمود: صلوات شما بر من مایه اجابت دعای شما خواهد بود. (۳)

امام صادق علیه السلام فرمود: هر کس پیش از خود به چهل مؤمن دعا کند، دعایش مستجاب می‌شود. (۴)

در حدیث قُدسی وارد شده است: خداوند به حضرت عیسی علیه السلام فرمود: ای عیسی مرا بخوان همانند خواندن شخص اندوهناک و غرق شده‌ای که هیچ فریادرسی ندارد(۵).

ملاحظه می‌کنید که برای اجابت دعا شرایطی بیان شده

۱- بحار، ج ۹۰، ص ۳۲۰

۲- همان، ص ۳۱۳

۳- بحار، ج ۹۱، ص ۵۴

۴- بحار، ج ۹۰، ص ۳۱۷

۵- همان، ص ۳۱۴

ص: ۱۷

است، و از همه بیشتر بر روی خود سازی و آمادگی برای ضیافت پروردگار و شناخت میزبان حقیقی تکیه شده است.

آثار پذیرفته شدن دعا و زیارت در زندگی انسان:

قبولی دعا و زیارت از دو جهت قابل بررسی است:

الف: صحیح خواندن و قصد قربت داشتن ادعیه و زیارات و اگر غلط خوانده شود معنای آن به کلّی تغییر یافته و انسان را از رسیدن به اهداف آن دور می کند.

ب: قبولی دعا و زیارت و پذیرفته شدن عند اللَّه. یعنی علاوه بر اینکه قربةً إلَی اللَّه انجام داده است، حضور قلب و معرفت الهی هم داشته و توانسته از تمایلات نفسانی رهایی پیدا کند، و باخضوع و خشوع دعا و زیارت را انجام دهد، و در طول سفر خصلت‌های زشت درونی را یکی پس از دیگری ترک کرده و از سفره گسترده حق تعالی بهره‌مند شود، یعنی در مهمانی رسول خدا صلی الله علیه و آله و زهرای مرضیه علیها السلام و ائمه بقیع علیهم السلام شرکت نماید و به قدر توان از غذاهای معنوی تناول کند. چنین فردی توانسته است درجاتی از تقوا را به دست آورد. قرآن کریم می فرماید: گوشت و خون قربانی به

ص: ۱۸

خدا نمی‌رسد، ... وَ لکِنْ یَنالُهُ التَّقْوی مِنْکُمْ ... (۱)

بلکه تقوای حاصل از قربانی است که انسان را بالا می‌برد و به خدا نزدیک می کند.

در آیه دیگر می‌فرماید: در روزهای مشخّص به یاد خدا باشید (اشاره به مَناسک منا).

آنگاه می‌فرماید: ... وَاتَّقُوا اللَّهَ ...؛ (۲) «از خدا پروا کنید.»

اگر زائر حرمین شریفین به یاد خدا باشد، خود را از گناه حفظ نماید، تمرین ترک معاصی داشته باشد، و حالت تقوا و پرهیزکاری پیدا کند، پس از حج مرتکب گناه نمی شود، و خصلت‌های خدایی در درونش جوانه می‌زند، رسول گرامی‌اسلام صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «آیَهُْ قَبُولِ الْحَجِ تَرْکُ ما کانَ عَلَیْهِ الْعَبْدُ مُقِیماً مِنَ الذُّنُوبِ»، (۳) نشانه قبولی حج، ترک گناهان گذشته است.

بنابراین نشانه قبولی اعمال، دستیابی به تقوا و مراعات حدود الهی، پرهیز از گناه، و دوری از خصلت‌های زشت

۱- حج: ۳۷

۲- بقره: ۲۰۳

۳- مستدرک الوسائل، ج ۱۰، ص ۱۶۵، ح ۱۱۷۶۷

ص: ۱۹

است، و این معنا امکان ندارد مگر اینکه انسان همیشه خود را در محضر حق سبحانه و تعالی ببیند، و مراقب اعمال و رفتار خود باشد، هر کاری را جهت رضای پروردگار انجام دهد، با مردم آن‌گونه رفتار نماید که دوست دارد مردم با او رفتار کنند، بندگان خدا از دست و زبانش در امان باشند، در سختی‌ها و گرفتاری‌ها تکیه‌گاه محکمی برای نزدیکان به حساب آید، به اعمال عبادی بویژه نماز اهمیّت دهد، و سعی کند نمازهای واجب را اوّل وقت و به «جماعت» برگزار نماید.

چند توصیه در زمینه وحدت امّت اسلامی:

اگرچه درباره توصیه های لازم به حجّاج محترم کتاب‌های جداگانه‌ای نوشته شده و به طور مفصّل نکاتی را تذکّر داده‌اند، و ما هم در همین کتاب به مناسبت‌های مختلف به بعضی از آنها اشاره کرده‌ایم، لکن به خاطر اهمّیّت موضوع سزاوار است برخی از نکات یادآوری شود:

الف- اهمیّت وحدت امّت اسلامی

یکی از اسرار اعمال و مناسک حج و زیارت مَشاهد

ص: ۲۰

مشرّفه، تمرین تواضع و اخلاص، متخلّق شدن به اخلاق الهی، نمایش وحدت و عزّت امّت اسلامی و ارتباط نزدیک با برادران دینی، و همـدلی و تبادل نظر با آنها است. از این رو زائر بیت اللَّه الحرام و حرم نبوی صـلی الله علیه و آله باید به همه میهمانان خانه خدا با هر ملیّت و مـذهب و از هر سـرزمینی که باشـند، بـا چشم عزّت و برادری بنگرد، و بـا برخـورد مـودّت آمیز، آنگونه که مایـل اسـت بندگان خدا با او رفتار نمایند، با دیگران رفتار کند، و با اقتدا به پیشوایان دینی خود مایه عزّت و زینت اسـلام و رسول اللَّه صـلی الله علیه و آله و ائمّه اطهار علیهم السـلام باشد، و در یک سـخن اختلاف در مذهب نباید موجب بدبینی و تشـتّت گردد؛ زیرا مشترکات موجود میان ما و مسـلمانان فراوان است، و باید تمام مسـلمین در برابر دشمنان قرآن و انسانیّت یَد واحده باشند، و از عظمت و عزّت قرآن و اسـلام دفاع کننـد، و شاید به همین دلیل است که در روایات ما توصـیه‌های مؤکّد درباره شـرکت در جماعات برادران دینی شده است.

پس زائران محترم از انجام کارهایی که موجب بدبینی و تفرقه وجدایی امّت بزرگ اسلامی می‌شود باید پرهیز نمایند.

ص: ۲۱

ب- میهمانان خدا در سفر الهی حج

زیارت خانه‌خداوقبر مطهرپیامبراکرم وائمّه بقیع- صلوات اللّٰه علیهم اجمعین- سفر الهی و دارای ابعاد گوناگون می باشد، و چه بسا در زندگی تنها یک بار توفیق این سفر معنوی نصیب انسان گردد، لذا سزاوار است به اهمیّت و سازندگی آن بیش از پیش توجّه کنیم، و از هنگام تصمیم و عزم به مسافرت تا پایان آن قدم به قدم، الهی بودنِ این میهمانی را مدّ نظر داشته باشیم، و از ارزش و منزلت همسفران و رعایت حقوق آنها غفلت نکنیم، و در مواقع ازدحام و شلوغی روحیه عفو و اغماض و چشم پوشی از خطای دیگران را پیشه خود سازیم، و از کمک و همراهی و خدمت به میهمانان خانه خدا غفلت نورزیم، و این سنّت ارزشمند پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمّه معصومین علیهم السلام را زنده نگه‌داریم.

ج- فرصت را مغتنم بشماریم

عمر سفر کوتاه، و ایّام زیارت به زودی سپری می گردد، باید با برنامه‌ریزی منظم بهترین استفاده را از اوقات شبانه روز خود بنماییم، و به‌جای وقت گذرانی برای کارهای بی‌نتیجه یا

ص: ۲۲

کم نتیجه، بیشترین وقت خود را صرف شناخت احکام و آداب و اسرار حج و زیارت و بهره‌مندی از مَشاهد شریفه و مواقف کریمه نماییم، که از جمله آنها، حضور و شرکت به موقع در نمازهای جماعت مسجدالحرام و مسجدالنبی صلی الله علیه و آله و قرائت قرآن در این دو مسجد با عظمت (حداقل یک ختم قرآن در مسجدالحرام و یک ختم در مسجدالنبی صلی الله علیه و آله) و خواندن دعاها و مناجات‌های وارده از طرف معصومین علیهم السلام در ایّام و مناسبت‌های مختلف می‌باشد.

د- کیفیّت عبادت را فدای کمیّت آن نکنیم

همان‌گونه که قبلًا تذکّر دادیم، روح و عظمت دعا و عبادت و مناسک حجّ به معرفت و اخلاص و رعایت ادب و حضور در محضر خداوند متعال بستگی دارد. لذا باید تنها به مقدار و کمیّت اعمال و عبادات خود اکتفا نکرده، بیشتر به کیفیّت آن بپردازیم؛ زیرا اگر یک دعا یا زیارت و یا نماز، از روی معرفت واخلاص باشد، موجب شکستن دل و تحوّل درونی انسان می‌گردد، و باعث نجات از عذاب الهی و دست یافتن به بهشت جاوید خواهد شد. «رَزَقَنَا اللَّهُ وَإِيَّاكُمْ إنْشاءَ اللَّهُ تَعالى .

جایگاه حج

جایگاه حج

حج درلغت به معنای: «قصد» ودر اصطلاح شرع به معنای: قصد زیارت خانه خدا وانجام اعمال ومناسک مخصوص می‌باشد.

حجّ به معنای زیارت خانه خدا وانجام اعمال مخصوصه و یکی از ارکان پنج گانه اسلام است، و به اتفاق نظر علمای فریقین، از ضروریات دین، ومنکر آن کافر می‌باشد ولذا تارک حج مورد تهدید شدید خداوند واقع شده است.

و رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرموده:

«مَنْ سَوَّفَ الْحَجَّ حَتّى يَمُوتَ بَعَثَهُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيامَةِ يَهُودِيّاً «کسی که حجّ رابه‌تأخیر اندازد تا مرگ او فرا رسد، خداوند در روز رستاخیز اورا یهودی ویا أَوْ نَصْرانِيّاً». (۱)

نصرانی محشور سازد.»

۱- وسائل الشیعه، ج ۵،ص ۲۱ چاپ اسلامیه تهران.

ص:۲۳

ص: ۲۴

و امیرالمؤمنین علیه السلام در وصیّت‌نامه خود می‌فرماید:

وَ اللَّهَ، اللَّهَ فِی بَیْتِ رَبِکُمْ لاـ تُخَلُّوهُ مـا بَقِیتُمْ فَـإِنَّهُ إِنْ تُرِکَ وخـدا را، خـدا را، در مورد خانه خـدا «کعبه» تا هستیـد، مبادا آن را خالی بگذارید، که اگر ترک شود لَمْ تُناظَرُوا». (۱)

مهلت داده نمی‌شوید.»

فلسفه تشریع حج

دستور وجوب حجّ، بعد از هجرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله به مدینه نازل گردیده، واز هر مسلمان مستطیعی در تمام دوران عمر یک بار به عنوان حج واجب (حَجَّةُ الإسلام) خواسته شده است. (صرف نظر از عناوین دیگری که موجب وجوب حج می‌شود مانند نذر و ...).

حجّ گرچه جزو فروع دین به حساب می‌آید، ولی از افضل عبادات است. ودارای فوایـد وآثار بسیار عظیم دنیوی، اخروی، فردی، اجتماعی، سیاسی ومعنوی است که در کمتر عبادتی دیده می شود.

حجّ نمایش تعبّد محض وعبادت خالص خدا واظهار

۱- نهج البلاغه، نامه ۴۷؛ وسائل الشیعه، ج ۵، ص ۱۵

ص: ۲۵

بندگی وایجاد ارتباط قلبی با خداوند است.

حجّ کلاس تعلیم و تربیت است، زمینه‌ای است برای تحصیل علم زندگی و حسن معاشرت، وتحکیم مبانی اخلاق اسلامی در عمل.

حجّ درس جهاد و فداکاری بامال و جان و گسستن از خود و خودخواهی‌ها، و جدا شدن از تعلّقات و جذبات زندگی مادّی، و رو آوردن به عالم معنا، و حرکت به سوی خدا است.

حجّ به ما آموزش توحید در عقیده ووحدت در رویّه و ضرورت تبادل افکار و آرا و همکاری‌های اجتماعی، علمی، فرهنگی، اقتصادی وسیاسی را می‌دهد، و خلاصه حجّ در مجموعه اعمال ومناسک، تابلویی از تمامیّت دین مقدس اسلام وحیات دنیا وآخرت را به نمایش می‌گذارد، وانسان حج‌گزار را از عالَم خاکی به اوج می‌برد، وبه عالَم قدس وملکوت پرواز می‌دهد، وحیاتی نوین از معنویت وارتباط با حقّ وحضور نزد ربّ، در کالبد خسته حاجی می‌دمد.

امام صادق علیه السلام در بیان آداب باطنی حجّ می‌فرمایند:

ص: ۲۶

«إذا أَرَدْتَ الْحَجَّ فَجَرِّدْ قَلْبَکَ لِلَّهِ عَزَّ وَجَلَّ مِنْ قَبْلِ عَزْمِکَ «هنگامی که اراده حج نمودی، پیش از هر تصمیم دل خود را از هر چه غیر خدا است خالی، مِنْ کُلِّ شاغِلٍ وَحِجابِ کُلِ حاجِبٍ، وَفَوِّضْ أُمُورَکَ کُلَّها إِلی وهرحجابی‌راکه میان تو و او حاجب وحائل شده‌است برطرف کن، و تمام امور خویش را به آفریدگارت واگذار.

خالِقِکَ، وَتَوَکَّلْ عَلَیْهِ فِی جَمِیعِ ما یَظْهَرُ مِنْ حَرَکاتِکَ در تمام حرکات وسکنات خود، بر او تو کّل کن، وَسَکَناتِکَ، وَسَلِمْ لِقَضائِهِ وَحُکْمِهِ وَقَدَرِهِ، وَوَدِّعِ الدُّنْیا وَالرَّاحَةَ وبر قضا و قدر الهی وحکم وتقدیر او تسلیم باش، و از آسایش دنیا و مردم منقطع شو ...، وَالْخَلْقَ ... ثُمَّ اغْتَسِلْ بِماءِ التَّوْبَةِ الْخالِصَةِ مِنَ الذُّنُوبِ، وَ الْبَسْ سپس با آب زلال وخالص توبه گناهانت را شستشو کن، ولباس کِسْوَةَ الصِدْقِ وَالصَّفاءِ وَ الْخُضُوعِ وَ الْخُشُوعِ، وَ أَحْرِمْ عَنْ کُلِ صداقت وراستی، پاکی، صفا، خضوع وخشوع را بر تن نما، واز آنچه که تو را شَیْءٍ یَمْنَعُکَ مِنْ ذِکْرِاللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَیَحْجُبُکَ عَنْ طاعَتِهِ، وَلَبِّ از یاد وذکر خدا باز می‌دارد ومانع تو از اطاعت او میگردد، «احرام» بند، ولبّیکهایت، بِمَعْنی إِجابَةٍ صافِیَةٍ خالِصَةٍ زاکِیَةٍ لِلَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فِی دَعْوَتِکَ، شفافترین وخالصانه‌ترین پاسخ واجابت دعوت خدای متعال باشد. در حالی که مُتَمَسِّکاً بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقی وَطُفْ بِقَلْبِکَ مَعَ الْمَلائِکَةِ حَوْلَ به ریسمان محکم الهی تمسّک جسته (از غیر او دل بریده‌ای). از صمیم قلب و در عالَم دل، به همراهی فرشتگان

ص: ۲۷

الْعَرْشِ کَطَوافِکَ مَع الْمُسْلِمِینَ بِنَفْسِکَ حَوْلَ الْبَیْتِ ...». (۱)

عرش الهی طواف کن، هم‌چنان که خود با مسلمانان، دور کعبه طواف می کنی».

حضور قلب در دعا در مراسم حج:

قبلًا اشاره کردیم که حجّ از اعظم عبادات اسلامی است، ومی‌دانیم که هر عبادتی را ظاهری است وباطنی.

وباطن عبادات را، توجّه خالص وارتباط دائم قلبی ومراقبت ومواظبت همیشگی تشکیل می‌دهد. که بنده خود را در محضر ربّ العالمین مشاهده کند.

بر این اساس، دعا در لسان پیشوایان بزرگوار اسلام به «مُخُّ الْعِبادَةِ»، «أَفْضَلُ الْعِبادَةِ»، «سِلاحُ الْمُؤْمِنِ»، «عَمُودُ الدِّینِ»، «نُورُ السَّماواتِ وَالْأَرْضِ»، «تُرْسُ الْمُؤْمِنِ»، «سِلاحُ الْأَنْبِیاءِ»، «مَفاتِیحُ النَّجاحِ» و «مَقالِیدُ الْفَلاحِ» تعبیر شده است. (۲)

یعنی دعا مغز عبادت، برترین نیایش، سلاح مؤمن، ستون دین، فروغ آسمان و زمین، سپر مؤمن، سلاح انبیا، کلید

۱- مصباح الشریعه، ص ۱۶ و ۱۷

۲- بحار، ج ۹۳

ص: ۲۸

پیروزی و رستگاری می‌باشد.

و مرحوم کلینی در «اصول کـافی» به اسـناد خود از زراره از امـام بـاقر علیه السـلام ذیـل آیه شـریفه إِنَّ الَّذِینَ یَسْتَکْبِرُونَ عَنْ عِبادَتِی سَیَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ داخِرِینَ.(۱)

آورده که حضـرت فرمودند: منظور از عبادت در آیه شریفه دعا است. وبعد فرمودند: «وَأَفْضَلُ الْعِبادَةِ الدُّعاءُ»، «وبهترین عبادتها، دعا است». (۲)

و آنچه از شـیوه زندگی معنوی پیامبران الهی وائمه معصومین وبزرگان اسلام به ما رسیده نیز این معنا را تصدیق و تأیید می کند، که بالاـترین مقام انسان، مقام عبودیّت است که توفیق بنـدگی حضـرت ذوالجلال نصـیبش می گردد، و اصـلی‌ترین مرتبه و شـیرین‌ترین مرحله عبادت، مرحله دعا و ایجاد ارتباط بنده با خدا، وتوفیق تضرّع و توبه، واظهار خضوع وخشوع، واعلان تقدیس وتسبیح وتحمید حقّ است، که اگر بنده اهل دعا نباشد مورد توجّه خدا نخواهد بود:

۱- مؤمن: ۶۰، ترجمه: «آنانی که از عبادت من تکبّرورزند به زودی با خفت و خواری وارد دوزخ گردند.»

۲- اصول کافی، ج ۲، ص ۴۶۷

ص: ۲۹

... قُلْ ما یَعْبَؤُا بِکُمْ رَبِّی لَوْ لا دُعاؤُکُمْ ....(۱)

و حاجی باید بداند که گرچه در عتبات عالیات ومَشاهد مشرّفه واماکن وازمنه حجّ، عرض حاجت دنیوی واخروی به محضر حضرت حقّ بردن خلاف نیست ولی نزد اولیای خدا وشیفتگان جمال ذوالجلالش دعا برای رسیدن به مرحله «کمال الانقطاع» وتحصیل نورانیّت، بصیرت قلوب و وصول و اتّصال به معدن عظمت، وکنار زدن حجاب‌های ظلمت، وسر بر آستانش سودن، و آسودن است.

ای برادران وخواهران، اینک که به توفیق حقّ عازم حریم حرم امن «الهی» وراهی سرزمین مقدّس وحی، گشته‌اید.

به آوای آن شب زنده‌دار معصوم؛ حضرت سالار شهیدان، گوش فرا دهید، که در مناجات شعبانیه‌اش به درگاه واهب المواهب عرض می‌کند:

«... إِلهِی هَبْ لِی کَمالَ الْانْقِطاعِ إِلَیْکَ، وَ أَنِرْ أَبْصارَ قُلُوبِنا «بار الها کمال انقطاع وبریدن از دیگران وپیوستن به‌خویش رابه‌من‌عنایت‌فرما، ودیدگان دل‌های ما را

۱- فرقان: ۷۷، ترجمه: «بگو: اگر دعای شما نبود، پروردگار من چه اعتنا وتوجهی به شما می‌کرد؟»

ص: ۳۰

بِضِیاءِ نَظَرِها إِلَیْکَ، حَتّی تَخْرِقَ أَبْصارُ الْقُلُوبِ حُجُبَ النُّورِ، به نور دیدارت روشن گردان. تا آنجا که دیدگان و بصیرت دل، حجاب‌های مانع نور را پاره کنند، فَتَصِلَ إِلی مَعْدِنِ الْعَظَمَةِ، وَ تَصِیرَ أَرْواحُنا مُعَلَّقَةً بِعِزِّ وبه معدن عظمت واصل گردند، و روح وجان ما (تنها وتنها) به پیشگاه مقدّس تو تعلّق و وابستگی بیابند، وبه مقام قُدْسِکَ ...».

قدس تو بیاویزند».

وبه دعای امام حسین علیه السلام که در سرزمین عرفات به درگاه خداوند می‌نالد، توجه کنید:

«إِلهِی تَرَدُّدِی فِی الْآثارِ یُوجِبُ بُعْدَ الْمَزارِ، فَاجْمَعْنِی «خداوندا جستجویم در آثار قدرت و عظمت تو، موجب دوریم از زیارت جمالت می گردد، پس‌مرا خدمتی فرما عَلَیْکَ بِخِدْمَةٍ تُوصِلُنِی إِلَیْکَ، کَیْفَ یُسْتَدَلُّ عَلَیْکَ بِما هُوَ فِی تا به مقام وصلت نایل گردم. چگونه برای قرب وجودت، به آثاری استدلال شود که خود در وُجُودِهِ مُفْتَقِرٌ إِلَیْکَ، أَ یَکُونُ لِغَیْرِکَ مِنَ الظُّهُورِ ما لَیْسَ لَکَ، وجود خویش نیازمند تو می‌باشند. آیا ظهور وپیدایش برای غیر تو هست که آن ظهور، از تو و برای تو نباشد حَتَّی یَکُونَ هُوَ الْمُظْهِرُ لَکَ، مَتی غِبْتَ حَتَّی تَحْتاجَ إِلی دَلِیلٍ تا در نتیجه دلیل ظهور تو گردد؟ چه وقت غایب از نظر بوده‌ای تا برای ظهورت یَدُلُّ عَلَیْکَ، وَ مَتی بَعُدْتَ حَتَّی تَکُونَ الْآثارُ هِیَ الَّتِی تُوصِلُ نیاز به دلیل و برهان باشد؟ و چه وقت دور بوده‌ای تا آثار وپدیده‌هایت دلیل نزدیکی

ص: ۳۱

إِلَيْکَ، عَمِيَتْ عَيْنٌ لا تَراکَ عَلَيْها رَقِيباً، وَ خَسِرَتْ صَفْقَةُ عَبْدٍ لَمْ و وصلت باشند؟ کور است دیده‌ای که تو را نبیند، در صورتی که همواره مراقب او، با او و در کنار او و هستی در خسران و زیان است تَجْعَلْ لَهُ مِنْ حُبِّکَ نَصِيباً، إِلهِی أَمَرْتَ بِالرُّجُوعِ إِلَى الْآثارِ، بنده‌ای که از عشق ومحبت تو نصیبی ندارد معبودا! همگان را امر کردی که به آثار قدرت وعظمتت رجوع کنند، فَارْجِعْنِی إِلَيْکَ بِکِسْوَةِ الْأَنْوارِ وَ هِدايَةِ الْاسْتِبْصارِ، حَتّی أَرْجِعَ ولی مرا به تجلّیات انوار خودت رجوع ده، وبا مشاهده واستبصار، هدایتم فرما، تا از آثار بگذرم إِلَيْکَ مِنْها کَما دَخَلْتُ إِلَيْکَ مِنْها، مَصُونَ السِّرِّ عَنِ النَّظَرِ إِلَيْها، و به تو واصل گردم، همچنان که از آنها گذشته ودر سِرّ درونم بدون توجّه به آنها، بر تو وارد گشته.

وَمَرْفُوعَ الْهِمَّةِ عَنِ الْاعْتِمادِ عَلَيْها، إِنَّکَ عَلی کُلِّ شَیْءٍ قَدِيرٌ».

همّتم را چنان بلند گردان که نیاز واعتماد بر پدیده و آثار نداشته باشم که تنها تو بر همه چیز توانایی ...»

وشما زائران محترم خانه خدا در تمام مراحل ومواقیت ومواقف ودر ضمن اعمال ومناسک، اذکار وادعیه‌ای دارید که سزاوار است آنها را با توجّه وخلوص کامل بخوانید، و بدانید که روح حجّ، تزکیه وتعالی روحی است که با انجام مناسک حجّ و ملازمت بر دعوات و اذکار وارده وقرائت قرآن کریم ودقّت در ثمرات معنوی واسرار باطنی و عمل به واجبات و مستحبّات، حاصل می گردد.

بخش اوّل: اعمال وآداب حج

واجبات عمره تمتّع:

در عمره تمتع پنج چیز واجب است:

۱. احرام.

۲. طواف کعبه.

۳. نماز طواف.

۴. سعی بین صفا و مروه.

۵. تقصیر (گرفتن قدری از مو یا ناخُن).

احکام مربوط به عمره تمتع را در مناسک بخوانید، وادعیه واذکار در همین کتاب خواهد آمد.

واجبات عمره مفرده:

در عمره مفرده هفت چیز واجب است:

۱. احرام.

ص:۳۲


ص:۳۳

ص: ۳۴

۲. طواف کعبه.

۳. نماز طواف.

۴. سعی بین صفا ومروه.

۵. تقصیر (کوتاه کردن ناخن یا مو).

۶. طواف نساء.

۷. نماز طواف نساء.

احکام مربوط به واجبات عمره مفرده را در کتاب‌های مناسک، وادعیه واذکار مربوطه را در همین کتاب بخوانید.

میقات‌های احرام:

کسانی که به قصد حج یا عمره عازم بیت اللَّه الحرام می باشند، باید با احرام وارد مکّه شوند. محلّی که برای احرام بستن معیّن شده «میقات» نامیده می شود. ومیقات حجّاج به اختلاف راههایی که از آنها به طرف مکّه می روند مختلف می‌شود، وآن پنج محلّ است:

۱. میقات کسانی که از طرف مدینه به مکه عازم هستند «ذو الْحُلَیْفَه» است که همان «مسجد شجره» می‌باشد.

ص: ۳۵

۲. و برای کسانی که از طرف شام می آیند «جُحفه» است.

۳. و برای کسانی که از عراق ونجد عازمند «وادی عقیق» است.

۴. وبرای کسانی که از طرف طائف می‌آیند «قَرْنُ المنازل» است.

۵. و برای کسانی که از سوی یمن عازم هستند «یَلَمْلَم» می‌باشد.

واجبات احرام:

برای مُحرِم شدن سه امر واجب است.

۱. پوشیدن دو قطعه لباس احرام (لنگ و رِدا).

۲. نیّت: در نیّت باید به سه نکته توجّه شود:

الف: قربةً الی اللّٰه باشد.

ب: همراه با شروع پوشیدن لباس احرام باشد.

ج: تعیین نوع احرام که برای عمره، حجّ، برای خود یا به نیابت است.

۳. تلبیه: که گفتن این ذکر شریف می‌باشد:

ص: ۳۶

«لَبَّیْکَ اللَّهُمَّ لَبَّیْکَ، لَبَّیْکَ لا شَرِیکَ لَکَ لَبَّیْکَ، انَّ الْحَمْدَ «اجابت کردم خداوند را! اجابت کردم، اجابت کردم، شریکی برایت نمی‌باشد، اجابت کردم، سپاس وَالنِّعْمَةَ لَکَ وَالْمُلْکَ، لا شَرِیکَ لَکَ لَبَّیْکَ».

و نعمت و ملک هستی ترا است، شریکی برایت نیست، اجابت کردم.»

مستحبّات احرام:

۱. غسل: مستحب است قبل از احرام، به قصد احرام غسل کنند، وبهتر است که بعد از ادای نماز فریضه احرام ببندند.

شیخ صدوق فرموده: مستحب است این دعا هنگام غسل احرام خوانده شود:

«بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ. اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ لِی نُوراً وَطَهُوراً وَحِرْزًا وَأَمْنًا «بنام خدا و به یاری خدا، خداوندا! آن را برایم نور و پاکیزگی و مصونیت و امنیت مِنْ کُلِّ خَوْفٍ، وَشِفاءً مِنْ کُلِ داء وَسُقْم. اللَّهُمَّ طَهِّرْنِی وَطَهِّرْ از هر ترسی و شفای هر درد و بیماری قرار ده خداوندا! پاکیزه‌ام ساز و قلبم لِی قَلْبِی، وَاشْرَحْ لِی صَدْرِی، وَ أَجْرِ عَلی لِسانِی مَحَبَّتَکَ را پاک کن و سینه‌ام را گشاده فرما و بر زبانم محبّت خویش

ص: ۳۷

وَمِدْحَتَکَ وَ الثَّناءَ عَلَیْکَ، فَإِنَّهُ لا قُوَّةَ لِی إِلّا بِکَ، وَقَدْ عَلِمْتُ و مدح و ثنایت را قرار ده که نیرویی جز به کمک تو نمی‌باشد و می‌دانم که أَنَّ قِوامَ دِینِی التَّسْلِیمُ لِأَمْرِکَ، وَالْاتِّباعُ لِسُنَّةِ نَبِیِّکَ، صَلَواتُکَ استواری دینم تنها تسلیم بودن در برابر فرمان تو و پیروی از سنّت پیامبرت صلی الله علیه و آله عَلَیْهِ وَآلِهِ».

می‌باشد.»

سپس جامه‌های احرام را پوشیده واین دعا را بخواند:

«الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی رَزَقَنِی ما أُوارِی بِهِ عَوْرَتِی، وَأُؤَدِّی بِهِ «ستایش‌خداوندی را سزاست که به من جامه‌ای روزی ساخت که بوسیله آن شرمگاهم را بپوشانم و واجبم را فَرْضِی، وَأَعْبُدُ فِیهِ رَبِی، وَأَنْتَهِی فِیهِ إِلی ما أَمَرَنِی، الْحَمْدُ لِلَّهِ ادا کنم پروردگارم را نیایش نمایم و به آنچه مأمورم ساخته است عمل نمایم، ستایش خدایی الَّذِی قَصَدْتُهُ فَبَلَّغَنِی، وَأَرَدْتُهُ فَأَعانَنِی وَقَبِلَنِی، وَلَمْ یَقْطَعْ بِی، را سزاست که آهنگ او نمودم و او به مقصدم رساند، وقصد او کردم کمکم نمود و پذیرایم گردید، و مرا نومید نساخت، وَوَجْهَهُ أَرَدْتُ فَسَلَّمَنِی، فَهُوَ حِصْنِی وَکَهْفِی وَحِرْزِی وَظَهْرِی و قصد اخلاص کردم مرا به سلامت داشت، پس او پناهگاهم و پشت ومَلاذِی وَ مَلْجَئِی وَ مَنْجایَ و ذُخْرِی وَ عُدَّتِی فِی شِدَّتِی وَ رَخائِی».

و پشتوانه‌ام و امید و پناهم و یار و یاورم در سختی و آسانی است.»

ص: ۳۸

و مستحب است بعد از تلبیه واجب بگوید:

«لَبَّیْکَ ذَا الْمَعارِجِ لَبَّیْکَ، لَبَّیْکَ داعِیًا إِلی دارِ السَّلامِ لَبَّیْکَ، «دعوت را اجابت کردم، ای خداوند بلند مرتبه، اجابت کردم، اجابت کردم، که مرا به خانه امن و سلامت فرا خوانده‌ای، اجابت کردم، لَبَّیْکَ غَفَّارَ الذُّنُوبِ لَبَّیْکَ، لَبَّیْکَ أَهْلَ التَّلْبِیَۀِ لَبَّیْکَ، لَبَّیْکَ ذَا اجابت کردم، ای بخشنده گناهان، اجابت کردم، اجابت کردم، ای شایسته اجابت، اجابت کردم، ای الْجَلالِ وَالْإِکْرامِ لَبَّیْکَ، لَبَّیْکَ تُبْدِئُ وَالْمَعادُ إِلَیْکَ لَبَّیْکَ، لَبَّیْکَ دارنده جلال و کرامت، اجابت کردم، اجابت کردم، ای آغازگر هستی، که بازگشت به سوی توست، اجابت کردم، اجابت کردم، تَسْتَغْنِی وَیُفْتَقَرُ إِلَیْکَ لَبَّیْکَ، لَبَّیْکَ مَرْهُوباً وَمَرْغُوباً إِلَیْکَ لَبَّیْکَ، ای بی‌نیازی که به تو نیازست، اجابت کردم، اجابت کردم، که بیم و امید به سوی توست، اجابت کردم، لَبَّیْکَ إِلهَ الْحَقِّ لَبَّیْکَ، لَبَّیْکَ ذَا النَّعْماءِ وَالْفَضْلِ الْحَسَنِ الْجَمِیلِ اجابت‌کردم، ای معبود به‌حقّ، اجابت کردم، اجابت‌کردم، ای‌دارنده نعمت‌ها وافزون‌بخش‌نیکویی و جمال، لَبَّیْکَ، لَبَّیْکَ کَشَّافَ الْکُرَبِ الْعِظامِ لَبَّیْکَ، لَبَّیْکَ عَبْدُکَ وَابْنُ اجابت کردم، اجابت‌کردم، ای‌برطرف کننده غمهای بزرگ، اجابت کردم، اجابت کردم، بنده تو و پسر عَبْدَیْکَ لَبَّیْکَ، لَبَّیْکَ یا کَرِیمُ لَبَّیْکَ.» بنده‌ات، اجابت کردم، اجابت کردم، ای‌کریم اجابت‌کردم ای کریم.» و خوب است این جملات را نیز بگوید:

لَبَّیْکَ أَتَقَرَّبُ إِلَیْکَ بِمُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ لَبَّیْکَ، لَبَّیْکَ بِحَجَّۀٍ اجابت کردم، به محمّد و آلش تقرب می‌جویم، اجابت کردم، اجابت کردم، برای حجّ

ص: ۳۹

وَعُمْرَةٍ مَعاً لَبَّیْکَ، لَبَّیْکَ هذِهِ عُمْرَةُ مُتْعَةٍ إِلَی الْحَجِّ لَبَّیْکَ، لَبَّیْکَ و عمره، اجابت کردم، اجابت کردم، اینک تمتع با حجّ است، اجابت کردم، اجابت کردم، أَهْلَ التَّلْبِیَةِ لَبَّیْکَ، لَبَّیْکَ تَلْبِیَةً تَمامُها وَبَلاغُها عَلَیْکَ.» ای شایسته‌اجابت، اجابت کردم، اجابت کردم، اجابتی که تمام و کمالش به لطف توست.»

محرّمات احرام:

پس از آنکه حاجی مُحرِم شد، بیست و چهار چیز بر او حرام می‌شود، که عبارتند از:

۱. شکار حیوان صحرایی (وحشی).

۲. جماع کردن با زن، وبوسیدن ونگاه به شهوت وهر نوع لذّت بردن از او.

۳. عقد کردن زن برای خود یا غیر.

۴. استمنا.

۵. استعمال عطریات وبوی خوش.

۶. پوشیدن پوشش‌های دوخته برای مردان.

۷. سرمه کشیدن به سیاهی که در آن زینت باشد.

۸. نگاه کردن در آیینه.

۹. پوشیدن کفشی که تمام روی پا را می‌گیرد.

ص: ۴۰

۱۰. فسوق (اعمّ از دروغ گفتن وفحش دادن یا فخرومباهات کردن).

۱۱. جدال و گفتن لا وَاللَّه، وَبلَی وَاللَّه (قسم یاد کردن به نام اللَّه).

۱۲. کشتن جانورانی که در بدن ساکن می شوند.

۱۳. انگشتر به دست کردن به جهت زینت.

۱۴. پوشیدن زیور برای زن.

۱۵. روغن مالیدن به بدن.

۱۶. ازاله مو از بدن خود یا غیر چه مُحرِم باشد چه مُحِلّ.

۱۷. پوشانیدن مرد سر خود را، با هرچه که آن را بپوشاند.

۱۸. پوشانیدن صورت برای زنان.

۱۹. زیر سایه قرار گرفتن برای مردان، در حال راه رفتن‌وطیّ طریق.

۲۰. بیرون آوردن خون از بدن.

۲۱. ناخن گرفتن.

۲۲. کندن دندان.

۲۳. کندن درخت یا گیاه از حرم.

۲۴. سلاح برداشتن (حمل سلاح).

مستحبات ورود به حرم:

۱. غسل کردن.

۲. پیاده شدن از وسیله نقلیّه.

۳. خواندن این دعا:

«اللَّهُمَّ إِنَّکَ قُلْتَ فِی کِتابِکَ الْمُنْزَلِ وَقَوْلُکَ الْحَقُّ: وَأَذِّنْ «خداوندا! در قرآنت (به ابراهیم) فرمودی و فرمودهات درست است که «مردم را فِی‌النَّاسِ بِالْحَجِّ یَأْتُوکَ‌رِجالًا وَعَلی کُلِ ضامِرٍ یَأْتِینَ مِنْ کُلِّ به حجّ فراخوان تا پیاده و سواره بر مرکب‌های لاغر اندام از هر راه دور به سویت آینـد» فَجّ عَمِیقٍ، اللَّهُمَّ إِنِی أَرْجُو أَنْ أَکُونَ مِمَّنْ أَجابَ‌دَعْوَتَکَ، وَقَدْ خداوندا! من امیدوارم از کسانی باشم که دعوتت را پاسخ گفته و از سرزمین جِئْتُ مِنْ شُقَّةٍ بَعِیدَةٍ وَ مِنْ فَجّ عَمِیقٍ، سامِعاً لِندائِکَ، وَمُسْتَجِیباً و راه دوری آمده‌ام، ندایت را شنوا و پذیرا و فرمانبردارت لَکَ، مُطِیعًا لِأَمْرِکَ، وَکُلُّ ذلِکَ‌بِفَضْلِکَ‌عَلَیَّ وَإِحْسانِکَ إِلَیَّ، فَلَکَ می‌باشم، و این همه به فضل و احسان توست، پس سپاس ترا سزد که الْحَمْدُ عَلی مَا وَ فَّقْتَنِی لَهُ، أَبْتَغِی بِذلِکَ الزُّلْفَةَ عِنْدَکَ، وَ الْقُرْبَةَ إِلَیْکَ، مرا به آن توفیق بخشیدی که به سویت تقرب جویم و نزدیکی به سوی تو وَ الْمَنْزِلَةَ لَدَیْکَ، وَالْمَغْفِرَةَ لِذُنُوبِی، وَالتَّوْبَةَ عَلَیَّ مِنْها بِمَنِّکَ، و جاه و منزلت نزد تو و مغفرت گناهانم خواستار شوم که بر من به لطف خویش ببخشایی

ص:۴۱

ص: ۴۲

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَحَرِّمْ بَدَنِی عَلَى النَّارِ، خداوندا! درود فرست بر محمد و آلش، و بدنم را بر آتش حرام ساز وَ آمِنِی مِنْ عَذابِکَ وَعِقابِکَ، بِرَحْمَتِکَ یا أَرْحَمَ الرَّاحِمِینَ».

و از عذاب و کیفرت امانم دهی به رحمتت ای مهربانترین مهربانان.»

آداب ورود به مسجد الحرام:

۱. غسل کردن.

۲. پای برهنه با حالت متانت ووقار قدم برداشتن.

۳. ورود از باب بنی شیبه که مقابل باب‌السّلام کنونی می‌باشد.

ومستحب است بر در مسجدالحرام ایستاده، بگوید:

«السَّلامُ عَلَیْکَ أَیُّهَا النَّبِیُّ وَرَحْمَةُاللَّهِ وَبَرَکاتُهُ، بِسْمِ اللَّهِ «سلام و رحمت و برکات خداوند بر تو ای پیامبر، به نام خدا وَبِاللَّهِ وَمِنَ اللَّهِ وَماشاءَ اللَّهُ، السَّلامُ عَلى رَسُولِ اللَّهِ وَ آلِهِ، السَّلَامُ و به یاری او و یاری از خداست و خواست خداست، سلام بر رسول خدا وآل او، سلام عَلى ابْراهِیمَ وَآلِهِ، وَالسَّلامُ عَلى أَنْبِیاءِاللَّهِ وَرُسُلِهِ وَالْحَمْدُ بر ابراهیم خلیل اللّه وآلش، سلام بر پیامبران خدا و فرستادگانش و سپاس

ص: ۴۳

لِلَّهِ رَبِّ الْعالَمِينَ».

مخصوص خداوند؛ پروردگار جهانیان است.»

و در روایت دیگر وارد است که نزد در مسجد بگوید:

«بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ وَمِنَ اللَّهِ وَإِلَى اللَّهِ وَما شاءَ اللَّهُ وَعَلى «به نام خدا و به کمک او و بازگشت به سوی خداست و خواست خداست و بر مِلَّةِ رَسُولِ اللَّهِ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَخَيْرُ الْأَسْماءِ لِلَّهِ، شریعت رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌باشم و بهترین نام‌ها برای خداست وَالْحَمْدُ لِلَّهِ، وَالسَّلامُ عَلى رَسُولِ اللَّهِ، السَّلامُ عَلى مُحَمَّدِ بْنِ و سپاس ویژه خداوند است و سلام بر رسول خدا، سلام بر محمّد بن عَبْدِ اللَّهِ، السَّلامُ عَلَيْکَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكاتُهُ، السَّلامُ عبداللَّه، سلام و رحمت و برکات خدا بر تو ای پیامبر، سلام عَلى أَنْبِياءِ اللَّهِ وَرُسُلِهِ، السَّلامُ عَلى إِبْراهِيمَ خَلِيلِ الرَّحْمانِ، السَّلامُ بر انبیای خدا و پیامبرانش، سلام بر خلیل خدای رحمان، سلام عَلَى الْمُرْسَلِينَ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِ الْعالَمِينَ، السَّلامُ عَلَيْنا وَعَلى بر پیامبران خدا و فرستادگان و سپاس مخصوص خدا؛ پروردگار جهانیان است، سلام بر ما و بر عِبادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ، وَبارِكْ بندگان شایسته خداوند، خداوندا! دورد فرست بر محمّد و آلش و برکت بخش

ص: ۴۴

عَلی مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ، وَارْحَمْ مُحَمَّداً وآلَ مُحَمَّدٍ، كَما صَلَّيْتَ بر محمّد و آلش وترحم کن بر محمّد و خاندانش، چنانچه درود و وَبارَكْتَ وَتَرَحَّمْتَ عَلی إبْراهِيمَ وآلِ إبْراهِيمَ، إنَّكَ حَمِيدٌ بركت و ترحم ورزیدی بر ابراهیم و دودمان ابراهیم که تو ستوده مَجِيدٌ. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ، و بزرگی، خداوندا! درود فرست بر محمّد و خاندان محمّد؛ بنده و پیامبرت، وَعَلی إبْراهِيمَ خَلِيلِكَ وَعَلی أنْبِيائِكَ وَرُسُلِكَ وَسَلِّمْ خداوندا! درود فرست بر ابراهیم خلیل و بر انبیا و پیامبرانت که درود عَلَيْهِمْ، وَسَلامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعالَمِينَ، بر آنان و سلام فرست بر رسولان و سپاس مخصوص خداوند؛ پروردگار جهانیان است، اللَّهُمَّ افْتَحْ لِی أَبْوابَ رَحْمَتِكَ، وَاسْتَعْمِلْنِی فِی طاعَتِكَ خداوندا! ابواب رحمتت را برایم بگشا و مرا به فرمانبرداری وَمَرْضاتِكَ، وَاحْفَظْنِی بِحِفْظِ الْإيمانِ أَبَداً ما أَبْقَيْتَنِی، جَلَّ ثَناءُ و جلب خشنودیت به کار گیر و در پناه ایمان برای همیشه تا آنگاه که باقیم داشته‌ای محفوظم دار، ستایش ذات تو وَجْهِكَ، الْحَمْدُ لِلّهِ الَّذِی جَعَلَنِی مِنْ وَفْدِهِ وَزُوَّارِهِ، وَجَعَلَنِی بزرگ است، حمد مخصوص خدایی است که مرا از واردین و زائرینش قرار داد، مِمَّنْ يَعْمُرُ مَساجِدَهُ، وَجَعَلَنِی مِمَّنْ يُناجِيهِ. اللَّهُمَ إنِّی عَبْدُكَ وَزائِرُكَ از کسانی که مساجدش را آباد می‌کنند و با او مناجات می‌نمایند، خداوندا! من بنده

ص: ۴۵

فِی بَیْتِکَ، وَعَلی کُلِ مَأْتِیٍّ حَقٌّ لِمَنْ أَتاهُ وَزارَهُ، وَأَنْتَ خَیْرُ و زائر خانه‌ات می‌باشم و بر هر وارد و زائری حقی بر صاحب خانه می‌باشد، و تو مَأْتِیٍ وَأَکْرَمُ مَزُورٍ، فَأَسْأَلُکَ یا اللَّهُ یا رَحْمانُ بِأَنَّکَ أَنْتَ اللَّهُ الَّذِی بهترین و گرامی‌ترین کسی هستی که بر او وارد می‌شوند، پس از تو می‌خواهم ای خدای رحمان لا إِلهَ إِلّا أَنْتَ، وَحْدَکَ لا شَرِیکَ لَکَ، بِأَنَّکَ واحِدٌ أَحَدٌ صَمَدٌ، که معبودی جز تو نیست تنها و بی‌همتایی، یگانه، یگانه، بی‌نیاز، لَمْ تَلِدْ وَلَمْ تُولَدْ وَلَمْ یَکُنْ لَهُ [لَکَ کُفُواً أَحَدٌ، وَأَنَّ مُحَمَّداً عَبْدُکَ نه زاده‌ای و نه زاده شده‌ای، و برای تو همتایی نمی‌باشد و اینکه محمّد وَرَسُولُکَ، صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَعَلی أَهْلِ بَیْتِهِ، یا جَوادُ یا کَرِیمُ یا بنده و فرستاده توست که صلوات خدا بر او و خاندانش باد ای بخشنده ماجِدُ یا جَبَّارُ یا کَرِیمُ، أَسْأَلُکَ أَنْ تَجْعَلَ تُحْفَتَکَ إِیَّایَ بِزِیارَتِی ای کریم ای بزرگ ای خطاپوش، ای کریم از تو می‌خواهم که هدیه مرا به خاطر إِیَّاکَ أَوَّلَ شَیْ‌ءٍ تُعْطِیَنِی فَکاکَ رَقَبَتِی مِنَ النَّارِ».

زیارتم از خانه تو، نخستین عطایت را رهاییم از آتش قرار بده.»

پس سه مرتبه بگوید:

«اللَّهُمَّ فُکَّ رَقَبَتِی مِنَ النَّارِ».

«خداوندا! مرا از آتش رهایی بخش.»

ص: ۴۶

آنگاه چنین ادامه دهد:

«وَ أَوْسِعْ عَلَيَّ مِنْ رِزْقِکَ الْحَلالِ الطَيِّبِ، وَادْرَأْ عَنِّی شَرَّ «و از روزی حلال و پاکیزه بر من وسعت بخش و شرّ شَیاطِینِ الْإِنْسِ وَالْجِنِّ وَشَرَّ فَسَقَةِ الْعَرَبِ وَالْعَجَمِ».

شیطان‌های جن و انس، و شر فاسقان عرب و عجم را از من دفع کن.»

پس داخل مسجدالحرام شود، و رو به کعبه دست‌ها را بلند نموده بگوید:

«اللّهُمَّ إِنِی أَسْأَلُکَ فِی مَقامِی هذا، فِی أَوَّلِ مَناسِکِی أنْ «خداوندا! در این جایگاهم و در اوّل مناسکم از تو می‌خواهم که تَقْبَلَ تَوْبَتِی، وَ أنْ تَجاوَزَ عَنْ خَطِیئَتِی وَ تَضَعَ عَنِّی وِزْرِی، توبه‌ام را بپذیرا و از خطایم درگذری و وزر و وبالم را از من برداری الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی بَلَّغَنِی بَیْتَهُ الْحَرامَ. اللّهُمَّ إِنِّی أَشْهَدُ أَنَّ هذا حمد مخصوص خدایی است که مرا به بیت اللّه الحرام خویش رساند، خداوندا! من گواهی دهم که اینک بَیْتُکَ الْحَرامُ الَّذِی جَعَلْتَهُ مَثابَةً لِلنَّاسِ وَأَمْناً مُبارَکاً وَ هُدیً بیت اللّه الحرامی است که تو محلّ آمد و شد مردم و محل امن و مبارک و هدایت لِلْعالَمِینَ. اللّهُمَّ إِنِی عَبْدُکَ، وَالْبَلَدَ بَلَدُکَ، وَالْبَیْتَ بَیْتُکَ، جِئْتُ جهانیان قرار دادی، خداوندا! منم بنده تو و این شهر شهر توست و خانه خانه تو می‌باشد آمده‌ام

ص: ۴۷

أَطْلُبُ رَحْمَتَکَ، وَأَؤُمُّ طاعَتَکَ، مُطِیعًا لِأَمْرِکَ، راضِیاً بِقَدَرِکَ، تا رحمت تو را بطلبم و آهنگ اطاعت تو کردم، فرمانبردار امر تو می‌باشم، و راضی به تقدیر تو هستم، أَسْأَلُکَ مَسْأَلَةَ الْمُضْطَرِّ إِلَیْکَ الْخائِفِ لِعُقُوبَتِکَ. اللَّهُمَّ افْتَحْ لِی از تو می‌خواهم همانند نیازمندی که از تو خائف می‌باشد، خداوندا! درهای أَبْوابَ رَحْمَتِکَ، وَاسْتَعْمِلْنِی بِطاعَتِکَ وَمَرْضاتِکَ».

رحمتت را به رویم بگشا و به طاعت و جلب رضایتت وادارم ساز.»

بعد خطاب کند به کعبه و بگوید:

«الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی عَظَّمَکِ وَشَرَّفَکِ وَکَرَّمَکِ وَجَعَلَکِ مَثابَةً «حمد خدایی را که ترا بزرگ و با شرافت و محل آمد و شد لِلنَّاسِ وَأَمْناً مُبارَکاً وَهُدیً لِلْعالَمِینَ».

مردم و جای امن و مبارک و عامل هدایت جهانیان قرار داد.»

ومستحب است وقتی به محاذی «حجر الأسود» رسید، بگوید: «أَشْهَدُ أَنْ لا إِلهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لا شَرِیکَ لَهُ، «گواهی می‌دهم که معبودی جز خدای یکتای بی‌همتا نیست وَأَنَّ مُحَمَّداً عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ، آمَنْتُ بِاللَّهِ، وَکَفَرْتُ بِالْجِبْتِ و اینکه محمّد بنده و فرستاده اوست، ایمان آوردم به خدا، و به جبت و

ص: ۴۸

وَالطَّاغُوتِ وَباللّاتِ وَالْعُزَّی، وَعِبادَةِ الشَّیْطانِ، وَعِبادَةِ کُلِّ نِدٍّ طاغوت و لات و عزّی و عبادت شیطان و عبادت هر چه شریک خدا یُدْعی مِنْ دُونِ اللّهِ».

خوانده شود کفر می‌ورزم.»

امام صادق علیه السلام به ابوبصیر فرمود: هنگامی که داخل مسجد شدی جلو برو تا روبروی «حجرالأسود» که رسیدی متوجّه آن شده، این دعا را بخوان:

«الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی هَدانا لِهذا وَما کُنَّا لِنَهْتَدِیَ لَوْلا أنْ هَدانَا «حمد مخصوص خدایی‌است که ما را به اینجا هدایت کرد و اگر هدایت خدا نبود به‌اینجاراه اللَّهُ، سُبْحانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلا إلهَ إلَّااللَّهُ وَاللَّهُ أَکْبَرُ، أَکْبَرُ نمی‌یافتیم، منزّه است خدا و سپاس ویژه اوست و معبودی نیست جز خدا و خداوند بزرگ است، خداوند بزرگتر از مِنْ خَلْقِهِ، وَأَکْبَرُ مِمَّا أَخْشی وَأَحْذَرُ، لا إلهَ إلَّااللَّهُ وَحْدَهُ لا آفریده‌هایش می‌باشد، خداوند بزرگتر است از آنچه از آن بیمناکیم، معبودی جز خدای یکتای شَرِیکَ لَهُ، لَهُ الْمُلْکُ وَلَهُ الْحَمْدُ، یُحْیِی وَیُمِیتُ، وَیُمِیتُ بی‌همتا نیست، ملک هستی و حمد برای اوست، زنده می کند و می‌میراند و می‌میراند وَیُحْیِی، بِیَدِهِ الْخَیْرُ، وَهُوَ عَلی کُلِّ شَیْءٍ قَدِیرٌ. اللَّهُمَّ و دوباره زنده می کند، خیر و خوبی به دست اوست، و او بر هر چیز توانا است،

ص: ۴۹

صَلِ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَبارِکْ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، خداوندا! سلام و درود فرست بر حضرت محمّد و آلش، و بر آنان برکت بخش؛ کَأَفْضَلِ ما صَلَّیْتَ وَ بارَکْتَ وَتَرَحَّمْتَ عَلی إِبْراهِیمَ وَآلِ بهترین درود و برکت و رحمتی که بر ابراهیم و آلش إِبْراهِیمَ، إِنَّکَ حَمِیدٌ مَجِیدٌ، وَسَلامٌ عَلی جَمِیعِ النَّبِیِّینَ فرستاده‌ای که تو ستوده و بزرگی، سلام بر تمام پیامبران وَالْمُرْسَلِینَ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِ الْعالَمِینَ. اللَّهُمَّ إِنِی أُومِنُ و فرستادگان، و سپاس مخصوص خداوند؛ پروردگار جهانیان است، خداوندا! بِوَعْدِکَ، وَأُصَدِ قُ رُسُلَکَ، وَأَتَّبِعُ کِتابَکَ».

به وعده توایمان دارم و پیامبرانت را تصدیق می‌کنم و از کتابت پیروی می‌نمایم.»

و در روایت معتبر وارد است که وقتی نزدیک حجرالأسود رسیدی دست های خود را بلند کن، وحمد وثنای الهی را بجا آور، وصلوات بر پیغمبر بفرست، واز خداوندِ عالَم بخواه که حجّ تو را قبول کند، پس از آن حَجَر را بوسیده واستلام نما. واگر بوسیدن ممکن نشد لمس کن، واگر آن هم ممکن نشد اشاره به آن کن، وبگو:

«اللَّهُمَّ أَمانَتِی أَدَّیْتُها وَمِیثاقِی تَعاهَدْتُهُ لِتَشْهَدَ لِی بِالْمُوافاةِ، «خداوندا! امانتم را ادا و پیمانم را تجدید کردم تا تو بر وفا به عهدم گواهی دهی،

ص: ۵۰

اللَّهُمَّ تَصْدِيقاً بِكِتابِكَ وَعَلى سُنَّةِ نَبِيِّكَ، أَشْهَدُ أنْ خداوندا! کتابت را تصدیق می کنم و از سنّت پیامبرت- که درود تو بر او و بر آلش- پیروی می‌نمایم لا إلهَ إلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لا شَرِيكَ لَهُ، وَأَنَّ مُحَمَّداً عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ، و گواهی می‌دهم که معبودی جز خدای یکتای بی‌همتا نیست و محمّد بنده او آمَنْتُ بِاللَّهِ، وَكَفَرْتُ بِالْجِبْتِ وَالطَّاغُوتِ وَباللّاتِ وَالْعُزّى پیامبر و رسول اوست، به خدا ایمان آوردم و به جبت و طاغوت و لات وَعِبادَةِ الشَّيْطانِ، وَعِبادَةِ كُلِّ نِدٍّ يُدْعى مِنْ دُونِ اللَّهِ».

و عزّی و عبادت شیطان و عبادت هر شریکی برای خدا کفر می‌ورزم.»

واگر نتوانی همه را بخوانی قسمتی از آن را بخوان، وبگو:

اللَّهُمَّ إلَيْكَ بَسَطْتُ يَدِي وَ فِيما عِنْدَكَ عَظُمَتْ رَغْبَتِي خداوندا! به سوی تو دست گشودم و اشتیاقم به آنچه نزد توست بزرگ است فَاقْبَلْ سُبْحَتِي، وَاغْفِرْ لِي وَارْحَمْنِي، اللَّهُمَّ إنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ پس تسبیحم را بپذیر، گناهم را بیامرز و بر من ترحم کن، خداوندا! به تو از الْكُفْرِ وَالْفَقْرِ وَمَواقِفِ الْخِزْيِ فِي الدُّنْيا وَالْآخِرَةِ».

کفر، فقر، و خواری دنیا و آخرت پناه می‌برم.»

ص: ۵۱

مستحبات طواف:

اشاره

مستحب است حاجی در حال طواف، با کمال خلوص وتوجّه به خدا، در هر دوری از طواف های هفت گانه، راز و نیازی آهسته و آرام، با حضرت حق داشته باشد، پس علاوه بر اذکاری که دارد، می‌تواند در هر شوط این ادعیه را بخواند:

دعای اشواط طواف:

برای اینکه طواف‌کننده در تعداد دورهای طواف شک نکند، می‌تواند دعاهای وارده را تقسیم کرده و در هر دور طواف بخشی از آن را به قصد رجاء بخواند، واگر تکرار شد مانعی ندارد.

دعای دور اوّل:

«اللَّهُمَّ إِنِی أَسْأَلُکَ بِاسْمِکَ الَّذِی یُمْشی بِهِ عَلی طَلَلِ الْماءِ، «خداوندا! از تو مسألت می‌کنم به آن نامت که با ذکر به وسیله آن بر روی آب راه می‌روند،

ص: ۵۲

کَما یُمْشی بِه عَلی جَدَدِ الْأَرْضِ، وَأَسْأَلُکَ بِاسْمِکَ الَّذِی یَهْتَزُّ چنانچه بر روی زمین سخت و هموار، و از تو می‌خواهم به حق آن نامت که عرش برای آن لَهُ عَرْشُکَ، وَأَسْأَلُکَ بِاسْمِکَ الَّذِی تَهْتَزُّ لَهُ أَقْدامُ مَلائِکَتِکَ، به لرزه می‌افتد، و از تو می‌خواهم به حق آن اسمت که گام‌های فرشتگان به لرزه می‌افتد، وَأَسْأَلُکَ بِاسْمِکَ الَّذِی دَعاکَ بِهِ مُوسی مِنْ جانِبِ الطُّورِ، و از تو می‌خواهم به حق آن نامت که موسی ترا با آن از سوی کوه طور خواند فَاسْتَجَبْتَ لَهُ، وَأَلْقَیْتَ عَلَیْهِ مَحَبَّةً مِنْکَ، وَأَسْأَلُکَ بِاسْمِکَ الَّذِی و دعایش را مستجاب کردی و محبت خویش را به او القا کردی، و از تو می‌خواهم به آن نامت که غَفَرْتَ بِهِ لِمُحَمَّدٍ صَلَّی اللّهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ ما تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ وَما گناه گذشته و آینده حضرت محمد صلی الله علیه و آله را بخشیدی تَأَخَّرَ، وَأَتْمَمْتَ عَلَیْهِ نِعْمَتَکَ، أنْ تَرْزُقَنِی خَیْرَ الدُّنْیا وَالْآخِرَهِْ» و نعمت خود را بر او تمام کردی که مرا از خیر دنیا و آخرت بهره‌مند سازی.» و حاجات خود را می خواهی.

دعای دور دوم:

«اللَّهُمَّ إِنِی إِلَیْکَ فَقِیرٌ، وَإِنِی خائِفٌ مُسْتَجِیرٌ، فَلا تُغَیِّرْ «خداوندا! من به تو نیازمندم، و من بیمناک و پناه جویم، پس جسمم را دگرگون

ص: ۵۳

جِسْمِی وَلا تُبَدِّلِ اسْمِی».

مساز و نامم را تبدیل مکن»

سپس می گویی:

سائِلُکَ فَقِیرُکَ مِسْکِینُکَ ببابِکَ، فَتَصَدَّقْ عَلَیْهِ بِالْجَنَّهِْ. اللّهُمَّ گدای تو، مسکین تو به در خانه‌ات آمده، بهشت را الْبَیْتُ بَیْتُکَ، وَالْحَرَمُ حَرَمُکَ، وَالْعَبْدُ عَبْدُکَ، وَهذا مَقامُ الْعائِذِ به او عطا فرما، خداوندا! خانه، خانه تو و حرم، حرم تو و بنده، بنده تو است، الْمُسْتَجِیرِ بِکَ مِنَ النّارِ، فَأَعْتِقْنِی وَ والِدَیَّ وَ أَهْلِی وَوُلْدِی و این است جایگاه پناهنده تو از آتش دوزخ، مرا و پدر و مادرم را و خانواده‌ام و فرزندانم وَإِخْوانِیَ الْمُؤْمِنِینَ مِنَ النّارِ، یا جَوادُ یا کَرِیمُ».

و برادران ایمانی‌ام را از آتش آزاد ساز، ای بخشنده وای کریم.»

دعای دور سوم:

«اللّهُمَّ أَدْخِلْنِی الْجَنَّهَْ بِرَحْمَتِکَ، وَأَجِرْنِی بِرَحْمَتِکَ مِنَ «خداوندا! مرا به بهشت وارد ساز به رحمتت از آتش پناهم ده، و از بیماری النّارِ، وَعافِنِی مِنَ السُّقْمِ، وَأَوْسِعْ عَلَیَّ مِنَ الرِّزْقِ الْحَلالِ، وَادْرَأْ عافیتم بخش، و از روزی حلال وسعتم ده، و دور کن از من شرّ

ص: ۵۴

عَنِی شَرَّ فَسَقَةِ الْجِنِّ وَالْاِنْسِ، وَشَرَّ فَسَقَةِ الْعَرَبِ وَالْعَجَمِ، یـا ذَا تبهکاران جنّ و انس را، و شرّ فاسقان عرب و عجم را، ای صاحب نعمت الْمَنِّ وَالطَّوْلِ، وَالْجُودِ وَالْکَرَمِ، انَّ عَمَلِی ضَعِیفٌ فَضاعِفْهُ لِی، و فضل، ای بخشنده کریم، عملم ضعیف است آن را مضاعف ساز، وَتَقَبَّلْهُ مِنِی، إِنَّکَ أَنْتَ السَّمِیعُ الْعَلِیمُ».

و آن را از من بپذیر که تو شنوا و دانایی.»

دعای دور چهارم:

«یا اللَّهُ یا وَلِیَّ الْعافِیَهِ، وَخالِقَ الْعافِیَهِ، وَرازِقَ الْعافِیَهِ، «ای خدا! ای صاحب عافیت و خالق عافیت و رازق عافیت وَالْمُنْعِمَ بِالْعافِیَهِ، وَ الْمَنَّانَ بِالْعَافِیَهِ، وَالْمُتَفَضِّلُ بِالْعافِیَهِ عَلَیَّ و بخشنده عافیت و دهنده نعمت عافیت و افزاینده عافیت وَعَلی جَمِیعِ خَلْقِکَ، یا رَحْمانَ الدُّنْیا وَالْآخِرَهِ وَرَحِیمَهُما، صَلِّ بر من و همه آفریده‌هایت، ای خدای رحمان و رحیم در دنیا و آخرت، درود فرست عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَارْزُقْنا الْعافِیَهَ، وَ دَوامَ الْعَافِیَهِ، وَتَمامَ بر محمّد و خاندانش، و عافیت را روزی گردان؛ تمام عافیت الْعافِیَهِ، وَشُکْرَ الْعافِیَهِ فِی الدُّنْیا وَالْآخِرَهِ، یا أَرْحَمَ الرَّاحِمِینَ».

و شکر عافیت را در دنیا و آخرت ای مهربان ترین مهربانان.»

دعای دور پنجم:

«الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی شَرَّفَکِ وَعَظَّمَکِ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی بَعَثَ «حمد خدایی را که تو (کعبه) را شرف و عظمت بخشید، و حمد خدایی راست که محمّد صلی الله علیه و آله را مُحَمَّداً نَبِیّاً، وَجَعَلَ عَلِیّاً إِماماً. اللَّهُمَّ اهْدِ لَهُ خِیارَ خَلْقِکَ، وَجَنِّبْهُ به نبوت برانگیخت و علی علیه السلام را امام قرار داد، خداوندا نیکان خلقت را به زیارت کعبه رهنمون باش، و تبهکاران شِرارَ خَلْقِکَ».

را از آن دور گردان.»

آنگاه می گویی:

رَبَّنا آتِنا فِی الدُّنْیا حَسَنَهً وَ فِی الْآخِرَهِ حَسَنَهً وَ قِنا عَذابَ پروردگارا! در دنیا به ما نیکی و در آخرت نیکی بخش و از عذاب آتش النَّارِ.

بازمان دار.»

دعای دور ششم:

«اللَّهُمَّ الْبَیْتُ بَیْتُکَ، وَالْعَبْدُ عَبْدُکَ، وَ هذا مَقامُ الْعائِذِ بِکَ مِنَ «خداوندا! خانه، خانه تو، و بنده، بنده تو و این جایگاه پناهنده به تو از النَّارِ. اللَّهُمَّ مِنْ قِبَلِکَ الرَّوْحُ وَالْفَرَجُ وَالْعافِیَهُ. اللَّهُمَّ انَّ عَمَلِی آتش است، خداوندا! از سوی تو است رحمت و گشایش و عافیت، خداوندا! عملم

ص:۵۵

ص: ۵۶

ضَعِیفٌ فَضاعِفْهُ لِی، وَاغْفِرْ لِی مَا اطَّلَعْتَ عَلَیْهِ مِنِی وَ خَفِیَ ضعیف است، آن را مضاعف ساز، و آنچه را بر تو آشکار و بر خلقت پنهان است عَلی خَلْقِکَ، أَسْتَجِیرُ بِاللَّهِ مِنَ النَّارِ».

بر من ببخش، از آتش به خدا پناه می‌برم.»

دعای دور هفتم:

«اللَّهُمَّ إِنَّ عِنْدِی أَفْواجاً مِنْ ذُنُوبٍ، وَ أَفْواجاً مِنْ خَطایا «خداوندا! مرا انبوهی از گناه و انبوهی از لغزش است وَعِنْدَکَ أَفْواجٌ مِنْ رَحْمَهٍٍ، وَ أَفْواجٌ مِنْ مَغْفِرَهٍٍ، یا مَنِ اسْتَجابَ و ترا انبوهی از رحمت و انبوهی از مغفرت، ای آنکه مستجاب کردی دعای دشمن‌ترین لِأَبْغَضِ خَلْقِهِ إِلَیْهِإِذْ قالَ أَنْظِرْنِی إِلی یَوْمِ یُبْعَثُونَ، اسْتَجِبْ لِی».

خلقت (شیطان) را، آنگاه که گفت: «مرا تا روز رستاخیز مهلت ده» دعایم را مستجاب گردان.»

سپس حاجاتت را بخواه و آنگاه بگو:

«اللَّهُمَّ قَنِّعْنِی بِما رَزَقْتَنِی، وَبارِکْ لِی فِیما آتَیْتَنِی».

«خداوندا! مرا به داده‌ات قناعت بخش، آنچه را داده‌ای برایم برکت ده.»

و هنگامی که مقابل مقام حضرت ابراهیم رسیدی، بگو:

ص: ۵۷

«اللَّهُمَّ أَعْتِقْ رَقَبَتِی مِنَ‌النَّارِ، وَوَسِّعْ عَلَیَّ مِنَ الرِّزْقِ الْحَلالِ، «خداوندا! مرا از آتش آزاد ساز و از روزی حلال بر من وسعت بخش وَادْرَأْ عَنِی شَرَّفَسَقَةِ الْعَرَبِ وَالْعَجَمِ وَشَرَّ فَسَقَةِ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ».

و شرّ فاسقان عرب و عجم و جنّ و انس را از من دور کن.»

وامام سجّاد علیه السلام هنگام طواف، به ناودان نگاه می‌کرد، و عرضه می‌داشت:

«اللَّهُمَّ أَدْخِلْنِی الْجَنَّةَ بِرَحْمَتِکَ، وَأَجِرْنِی بِرَحْمَتِکَ مِنَ «خداوندا! به رحمت خویش مرا به بهشت وارد ساز و از آتش النَّارِ، وَعافِنِی مِنَ السُّقْمِ، وَأَوْسِعْ عَلَیَّ مِنَ الرِّزْقِ الْحَلالِ، وَادْرَأْ پناهم ده، و از بیماری عافیتم بخش و از روزی حلال بر من وسعت ده و شرّ عَنِی شَرَّ فَسَقَةِ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ، وَشَرَّ فَسَقَةِ الْعَرَبِ وَالْعَجَمِ».

فاسقان جنّ و انس و عرب و عجم را از من دور کن.»

مستحبات نماز طواف:

در نماز طواف مستحب است بعد از حمد، در رکعت اوّل سوره «توحید» ودر رکعت دوّم سوره قُلْ یا أَیُّهَا الْکافِرُونَ را بخواند، وپس از نماز، حمد وثنای الهی را بجا آورده

ص: ۵۸

وصلوات بر محمّد وآل محمّد بفرستد، واز خداوند عالم طلب قبول نماید، وبگوید:

«اللَّهُمَّ تَقَبَّلْ مِنِی، وَلا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنِی، الْحَمْدُ لِلَّهِ «خداوندا! از من بپذیر و این را آخرین دیدار و زیارتم قرار مده، حمد همه آن ویژه بِمَحامِدِهِ کُلِّها عَلی نَعْمائِهِ کُلِّها، حَتّی یَنْتَهِیَ الْحَمْدُ إِلی ما خداوند است، بر تمام نعمت‌هایش، تا حدّی که موجب حبّ و یُحِبُّ رَبِی وَیَرْضی اللَّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَتَقَبَّلْ مِنِی، رضای او باشد، خداوندا! درود فرست بر محمّد و خاندانش، و از من قبول کن، دلم را پاک وَطَهِّرْ قَلْبِی، وَزَکِّ عَمَلِی».

و عملم را پاکیزه ساز.» و در روایت دیگر چنین آمده است:

«اللَّهُمَارْحَمْنِی بِطَواعِیَتِیإِیَّاکَ، وَطَواعِیَتِیرَسُولِکَ صَلَّیاللَّهُ «خداوندا! مرا به واسطه اطاعتم از تو و پیامبرت صلی الله علیه و آله مورد رحمتت عَلَیْهِ وَآلِهِ. اللَّهُمَّ جَنِّبْنِی أَنْ أَتَعَدّی حُدُودَکَ، وَاجْعَلْنِی قرار ده، و از تجاوز از مرزهای اطاعت بازم دار، و از کسانی قرارم ده مِمَّنْ یُحِبُّکَ وَیُحِبُّ رَسُولَکَ وَمَلائِکَتَکَ وَعِبادَکَ الصَّالِحِینَ».

که تو و پیامبرت و فرشتگانت و بندگان شایسته‌ات را دوست بدارم.» و در بعضی از روایات است که حضرت صادق علیه السلام بعد از

ص: ۵۹

نماز طواف به سجده رفته و چنین می گفت:

«سَجَدَ وَجْهِی لَکَ تَعَبُّداً وَرِقّاً، لاإِلهَ إِلّا أَنْتَ حَقّاً حَقّاً، «از سر بندگی و بردگی، برایت چهره بر زمین می‌نهم، معبودی به حق جز تو نیست تو نخستین الْأَوَّلُ قَبْلَ کُلِّ شَیْءٍ، وَالْآخِرُ بَعْدَ کُلِّ شَیْءٍ، وَها أَنَا ذا بَیْنَ موجود، پیش از هر چیز و آخرین موجود پس از هر چیزی می‌باشی و اینک من که برابرت قرار دارم، یَدَیْکَ ناصِیَتِی بِیَدِکَ، فَاغْفِرْ لِی، إِنَّهُ لا یَغْفِرُ الذَّنْبَ الْعَظِیمَ سرنوشتم بدست تو می‌باشد، پس بیامرز مرا که گناه بزرگ جز تو کسی نمی‌آمرزد، غَیْرُکَ، فَاغْفِرْ لِی، فَإِنِی مُقِرٌّ بِذُنُوبِی عَلی نَفْسِی، وَلا یَدْفَعُ مرا بیامرز که به گناهم اقرار دارم و گناه بزرگ را الذَّنْبَ الْعَظِیمَ غَیْرُکَ».

جز تو ازمن دور نمی کند.» و بعد از سجده، روی مبارک آن حضرت از گریه چنان بود که گویا در آب فرو رفته باشد.

مستحبّات سعی:

مستحب است پس از خواندن نماز طواف وپیش از سعی، مقداری از آب زمزم بیاشامد و به سر و پشت و شکم خود بریزد و بگوید:

ص: ۶۰

«اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ عِلْماً نافِعاً، وَرِزْقاً واسِعاً، وَشِفاءً مِنْ کُلِّ داءٍ «خداوندا! آن را وسیله آموختن دانشی سودمند، و روزی فراخ، و شفای درد و بیماری وَسُقْمٍ».

قرار ده.»

پس از آن نزدیک حجرالأسود بیاید، ومستحب است از دری که روبروی حجرالأسود است به سوی صفا متوجه شود، و با آرامش دل وبدن بالای صفا رفته، وبه خانه کعبه نظر کند، و به رکنی که حجرالأسود در آن است رو نماید، وحمد وثنای الهی را بجا آورد، ونعمت های الهی را به‌خاطر بیاورد، آنگاه این ذکر را بگوید:

«اللَّهُ أَکْبَرُ» هفت مرتبه.

«خدای بزرگ است.»

«الْحَمْدُ لِلَّهِ» هفت مرتبه.

«ستایش مخصوص خدا است.»

«لا إِلهَ إِلَّا اللَّهُ» هفت مرتبه.

«معبودی جز اللّه نیست.»

«لا إِلهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لا شَرِیکَ لَهُ، لَهُ الْمُلْکُ وَلَهُ الْحَمْدُ، «معبودی جز خدای یگانه بی‌همتا نیست، هستی او را است و ستایش ویژه او است

ص: ۶۱

یُحْیِی وَیُمِیتُ، وَهُوَ حَیٌّ لا ـ یَمُوتُ، بِیَدِهِ الْخَیْرُ، وَهُوَ عَلی کُلِّ زندگی می‌بخشد و می‌میراند، و او خود زنده فنا ناپذیر است، خیر بدست او است، و او بر شَیْ‌ءٍ قَدِیرٌ» (سه مرتبه).

هر چیز توانا می‌باشد.»

پس صلوات بر محمّد وآل محمّد بفرستد، وسه مرتبه بگوید:

«اللَّهُ أَکْبَرُ عَلی ما هَدانا، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ عَلی ما أَبْلانا، وَالْحَمْدُ «خدا بزرگ است که ما را هدایت کرد، ستایش مخصوص او است که ما را آزمود ستایش لِلَّهِ الْحَیِ الْقَیُّومِ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الْحَیِ الدَّائِمِ».

ویژه خداوند زنده قائم بذات است و ستایش او راکه زنده‌جاویداست.»

پس سه مرتبه بگوید:

«أَشْهَدُ أنْ لا إِلهَ إِلَّا اللَّهُ، وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّداً عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ، لا «گواهی‌می‌دهم که خدایی جز خدای‌یکتا نیست، و گواهی‌می‌دهم که حضرت محمّد بنده و فرستاده اوست جز او نَعْبُدُ إِلّا إِیَّاهُ، مُخْلِصِینَ لَهُ الدِّینَ، وَلَوْ کَرِهَ الْمُشْرِکُونَ».

را عبادت نمی‌کنم، دین خود را برای او خالص کرده‌ام گرچه مشرکان ناخوش دارند.»

پس سه مرتبه بگوید:

ص: ۶۲

«اللَّهُمَّ إِنِی أَسْأَلُکَ الْعَفْوَ وَالْعافِیَهَ وَالْیَقِینَ فِی الدُّنْیا «خداوندا! من از تو بخشش، عافیت و یقین در دنیا و وَالْآخِرَهِ».

آخرت می‌طلبم.»

و سه مرتبه بگوید:

«اللَّهُمَّ آتِنا فِی الـدُّنْیا حَسَـنَهً وَفِی الْآخِرَهِ حَسَـنَهً وَقِنا عَذابَ «خداوندا! در دنیا نیکی ودر آخرت نیکی به ما عطا فرما، و از عذاب آتش النَّارِ».

نگاهمان دار.»

پس بگوید:

«اللَّهُ أَکْبَرُ» صد مرتبه.

«لا إِلهَ إِلَّا اللَّهُ» صد مرتبه.

«الْحَمْدُ لِلَّهِ» صد مرتبه.

«سُبْحانَ اللَّهِ» صد مرتبه.

پس بگوید:

«لا إِلهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ، أَنْجَزَ وَعْدَهُ، وَنَصَرَ عَبْدَهُ، «نیست معبودی جز خدای یکتای یکتا که به وعده‌اش وفا کرد و بنده‌اش را یاری داد

ص: ۶۳

وَغَلَبَ الْأَحْزابَ وَحْدَهُ، فَلَهُ الْمُلْکُ وَلَهُ الْحَمْدُ وَحْدَهُ. اللَّهُمَّ و بر احزاب به تنهایی پیروز شد، مُلک هستی او راست، و تنها ستایش برای او است خداوندا! بارِکْ لِی فِی الْمَوْتِ وَفِیما بَعْدَ الْمَوتِ. اللَّهُمَّ إِنِی أَعُوذُ بِکَ مِنْ مرگ، و پس از مرگ را بر من مبارک گردان، خداوندا به تو پناه می‌برم از ظُلْمَهِ الْقَبْرِ وَوَحْشَتِهِ. اللَّهُمَّ أَظِلَّنِی فِی ظِلِّ عَرْشِکَ یَوْمَ لا ظِلَّ تاریکی و وحشت قبر، خداوندا! مرا در سایه عرش در روزی که سایه‌ای جز سایه رحمت تو إِلّا ظِلُّکَ».

نمی‌باشد جایم ده.»

و بسیار دعای بعد را که سپردن دین و نفس و اهل و مال خود به خداوند عالم است، تکرار کند، بگوید:

«اسْتَوْدِعُ اللَّهَ الرَّحمنَ الرَّحِیمَ الَّذِی لا تَضِیعُ وَدائِعُهُ دِینِی «به خدای رحمان و رحیم که امانتی نزد او تباه نگردد، دینم وَنَفْسِی وَأَهْلِی. اللَّهُمَّ اسْتَعْمِلْنِی عَلی کِتَابِکَ وَسُنَّهِ نَبِیِّکَ، و جانم و خانواده‌ام را می‌سپارم، خداوندا! مرا بر طبق کتاب و سنت پیامبرت توفیق عمل ده وَتَوَفَّنِی عَلی مِلَّتِهِ، وَاعِذْنِی مِنَ الْفِتْنَهِ».

و مرا بر دین او بمیران و از فتنه پناهم ده.»

ص: ۶۴

پس «اللَّهُ أَکْبَرُ» سه مرتبه بگوید.

بعد دعای سابق را دو مرتبه تکرار کند، آنگاه یک بار دیگر تکبیر ودعا را بخواند، واگر تمام این عمل را نتواند انجام دهد هر قدر که می تواند بخواند.

و مستحب است که رو به کعبه نماید، واین دعا را بخواند:

«اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِی کُلَّ ذَنْبٍ أَذْنَبْتُهُ قَطُّ، فَإِنْ عُدْتُ فَعُدْ عَلَیَّ «خداوندا! هر گناهی که تا کنون کرده‌ام بیامرز، اگر گناه را از سر گرفتم تو آمرزش را برایم بِالْمَغْفِرَةِ، فَإِنَّکَ أَنْتَ الْغَفُورُ الرَّحِیمُ. اللَّهُمَّ افْعَلْ بِی ما أَنْتَ اعاده کن که تو بخشنده و مهربانی، خداوندا! با من چنان رفتار کن که شایسته أَهْلُهُ، فَإِنَّکَ إِنْ تَفْعَلْ بِی ما أَنْتَ أَهْلُهُ تَرْحَمْنِی، وَإِنْ تُعَذِّبْنِی توست که اگر آنگونه که شایسته توست با من رفتار کنی به من رحم کرده‌ای و اگر عذابم کنی فَأَنْتَ غَنِیٌّ عَنْ عَذابِی، وَأَنَا مُحْتَاجٌ إِلی رَحْمَتِکَ، فَیا مَنْ أَنَا تو بی‌نیاز از عذاب من هستی و من نیازمند به رحمتت پس ای کسی که من مُحْتاجٌ إِلی رَحْمَتِهِ ارْحَمْنِی. اللَّهُمَّ لا تَفْعَلْ بِی ما أَنَا أَهْلُهُ، محتاج به رحمتش هستم رحم کن خدایا! با من چنان رفتار مکن که در خور آن فَإِنَّکَ إِنْ تَفْعَلْ بِی ما أَنَا اهْلُهُ تُعَذِّبْنِی، وَلَمْ تَظْلِمْنِی، می‌باشم اگر با من بدانگونه که سزاوار آنم رفتارکنی در این‌صورت مرا عذاب خواهی کرد بی‌آنکه به من ستمی رواداری

ص: ۶۵

أَصْبَحْتُ أَتَّقِی عَدْلَکَ، وَلا أَخافُ جَوْرَکَ، فَیا مَنْ هُوَ عَدْلٌ لا که من از عدل تو بیمناکم و از ستمت در امان، ای عادلی که ستم روا نمی‌داری یَجُورُ ارْحَمْنِی».

به من رحم فرما.»

پس بگوید:

«یا مَنْ لا یَخِیبُ سائِلُهُ، وَلا یَنْفَدُ نائِلُهُ، صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ «ای آنکه گدا را نومید نمی‌کنی و عطایت را پایانی نیست، بر محمّد وآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَعِذْنِی مِنَ النَّارِ بِرَحْمَتِکَ».

و آل محمّد درود فرست، و به رحمتت مرا از آتش پناه ده.»

و در حدیث شریف وارد شده است: ایستادن بر صفا را طول دهد، وهنگامی که از صفا پایین می‌آید رو به خانه کعبه کند و بگوید: «اللَّهُمَّ إِنِی أَعُوذُ بِکَ مِنْ عَذابِ الْقَبْرِ وَفِتْنَتِهِ وَغُرْبَتِهِ «خداوندا! من به تو پناه می‌برم از عذاب و فتنه قبر و تنهایی وَوَحْشَتِهِ وَظُلْمَتِهِ وَضِیقِهِ وَضَنْکِهِ. اللَّهُمَّ اظِلَّنِی فِی ظِلِّ عَرْشِکَ و ترس و تاریکی و تنگی و فشار آن، خداوندا! مرا در سایه عرشت قرار ده روزی که

ص: ۶۶

یَوْمَ لا ظِلَّ إِلّا ظِلُّکَ».

سایه‌ای جز سایه لطف تو نیست.»

سپس می گویی:

«یـا رَبَّ الْعَفْـوِ، یـا مَنْ أَمَرَ بِـالْعَفْوِ، یـا مَنْ هُـوَ أَوْلی بِـالْعَفْوِ، یـامَنْ «ای پروردگـار بخشـنده، ای آنکه دسـتور بخشـش دادی، ای آنکه سزاوارترین فرد به عفو و بخششـی، ای آنکه یُثِیبُ عَلَی الْعَفْوِ، الْعَفْوَ الْعَفْوَ الْعَفْوَ، یَا جَوادُ یَاکَرِیمُ یَا قَرِیبُ، بر بخشیدن پاداش می‌دهی، بخشش، بخشش، بخشش، ای بخشنده ای کریم، ای نزدیک (به ما) یَا بَعِیدُ، ارْدُدْ عَلَیَّ نِعْمَتَکَ، وَاسْتَعْمِلْنِی بِطاعَتِکَ وَمَرْضاتِکَ».

نعمت‌های از دست رفته را به من بازگردان، و در جهت اطاعت و خوشنودیت به کارم گیر.»

و مستحب است پیاده سعی نماید، و از صفا تا مناره میانه، راه رود، واز آنجا تا جایی که محل بازار عطاران بوده است (این فاصله با چراغ سبز مشخص شده)، (هَرْوَلَه کند)، و اگر سوار باشد این فاصله را کمی تند نماید، و از برای زنها هَرْوَلَه نیست، و مستحب است در هنگامی که به این محل می‌رسد، بگوید:

«بِسْمِ اللَّهِ وَاللَّهُ أَکْبَرُ. اللَّهُمَّ صَلِ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، «بنام خدا و با استعانت از او، خداوند بزرگ است، درود بر محمّد و

ص: ۶۷

اللَّهُمَّ اغْفِرْ وَارْحَمْ وَتَجاوَزْ عَمَّا تَعْلَمُ، إِنَّکَ أَنْتَ الْأَعَزُّ خاندان او، خداوندا! بیامرز و رحم فرما و از آنچه می‌دانی در گذر که تو بسیار عزیز الْأَکْرَمُ، وَاهْدِنِی لِلَّتِی هِیَ أَقْوَمُ. اللَّهُمَّ إِنَّ عَمَلِی ضَعِیفٌ و جلیل و کریم می‌باشی، و مرا به راهی که درست است هدایت کن، خداوندا! عملم ضعیف است فَضاعِفْهُ لِی، وَتَقَبَّلْ مِنِی. اللَّهُمَّ لَکَ سَعْیِی، وَبِکَ حَوْلِی تو مضاعفش گردان و از من بپذیر، خداوندا! سعی من برای تو است، و توان وَقُوَّتِی، تَقَبَّلْ عَمَلِی، یا مَنْ یَقْبَلُ عَمَلَ الْمُتَّقِینَ».

و نیرویم از تو می‌باشد، عملم را قبول فرما، ای آنکه عمل پرهیزکاران را می‌پذیری.»

و چون از این قسمت گذشتی بگو:

«یا ذَا الْمَنِّ وَالْفَضْلِ وَالْکَرَمِ وَالنَّعْماءِ وَالْجُودِ، اغْفِرْ لِی «ای صاحب نعمت و فضل و کرم و جود، بیامرز ذُنُوبِی، إِنَّهُ لا یَغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلّا أَنْتَ».

گناهانم را که کسی جز تو گناهان را نمی‌آمرزد.»

و هنگامی که به مروه رسید بالای آن برود، وبجا آورد آنچه را که در صفا بجا آورد، وبخواند دعاهای آنجا را به ترتیبی که ذکر شد. وپس از آن بگوید:

ص: ۶۸

«یا مَنْ أَمَرَ بِالْعَفْوِ، یا مَنْ یُحِبُّ الْعَفْوَ، یا مَنْ یُعْطِی عَلَی «خداوندا! ای‌آنکه به بخشش دستورداده‌ای، ای‌آنکه بخشش را دوست‌داری، ای‌آنکه بربخشش الْعَفْوِ، یا مَنْ یَعْفُو عَلَی الْعَفْوِ، یارَبَّ الْعَفْوِ، الْعَفْوَ الْعَفْوَ الْعَفْوَ».

پاداش‌می‌دهی، ای‌آنکه هرکس را که عفو کند، او راعفومی کنی، ای پروردگار بخشنده، الْعَفْو، الْعَفْو، الْعَفْو.»

و مستحب است در گریه کردن بکوشد و خود را به گریه وا دارد، ودر حال سعی دعا بسیار کند، وبخواند این دعا را:

«اللَّهُمَّ إِنِی أَسْأَلُکَ حُسْنَ الظَّنِّ بِکَ عَلی کُلِّ حَالٍ، وَصِدْقَ «خداوندا! از تو می‌خواهم که در هر حال مرا نسبت به خود حسن ظن عنایت کنی، و نیت النِّیَّةِ فِی التَّوَکُّلِ عَلَیْکَ».

صادق در توکل بر تو را خواستارم.»

آداب تقصیر عمره:

واجب است پس از اتمام دور سعی بین صفا و مروه، قسمتی از مو یا ناخن خود را به نیّت تقصیر کوتاه کند، وبهتر آن است که اکتفا به گرفتن ناخن نکند بلکه از موی خود هم قدری کوتاه کند، که موافق احتیاط است، وتراشیدن سر در تقصیر عمره تمتع کفایت نمی کند، بلکه حرام می باشد.

و هنگام تقصیر مناسب است این دعا را بخواند:

ص: ۶۹

«اللَّهُمَّ أَعْطِنِی بِکُلِّ شَعْرَهٍْ نُوراً یَوْمَ الْقِیامَهِْ».

«خداوندا! به هر مویی، نوری در قیامت به من عطا فرما!»

اقسام حجّ:

اشاره

حجّ بر سه قسم است:

۱. «حجّ تمتّع» وآن وظیفه کسانی است که ۴۸ میل (یعنی شانزده فرسخ) از مکّه دور باشند، وحجّ تمتع همراه عمره تمتع است.

۲. «حجّ افراد» که عین حجّ تمتع است با این فرق که در حجّ تمتّع قربانی واجب است و در حجّ إفراد واجب نیست.

۳. «حجّ قِران» مانند حجّ افراد است با این تفاوت که در حجّ قِران، همراه آوردن قربانی لازم است. تفصیل مسائل اقسام حجّ را در مناسک مطالعه کنید.

واجبات حجّ تمتع:

واجبات حجّ تمتّع ۱۳ عمل است:

۱. احرام بستن در مکّه.

۲. وقوف در عرفات.

ص: ۷۰

۳. وقوف در مشعرالحرام.

۴. زدن سنگ بر جمره عقبه در روز عید.

۵. قربانی در منا.

۶. تراشیدن سر یا تقصیر کردن در منا.

۷. طواف زیارت در مکّه.

۸. دو رکعت نماز طواف.

۹. سعی بین صفا ومروه.

۱۰. طواف نساء.

۱۱. دو رکعت نماز طواف نساء.

۱۲. ماندن در منا شب یازدهم ودوازدهم (ودر بعضی موارد شب سیزدهم).

۱۳. رمی جمرات در روز یازدهم ودوازدهم.

ودعاهای وارده ضمن این اعمال از قرار زیر می باشد:

مستحبات إحرام حجّ تا وقوف به عرفات:

اموری که در احرام عمره مستحب بود در احرام حجّ نیز مستحب است، وپس از این که شخص احرام بست واز مکه بیرون آمد، همین که بر «أَبْطَح» مشرِف شد، به آواز بلند تلبیه

ص: ۷۱

گوید، وچون متوجّه منا شود بگوید:

«اللَّهُمَّ إِيَّاكَ أَرْجُو وَإِيَّاكَ أَدْعُو، فَبَلِّغْنِی أَمَلِی، وَأَصْلِحْ لِی «خداوندا! تنها بتو امیدوارم و فقط ترا می‌خوانم پس مرا به آرزویم برسان و عملم را عَمَلِی».

اصلاح فرما.»

و با وقار و دل آرام، و در حال گفتن سبحان اللَّه و ذکر حق‌تعالی حرکت کند، وچون به منا رسید بگوید:

«الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی أَقْدَمَنِیها صالِحاً فِی عافِیَهٍ وَبَلَّغَنِی هذَا «حمدمخصوص خدایی‌است‌که مرابه شایستگی وتندرستی به‌منا رساند و به‌این‌مکان الْمَکانَ».

وارد ساخت.»

پس بگوید:

«اللَّهُمَّ هذِهِ مِنًی وَهِیَ مِمَّا مَنَنْتَ بِهِ مِنَ الْمَناسِکِ، «خداوندا! اینک منا است که بر ما نسبت به توفیق انجام مناسک منّت نهادی فَأَسْأَلُکَ أنْ تَمُنَّ عَلَیَّ فِیها بِما مَنَنْتَ بِهِ عَلی أَوْلِیائِکَ، فَإِنَّما أَنَا پس از تو می‌خواهم که به آنچه که به پیامبرانت داده‌ای بر من نیز منّت نهی که من بنده تو و عَبْدُکَ وَفِی قَبْضَتِکَ».

در اختیار تو می‌باشم.»

ص: ۷۲

ومستحب است شب عرفه را در منا بوده، وبه اطاعت الهی مشغول باشد، وبهتر آن است که عبادات وخصوصاً نمازها را در مسجد خَیفْ بجا آورد، وچون نماز صبح را خواند تا طلوع آفتاب تعقیب نماز بخواند، پس به‌سوی عرفات روانه شود، واگر خواسته باشد بعد از طلوع صبح برود مانعی ندارد، ولی سنّت آن است که تا آفتاب طلوع نکرده از وادی مُحَسَّر رد نشود، وروانه شدن پیش از صبح مکروه است، وچون به عرفات متوجّه شود، این دعا را بخواند:

«اللَّهُمَّ إِلَيْكَ صَمَدْتُ، وَإِيَّاكَ اعْتَمَدْتُ، وَوَجْهَكَ أَرَدْتُ، «خداوندا! آهنگ ترا کرده‌ام و به تو اعتماد نموده‌ام، و تقرّب به ترا خواسته‌ام، أَسْأَلُكَ أَنْ تُبارِكَ لِي فِي رِحْلَتِي، وَأَنْ تَقْضِيَ لِي حاجَتِي، وَأَنْ و از تو می‌خواهم که سفرم را مبارک گردانی و حاجتم را برآورده سازی تَجْعَلَنِي مِمَّنْ تُباهِي بِهِ الْيَوْمَ مَنْ هُوَ أَفْضَلُ مِنِّي».

و مرا قرار دهی از جمله بهترین کسانی که به وجودشان مباهات می کنی.»

ص: ۷۳

مستحبات واعمال شب عرفه:

شب نهم ذی حجه که شب عرفه است در فضیلت و احیا و دعا وعبادت مانند روز عرفه است، و مستحب است که در آن شب این دعاها خوانده شود.

دعای شب عرفه:

«اللَّهُمَّ یا شاهِدَ کُلِّ نَجْوی وَمَوْضِعَ کُلِّ شَکْوی وَعالِمَ کُلِّ «خدایا ای آگاه هر راز و مرجع هر شکایت و دانای هر خَفِیَّةٍ، وَمُنْتَهی کُلِّ حاجَةٍ، یا مُبْتَدِئاً بِالنِّعَمِ عَلَی الْعِبادِ، یا کَرِیمَ پنهان و منتهای هر حاجت ای آغازنده نعمت‌ها بر بندگان ای بزرگ گذشت الْعَفْوِ، یا حَسَنَ التَّجاوُزِ، یا جَوادُ، یا مَنْ لا یُوارِی مِنْهُ لَیْلٌ داجٍ، ای نیکو درگذر ای بخشنده ای که نه شب تار چیزی را از تو پنهان کند وَلا بَحْرٌ عَجَّاجٌ، وَلا سَماءٌ ذاتُ أَبْراجٍ، وَلا ظُلَمٌ ذاتُ ارْتِتاجٍ، یا و نه دریای مواج و نه آسمان پرستاره و نه تاریکیهای پیچیده درهم ای مَنِ الظُّلْمَةُ عِنْدَهُ ضِیاءٌ، أَسْأَلُکَ بِنُورِ وَجْهِکَ الْکَرِیمِ، الَّذِی کسی که تاریکی در پیش او روشن است از تو خواهم به حق نور ذات بزرگوارت که

ص: ۷۴

تَجَلَّیْتَ بِهِ لِلْجَبَلِ، فَجَعَلْتَهُ دَکّاً وَخَرَّ مُوسی صَعِقاً، وَبِاسْمِکَ بدان وسیله بر کوه تجلی فرمودی و آنرا متلاشی کردی و موسی مدهوش بر زمین افتاد و به همان نامت الَّذِی رَفَعْتَ بِهِ السَّماواتِ بِلا عَمَدٍ، وَسَطَحْتَ بِهِ الْأَرْضَ عَلی که آسمانها را بدون ستون برافراشتی و زمین را بر روی آبی وَجْهِ ماءٍ جَمَدٍ، وَبِاسْمِکَ الْمَخْزُونِ الْمَکْنُونِ الْمَکْتُوبِ الطَّاهِرِ منجمد شده پهن کردی و بدان نام مکتوب و محفوظ و پاکت که الَّذِی إِذا دُعِیتَ بِهِ اجَبْتَ، وَإِذا سُئِلْتَ بِهِ أَعْطَیْتَ، وَبِاسْمِکَ هرگاه بدان ترا بخوانندت اجابت کنی و هرگاه بدان از تو خواهند عطافرمائی و به حق نام السُّبُّوحِ الْقُدُّوسِ الْبُرْهانِ الَّذِی هُوَ نُورٌ عَلی کُلِ نُورٍ، وَنُورٌ مِنْ منزه و مقدس و روشنت که آن نور است بر هر نوری و نور است نُورٍ، یُضِیءُ مِنْهُ کُلُّ نُورٍ، إِذا بَلَغَ الْأَرْضَ انْشَقَّتْ، وَإِذا بَلَغَ از نوری که روشنی گیرد از آن هر نور چون به زمین رسد شکافته شود و چون به السَّماواتِ فُتِحَتْ، وَإِذا بَلَغَ الْعَرْشَ اهْتَزَّ، وَبِاسْمِکَ الَّذِی تَرْتَعِدُ آسمانها رسد گشوده شود و چون به عرش رسد بلرزد و به حق آن نامت که بلرزد مِنْهُ فَرائِصُ مَلائِکَتِکَ، وَأَسْأَلُکَ بِحَقِّ جَبْرَئِیلَ وَمِیکائِیلَ از آن اندام فرشتگانت و از تو خواهم به حق جبرئیل و میکائیل وَاسْرافِیلَ، وَبِحَقِ مُحَمَّدٍ الْمُصْطَفی صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَعَلی و اسرافیل و به حق محمد مصطفی که درود خدا بر او و آلش و بر

ص: ۷۵

جَمِیعِ الْأَنْبِیاءِ وَجَمِیعِ الْمَلائِکَهِْ، وَبِالْاِسْمِ الَّذِی مَشی بِهِ الْخَضِرُ جمیع پیمبران و همه فرشتگان و به حق آن نامی که حضرت خضر بوسیله آن عَلی طَلَلِ الْماءِ کَما مَشی بِهِ عَلی جَدَدِ الْأَرْضِ، وَبِاسْمِکَ بر روی امواج آب دریا راه می‌رفت چنانچه بر روی زمین هموار راه می‌رفت و به حق آن نامت الَّذِی فَلَقْتَ بِهِ الْبَحْرَ لِمُوسی وَأَغْرَقْتَ فِرْعَونَ وَقَوْمَهُ، که شکافتی بدان دریا را برای موسی و غرق کردی فرعون و قوم او را وَأَنْجَیْتَ بِهِ مُوسَی بْنَ عِمْرانَ مِنْ و نجات دادی بدان موسی بن عمران و همراهانش را و به حق آن نامت که جانِبِ الطُّورِ الْأَیْمَنِ، فَاسْتَجَبْتَ لَهُ وَالْقَیْتَ موسی بن عمران بوسیله آن تو را خواند از جانب راست کوه طور و اجابتش کردی عَلَیْهِ مَحَبَّهًْ مِنْکَ، وَبِاسْمِکَ الَّذِی بِهِ أَحْیا عِیسَی بْنُ مَرْیَمَ و محبت خود را بر دلش انداختی و به حق آن نامت که عیسی بن الْمَوْتی وَتَکَلَّمَ فِی المَهْدِ صَبِیّاً، وَأَبْرَءَ الْأَکْمَهَ وَالْأَبْرَصَ مریم بوسیله‌اش مردگان را زنده کرد و در گهواره در زمان کودکی سخن گفت و کور مادرزاد و مبتلای به مرض‌برص را بِإِذْنِکَ، وَبِاسْمِکَ الَّذِی دَعاکَ بِهِ حَمَلَهُْ عَرْشِکَ وَجَبْرَئِیلُ به اذن تو شفا داد و بدان نامت که خواند بوسیله آن تو را حاملین عرشت و جبرئیل وَمِیکائِیلُ وَإِسْرافِیلُ، وَحَبِیبُکَ مُحَمَّدٌ صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ، و میکائیل و اسرافیل و حبیبت محمد صلی الله علیه و آله

ص: ۷۶

وَمَلائِکَتُکَ الْمُقَرَّبُونَ، وَأَنْبِیاؤُکَ الْمُرسَلُونَ، وَعِبادُکَ الصَّالِحُونَ و فرشتگان مقرب و پیمبران مرسلت و بندگان شایسته‌ات مِنْ أَهْلِ السَّماواتِ وَالْأَرَضِینَ، وَبِاسْمِکَ الَّذِی دَعاکَ بِهِ از اهل آسمانها و زمینها و بدان نامت که یونس تو را بدان نام خواند ذُوالنُّونِ إذْ ذَهَبَ مُغاضِباً فَظَنَّ أنْ لَنْ تَقْدِرَ عَلَیْهِ فِی در آن هنگام که خشمناک برفت و گمان داشت که بر او سخت نگیری پس ندا کرد فَنادی فِی الظُّلُماتِ أنْ لا إلهَ إلّا أَنْتَ سُبْحانَکَ إنِی کُنْتُ مِنَ الظّالِمِینَ، میان تاریکیها که معبودی جز تو نیست منزهی تو و براستی من از ستمکاران هستم فَاسْتَجَبْتَ لَهُ وَنَجَّیْتَهُ مِنَ الْغَمِّ، وَکَذلِکَ تُنْجِی الْمُؤْمِنِینَ، پس تو اجابتش کردی و از اندوه نجاتش دادی و این چنین نجات دهی مؤمنان را وَبِاسْمِکَ الْعَظِیمِ الَّذِی دَعاکَ بِهِ داوُدُ وَخَرَّ لَکَ ساجِداً، فَغَفَرْتَ و بدان نام عظیمت که داود بدان نام تو را خواند و برایت به سجده افتاد پس گناهش لَهُ ذَنْبَهُ، وَبِاسْمِکَ الَّذِی دَعَتْکَبِهِ آسِیَةُ امْرَأةُفِرْعَوْنَإذْ قالَتْ رَبِ آمرزیدی و بدان نامت که آسیه همسر فرعون بدان نام تو را خواند و گفت: پروردگارا ابْنِ لِی عِنْدَکَ بَیْتاً فِی الْجَنَّةِ وَنَجِّنِی مِنْ فِرْعَونَ وَعَمَلِهِ وَنَجِّنِی برای من نزد خود در بهشت خانه‌ای بنا کن و نجاتم ده از فرعون و کردارش و نجاتم ده مِنَ الْقَوْمِ الظّالِمِینَ، فَاسْتَجَبْتَ لَها دُعاءَها، وَبِاسْمِکَ الَّذِی از دست مردم ستمکار پس دعایش را اجابت کردی و بدان نامت که

ص: ۷۷

دَعـاکَ بِهِ أَیُّوبُ إِذْحَـلَّ بِهِ الْبَلاءُ، فَعـافَیْتَهُ وَآتَیْتَهُ أَهْلَهُ وَمِثْلَهُمْ ایوب تو را بـدان خوانـد در آن هنگام که بلا بر او نازل شـد پس او را تنـدرست کرده و کسـانش را بـه او دادی و نظائرشـان را مَعَهُمْ رَحْمَـةً مِنْ عِنْـدِکَ وَذِکْری لِلْعابِـدِینَ، وَبِاسْـمِکَ الَّذِی دَعـاکَ نیز از رحمت خویش و پندی برای پرسـتش‌کنندگان و بدان نامت که یعقوب بِهِ یَعْقُوبُ، فَرَدَدْتَ عَلَیْهِ بَصَـرَهُ وَقُرَّةَ عَیْنِهِ یُوسُفَ، وَجَمَعْتَ تو را بـدان نـام خوانـد پس بینـائیش را و نـور دیـده‌اش یوسف را به او بازگردانـدی و پریشـانیش را شَـمْلَهُ، وَبِاسْـمِکَ الَّذِی دَعـاکَ بِهِ سُلَیمانُ، فَوَهَبْتَ لَهُ مُلْکاً لا برطرف کردی و بدان نامت که سلیمان بدان تو را خواند پس بدو سلطنتی دادی که یَنْبَغِی لِأَحَدٍ مِنْ بَعْدِهِ، إِنَّکَ أَنْتَ الْوَهَّابُ، وَبِاسْـمِکَ الَّذِی شایسـته نبود برای هیچکس پس از او و براستی تو پربخششـی و بدان نامت که سَخَّرْتَ بِهِ الْبُراقَ لِمُحَمَّدٍ صَلَّی اللَّهُ عَلَیهِ وَآلِه، إِذْ قالَ براق را برای محمد صلی الله علیه و آله مسخر کردی آنجا که فرمودی:

تَعالی سُـبْحانَ الَّذِی اسْـری بِعَبْدِهِ لَیْلًا مِنَ الْمَسْـجِدِ الْحَرامِ «منزه است خدائی که راه برد بنده‌اش را شـبانه از مسجدالحرام إِلَی الْمَسْجِدِ الْأَقْصـی وَقَوْلُهُ: سُـبْحانَ الَّذِی سَخَّرَ لَنا هذا تا مسجد اقصی» و گفتار دیگرت: «منزه است خدائی که مسخر کرد برای ما این را وَما کُنَّا لَهُ مُقْرِنِینَ وَانَّا إِلی رَبِّنـا لَمُنْقَلِبُونَ، وَبِاسْـمِکَ الَّذِی وگرنه مـا نیروی تسـخیرش را نـداشتیم و مـا بسوی پروردگارمان باز می‌گردیم» و بدان نامت که

ص: ۷۸

تَنَزَّلَ بِهِ جَبْرَئِیلُ عَلی مُحَمَّدٍ صَلَّی‌اللَّهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ، وَباسْمِکَ الَّذِی نازل می‌شد بوسیله آن جبرئیل بر محمد صلی الله علیه و آله و بدان نامت که دَعاکَ بِهِ آدَمُ، فَغَفَرْتَ لَهُ ذَنْبَهُ وَاسْکَنْتَهُ جَنَّتَکَ، وأَسْأَلُکَ بِحَقِ خوانـد بـدان نـام تو را آدم پس گناهش آمرزیـدی و در بهشتت جایش دادی و از تو خواهم الْقُرْآنِ الْعَظِیم، وَبِحَقِ مُحَمَّدٍ خاتَم النَّبِیِّینَ، وَبِحَقِّ ابراهِیمَ به حق قرآن عظیم و به حق محمد خاتم پیمبران و به حق ابراهیم وَبِحَقِ فَصْلِکَ یَوْمَ الْقَضاءِ، وَبِحَقِ الْمَوازِینِ إِذا نُصِبَتْ، وَ و به حق جدا کردنت حق و باطل را در روز داوری و به حق میزانها هنگامی که نصب گردد الصُّحُفِ إِذا نُشِرَتْ، وَبِحَقِ الْقَلَم وَما جَری وَاللَّوْحِ وَما و نامه‌ها آنگاه که گشوده شود و به حق قلم و آنچه بنویسد و لوح و آنچه أَحْصی وَبِحَقِ الْإِسْمِ الَّذِی کَتَبْتَهُ عَلی سُرادِقِ الْعَرْشِ قَبْلَ بشمارد و به حق آن نامت که نوشتی آنرا بر سراپرده‌های عرش پیش خَلْقِکَ الْخَلْقَ وَالدُّنْیا وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ بِأَلْفَیْ عام، وَأَشْهَدُ أَنْ لا از آنکه خلق‌رابیافرینی و دنیا و خورشید و ماه را خلق فرمائی به دو هزارسال و گواهی دهم که معبودی إِلهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لا شَرِیکَ لَهُ، وَأَنَّ مُحَمَّداً عَبْدُهُ جز خدای یگانه نیست که شریکی ندارد و اینکه محمد بنده وَرَسُولُهُ، وأَسْأَلُکَ بِاسْمِکَ الْمَخْزُونِ فِی خَزائِنِکَ الَّذِی و رسول او است و از تو خواهم بدان نام محفوظ در خزینه‌هایت

ص: ۷۹

اسْتَأْثَرْتَ بِهِ فِی عِلْمِ الْغَیْبِ عِنْدَکَ، لَمْ یَظْهَرْ عَلَیْهِ أَحَدٌ مِنْ که مخصوص خود ساختی آنرا در علم غیب در نزد خویشتن و آگاه نشد بر آن هیچکس از خَلْقِکَ، لا مَلَکٌ مُقَرَّبٌ وَلا نَبِیٌّ مُرْسَلٌ وَلا عَبْدٌ مُصْطَفیً، خلق تو نه فرشته مقربی و نه پیامبر مرسلی و نه بنده برگزیده‌ای وَأَسْأَلُکَ بِاسْمِکَ الَّذِی شَقَقْتَ بِهِ الْبِحارَ، وَقامَتْ بِهِ الْجِبالُ، و از تو خواهم بدان نامت که شکافتی بدان دریاها را و برپا شد بدان کوهها وَاخْتَلَفَ بِهِ اللَّیْلُ وَالنَّهارُ، وَبِحَقِّ السَّبْعِ الْمَثانِی وَالْقُرْآنِ الْعَظِیمِ، و در رفت و آمد شد بدان شب و روز و به حق سوره مبارکه حمد و قرآن وَبِحَقِ الْکِرامِ الْکاتِبِینَ، وَبِحَقِّ «طا ها» وَ «یا سِین» وَ «کاف ها یا عظیم و به حق نویسندگان ارجمندت و به حق طه و یس و کهیعص عین صاد» وَ «حا میم عین سین قاف»، وَبِحَقِ تَوْراةِ مُوسی وَإِنْجِیلِ و حمعسق و به حق تورات موسی و انجیل عیسی و زبور داود عِیسی وَزَبُورِ داوُدَ، وَفُرْقانِ مُحَمَّدٍ، صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ وَعَلی و قرآن محمد که درود تو بر او و آلش و بر جمیع رسولان باد و به حق باهی جَمِیعِ الرُّسُلِ وَ بِآهِیّاً وَ شَراهِیّاً. اللَّهُمَّ إِنِی أَسْأَلُکَ بِحَقِ تِلْکَ الْمُناجاةِ و شراهی (که دو نام اعظم یا نام دو تن از بزرگان دین است) خدایا از تو خواهم به حق آن مناجاتی که میان تو الَّتِی کانَتْ بَیْنَکَ وَبَیْنَ مُوسَی بنِ عِمْرانَ فَوْقَ جَبَلِ طُورِ سَیْناءَ، و موسی بن عمران در بالای کوه طور سیناء گذشت و از تو خواهم به آن نامت

ص: ۸۰

و أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِی عَلَّمْتَهُ مَلَكَ الْمَوْتِ لِقَبْضِ الْأَرْواحِ، وأَسْأَلُكَ که آن را برای گرفتن جانها به ملك الموت یاد دادی و از تو خواهم بدان نامت که بِاسْمِكَ الَّذِی كُتِبَ عَلی وَرَقِ الزَّیْتُونِ، فَخَضَعَتِ النِیرانُ لِتِلْكَ نوشته شد به برگ زیتون و آتشها در مقابل آن نام فروتن گشت الوَرَقَةِ، فَقُلْتَ: یا نارُ كُونِی بَرْداً وَسَلاماً، وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ و فرمودی «ای آتش سرد و سلامت باش» و از تو خواهم بدان نامت که نوشتی آنرا الَّذِی كَتَبْتَهُ عَلی سُرادِقِ الْمَجْدِ وَالْكَرامَةِ، یامَنْ لایُحْفِیهِ سائِلٌ وَلا بر سراپرده‌های مجد و کرامت ای که درمانده‌اش نکند سائلی یَنْقُصُهُ نائِلٌ، یا مَنْ بِهِ یُسْتَغاثُ وَإِلَیْهِ یُلْجَا، أَسْأَلُكَ بِمَعاقِدِ الْعِزِّ و نکاهدش دادن جایزه‌ای، ای که به او استغاثه شود و به او پناه برند از توخواهم به حق آنچه موجب عزت مِنْ عَرْشِكَ، وَمُنْتَهَی الرَّحْمَةِ مِنْ كِتابِكَ، وَبِاسْمِكَ الْأَعْظَمِ، عرشت گشته و به آخرین حد نهائی رحمت از کتاب تو و به اسم اعظمت وَجَدِّكَ الْأَعْلی وَكَلِماتِكَ التَّامَّاتِ الْعُلی اللَّهُمَّ رَبَّ الرِّیاحِ و مقام والاترت و کلمات کامله و والایت خدایا ای پروردگار بادها وَما ذَرَتْ، وَالسَّماءِ وَما أَظَلَّتْ، وَالْأَرْضِ وَما أَقَلَّتْ، و آنچه پراکنده کنند و پروردگار آسمان و آنچه را سایه‌کند و پروردگار زمین و آنچه بر خود دارد و پروردگار شیاطین وَالشَّیاطِینِ وَما اضَلَّتْ، وَالْبِحارِ وَما جَرَتْ، وَبِحَقِ كُلِ حَقّ هُوَ و آنچه را گمراه کند و دریاها و آنچه را همراه برند و به حق هر حقی که بر تو است

ص: ۸۱

عَلَیْکَ حَقٌّ، وَبِحَقِ الْمَلائِکَهِ الْمُقَرَّبِینَ وَالرَّوْحانِیِّینَ وَالْکَرُّوبِیینَ و به حق فرشتگان مقربت و روحانیان و کروبیان و آنانکه تسبیحت کنند وَالْمُسَبِحِینَ لَکَ بِاللَّیْلِ وَالنَّهارِ لا یَفْتُرُونَ، وَبِحَقِ ابْراهِیمَ به شب و روز بی آنکه سستی کنند و به حق ابراهیم خلیل تو و به حق هر خَلِیلِکَ، وَبِحَقِ کُلِ وَلِیٍ یُنادِیکَ بَیْنَ الصَّفا وَالْمَرْوَهِ، ولی و دوستی که تو را در میان صفا و مروه صدا زند و دعایش را به اجابت رسانی ای وَتَسْتَجِیبُ لَهُ دُعاءَهُ یا مُجِیبُ، أَسْأَلُکَ بِحَقِ هذِهِ الْأَسْماءِ اجابت‌کننده از تو خواهم به حق این نامها و به این دعاها که بیامرزی آنچه از گناهان که وَبِهذِهِ الدَّعَواتِ أَنْ تَغْفِرَ لَنا ما قَدَّمْنا وَما اخَّرْنا وَما أَسْرَرْنا وَما از پیش داشته و از این‌پس داریم و آنچه پنهان‌کرده و آنچه را آشکارکردیم و آنچه را ظاهر کرده و آنچه را مخفی‌کردیم أَعْلَنَّا وَما أَبْدَیْنا وَما أَخْفَیْنا وَما أَنْتَ أَعْلَمُ بِهِ مِنَّا، إِنَّکَ عَلی کُلِ و آنچه را تو بدان آگاهتری از ما که براستی تو بر هر چیز توانائی به رحمتت ای شَیْءٍ قَدِیرٌ، بِرَحْمَتِکَ یا أَرْحَمَ الرَّاحِمِینَ، یا حافِظَ کُلِ غَرِیبٍ، مهربانترین مهربانان ای نگهدار هر غریب ای همدم هر تنها ای یا مُونِسَ کُلِ وَحِیدٍ، یا قُوَّهَ کُلِ ضَعِیفٍ، یا ناصِرَ کُلِ مَظْلُومٍ، یا نیروی هر ناتوان ای یاور هر ستمدیده ای روزی ده هر محروم ای رازِقَ کُلِ مَحْرُومٍ، یا مُونِسَ کُلِ مُسْتَوْحِشٍ، یا صاحِبَ کُلِّ مونس هر وحشت‌زده ای همراه هر مسافر ای تکیه‌گاه هر

ص: ۸۲

مُسافِرٍ، یا عِمادَ کُلِ حاضِرٍ، یا غافِرَ کُلِ ذَنْبٍ وَخَطِیئَهٍ، یا غِیاثَ حاضر در وطن ای آمرزنده هر گناه و خطا ای فریادرس فریادخواهان الْمُسْتَغِیثِینَ، یـا صَرِیخَ الْمُسْتَصْرِخِینَ، یـا کـاشِفَ کَرْبِ ای دادرس دادخواهـان ای برطرف‌کننـده محنت محنت‌زدگـان ای غمزدای الْمَکْرُوبِینَ، یا فارِجَ هَمِ الْمَهْمُومِینَ، یا بَدِیعَ السَّماواتِ غمزدگان ای فرج بخشاینده اندوهناکان ای پدیدآرنده آسـمانها وَالْأَرَضِینَ، یا مُنْتَهی غایَهِ الطّالِبِینَ، یا مُجِیبَ دَعْوَهِ و زمینها ای منتهای مقصود جویندگان ای اجابت‌کننده دعای الْمُضْطَرِّینَ، یا أَرْحَمَ الرّاحِمِینَ، یا رَبَّ الْعالَمِینَ، یا دَیّانَ یَوْمِ درمانـدگان ای مهربانترین مهربانان ای پروردگار جهانیان ای جزادهنده الدِّینِ، یا أَجْوَدَ الْأَجْوَدِینَ، یا أَکْرَمَ الْأَکْرَمِینَ، یا أَسْمَعَ روز جزا ای بخشنده‌ترین بخشندگان ای باکرمترین کریمان ای شـنواترین السّامِعِینَ، یا أَبْصَرَ النّاظِرِینَ، یا أَقْدَرَ الْقادِرِینَ، اغْفِرْ لِیَ شـنوایان ای بیناترین بینایان ای قادرترین الـذُّنُوبَ الَّتِی تُغَیرُ النِّعَمَ، وَاغْفِرْ لِیَ الـذُّنُوبَ الَّتِی تُورِثُ النَّدَمَ، قدرتمنـدان بیامرز از من آن گناهانی را که نعمتها را تغییر دهد و بیامرز از من گناهانی را وَاغْفِرْ لِیَ الذُّنُوبَ الَّتِی تُورِثُ السَّقَمَ، وَاغْفِرْ لِیَ الذُّنُوبَ الَّتِی که پشیمانی به بار آورد و بیامرز از من گناهانی را که موجب بیماریها گردد و بیامرز

ص: ۸۳

تَهْتِکُ الْعِصَمَ، وَاغْفِرْ لِیَ الـذُّنُوبَ الَّتِی تَرُدُّ الـدُّعاءَ، وَاغْفِرْ لِی از من گناهانی را که پرده‌ها بـدرد و بیامرز از من گناهانی را که دعا را باز الذُّنُوبَ الَّتِی تَحْبِسُ قَطْرَ السَّماءِ، وَاغْفِرْ لِیَ الذُّنُوبَ الَّتِی گرداند و بیامرز از من گناهانی را که باران را از آسمان جلوگیری کند و بیـامرز از مـن تُعَجِلُ الْفَنـاءَ، وَاغْفِرْ لِیَ الـذُّنُوبَ الَّتِی تَجْلِبُ الشَّقـاءَ، وَاغْفِرْ لِیَ گناهـانی را که شـتاب در نـابودی کنـد و بیـامرز از من گناهانی را الـذُّنُوبَ الَّتِی تُظْلِمُ الْهَواءَ، وَاغْفِرْ لِیَ الـذُّنُوبَ الَّتِی تَکْشِفُ که بدبختی آرد و بیامرز از من گناهانی که هوا را تاریک کند و بیامرز از من گناهانی را الْغِطاءَ، وَاغْفِرْ لِیَ الـذُّنُوبَ الَّتِی لا یَغْفِرُها غَیْرُکَ یا اللَّهُ، وَاحْمِلْ که پرده را بالا زند و بیامرز از من گناهانی را که جز تو کسـی آنها را نیامرزد عَنِّی کُلَّ تَبِعَهٍٔ لِأَحَـدٍ مِنْ خَلْقِکَ، وَاجْعَلْ لِی مِنْ أَمْرِی فَرَجاً ای خـدا و بردار از دوش من هر حقی که از یکی از خلق تو بر گردن من است و قرار ده برای من در وَمَخْرَجاً وَیُسْـراً، وَأَنْزِلْ یَقِینَکَ فِی صَـدْرِی، وَرَجاءَکَ فِی قَلْبِی، کارم گشـایش و آسـانی و وسـیله بیرون آمـدنی و فرود آر یقینت را در سـینه‌ام حَتّی لا أَرْجُوَ غَیْرَکَ. اللَّهُمَّ احْفَظْنِی، وَعافِنِی فِی مَقامِی، و امیـدت را در دلم تا امیـدی به کسـی جز تو نداشـته باشم خـدایا مرا حفظ کن وَاصْـحَبْنِی فِی لَیْلِی وَنَهارِی وَمِنْ بَیْنِ یَـدَیَّ وَمِنْ خَلْفِی وَعَنْ و عافیتم ده در جایگاهم و همراه من باش در شب و روزم و از پیش رو و

ص: ۸۴

یَمِینِی وَعَنْ شِمالِی وَمِنْ فَوْقِی وَمِنْ تَحْتِی، وَیَسِّرْ لِیَ السَّبِیلَ، پشت سرم و از راست و چپم و از بالای سر و زیر پایم وَأَحْسِنْ لِیَ التَّیْسِیرَ، وَلا تَخْذُلْنِی فِی الْعَسِیرِ، وَاهْدِنِی یا خَیْرَ و راه را بر من هموار کن و آسانی خوشی برایم پیش‌آور و در دشواریها خوارم مکن دَلِیلٍ، وَلا تَکِلْنِی إِلی نَفْسِی فِی الْأُمُورِ، وَلَقِّنِی کُلَّ سُرُورٍ، و راهنمائیم کن ای بهترین راهنما و در کارها مرا به خودم وامگذار و هر سرور و خوشحالی را وَاقْلِبْنِی إِلی أَهْلِی بِالْفَلاحِ وَالنَّجاحِ مَحْبُوراً فِی الْعاجِلِ به دلم انداز و بازگردان مرا بسوی خانواده‌ام به رستگاری و کامیابی وَالْآجِلِ، إِنَّکَ عَلی کُلِ شَیْءٍ قَدِیرٌ، وَارْزُقْنِی مِنْ فَضْلِکَ، و آراسته به شادکامی در دنیا و آخرت که براستی تو بر هر چیز توانائی و از فضل خویش وَأَوْسِعْ عَلَیَّ مِنْ طَیِباتِ رِزْقِکَ، وَاسْتَعْمِلْنِی فِی طاعَتِکَ، روزیم کن و فراخ گردان بر من از روزیهای پاکیزه‌ات و وادارم کن به انجام وَأَجِرْنِی مِنْ عَذابِکَ وَنارِکَ، وَاقْلِبْنِی إِذا تَوَفَّیْتَنِی إِلی جَنَّتِکَ طاعتت‌وپناهم‌ده از عذاب‌وآتش دوزخت و بگردانم به رحمت خود هنگامی‌که مرا از این‌جهان بیرون‌بری بِرَحْمَتِکَ. اللَّهُمَّ إِنِی أَعُوذُ بِکَ مِنْ زَوالِ نِعْمَتِکَ، وَمِنْ تَحْوِیلِ بسوی بهشتت خدایا به تو پناه برم از زوال نعمتت و از عافِیَتِکَ، وَمِنْ حُلُولِ نَقِمَتِکَ، وَمِنْ نُزُولِ عَذابِکَ، وَأَعُوذُ بِکَ تغییر یافتن عافیتت و از آمدن عقوبتت و از نازل شدن عذابت

ص: ۸۵

مِنْ جَهْدِ الْبَلاءِ، وَدَرَكِ الشَّقاءِ، وَمِنْ سُوءِ الْقَضاءِ وَشَماتَةِ و به تو پناه برم از سختی بلاء و گرفتاری و رسیدن بدبختی و از تقدیر بد الْأَعْداءِ، وَمِنْ شَرِ ما یَنْزِلُ مِنَ السَّماءِ، وَمِنْ شَرِ ما فِی الْکِتابِ و شماتت دشمنان و از شرّ آنچه از آسمان فرود آید و از شرّ آنچه الْمُنْزَلِ. اللَّهُمَّ لا تَجْعَلْنِی مِنَ الْأَشْرارِ، وَلا مِنْ أَصْحابِ النَّارِ، در کتاب منزل خود (قرآن) بیان فرموده‌ای خدایا مرا از اشرار و از اهل وَلا تَحْرِمْنِی صُحْبَةَ الْأَخْیارِ، وَأَحْیِنِی حَیاةً طَیِبَةً، وَتَوَفَّنِی وَفاةً دوزخ قرارم مده و از مصاحبت نیکان محرومم مفرما و به زندگی پاکیزه زنده‌ام بدار و به مرگ طَیِبَةً تُلْحِقُنِی بِالْأَبْرارِ، وَارْزُقْنِی مُرافَقَةَ الْأَنْبیاءِ فِی مَقْعَدِ صِدْقٍ پاکیزه‌ای بمیرانم که به نیکان ملحقم داری و رفاقت پیمبران را روزیم گردانی در جایگاه عِنْدَ مَلِیکٍ مُقْتَدِرٍ. اللَّهُمَّ لَکَ الْحَمْدُ عَلی حُسْنِ بَلائِکَ پسندیده نزد پادشاهی نیرومند خدایا از آن تو است ستایش بر خوش آزمایشی و خوش‌رفتاریت وَصُنْعِکَ، وَلَکَ الْحَمْدُ عَلَی الْإِسْلامِ، وَاتِباعِ السُّنَّةِ، یا رَبِ کَما و تو را است ستایش بر نعمت دین اسلام و پیروی طریقه (پیمبران) پروردگارا چنانچه هَدَیْتَهُمْ لِدِینِکَ، وَعَلَّمْتَهُمْ کِتابَکَ، فَاهْدِنا وَعَلِمْنا، وَلَکَ الْحَمْدُ آن پیمبران را به دین خود راهنمائی کردی و کتاب خود را به آنان یاد دادی ما را نیز هدایت‌کرده و یادمان ده و تو را است ستایش عَلی حُسْنِ بَلائِکَ، وَصُنْعِکَ عِنْدِی خاصَّةً، کَما خَلَقْتَنِی بر خصوص آزمایش و رفتار نیکت درباره شخص من که مرا آفریدی

ص: ۸۶

فَأَحْسَنْتَ خَلْقِی، وَعَلَّمْتَنِی فَأَحْسَنْتَ تَعْلِیمِی، وَهَدَیْتَنِی و خلقتم را نیکو کردی و یادم دادی و نیکو یاد دادی و هدایتم کردی فَأَحْسَنْتَ هِدایَتِی، فَلَکَ الْحَمْدُ عَلی إِنْعامِکَ عَلَیَّ قَدِیماً و نیکو هدایت کردی پس تو را است ستایش بر نعمت بخشیت نسبت به من از زمان قدیم وَحَدِیثاً، فَکَمْ مِنْ کَرْبٍ یا سَیِّدِی قَدْ فَرَّجْتَهُ، وَکَمْ مِنْ غَمّ یا و جدید پس چه بسیار محنتی که ای آقای من تو آن را گشودی و چه بسیار اندوهی که ای سَیِّدِی قَدْ نَفَّسْتَهُ، وَکَمْ مِنْ هَمّ یا سَیدِی قَدْ کَشَفْتَهُ، وَکَمْ مِنْ بَلاءٍ آقای من تو آن را زدودی و چه بسیار غم و غصه‌ای که ای آقای من تو آنرا برطرف کردی و چه بسیار بلا و گرفتاری یا سَیِّدِی قَدْ صَرَفْتَهُ، وَکَمْ مِنْ عَیْبٍ یا سَیدِی قَدْ سَتَرْتَهُ، فَلَکَ ای آقای‌من که تو آن را بازگردانـدی و چه‌بسیار عیبی‌ای‌آقای‌من که توآنراپوشانـدی پس‌تو راست الْحَمْدُ عَلی کُلِّ حالٍ فِی کُلِّ مَثْویً وَزَمانٍ، وَمُنْقَلَبٍ وَمَقامٍ، ستایش بر هر حال و در هر جا و هر زمان و هر منزل و هر مقام وَعَلی هـذِهِ الْحالِ وَکُلِّ حالٍ. اللّهُمَّ اجْعَلْنِی مِنْ أَفْضَلِ عِبادِکَ و بر این حال و هر حال خدایا قرار ده مرا از بهترین بندگانت نَصِیباً فِی هذَا الْیَوْمِ، مِنْ خَیْرٍ تَقْسِمُهُ، أَوْ ضُرّ تَکْشِفُهُ، أَوْ سُوءٍ در بهره‌منـدی این روز از هر خیری که قسمت کنی یا گرفتاری که برطرف کنی یا بـدی تَصْرِفُهُ، أَوْ بَلاءٍ تَدْفَعُهُ، أَوْ خَیْرٍ تَسُوقُهُ، أَوْ رَحْمَةٍ تَنْشُرُها، أَوْ که بازش گردانی یا بلائی که دفعش کنی یا خیری که بفرستی یا رحمتی که بگسترانی یا

ص: ۸۷

عافِيَةٍ تُلْبِسُها، فَإِنَّکَ عَلى كُلِّ شَىْءٍ قَدِيرٌ، وَبِيَدِکَ خَزائِنُ جامه تندرستی که بپوشانی که براستی تو بر هر چیز توانائی و خزینه‌های السَّماواتِ وَالْأَرْضِ، وَأَنْتَ الْواحِدُ الْكَرِيمُ الْمُعْطِى الَّذِى آسمانها و زمین بدست تو است و توئی خدای یگانه بزرگوار عطابخشی که لا يُرَدُّ سائِلُهُ، وَلا يُخَيَّبُ آمِلُهُ، وَلا يَنْقُصُ نائِلُهُ، وَلا يَنْفَدُ ما عِنْدَهُ، خواهنده‌اش دست خالی بازنگردد و آرزومندش ناامید نشود و عطاهایش نقصان نپذیرد بَلْ يَزْدادُ كَثْرَةً وَطِيباً وَعَطاءً وَجُوداً، وَارْزُقْنِي مِنْ خَزائِنِکَ الَّتِي و خزینه‌اش پایان ندارد بلکه همواره به زیادی و پاکیزگی و عطا و جودش بیفزاید و روزیم کن از خزینه‌هایت که لا تَفْنى وَمِنْ رَحْمَتِکَ الْواسِعَةِ، انَّ عَطاءَکَ لَمْ يَكُنْ مَحْظُوراً، فنا نپذیرد و از رحمت وسیعت که براستی عطای تو از کسی منع نشده وَأَنْتَ عَلى كُلِ شَىْءٍ قَدِيرٌ، بِرَحْمَتِکَ يا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ».

و تو بر هر چیز توانائی به رحمتت ای مهربانترین مهربانان.»

ونیز این دعا را که جمعی از بزرگان علما آن را، از جمله اعمال شب و روز جمعه وعرفه ذکر کرده اند بخوانند. دعا به نقل مرحوم کفعمی در مصباح این است:

«اللّهُمَّ مَنْ تَعَبَّأَ وَتَهَيَّأَ وَأَعَدَّ وَاسْتَعَدَّ لِوِفادَةٍ إِلى مَخْلُوقٍ، «خدایا هرکس مجهز و آماده و مهیا و مستعد برای ورود بر مخلوقی شده

ص: ۸۸

رَجاءَ رِفْدِهِ وَطَلَبَ نائِلِهِ وَجائِزَتِهِ، فَإِلَیکَ یارَبِ تَعْبِیَتِی به امید دهش و به جستجوی جایزه و بخشش او پس ای پروردگار من آمادگی وَاسْتِعْدادی، رَجاءَ عَفْوِکَ، وَطَلَبَ نائِلِکَ وَجائِزَتِکَ، فَلا تُخَیبْ و استعداد من بسوی تو است و آرزوی عفو تو و خواهش بخشش و جایزه‌ات را دارم پس دُعائِی، یا مَنْ لا یَخِیبُ عَلَیْهِ سائِلٌ وَلا یَنْقُصُهُ نائِلٌ، فَإِنِی نومیدم‌مکن ای کسی که هیچ‌خواهنده‌ای ناامید از درگاهش نرود و هیچ گیرنده عطایی از (کرمش) نکاهد و من به اعتماد لَمْ آتِکَ ثِقَهً بِعَمَلٍ صالِحٍ عَمِلْتُهُ، وَلا لِوِفادَهٍ إِلی مَخْلُوقٍ رَجَوْتُهُ، عمل‌صالحی که کرده‌باشم بدرگاهت نیامده و نه به مخلوقی واردشده‌ام که ازاو امیدی‌داشته‌باشم أَتَیْتُکَ مُقِرّاً عَلی نَفْسِی بِالْإِساءَهِ وَالظُّلْمِ، مُعْتَرِفاً بِأَنْ لا حُجَّهَ لِی بلکه بدرگاه تو آمده‌ام در حالیکه اقرار دارم که بخود بدی و ستم کرده و معترفم که هیچ دلیل وَلا عُذْرَ، أَتَیْتُکَ أَرْجُو عَظِیمَ عَفْوِکَ، الَّذِی عَفَوْتَ بِهِ عَنِ و عذری هم بر این بدی و ستم نداشته‌ام، آمده‌ام به امید آن عفو عظیم تو که بدان از الْخاطِئِینَ، فَلَمْ یَمْنَعْکَ طُولُ عُکُوفِهِمْ عَلی عَظِیمِ الْجُرْمِ، أَنْ خطاکاران درگذری و توقف طولانی آنها بر جرم بزرگ بازت نداشت از عُدْتَ عَلَیْهِمْ بِالرَّحْمَهِ، فَیا مَنْ رَحْمَتُهُ واسِعَهٌ وَعَفْوُهُ عَظِیمٌ، یا اینکه باز بدانها مهر ورزی ای کسی که رحمتش وسیع و گذشتش بزرگ است ای خدای بزرگ عَظِیمُ یا عَظِیمُ یا عَظِیمُ، لا یَرُدُّ غَضَبَکَ إِلّا حِلْمُکَ، وَلا یُنْجِی ای خدای بزرگ ای خدای بزرگ خشم تو را جز بردباریت جلوگیری نکند و از غضب

ص: ۸۹

مِنْ سَخَطِکَ إِلَّا التَّضَرُّعُ إِلَیْکَ، فَهَبْ لِی یا إِلهِی فَرَجاً بالقُدْرَهِٔ تو جز زاری به درگاهت چیزی نجات‌نبخشد پس ای‌معبود من بدان قدرتی که سرزمینهای مرده الَّتِی تُحْیِی بِها مَیْتَ الْبِلادِ، وَلا تُهْلِکْنِی غَمّاً حَتّی تَسْتَجِیبَ لِی، را بدان وسیله زنده می گردانی گشایشی برمن بخش و مرا به حال اندوه هلاکم مکن تا دعایم را مستجاب کنی وَتُعَرِّفَنِی الْإِجابَهَٔ فِی دُعائی، وَأَذِقْنِی طَعْمَ الْعافِیَهِٔ إِلی مُنْتَهی و اجابت دعایم را به من بنمایانی و طعم تندرستی را تا پایان عمر به أَجَلِی، وَلا تُشْمِتْ بِی عَدُوِّی، وَلا تُسَلِطْهُ عَلَیَّ، وَلا تُمَکِنْهُ مِنْ من بچشان و گرفتار شماتت دشمنم مکن و او را بر من مسلط مگردان و بر گردنم عُنُقِی. اللَّهُمَّ إِنْ وَضَعْتَنِی فَمَنْ ذَا الَّذِی یَرْفَعُنِی، وَإِنْ رَفَعْتَنِی سوارش منما خدایا اگر تو مرا پست کنی پس کیست که (بتواند) بلندم کند و اگر تو بلندم کنی فَمَنْ ذَا الَّذِی یَضَعُنِی، وَإِنْ أَهْلَکْتَنِی فَمَنْ ذَا الَّذِی یَعْرُضُ لَکَ پس کیست که (بتواند) پستم کند و اگر هلاکم کنی پس کیست که‌درباره این بنده‌ات متعرض توشود فِی عَبْدِکَ، أَوْ یَسْأَلُکَ عَنْ أَمْرِهِ، وَقَدْ عَلِمْتُ أَنَّهُ لَیْسَ فِی یا از وضع او از تو پرسش کند ولی بطور مسلم این را دانسته‌ام که در حُکْمِکَ ظُلْمٌ، وَلا فِی نَقِمَتِکَ عَجَلَهٌٔ، وَإِنَّما یَعْجَلُ مَنْ یَخافُ حکم تو ستمی نیست و نه در انتقام تو شتابی است زیرا کسی شتاب (در انتقام) کند که بترسد الْفَوْتَ، وَإِنَّما یَحْتاجُ إِلَی الظُّلْمِ الضَّعِیفُ، وَقَدْ تَعالَیْتَ یا إِلهِی (فرصت) از دست برود و شخص ناتوان نیازمند به ستم می‌باشد و درصورتی که ای معبود من

ص: ۹۰

عَنْ ذلِکَ عُلُوّاً کَبیراً. اللَّهُمَّ إِنِّی أَعُوذُ بِکَ فَأَعِذْنِی، وَاسْتَجِیرُ بِکَ تو از اینگونه مطالب بسیار برتر و بزرگتری خدایا به تو پناه آرم پس یاریم ده و از تو امان خواهم فَأَجِرْنِی، وَاسْتَرْزِقُکَ فَارْزُقْنِی، وَ أَتَوَکَّلُ عَلَیْکَ فَاکْفِنِی، پس امانم ده و از تو روزی طلبم پس روزیم ده و بر تو توکل کنم پس کفایتم فرما وَاسْتَنْصِرُکَ عَلی عَدُوِّی فَانْصُرْنِی، وَاسْتَعِینُ بِکَ فَأَعِنِی، و برای پیروزی بر دشمنم از تو یاری خواهم پس یاریم ده و از تو کمک خواهم پس کمکم ده وَاسْتَغْفِرُکَ یا إِلهِی فَاغْفِرْ لِی، آمِینَ آمِینَ آمِینَ».

و از تو آمرزش طلبم ای معبود من پس بیامرزم آمین، آمین، آمین.»

مستحبات وقوف به عرفات:

در هنگام وقوف در عرفات چند چیز مستحب است.

۱. با طهارت بودن.

۲. غسل نمودن وبهتر است نزدیک ظهر باشد.

۳. توجه قلبی به خدا، واز خود دور ساختن چیزهایی که موجب تفرقه حواس می‌شود.

۴. وقوف در طرف چپ جبل‌الرّحمه.

۵. وقوف در زمین هموار.

۶. خواندن نماز ظهر وعصر با یک اذان ودو اقامه.

۷. خواندن دعاهای وارده وتضرع به درگاه خداوند.

ادعیه وقوف به عرفات

وآنها بسیار است از جمله گفتن «اللَّهُ أَکْبَرُ» صد مرتبه، و «لا إِلهَ إِلَّا اللَّهُ» صد مرتبه، و «الْحَمْدُ لِلَّهِ» صد مرتبه، و «سُبْحانَ اللَّهِ» صد مرتبه، و «ما شاءَ اللَّهُ وَلا قُوَّةَ إِلّا بِاللَّهِ» صد مرتبه، و «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ» صد مرتبه.

نیز صد مرتبه بگوید:

«أَشْهَدُ أَنْ لا إِلهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لا شَرِیکَ لَهُ، لَه الْمُلْکُ وَلَهُ «گواهی می‌دهم که معبودی جز خدای یگانه بی‌همتا نیست، ملک هستی او را است و ستایش الْحَمْدُ، یُحْیِی وَیُمِیتُ، وَیُمِیتُ وَیُحْیِی، وَهُوَ حَیٌّ لا یَمُوتُ، ویژه او است، زنده می کند و می‌میراند، ومی‌میراند و زنده می کند، و او زنده فنا ناپذیر است، بِیَدِهِ الْخَیْرُ، وَهُوَ عَلی کُلِّ شَیْءٍ قَدِیرٌ».

خیر و نیکی به دست اوست و او بر هر چیز توانا است.»

هر کدام از سوره قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ و «آیهٔ الْکُرْسِی» و سوره إِنَّا أَنْزَلْناهُ فِی لَیْلَهِٔ الْقَدْرِ را صد مرتبه بخواند.

ومستحب است خواندن این دعا:

ص:۹۱

ص: ۹۲

«أَسْأَلُ اللَّهَ بِأَنَّهُ هُوَ اللَّهُ الَّذِی لا إِلهَ إِلّا هُوَ الْمَلِکُ الْقُدُّوسُ «ازخداوند مسألت می‌نمایم که او خدایی‌است که جز او معبودی نمی‌باشد، او ملک وقدّوس السَّلامُ الْمُؤْمِنُ الْمُهَیْمِنُ الْعَزِیزُ الْجَبَّارُ الْمُتَکَبِّرُ، سُبْحانَ اللَّهِ عَمَّا و سلام و مؤمن ومهیمن و عزیز و جبّار و متکبّر است، منزه است خداوند از آنچه به او یُشْرِکُونَ، هُوَ اللَّهُ الْخالِقُ الْبارِئُ الْمُصَوِّرُ لَهُ الْأَسْماءُ الْحُسْنی شرک‌می‌ورزند، او خدایی‌است آفریننده و پدید آورنده و صورت بخش، برای او نامهای نیکوست، یُسَبِّحُ لَهُ ما فِی السَّماواتِ وَالْأَرْضِ، وَهُوَ الْعَزِیْزُ الْحَکِیمُ».

آنچه در آسمانها و زمین است او را تسبیح می گوید و او عزیز و حکیم است.» پس بگو: «اللَّهُمَّ لَکَ الْحَمْدُ عَلی نَعْمائِکَ الَّتِی لا تُحصی «خداوندا تو را ستایش بر نعمتهایت که قابل شمارش نیست و با هیچ عملی بِعَدَدٍ، وَلا تُکافَأُ بِعَمَلٍ».

نمی‌توان از عهده شکر آنها بیرون شد.»

پس بخوان این دعا را:

«أَسْأَلُکَ یا اللَّهُ یا رَحْمانُ بِکُلِ اسْمٍ هُوَ لَکَ، وَأَسْأَلُکَ «از تو می‌خواهم ای خدای رحمان بحقّ هر اسمی که تو را است و از تو می‌خواهم بِقُوَّتِکَ وَقُدْرَتِکَ وَعِزَّتِکَ وَبجَمِیعِ ما أَحاطَ بِهِ عِلْمُکَ به نیرو و قدرت و عزت و به همه آنچه که علم تو به آن احاطه دارد

ص: ۹۳

وَبِأَرْکانِکَ کُلِها، وَبِحَقِّ رَسُولِکَ صَلَواتُ‌اللَّهِ‌عَلَیْهِ وَآلِهِ، وَبِاسْمِکَ و به ارکان هستی و به حقّ پیامبرت که درود تو بر او و بر آلش و به حق اسم الْأَکْبَرِ الْأَکْبَرِ، وَبِاسْمِکَ الْعَظِیمِ الَّذِی مَنْ دَعاکَ بِهِ کانَ بزرگ، بزرگ، و بزرگت و به حقّ نام عظیم تو که هر کس تو را به آن خواند حَقّاً عَلَیْکَ أنْ لا تُخَیبَهُ، وَبِاسْمِکَ الْأَعْظَمِ الْأَعْظَمِ بر توست که او را نومید نسازی و به نام بزرگ، بزرگ و بزرگت الَّذِی مَنْ دَعاکَ بِهِ کانَ حَقّاً عَلَیکَ أنْ لا تَرُدَّهُ، وأَنْ تُعْطِیَهُ ما که هر کس تو را به آن خوانـد بر تو است که او را نومید بازنگردانی و آنچه از تودرخواست‌نمود به او سَئَلَ، أنْ تَغْفِرَ لِی ذُنُوبِی فِی جَمِیعِ عِلْمِکَ فِیَّ»

عطافرمائی و بیامرزی همه گناهانم را که نسبت به من از آن آگاهی داری.»

و این دُعا را نیز بخوان:

«اللَّهُمَّ فُکَّنِی مِنَ النَّارِ، وَأَوْسِعْ عَلَیَّ مِنْ رِزْقِکَ الْحَلالِ «خداونـدا! مرا از آتش آزاد کن و از روزی حلال و پـاکیزه‌ات الطَّیِّبِ، وَادْرَأْ عَنِی شَرَّ فَسَقَةِ الْجِنِ وَالْإِنْسِ، وَشَرَّ فَسَقَةِ الْعَرَبِ بر من وسعت بخش و شرّ فاسقان جن و انس و شر فاسقان عرب و عجم را از من وَالْعَجَمِ»،

دور دار.» وبخواند این دُعا را:

ص: ۹۴

«اللَّهُمَّ إِنِی عَبْدُکَ، فَلا تَجْعَلْنِی مِنْ أَخْیَبِ «خداوندا! من بنده توام پس مرا از نومیدترین وارد شدگان وَفْدِکَ، وَارْحَمْ مَسِیرِی إِلَیْکَ مِنَ الْفَجِ الْعَمِیقِ. اللَّهُمَّ بر خویش قرار مده و به آمدنم از راه دور بسویت ترحم بخش، خداوندا! رَبَّ الْمَشاعِرِ کُلِها، فُکَّ رَقَبَتِی مِنَ النَّارِ، وَأَوْسِعْ عَلَیَّ مِنْ ای پروردگار تمام مشاعر حج مرا از آتش رهایی بخش و از روزی حلالت رِزْقِکَ الْحَلالِ، وَادْرَأْ عَنِی شَرَّ فَسَقَةِ الْجِنِ وَالْإِنْسِ. اللَّهُمَّ بر من وسعت ده و شر فاسقان جن و انس را از من دور دار، خداوندا! مرا لا تَمْکُرْ بِی، وَلا تَخْدَعْنِی، وَلا تَستَدْرِجْنِی. اللَّهُمَّ إِنِی أَسْأَلُکَ مجازات نکن و با دادن نعمتهای پیاپی مغرورم مساز، خداوندا! از تو می‌خواهم بِحَوْلِکَ وَجُودِکَ وَکَرَمِکَ وَمَنِکَ وَفَضْلِکَ، یا أَسْمَعَ السَّامِعِینَ، به قوّت و جود و کرم و فضل و نعمتت ای شنواترین شنوایان وَیا أَبْصَرَ النَّاظِرِینَ، وَیا أَسْرَعَ الْحاسِبِینَ، وَیا أَرْحَمَ الرَّاحِمِینَ، و ای بیناترین بینایان، و ای سریعترین محاسبه کنندگان و ای مهربانترین مهربانان أَنْ تُصَلِیَ عَلی مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ. (وَأَنْ تَرْزُقَنِی خَیْرَ الدُّنْیا که بر محمّد و خاندانش درود فرستی و خیر دنیا و آخرت را به من وَالْآخِرَةِ». روزی فرمایی.»

ص: ۹۵

پس حاجت خود را بخواهد، آنگاه دست به آسمان بردارد واین دُعا را بخواند:

اللّهُمَّ حاجَتِی إِلَیْکَ الَّتِی إنْ أَعْطَیْتَنِیها لَمْ یَضُرَّنِی ما مَنَعْتَنِی، خدایا حاجتم به‌سوی توست، اگر آن‌را عطاکنی دیگر هرچه‌را ازمن دریغ کنی زیانم‌نزندواگر وَالَّتِی إنْ مَنَعْتَنِیها لَمْ یَنْفَعْنِی ما أَعْطَیْتَنِی، أَسْأَلُکَ خَلاصَ رَقَبَتِی آن‌رااز‌من دریغ‌داری دیگرسودم ندهدهرچه به‌من عطاکنی ازتو می‌خواهم که‌ازآتش‌دوزخ رهایم‌سازی مِنَ النَّارِ، اللّهُمَّ إِنِی عَبْدُکَ، وَمِلْکُ یَدِکَ ناصِیَتِی بِیَدِکَ، وَأَجَلِی خداوندا! منم بنده تو و سرنوشتم به دست توست به مدت عمرم تو آگاهی بِعِلْمِکَ، أَسْأَلُکَ أنْ تُوَفِّقَنِی لِما یُرْضِیکَ عَنِی، وَأنْ تُسَلِمَ مِنِّی از تو می‌خواهم که مرا به موجبات خوشنودیت توفیق بخشی و مناسک مَناسِکِی الَّتِی ارَیْتَها خَلِیلَکَ ابراهِیمَ عَلَیْهِ السَّلامُ، وَدَلَلْتَ عَلَیْها حجم را که به خلیلت ابراهیم علیه السلام ارائه فرمودی و به پیامبرت نَبِیَّکَ مُحَمَّداً صَلَّی اللّهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ. اللّهُمَّ اجْعَلْنِی مِمَّنْ رَضِیتَ حضرت محمد صلی الله علیه و آله راهنمایی کردی سالم داری، خداوندا! مرا از کسانی قرار ده که از عملشان خوشنودی عَمَلَهُ، وَأَطَلْتَ عُمُرَهُ، وَأَحْیَیْتَهُ بَعْدَ الْمَوْتِ حَیاةً طَیِبَةً».

عمرشان را طولانی و زندگی پس از مرگشان را پاکیزه ساختی.» ونیز مُستحبّ است در روز عَرَفه هنگام غرُوب آفتاب این دُعا خوانده شود:

ص: ۹۶

«اللَّهُمَّ إِنِی أَعُوذُ بِکَ مِنَ الْفَقْرِ، وَمِنْ تَشَتُّتِ الْأَمْرِ، وَمِنْ شَرِّ ما یَحْدُثُ بِاللَّیْلِ وَالنَّهارِ، أَمْسى ظُلْمِی مُسْتَجِیراً بِعَفْوِکَ، وَأَمْسى خَوْفِی مُسْتَجِیراً بِأَمانِکَ، وَأَمْسى ذُلِی مُسْتَجِیراً بِعِزِّکَ، وَأَمْسى وَجْهِیَ الْفانِی مُسْتَجِیراً بِوَجْهِکَ الْباقِی، یا خَیْرَ مَنْ سُئِلَ، وَیا أَجْوَدَ مَنْ أَعْطى یا أَرْحَمَ مَنِ اسْتُرْحِمَ، جَلِلْنِی بِرَحْمَتِکَ، وَأَلْبِسْنِی عافِیَتَکَ، وَاصْرِفْ عَنِّی شَرَّ جَمِیعِ خَلْقِکَ وَارْزُقْنِی خَیْرَ الدُّنْیا وَالْآخِرَةِ» «خداوندا! به تو پناه می‌برم از ناداری و از آشفتگی کارها و از شر حوادث شب و روز، از ظلم خویش به عفو تو پناه می‌برم و از ترس و خوف به امان تو و از گناهانم به عزّت تو و از فنای خویش به ذات باقی تو ای بهترین کسی که از او سؤال کنند و ای بخشنده‌ترین بخشندگان و ای مهربانترین مهربانان گناهم را به رحمتت مستور دار و جامه عافیت را بر من بپوشان و شرّ همه آفریده‌هایت را از من بازگردان و خیر دنیا و آخرت را روزیم گردان.» ونیز مُستحبّ است بعد از غرُوب آفتاب این دُعا خوانده شود: «اللَّهُمَّ لا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ هذَا الْمَوْقِفِ، وَارْزُقْنِیهِ «خداوندا! این وقوفم را در این جایگاه، آخرین وقوف قرار مده، و تا زنده‌ام داری

ص: ۹۷

أَبَداً ما أَبْقَيْتَنِى، وَاقْلِبْنِى الْيَوْمَ مُفْلِحاً مُنْجِحاً مُسْتَجاباً بازگشت به اینجا را روزیم گردان و با رستگاری و دعای مستجاب بازم گردان لِى، مَرْحُوماً مَغْفُوراً لِى، بِأَفْضَلِ ما يَنْقَلِبُ بِهِ الْيَوْمَ أَحَدٌ مِنْ در حالی که مشمول مغفرت و رحمتت قرار گرفته باشم به بهترین صورتی که امروز فردی از واردشدگان وَفْدِكَ، وَحُجَّاجِ بَيْتِكَ الْحَرامِ، وَاجْعَلْنِى الْيَوْمَ مِنْ أَكْرَمِ وَفْدِكَ به درگاه خویش و حجاج بیت اللّه الحرامت را باز می‌گردانی، ومرا از گرامی‌ترین واردشدگان عَلَيْكَ، وَأَعْطِنِى أَفْضَلَ ما أَعْطَيْتَ أَحَداً مِنْهُمْ مِنَ الْخَيْرِ وَالْبَرَكَةِ بر خویش قرار ده و به من بهترین خیر، و برکت و رحمت وَالْعافِيَةِ وَالرَّحْمَةِ وَالرِّضوانِ وَالْمَغْفِرَةِ، وَبارِكْ لِى فِيما أَرْجِعُ و خوشنودی و آمرزش را که به یکی از آنان عطا می‌فرمایی عطا کن و به خانواده و إِلَيْهِ مِنْ أَهْلٍ أَوْ مالٍ أَوْ قَلِيلٍ أَوْ كَثِيرٍ، وَبارِكْ لَهُمْ فِيَّ». دارایی کم یا بسیارم برکت بخش.»

دعای امام حسین (ع) در روز عَرَفه

دعای امام حسین علیه السلام در روز عَرَفه:

«الْحَمْدُ للَّهِ الَّذِى لَيْسَ لِقَضائِهِ دافِعٌ، وَلا لِعَطائِهِ مانِعٌ، وَلا «ستایش خاص خدایی است که نیست برای قضا وحکمش جلوگیری‌و نه برای عطا و بخششش مانعی و نه كَصُنْعِهِ صُنْعُ صانِعٍ، وَهُوَ الْجَوادُ الْواسِعُ، فَطَرَ أَجْناسَ الْبَدائِعِ، مانند ساخته‌اش ساخته هیچ سازنده‌ای و اوست بخشنده وسعت‌ده که آفرید انواع گوناگون پدیده‌ها را

ص: ۹۸

وَأَتْقَنَ بِحِكْمَتِهِ‌الصَّنائِعَ، لا تَخْفى عَلَيْهِ الطَّلائِعُ، وَلا تَضيعُ‌عِنْدَهُ و به حکمت خویش محکم ساخت مصنوعات را و طلایه‌ها (ی عالم وجود) بر او مخفی نیست و امانتها در نزد او الْوَدائِعُ، جازِی‌كُلِ صانِعٍ، وَرائِشُ كُلِ قانِعٍ، وَراحِمُ كُلِ ضارِعٍ، ضایع‌نشود پاداش‌دهنده عمل هرسازنده و سامان‌دهنده زندگی هر قناعت پیشه و مهربان نسبت به هر نالان، وَ مُنْزِلُ الْمَنافِعِ، وَالْكِتابِ‌الْجامِعِ، بِالنُّورِالسَّاطِعِ، وَهُوَلِلدَّعَواتِ فرو فرستنده هر سود و بهره و آن کتاب جامع که فرستادش بوسیله نور آن نوردرخشان‌واواست که دعاهارا سامِعٌ، وَلِلْكُرُباتِ دافِعٌ، وَلِلدَّرَجاتِ رافِعٌ، وَلِلْجَبابِرَةِ قامِعٌ، شنواست و گرفتاریها را برطرف کند و درجات را بالا برد و گردنکشان‌را ریشه‌کن سازد پس فَلا إِلهَ غَيْرُهُ، وَلا شَيْءَ يَعْدِلُهُ، وَلَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ، وَهُوَالسَّمِيعُ معبودی جز او نیست و چیزی با او برابری نکند و چیزی همانندش نیست و او شنوا است الْبَصِيرُ، اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ، وَهُوَ عَلى كُلِ شَيْءٍ قَدِيرٌ. اللَّهُمَّ إِنِی و بینا و دقیق و آگاه و او بر هرچیز توانا است خدایا من أَرْغَبُ إِلَيْكَ، وَأَشْهَدُ بِالرُّبُوبِيَّةِ لَكَ، مُقِرّاً بِأَنَّكَ رَبِی، وَإِلَيْكَ بسوی تواشتیاق دارم و به پروردگاری تو گواهی دهم اقرار دارم به اینکه تو پروردگار منی و بسوی تو است مَرَدِ ی، ابْتَدَأْتَنِی بِنِعْمَتِكَ قَبْلَ أَنْ أَكُونَ شَيْئاً مَذْكُوراً، وَخَلَقْتَنِی بازگشت من آغاز کردی وجود مرا به رحمت خود پیش از آنکه باشم چیز قابل ذکری و مرا از مِنَ التُّرابِ، ثُمَّ أَسْكَنْتَنِی الْأَصْلابَ، آمِناً لِرَيْبِ الْمَنُونِ، خاک آفریدی آنگاه در میان صلبها جایم دادی و ایمنم ساختی از حوادث زمانه

ص: ۹۹

وَاخْتِلافِ الدُّهُورِ والسِّنِینَ، فَلَمْ أزَلْ ظاعِناً مِنْ صُلْبٍ إلی‌رَحِم، و تغییرات روزگار و سالها و همچنان همواره از صلبی به رحمی کوچ کردم فِی تَقادُم مِنَ الْأَیَّامِ الْماضِیَهِ، وَالْقُرُونِ الْخالِیَهِ، لَمْ تُخْرِجْنِی در ایام قدیم و گذشته و قرنهای پیشین و از روی مهر و رأفتی لِرَأْفَتِکَ بِی، وَلُطْفِکَ لِی، وَإحْسانِکَ إلَیَّ، فِی دَوْلَهِ أَئِمَّهِ الْکُفْرِ، که به من داشتی و احسانت نسبت به من مرا به جهان نیاوردی در دوران حکومت پیشوایان کفر الَّذِینَ نَقَضُواعَهْدَکَ، وَکَذَّبُوا رُسُلَکَ، لکِنَّکَ أَخْرَجْتَنِی رَأْفَهً مِنْکَ آنان‌که پیمان تو را شکستند و فرستادگانت را تکذیب کردند ولی درزمانی مرا بدنیاآوردی که رأفت و مهربانی وَ تَحَنُّناً عَلَیَّ لِلَّذِی سَبَقَ لِی مِنَ الْهُدی الَّذِی لَهُ یَسَّرْتَنِی، وَ فِیهِ أَنْشَأْتَنِی، تو بر من پیش از آن‌در علمت گذشته بود از هدایتی که اسبابش را برایم مهیا فرمودی و در آن مرا نشو و نما دادی وَ مِنْ قَبْلِ ذلِکَ رَؤُفْتَ بِی بِجَمِیلِ صُنْعِکَ، وَ سَوابِغِ نِعَمِکَ، فَابْتَدَعْتَ و پیش ازاین نیز به من مهر ورزیدی بوسیله رفتار نیکویت و نعمتهای شایانت که پدید آوردی خَلْقِی مِنْ مَنِیٍّ یُمْنی وَأَسْکَنْتَنِی فِی ظُلُماتٍ ثَلاثٍ، مِنْ بَیْنَ خلقتم را از منی ریخته شده و جایم دادی در سه پرده تاریکی (مشیمه و رحم و شکم) میان گوشت لَحْمٍ وَدَمٍ وَجِلْدٍ، لَمْ تُشْهِدْنِی خَلْقِی، وَلَمْ تَجْعَلْ لِی شَیْئاًمِنْ و خون و پوست و گواهم نساختی در خلقتم و واگذار نکردی به من چیزی از کار خودم را أَمْرِی، ثُمَّ أَخْرَجْتَنِی لِلَّذِی سَبَقَ لِی مِنَ الْهُدی إلَی الدُّنْیا تامّاً سَوِیّاً، سپس بیرونم آوردی بدانچه در علمت گذشته بود از هدایتم بسوی دنیا خلقتی تمام و درست

ص: ۱۰۰

وَحَفِظْتَنِی فِی الْمَهْدِ طِفْلًا صَبِیّاً، وَرَزَقْتَنِی مِنَ الْغِذاءِ لَبَناً مَرِیّاً، و در حال طفولیت و خردسالی در گهواره محافظتم کردی و روزیم دادی از غذاها شیری گوارا وَعَطَفْتَ عَلَیَّ قُلُوبَ الْحَواضِنِ، وَکَفَّلْتَنِی الْأُمَّهاتِ الرَّواحِمَ، و دل پرستاران را بر من مهربان کردی و عهده‌دار پرستاریم کردی مادران مهربان را وَکَلَأْتَنِی مِنْ طَوارِقِ الْجانِ، وَسَلَّمْتَنِی مِنَ الزِ یادَةِ وَالنُّقْصانِ، و از آسیب جنیان نگهداریم کردی و از زیادی و نقصان سالمم داشتی فَتَعالَیْتَ یا رَحِیمُ یا رَحْمانُ. حَتّی إِذَا اسْتَهْلَلْتُ ناطِقاً بِالْکَلامِ، پس برتری تو ای مهربان و ای بخشاینده تا آنگاه که لب به سخن گشودم أَتْمَمْتَ عَلَیَّ سَوابِغَ الْإِنْعامِ، وَرَبَّیْتَنِی زائِداً فِی کُلِ عام، حَتّی و تمام کردی بر من نعمتهای شایانت را و پرورشم دادی هرساله زیادتر از سال پیش تا آنگاه که إِذَا اکْتَمَلَتْ فِطْرَتِی، وَاعْتَدَلَتْ مِرَّتِی، أَوْجَبْتَ عَلَیَ حُجَّتَکَ، بِأَنْ خلقتم کامل شد و تاب و توانم به حد اعتدال رسید واجب کردی بر من حجت خود را بدین ترتیب أَلْهَمْتَنِی مَعْرِفَتَکَ، وَرَوَّعْتَنِی بِعَجائِبِ حِکْمَتِکَ، وَأَیْقَظْتَنِی لِما که معرفت‌خود را به من الهام‌فرمودی و بوسیله عجایب حکمتت به هراسم‌انداختی وبیدارم کردی بدانچه ذَرَأْتَ فِی سَمائِکَ وَأَرْضِکَ مِنْ بَدائِعِ خَلْقِکَ، وَنَبَّهْتَنِی آفریدی در آسمان و زمینت از پدیده‌های آفرینشت و آگاهم کردی لِشُکْرِکَ وَذِکْرِکَ، وَأَوجَبْتَ عَلَیَّ طاعَتَکَ وَعِبادَتَکَ، وَفَهَّمْتَنِی به سپاسگزاری و ذکر خودت و اطاعت و عبادتت را بر من واجب کردی و آنچه رسولانت

ص: ۱۰۱

ما جاءَتْ بِهِ رُسُلُکَ، وَیَسَّرْتَ لِی تَقَبُّلَ مَرْضاتِکَ، وَمَنَنْتَ عَلَیَّ آورده بودند به من فهماندی و پذیرفتن موجبات خوشنودیت را برایم آسان کردی فِی جَمِیعِ ذلِکَ بِعَونِکَ وَلُطْفِکَ. ثُمَّ إذْ خَلَقْتَنِی مِنْ حَرِّ الثَّری و در تمام‌اینها به یاری و لطف‌خودبرمن منت نهادی سپس به اینکه مرا از بهترین خاکهاآفریدی لَمْ تَرْضَ لِی یا إلهِی نِعْمَهً دُونَ أُخْری وَرَزَقْتَنِی مِنْ أَنْواعِ راضی‌نشدی ای‌معبود من که تنها از نعمتی برخوردارشوم و از دیگری منع گردم بلکه روزیم دادی از انواع الْمَعاشِ، وَصُنُوفِ الرِ یاشِ بِمَنِکَ الْعَظِیمِ الْأَعْظَمِ عَلَیَّ، (نعمتهای) زندگی و اقسام لوازم کامرانی و این بواسطه آن نعمت‌بخشی بزرگ و بزرگترت بود وَإِحْسانِکَ الْقَدِیمِ إِلَیَّ. حَتّی إذا أَتْمَمْتَ عَلَیَّ جَمِیعَ النِعَمِ، بر من و آن احسان دیرینه‌ات بود نسبت به من تا اینکه تمام نعمتها را بر من کامل کردی وَصَرَفْتَ عَنِی کُلَّ النِقَمِ، لَمْ یَمْنَعْکَ جَهْلِی وَجُرْأَتِی عَلَیْکَ أنْ و تمام رنجها و بلاها را از من دور ساختی باز هم نادانی و دلیری من بر تو جلوگیرت نشد دَلَلْتَنِی إِلی ما یُقَرِبُنِی إِلَیْکَ، وَوَفَّقْتَنِی لِما یُزْلِفُنِی لَدَیْکَ، فَإِنْ از اینکه راهنماییم کردی بدانچه مرا به تو نزدیک کند و موفقم داشتی بدانچه مرا به درگاهت مقرب سازد دَعَوْتُکَ أَجَبْتَنِی، وَإِنْ سَأَلْتُکَ أَعْطَیْتَنِی، وَإِنْ أَطَعْتُکَ شَکَرْتَنِی، که اگر بخوانمت پاسخم دهی و اگر بخواهم از تو به من عطا کنی و اگر اطاعتت کنم قدردانی کنی وَإِنْ شَکَرْتُکَ زِدْتَنِی، کُلُّ ذلِکَ إِکْمالٌ لِأَنْعُمِکَ عَلَیَّ، و اگر سپاسگزاریت کنم بر من بیفزایی و همه اینها برای کامل ساختن نعمتهای تو است بر من

ص: ۱۰۲

وَإِحْسانِكَ إِلَيَّ، فَسُبْحانَكَ سُبْحانَكَ، مِنْ مُبْدِئٍ مُعِيدٍ حَمِيدٍ و احسانی‌است که نسبت‌به‌من‌داری پس منزهی تو، منزه از آن‌رو که آغازنده نعمتی و باز گرداننده و ستوده مجیدٍ، تَقَدَّسَتْ أَسْماؤُكَ، وَعَظُمَتْ آلاؤُكَ، فَأَيُّ نِعَمِكَ یا و بزرگواری بسی پاکیزه است نامهای تو و بزرگ است نعمتهای تو پس‌ای معبود من کدامیک از نعمتهایت‌را إِلهِی أُحْصِی عَدَداًوَذِكْراً، أَمْ أَيُّ عَطاياكَ أَقُومُ بِهاشُكْراً، وَهِيَ بشماره درآورده و یاد کنم یا برای کدامیک از عطاهایت به سپاسگزاری اقدام کنم در صورتی که یا رَب أَكْثَرُ مِنْ أَنْ يُحْصِيَهَا الْعادّوُنَ، أَوْ يَبْلُغَ عِلْماً بِهَا آنها ای پروردگار من بیش از آن است که حسابگران بتوانند آنها را بشمارند یا دانش حافظان الْحافِظُونَ، ثُمَّ ما صَرَفْتَ وَدَرَأْتَ عَنِي اللَّهُمَّ مِنَ الضُرِ وَالضَّرَّاءِ بدانها رسد سپس ای خدا آنچه را از سختی و گرفتاری از من دور کرده و باز داشتی أَكْثَرُ مِمَّا ظَهَرَ لِي مِنَ الْعافِيَةِ وَالسَّرَّاءِ. فَأَنَا أَشْهَدُ یا إِلهِی بِحَقِیقَةِ بیشتر بوده از آنچه برایم آشکار شد از تندرستی و خوشی و من گواهی دهم خدایا به حقیقت إِيمانِي، وَعَقْدِ عَزَماتِ يَقِينِي، وَخالِصِ صَرِيحِ تَوْحِيدِي، ایمان خودم و بدانچه تصمیمات یقینم بدان بسته است و توحید خالص و بی‌شائبه خود وَباطِنِ مَكْنُونِ ضَمِيرِي، وَعَلائِقِ مَجارِي نُورِ بَصَرِي، وَأَسارِيرِ و درون سرپوشیده نهادم و رشته‌های دید نور چشمانم و خطوط صَفْحَةِ جَبِينِي، وَخُرْقِ مَسارِبِ نَفَسِي، وَخَذارِيفِ مارِنِ صفحه پیشانیم و مجاری تنفسم و پرده‌های نرمه

ص: ۱۰۳

عِرْنِینِی، وَمَسارِبِ صِماخِ سَمْعِی، وَما ضُمَّتْ وَأَطْبَقَتْ عَلَیْهِ بینیم و راههای پرده گوشم و آنچه بچسبد و روی هم قرار گیرد بر آن شَفَتایَ، وَحَرَکاتِ لَفْظِ لِسانِی، وَمَغْرَزِ حَنَکِ فَمِی وَفَکِی، دو لبم و حرکتهای تلفظ زبانم و محل پیوست کام (فک بالای) دهان و آروارهام وَمَنابِتِ أَضْراسِی، وَمَساغِ مَطْعَمِی وَمَشْرَبِی، وَحِمالَةِ أُمِ و محل بیرون آمدن دندانهایم و محل چشیدن خوراک و آشامیدنیهایم و رشته و عصب رَأْسِی، وَبُلُوغِ فارِغِ حَبائِلِ عُنُقِی. وَمَا اشْتَمَلَ عَلَیْهِ تامُورُ مغز سرم و لوله (حلق) متصل به رگهای گردنم و آنچه در برگرفته آن‌را قفسه صَدْرِی، وَحَمائِلِ حَبْلِ وَتِینِی، وَنِیاطِ حِجابِ قَلْبِی، وَأَفْلاذِ سینه‌ام و رشته‌های رگ قلبم و شاهرگ پرده دلم و پاره‌های گوشه حَواشِی کَبِدِی. وَما حَوَتْهُ شَراسِیفُ أَضْلاعِی، وَحِقاقُ و کنار جگرم و آنچه را در بردارد استخوانهای دنده‌هایم و سربندهای مَفاصِلِی، وَقَبْضُ عَوامِلِی، وَأَطرافُ أَنامِلِی وَلَحْمِی وَدَمِی، استخوانهایم و انقباض عضلات بدنم و اطراف سر انگشتانم و گوشتم و خونم وَشَعْرِی وَبَشَرِی، وَعَصَبِی وَقَصَبِی، وَعِظامِی وَمُخِی و موی بدنم و بشره پوستم و عصبم و ساقم و استخوانم و مغزم وَعُرُوقِی، وَجَمِیعُ جَوارِحِی، وَمَا انْتَسَجَ عَلی ذلِکَ أَیَّامَ و رگهایم و تمام اعضاء و جوارحم و آنچه بر اینها بافته شده از دوران

ص: ۱۰۴

رِضاعِی، وَما أَقَلَّتِ الْأَرْضُ مِنِی، وَنَوْمِی وَیقْظَتِی وَسُکُونِی، شیرخوارگی‌ام و آنچه را زمین از من بر خود گرفته و خوابم و بیداریم و آرمیدنم وَحَرَکاتِ رُکُوعِی وَسُجُودِی، أَنْ لَوْ حاوَلْتُ وَاجْتَهَدْتُ مَدَی و حرکتهای رکوع و سجود من (گواهی دهم) که اگر تصمیم بگیرم و بکوشم در طول الْأَعصارِ وَالْأَحْقابِ لَوْ عُمِرْتُها أَنْ أُؤَدیَ شُکْرَ واحِدَةٍ مِنْ قرون و اعصار بر فرض که چنین عمری بکنم و بخواهم شکر یکی از نعمتهای تو أَنْعُمِکَ مَا اسْتَطَعْتُ ذلِکَ، إلّا بِمَنِکَ، الْمُوجَبِ عَلَیَّ بِهِ شُکْرُکَ را بجا آورم نخواهم توانست جز به لطف خود که آن خود واجب کند بر من سپاسگزاریت را أَبَداً جَدِیداً، وَثَناءً طارِفاً عَتِیداً. أَجَلْ، وَلَوْ حَرَصْتُ أَنَا دوباره از نو و موجب ستایشی تازه و ریشه‌دار گردد آری و اگر حریص باشم من وَالْعادُّونَ مِنْ أَنامِکَ، أنْ نُحْصِیَ مَدی إنْعامِکَ، سالِفِهِ وَآنِفِهِ و حسابگران از مخلوقت که بخواهیم اندازه نعمت‌بخشیهای تو را از گذشته و آینده ما حَصَرْناهُ عَدَداً، وَلا أَحْصَیناهُ أَمَداً. هَیْهاتَ أَنّی ذلِکَ وَأَنْتَ به حساب درآوریم نتوانیم بشماره درآوریم و نه از نظر زمان و اندازه آنرا احصاء کنیم! هیهات! کجا چنین چیزی میسر است و تو الْمُخْبِرُ فِی کِتابِکَ النّاطِقِ، وَالنَّبَأِ الصّادِقِ: وَ إنْ تَعُدُّوا نِعْمَةَاللَّهِ خود در کتاب گویا و خبر راست و درستت خبر داده‌ای که «اگر بشمارید نعمت خدا را لا تُحْصُوها، صَدَقَ کِتابُکَ اللَّهُمَّ وَ نَبَؤُکَ، وَبَلَّغَتْ أَنْبِیاؤُکَ احصاء نتوانید کرد» خدایا کتاب تو و خبری که دادی راست است و رساندند پیمبران و رسولانت

ص: ۱۰۵

وَرُسُلُکَ، ما أَنْزَلْتَ عَلَيْهِمْ مِنْ وَحْيِکَ، وَشَرَعْتَ لَهُمْ وَبِهِمْ مِنْ هرچه را بر ایشان از وحی خویش فروفرستادی و آنچه را تشریع کردی برای آنها و بوسیله آنها دِینِکَ. غَيْرَ أَنِی یا إِلهِی أَشْهَدُ بِجُهْدِی وَجِدِی، وَمَبْلَغِ طاقَتِی از دین و آیین خود جز اینکه معبودا من گواهی دهم به سعی و کوشش و به اندازه رسائی طاقت وَوُسْعِی، وَأَقُولُ مُؤْمِناً مُوقِناً، الْحَمْدُ للَّهِ الَّذِی لَمْ يَتَّخِذْ وَلَداً و وسعم و از روی ایمان و یقین می‌گویم ستایش خدایی را سزاست که نگیرد فرزندی فَيَكُونَ مَوْرُوثاً، وَلَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِی الْمُلْكِ فَيُضادَّهُ فِيمَا تا از او ارث برند و نیست برایش شریکی در فرمانروایی تا با او ضدّیت کنند ابْتَدَعَ، وَلا وَلِیٌّ مِنَ الذُّلِ فَيُرْفِدَهُ فِيما صَنَعَ، فَسُبْحانَهُ سُبْحانَهُ، در آنچه‌پدیدآورد و نه نگهداری‌از خواری‌دارد تا کمکش کند در آنچه بوجودآورد پس‌منزه‌بادمنزه لَوْ كانَ فِيهِما آلِهَةٌ إِلَّا اللَّهُ لَفَسَدَتا وَتَفَطَّرَتا. سُبْحانَ اللَّهِ الْواحِدِ که اگر بود در آسمان و زمین خدایانی جز او هر دو تباه می‌شدند و از هم متلاشی می‌گشتند منزه است خدای یگانه الْأَحَدِ الصَّمَدِ الَّذِی لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ، وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُواً أَحَدٌ، یکتای بی‌نیازی که فرزند ندارد و فرزند کسی نیست و نیست برایش همتایی هیچکس، الْحَمْدُ للَّهِ حَمْداً يُعادِلُ حَمْدَ مَلآئِكَتِهِ الْمُقَرَّبِينَ، وَأَنْبِيائِهِ ستایش خدای را است ستایشی که برابر ستایش فرشتگان مقرب او و پیمبران الْمُرْسَلِينَ. وَصَلَّى اللَّهُ عَلى خِيَرَتِهِ مُحَمَّدٍ خاتَمِ النَّبِيينَ، وَآلِهِ مرسلش باشد و درود خدا بر بهترین خلقش محمد خاتم پیمبران و آل

ص: ۱۰۶

الطَّيِبِينَ الطَّاهِرِينَ الْمُخْلَصِينَ».

پاك و پاكيزه و خالص او باد و سلام.»

آنگاه حضـرت شـروع كرد به درخواست از پيشـگاه خداوند متعال و سعى و اهتمام نمود در دعا و اشك از ديدگان مباركش جارى بود، پس گفت:

«اللَّهُمَّ اجْعَلْنِى أَخْشاكَ كَأَنِى أراكَ، وَأَسْعِدْنِى بِتَقْواكَ، «خدايا چنانم ترسان خودت كن كه گويا مى‌بينمت و به‌پرهيزكارى ازخويش‌خوشبختم گردان و به وَلا تُشْقِنِى بِمَعْصِيَتِكَ، وَخِرْ لِى فِى قَضائِكَ، وَبارِكْ لِى فِى واسطه نافرمانيت بدبختم مكن و در تعيين سرنوشت خير برايم مقدر كن و مقدراتت را برايم قَدَرِكَ، حَتّى لا أُحِبَّ تَعْجِيلَ ماأَخَّرْتَ، وَلا تَأْخِيرَ ما عَجَّلْتَ. مباركِ گردان تاچنان‌نباشم كه تعجيل آنچه را تو پس انداخته‌اى بخواهم و نه تأخير آنچه را تو پيش انداخته‌اى اللَّهُمَّ اجْعَلْ غِناىَ فِى‌نَفْسِى، وَالْيَقِينَ فِى‌قَلْبِى، وَالْإِخْلاصَ فِى خدايا قرار ده بى‌نيازى در نفس من و يقين در دلم و اخلاص در عَمَلِى، وَالنُّورَ فِى بَصَرِى، وَالْبَصِيرَةَ فِى دِينِى، وَمَتِعْنِى كردارم و روشنى در ديده‌ام و بينايى در دينم و مرا از اعضا و بِجَوارِحِى، وَاجْعَلْ سَمْعِى وَبَصَرِىَ الْوارِثَيْنِ مِنِى، وَانْصُرْنِى جوارحم‌بهره‌مند كن و گوش وچشم‌مرا وارث‌من گردان (كه تا دم مرگ بسلامت باشند) و ياريم‌ده

ص: ۱۰۷

عَلی مَنْ ظَلَمَنِی، وَأَرِنِی فِیهِ ثارِی وَمَآرِبِی، وَأَقِرَّ بِذلِکَ عَیْنِی.

بر آنکس که به من ستم کرده و انتقام‌گیری مرا و آرزویم را دربـاره‌اش به من بنمایان و دیده‌ام را در این‌باره روشن کن اللّٰهُمَّ اکْشِفْ کُرْبَتِی، وَاسْتُرْ عَوْرَتِی، وَاغْفِرْ لِی‌خَطِیئَتِی، وَاخْسَأْ خدایا محنتم را برطرف کن و زشتیهایم بپوشان و خطایم بیامرز و شیطان و اهریمنم را شَیْطانِی، وَفُکَّ رِهانِی، وَاجْعَلْ لِی یا إِلهِی الدَّرَجَةَ الْعُلْیا فِی از من بران و ذمه‌ام را از گرو برَهان و قرار ده خدایا برای من درجه والا الْآخِرَةِ وَالْأُولی اللَّهُمَّ لَکَ الْحَمْدُ کَما خَلَقْتَنِی فَجَعَلْتَنِی سَمِیعاً در آخرت و در دنیا خدایا حمد تو را است که مرا آفریدی و شنوا بَصِیراً، وَلَکَ الْحَمْدُ کَما خَلَقْتَنِی فَجَعَلْتَنِی خَلْقاً سَوِیّاً رَحْمَةً و بینا قرارم دادی و ستایش تو را است که مرا آفریدی و از روی مهری که به من داشتی خلقتم را نیکو آراستی بِی، وَقَدْ کُنْتَ عَنْ خَلْقِی غَنِیّاً، رَبِ بِمابَرَأْتَنِی فَعَدَّلْتَ فِطْرَتِی، درصورتیکه تو از خلقت من بی‌نیاز بودی پروردگارا آنطور که مرا پدیدآوردی در خلقتم اعتدال بکار بردی رَبِ بِما أَنْشَأْتَنِی فَأَحْسَنْتَ صُورَتِی، رَبِ بِما أَحْسَنْتَ‌إِلَیَّ وَفِی پروردگارا آنطور که بوجودم آوردی صورتم را نیکو کردی پروردگارا آنطور که به من احسان کردی نَفْسِی عافَیْتَنِی، رَبِ بِما کَلَأْتَنِی وَ وَفَّقْتَنِی، رَبِ بِما أَنْعَمْت عَلَیَّ و عافیتم دادی پروردگارا آنچنانکه مرا محافظت‌کردی و موفقم داشتی پروردگارا آنچنانکه بر من انعام کرده فَهَدَیْتَنِی، رَبِ بِما أَوْلَیْتَنِی وَمِنْ کُلِ خَیْرٍ أَعْطَیْتَنِی، رَبِ بِما و هدایتم فرمودی پروردگارا چنانچه مرا مورد احسان قرار داده و از هر خیری به من عطا کردی پروردگارا آنچنانکه

ص: ۱۰۸

أَطْعَمْتَنِی وَسَقَیْتَنِی، رَبِ بِما أَغْنَیْتَنِی وَأَقْنَیْتَنِی، رَبِ بِما أَعَنْتَنِی مرا خوراندی و نوشاندی پروردگارا آنچنانکه بی‌نیازم کردی و سرمایه‌ام دادی پروردگارا آنچنانکه کمکم دادی وَأَعْزَزْتَنِی، رَبِ بِما أَلْبَسْتَنِی مِنْ سِتْرِکَ الصَّافِی، وَیَسَّرْتَ لِی و عزتم بخشیدی، پروردگارا! آنچنانکه مرا از خلعت باصفایت پوشاندی و از مصنوعاتت به مِنْ صُنْعِکَ الْکافِی، صَلِ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَعِنِی عَلی حد کافی در اختیارم گذاردی درود فرست بر محمد و آل محمد و کمکم ده بَوائِقِ الدُّهُورِ، وَصُرُوفِ اللَّیالِی وَالْأَیَّامِ، وَنَجِنِی مِنْ أَهْوالِ بر پیش‌آمدهای ناگوار روزگار و کشمکشهای شبها و روزها و از هراسهای الدُّنْیا وَکُرُباتِ الْآخِرَهِٔ، وَاکْفِنِی شَرَّ ما یَعْمَلُ الظَّالِمُونَ فِی دنیا و اندوههای آخرت نجاتم ده و از شر آنچه ستمگران در زمین الْأَرْضِ. اللَّهُمَّ ما أَخافُ فَاکْفِنِی، وَما أَحْذَرُ فَقِنِی، وَفِی نَفْسِی انجام دهند کفایتم فرما، خدایا! از آنچه می‌ترسم کفایتم کن و از آنچه برحذرم نگاهم‌دار و خودمو وَدِینِی فَاحْرُسْنِی، وَفِی سَفَرِی فَاحْفَظْنِی، وَفِی أَهْلِی وَمالِی دینم را حفظ کن و در سفر محافظتم کن و در خانواده و مالم فَاخْلُفْنِی، وَفِی ما رَزَقْتَنِی فَبارِکْ لِی، وَفِی نَفْسِی فَذَلِلْنِی، وَفِی جانشین من باش و در آنچه روزیم کرده ای برکت ده و مرا در پیش خودم خوار کن و در أَعْیُنِ النَّاسِ فَعَظِمْنِی، وَمِنْ شَرِ الْجِنِ وَالْإِنْسِ فَسَلِمْنِی، چشم مردم بزرگم کن و از شر جن و انس بسلامتم بدار

ص: ۱۰۹

وَبِذُ نُوبِی فَلا تَفْضَحْنِی وَبِسَرِیرَتِی فَلا تُخْزِنِی، وَبِعَمَلِی فَلا و به گناهان رسوایم مکن و به اندیشه‌های باطنم سرافکنده‌ام مکن و به کردارم تَبْتَلِنِی، وَنِعَمِکَ فَلا تَسْلُبْنِی، وَإِلی غَیْرِکَ فَلا تَکِلْنِی، إِلهِی إِلی دچارم مساز و نعمتهایت را از من مگیر و بجز خودت به دیگری واگذارم مکن خدایا مَنْ تَکِلُنِی، إِلی قَرِیبٍ فَیَقْطَعُنِی، أَمْ إِلی بَعِیدٍ فَیَتَجَهَّمُنِی، أَمْإِلَی به که واگذارم می کنی آیا به خویشاوندی که از من بِبُرَد یا بیگانه‌ای که مرا از خود دور کند یا به کسانی که الْمُسْتَضْعَفِینَ لِی، وَأَنْتَ رَبِیوَمَلِیکُ أَمْرِی، أَشْکُو إِلَیْکَغُرْبَتِی، خوارم شمرند و تویی پروردگار من و زمامدار کار من بسوی تو شکایت آرم از غربت خود وَبُعْدَ دارِی، وَهَوانِی عَلی مَنْ مَلَّکْتَهُ أَمْرِی. إِلهِی فَلا تُحْلِلْ و دوری خانه‌ام و خواریم نزد کسی‌که زمامدار کار من کردی خدایا پس خشم خود را عَلَیَّ غَضَبَکَ، فَإِنْ لَمْ تَکُنْ غَضِبْتَ عَلَیَّ فَلا أُبالِی سِواکَ، بر من مبار و اگر بر من خشم نکرده باشی باکی ندارم سُبْحانَکَ غَیْرَ أَنَّ عافِیَتَکَ أَوْسَعُ لِی، فَأَسْأَ لُکَ یا رَب بِنُورِ- منزهی تو- جز اینکه در عین حال عافیت تو وسیعتر است برای من پس از تو خواهم پروردگارا به نور وَجْهِکَ الَّذِی أَشْرَقَتْ لَهُ الْأَرْضُ وَالسَّماواتُ، وَکُشِفَتْ بِهِ ذاتت که روشن شد بدان زمین و آسمانها و برطرف شد بدان الظُّلُماتُ، وَصَلُحَ بِهِ أَمْرُ الْأَوَّلِینَ وَالْآخِرِینَ، أنْ لا تُمِیتَنِی عَلی تاریکیها و اصلاح شد بدان کار اولین و آخرین که مرا بر حال غضب خویش

ص: ۱۱۰

غَضَبِکَ، وَلاـ تُنْزِلْ بِی سَخَطَکَ، لَکَ الْعُتْبی حَتّی نمیرانی و خشمت را بر من نازل مفرمایی مؤاخذه و بازخواست حق تو است تا گاهی که تَرْضی قَبْلَ ذلِکَ. لا إلهَ إلّا أَنْتَ، رَبَّ الْبَلَدِ الْحَرامِ وَالْمَشْعَرِ پیش از آن راضی شوی معبودی جز تو نیست که پروردگار شهر محترم و مشعر الْحَرامِ، وَالْبَیْتِ الْعَتِیقِ، الَّذِی أَحْلَلْتَهُ الْبَرَکَةَ، وَجَعَلْتَهُ لِلنّاسِ الحرام و خانه کعبه‌ای آن خانه‌ای که برکت را بدان نازل کردی و آنرا برای مردمان أَمْناً، یا مَنْ عَفا عَنْ عَظِیمِ الذُّنُوبِ بِحِلْمِهِ، یا مَنْ أَسْبَغَ النَّعْماءَ خانه امنی قرار دادی ای کسی که از گناهان بزرگ به بردباری خود درگذری ای که نعمتها را به فضل خود بِفَضْلِهِ، یا مَنْ أَعْطَی الْجَزِیلَ بِکَرَمِهِ، یا عُدَّتِی فِی شِدَّتِی، یا فراوان گردانی ای که عطایای شایان را به کرم خود بدهی ای ذخیره‌ام در سختی صاحِبِی فِی وَحْدَتِی، یا غِیاثِی فِی کُرْبَتِی، یا وَلِیِی فِی نِعْمَتِی، ای رفیق و همدمم در تنهایی ای فریادرس من در گرفتاری ای ولی من در نعمتم یا إلهِی وَ إلهَ آبائِی إبْراهِیمَ وَ إسْماعِیلَ وَ إسْحاقَ وَ یَعْقُوبَ، وَرَبَّ ای معبود من و معبود پدرانم ابراهیم و اسمعیل و (معبود) اسحاق و یعقوب و پروردگار جَبْرَئِیلَ وَمِیکائِیلَ وَإسْرافِیلَ، وَربَّ مُحَمَّدٍ خاتَمِ النَّبِیینَ وَآلِهِ جبرئیل و میکائیل و اسرافیل و پروردگار محمد خاتم پیمبران و آل الْمُنْتَجَبِینَ، وَمُنْزِلَ التَّوْراةِ وَالْإنْجِیلِ، وَالزَّبُورِ وَالْفُرْقانِ، وَمُنَزِلَ برگزیده‌اش و فروفرستنده تورات و انجیل و زبور و قرآن و نازل‌کننده

ص: ۱۱۱

کهیعص، وَطه وَیس، وَالْقُرْآنِ الْحَکِیم، أَنْتَ کَهْفِی حِینَ تُعِیِینِی کهیعص و طه و «یس و قرآن حکمت آموز» تویی پناه من هنگامی که درمانده‌ام الْمَذاهِبُ فِی سَعَتِها، وَتَضِیقُ بِیَ الْأَرْضُ بِرُحْبِها، وَلَوْلا کنند راهها با همه وسعتی که دارند و زمین بر من تنگ گیرد با همه پهناوریش و اگر نبود رَحْمَتُکَ لَکُنْتُ مِنَ الْهالِکِینَ، وَأَنْتَ مُقِیلُ عَثْرَتِی، وَلَوْلا سَتْرُکَ رحمت تو بطور حتم من هلاک شده بودم و تویی نادیده‌گیر لغزشم و اگر پرده‌پوشی تو نبود إِیَّایَ لَکُنْتُ مِنَ الْمَفْضُوحِینَ، وَأَنْتَ مُؤَیِدِی بِالنَّصْرِ عَلی مسلماً من از رسواشدگان بودم و تویی که به‌یاری خود مرا بر أَعْدائِی، وَلَوْلا نَصْرُکَ إِیَّایَ لَکُنْتُ مِنَ الْمَغْلُوبِینَ. یا مَنْ خَصَّ دشمنانم یاری دهی و اگر نبود یاری تو من مغلوب شده بودم ای که مخصوص کرده نَفْسَهُ بِالْسُّمُوِ وَالرِفْعَهِْ، فَأَوْلِیاؤُهُ بِعِزِهِ یَعْتَزُّونَ، یا مَنْ جَعَلَتْ لَهُ خود را به بلندی و برتری و دوستانش بوسیله عزت او عزت یابند ای که الْمُلُوکُ نِیرَ الْمَذَلَّهِْ عَلی أَعْناقِهِمْ، فَهُمْ مِنْ سَطَواتِهِ خائِفُونَ، پادشاهان در برابرش طوق خواری به گردن گذارند و آنها از سَطَوَتَش ترسانند یَعْلَمُ خائِنَهَْ الْأَعْیُنِ وَما تُخْفِی الصُّدُورُ، وَغَیْبَ ما تَأْتِی بِهِ می‌داند حرکت (یا خیانت) چشمها و آنچه را سینه‌ها پنهان کنند و حوادثی که در کمون الْأَزْمِنَهُْ وَالدُّهُورُ، یا مَنْ لا یَعْلَمُ کَیْفَ هُوَ إِلَّا هُوَ، یا مَنْ لا یَعْلَمُ زمانها و روزگارها است ای که نداند چگونگی او را جز خود او ای که نداند

ص: ۱۱۲

ما هُوَ إِلّا هُوَ، یامَنْ لا یَعْلَمُ ما یَعْلَمُهُ إِلّا هُوَ، یا مَنْ کَبَسَ الْأَرْضَ عَلَی چیست او جز او ای که ندانـد او را جز خود او ای که زمین را بر الْماءِ، وَسَدَّ الْهَواءَ بِالسَّماءِ، یا مَنْ لَهُ أَکْرَمُ الْأَسْماءِ، یا ذَا آب فرو بُردی و هوا را به آسمان بستی ای که گرامی‌ترین نامها از او است ای دارنـده الْمَعْرُوفِ الَّذِی لا یَنْقَطِعُ أَبَداً، یـا مُقَیِضَ الرَّکْبِ لِیُوسُفَ فِی احسـانی که هرگز قطع نشود ای گمارنـده کـاروان برای نجات یوسـف الْبَلَدِ الْقَفْرِ، وَمُخْرِجَهُ مِنَ الْجُبِ وَجاعِلَهُ بَعْدَ الْعُبُودِیَّهٔ مَلِکـاً، یـا در آن جـای بی‌آب و علـف و بیرون آورنـده‌اش از چـاه و رساننـده‌اش به‌پادشـاهی پس از بنـدگی‌ای که رآدَّهُ عَلی یَعْقُوبَ بَعْدَ أَن ابْیَضَّتْ عَیْناهُ مِنَ الْحُزْنِ فَهُوَ کَظِیمٌ، یـا او را برگردانـدی به یعقـوب پس از آنکه دیـدگانش از انـدوه سـفید شـده بود و آکنـده از غم بود ای کـاشِفَ الضُّرِ وَالْبَلْوی عَنْ أَیُّوبَ، وَمُمْسِکَ یَدَیْ إِبْراهِیمَ عَنْ برطرف کننـده سـختی و گرفتاری از ایوب و ای نگهدارنـده دسـتهای ابراهیم از ذَبْحِ ابْنِهِ بَعْدَ کِبَرِ سِنِهِ، وَفَناءِ عُمُرِهِ، یا مَنِ اسْتَجابَ لِزَکَرِیَّا ذبح پسرش پس از سن پیری و بسرآمدن عمرش ای که دعای زکریا را به اجابت رساندی فَوَهَبَ لَهُ یَحْیی وَلَمْ یَدَعْهُ فَرْداً وَحِیداً، یامَنْ أَخْرَجَ یُونُسَ مِنْ و یحیی را به او بخشیدی و او را تنهـا و بی‌کس وامگـذاردی ای که بیرون آورد یـونس را بَطْنِ الْحُوتِ، یـا مَنْ فَلَقَ الْبَحْرَ لِبَنِی إِسْرائِیلَ فَأَنْجاهُمْ، وَجَعَلَ از شـکم مـاهی ای که شـکافت دریـا را برای بنی‌اسـرائیل و (از فرعونیـان) نجاتشان داد و

ص: ۱۱۳

فِرْعَوْنَ وَجُنُودَهُ مِنَ الْمُغْرَقِينَ، يا مَنْ أَرْسَلَ الرِياحَ مُبَشِراتٍ فرعون و لشکریانش را غرق کرد ای که فرستاد بادها را نویددهندگانی بَيْنَ يَدَیْ رَحْمَتِهِ، يا مَنْ لَمْ يَعْجَلْ عَلی مَنْ عَصاهُ مِنْ خَلْقِهِ، يا پیشاپیش آمدن رحمتش ای که شتاب نکند بر (عذاب) نافرمانان از خلق خود ای مَنِ اسْتَنْقَذَ السَّحَرَةَ مِنْ بَعْدِ طُولِ الْجُحُودِ، وَقَدْ غَدَوْا فِی نِعْمَتِهِ که نجات بخشید ساحران (فرعون) را پس از سالها انکار (و کفر) و چنان بودند که متنعّم به نعمتهای خدا بودند يَأْكُلُونَ رِزْقَهُ، وَ يَعْبُدُونَ غَيْرَهُ، وَ قَدْ حادُّوهُ وَنادُّوهُ وَكَذَّبُوا رُسُلَهُ.

که روزیش را می‌خوردند ولی پرستش دیگری را می‌کردند و با خدا دشمنی وضدیت داشتند و رسولانش را تکذیب می‌کردند یا اللَّهُ يا اللَّهُ يا بَدِیُ يا بَدِيعُ، لا نِدَّ لَکَ، يا دائِمُ لا نَفَادَ لَکَ، ای خدا ای خدا ای آغازنده ای پدیدآورنده‌ای که همتا نداری ای جاویدانی که زوال نداری يا حَيُّ حِينَ لا حَيَّ، يا مُحْيِیَ الْمَوْتی يا مَنْ هُوَ قائِمٌ عَلی کُلِ ای زنده در آنگاه که زنده‌ای نبود ای زنده کن مردگان ای که مراقبت داری نَفْسٍ بِما كَسَبَتْ، يا مَنْ قَلَّ لَهُ شُكْرِی فَلَمْ يَحْرِمْنِی، وَعَظُمَتْ هر کس بدانچه انجام داده ای که سپاسگزاری من برایش اندک است ولی محرومم نکند و خطایم خَطِيئَتِی فَلَمْ يَفْضَحْنِی، وَرَآنِی عَلَی الْمَعاصِی فَلَمْ يَشْهَرْنِی، بزرگ است ولی رسوایم نکند و مرا بر نافرمانی خویش بیند ولی پرده‌ام ندرد ای که يا مَنْ حَفِظَنِی فِی صِغَرِی، يا مَنْ رَزَقَنِی فِی كِبَرِی، يا مَنْ مرا در کودکی محافظت کردی ای که در بزرگی روزیم دادی ای که اندازه مرحمت‌هایی که به من کردی

ص: ۱۱۴

أَيادِيهِ عِنْدِي لاتُحْصى وَنِعَمُهُ لاتُجازى يامَنْ عارَضَنِي بِالْخَيْرِ بشماره نیاید و نعمتهایش را تلافی ممکن نباشد ای که روبرو شد با من به نیکی وَالْإِحْسانِ، وَعارَضْتُهُ بِالْإِساءَةِ وَالْعِصْيانِ، يامَنْ هَدانِي لِلْإِيمانِ و احسان ولی من با او به بدی و گناه روبرو شدم ای که مرا به ایمان هدایت کرد مِنْ قَبْلِ أَنْ أَعْرِفَ شُكْرَ الامْتِنانِ، يا مَنْ دَعَوْتُهُ مَرِيضاً فَشَفانِي، پیش از آنکه بشناسم طریقه سپاسگزاری نعمتش را ای که خواندمش در حال بیماری و او شفایم داد وَعُرْياناً فَكَسانِي، وَجائِعاً فَأَشْبَعَنِي، وَعَطْشانَ فَأَرْوانِي، وَذَلِيلًا و در برهنگی و او مرا پوشاند و در گرسنگی و او سیرم کرد و در تشنگی و او سیرابم کرد و در خواری و فَأَعَزَّنِي، وَجاهِلًا فَعَرَّفَنِي، وَوَحِيداً فَكَثَّرَنِي، وَغائِباً فَرَدَّنِي، او عزتم بخشید و در نادانی و او معرفتم بخشید و در تنهایی و او فزونی جمعیت به من داد و در دوری از وطن و او بازم گرداند وَمُقِلّاً فَأَغْنانِي، وَمُنْتَصِراً فَنَصَرَنِي، وَغَنِيّاً فَلَمْ يَسْلُبْنِي، و در نداری و او دارایم کرد و در کمک‌خواهی و او یاریم داد و در ثروتمندی و او از من سلب نفرمود وَأَمْسَكْتُ عَنْ جَمِيعِ ذلِكَ فَابْتَدَأَنِي. فَلَكَ الْحَمْدُ وَالشُّكْرُ، يامَنْ و (هنگامی که) از همه این خواسته‌ها دم بستم تو آغاز کردی پس از آن تو است حمد و سپاس ای که أَقالَ عَثْرَتِي، وَنَفَّسَ كُرْبَتِي، وَأَجابَ دَعْوَتِي، وَسَتَرَ عَوْرَتِي، لغزشم را نادیده گرفت و گرفتگی را از من دور کرد و دعایم را اجابت فرمود و عیبم را پوشاند وَغَفَرَ ذُنُوبِي، وَبَلَّغَنِي طَلِبَتِي، وَنَصَرَنِي عَلى عَدُوِي، وَإِنْ و گناهانم را آمرزید و به خواسته‌ام رسانید و بر دشمنم یاری داد و اگر بخواهم

ص: ۱۱۵

أَعُدَّ نِعَمَکَ وَمِنَنَکَ وَکَرائِمَ مِنَحِکَ لاأُحْصِیها. یامَوْلایَ أَنْتَ‌الَّذِی نعمتها و عطاها و مراحم بزرگ تو را بشمارم نتوانم ای مولای من این تویی مَنَنْتَ، أَنْتَ الَّذِی أَنْعَمْتَ، أَنْتَ الَّذِی أَحْسَنْتَ، أَنْتَ الَّذِی که منت نهادی و این تویی که نعمت دادی این تویی که احسان فرمودی این تویی أَجْمَلْتَ، أَنْتَ الَّذِی أَفْضَلْتَ، أَنْتَ الَّذِی أَکْمَلْتَ، أَنْتَ الَّذِی که نیکی و تفضّل کردی تویی که احسانت را کامل کردی این تویی رَزَقْتَ، أَنْتَ الَّذِی وَفَّقْتَ، أَنْتَ الَّذِی أَعْطَیْتَ، أَنْتَ الَّذِی که روزی دادی این تویی که عطا فرمودی، تویی که أَغْنَیْتَ، أَنْتَ الَّذِی أَقْنَیْتَ، أَنْتَ الَّذِی آوَیْتَ، أَنْتَ‌الَّذِی کَفَیْتَ، بی‌نیاز کردی این تویی که ثروت بخشیدی این تویی که مأوی دادی این تویی که کفایت کردی أَنْتَ‌الَّذِی‌هَدَیْتَ، أَنْتَ‌الَّذِی‌عَصَمْتَ، أَنْتَ‌الَّذِی‌سَتَرْتَ، أَنْتَ‌الَّذِی این تویی که هدایت کردی این تویی که نگهداشتی این تویی که پوشاندی این تویی غَفَرْتَ، أَنْتَ الَّذِی أَقَلْتَ، أَنْتَ الَّذِی مَکَّنْتَ، أَنْتَ الَّذِی که آمرزیدی این تویی که نادیده گرفتی این تویی که قدرت و چیرگی دادی این تویی که أَعْزَزْتَ، أَنْتَ الَّذِی أَعَنْتَ، أَنْتَ الَّذِی عَضَدْتَ، أَنْتَ الَّذِی عزت بخشیدی این تویی که کمک کردی این تویی که پشتیبانی کردی این تویی که أَیَّدْتَ، أَنْتَ الَّذِی نَصَرْتَ، أَنْتَ الَّذِی شَفَیْتَ، أَنْتَ الَّذِی تأیید کردی این تویی که یاری کردی این تویی که شفا دادی این تویی که

ص: ۱۱۶

عافَيْتَ، أَنْتَ الَّذِى أَكْرَمْتَ، تَبارَكْتَ وَ تَعالَيْتَ، فَلَكَ الْحَمْدُ دائِماً، عافیت دادی این تویی که اکرام کردی بزرگی و برتری از تواست و ستایش همیشه مخصوص تواست وَلَكَ الشُّكْرُ واصِباً أَبَداً. ثُمَّ أَنَا يا إِلهِى الْمُعْتَرِفُ بِذُ نُوبِى و سپاسگزاری دائمی و جاوید از آن تواست و اما من ای معبودم کسی هستم که به گناهانم اعتراف دارم فَاغْفِرْها لِى، أَنَا الَّذِى أَسَأْتُ، أَنَا الَّذِى أَخْطَأْتُ، أَنَا الَّذِى پس آنها را بیامرز و این منم که بد کردم این منم که خطا کردم این منم که (به بدی) هَمَمْتُ، أَنَاالَّذِى جَهِلْتُ، أَنَاالَّذِى غَفَلْتُ، أَنَاالَّذِى سَهَوْتُ، أَنَاالَّذِى همت گماشتم این منم که نادانی کردم این منم که غفلت‌ورزیدم این منم که فراموش کردم این منم اعْتَمَدْتُ، أَنَا الَّذِى تَعَمَّدْتُ، أَنَا الَّذِى وَعَدْتُ، أَنَا الَّذِى که (به‌غیر یا به‌خود) اعتماد کردم این منم که (به‌کاربد) تعمّد کردم این منم که وعده‌دادم واین منم أَخْلَفْتُ، أَنَا الَّذِى نَكَثْتُ، أَنَا الَّذِى أَقْرَرْتُ، أَنَا الَّذِى اعْتَرَفْتُ که خلف‌وعده‌کردم این‌منم که پیمان‌شکنی کردم این‌منم که‌به‌بدی اقرارکردم این‌منم که به‌نعمت بِنِعْمَتِكَ عَلَيَّ وَعِنْدِى، وَأَبُوءُ بِذُ نُوبِى فَاغْفِرْها لِى. یا مَنْ تو بر خود و در پیش خود اعتراف‌دارم و باگناهانم بسویت‌بازگشته‌ام پس آنها را بیامرزای کسی که لا تَضُرُّهُ ذُنُوبُ عِبادِهِ، وَهُوَ الْغَنِيُّ عَنْ طاعَتِهِمْ، وَالْمُوَفِّقُ زیانش نرساند گناهان بندگان و از اطاعت ایشان بی‌نیازی و تو آنی که هرکس از بندگان مَنْ عَمِلَ صالِحاً مِنْهُمْ بِمَعُونَتِهِ وَرَحْمَتِهِ، فَلَكَ الْحَمْدُ إِلهِى کردار شایسته‌ای انجام دهد به رحمت خویش توفیقش دهی پس تو را است ستایش ای معبود و

ص: ۱۱۷

وَسیدِی، إلِهی أَمَرْتَنِی فَعَصَیتُکَ، وَنَهَیْتَنِی فَارْتَکَبْتُ نَهْیَکَ، آقای من خدایا به من دستور دادی و من نافرمانی کردم و نهی فرمودی ولی من نهی تو را مرتکب شدم فَأَصْبَحْتُ لا ذا بَراءَةٍ لِی فَأَعْتَذِرُ، وَلاذا قُوَّةٍ فَأَنْتَصِرُ، فَبِأَیِ شَیْءٍ واکنون به‌حالی افتاده‌ام که نه‌وسیله تبرئه‌ای‌دارم که پوزش‌خواهم و نه‌نیرویی‌دارم که بدان یاری گیرم پس به‌چه وسیله أَسْتَقْبِلُکَ یامَوْلایَ، أَبِسَمْعِی أَمْ‌بِبَصَرِی، أَمْ بِلِسانِی، أَمْ‌بِیَدِی، أَمْ از تو بخشش طلبم ای مولای من آیا به گوشم یا به‌چشمم یا به زبانم یا به دستم یا بِرِجْلِی، أَ لَیْسَ کُلُّها نِعَمَکَ عِنْدِی، وَبِکُلِها عَصَیتُکَ یا مَوْلایَ، به‌پایم آیا همه اینها نعمتهای تو نیست که در پیش من بود و با همه آنها تو را معصیت کردم ای مولای من فَلَکَ الْحُجَّةُ وَالسَّبِیلُ عَلیَّ، یا مَنْ سَتَرَنِی مِنَ الْآباءِ وَالْاُمَّهاتِ پس تو حجت و راه مؤاخذه بر من داری ای که مرا پوشاندی از پدران و مادران أَنْ یَزْجُرُونِی، وَمِنَ الْعَشائِرِ وَالْإِخْوانِ أَنْ یُعَیرُونِی، که مرا از نزد خود برانند و از فامیل و برادران که مرا سرزنش کنند و از وَمِنَ‌السَّلاطِینِ أَنْ‌یُعاقِبُونِی، وَلَواطَّلَعُوا یامَوْلایَ‌عَلی مَا اطَّلَعْتَ سلاطین و حکومتها که مرا شکنجه کنند و اگر آنها مطلع بودند ای مولای من بر آنچه تو بر آن مطلعی عَلَیْهِ مِنِی إذاً ما أَنْظَرُونِی، وَلَرَفَضُونِی وَقَطَعُونِی. فَها أَنَا ذا از کار من در آن هنگام مهلتم نمی‌دادند و از خود دورم می‌کردند و از من می‌بریدند و اینک یا إلِهی، بَیْنَ یَدَیْکَ یا سَیدِی، خاضِعٌ ذَلِیلٌ حَصِیرٌحَقِیرٌ، لا ذُو خدایا این منم که در پیشگاهت ایستاده‌ام ای آقای من با حال خضوع و خواری و درماندگی و کوچکی نه وسیله

ص: ۱۱۸

بَراءَةٍ فَأَعْتَذِرُ، وَلا ذُو قُوَّةٍ فَأَنْتَصِرُ، وَلا ذُوحُجَّةٍ فَأَحْتَجُّ بِها، وَلا تبرئه جویی دارم که پوزش طلبم و نه نیرویی که یاری جویم و نه حجت و برهانی که بـدان چنگ زنم و نه قائِلٌ لَمْ أَجْتَرِحْ، وَلَمْ أَعْمَلْ سُوءًا، وَما عَسَی الْجُحُودُ می‌توانم بگویم که گناه نکرده‌ام و عمل بدی انجـام نـداده‌ام و کجـا می‌توانـد انکار- فرضاً لَوْ جَحَدْتُ یامَوْلایَ یَنْفَعُنِی، کَیْفَ وَأَنّی ذلِکَ وَجَوارِحِی کُلُّها که انکار کنم ای مولای من- سودم بخشـد! چگونه؟ و کجا؟ با اینکه تمام اعضای من شاهِدَةٌ عَلَیَّ بِما قَدْ عَمِلْتُ، وَقَدْ عَلِمْتُ یَقِیناً غَیْرَ ذی شَکٍّ أَنَّکَ گواهند بر من به آنچه انجام داده و به یقین می‌دانم و هیچگونه شک و تردیدی ندارم که تو از سائِلِی مِنْ عَظائِمِ الْأُمُورِ، وَأَنَّکَ الْحَکَمُ الْعَدْلُ الَّذِی لا تَجُورُ، کارهای بزرگ از من پرسـش خواهی کرد و تویی آن داور عادلی که سـتم نکنـد وَعَدْلُکَ مُهْلِکِی، وَمِنْ کُلِ عَدْلِکَ مَهْرَبِی، فَإِنْ تُعَذِّبْنِی یـا إِلهِی و همان عـدالتت مرا هلاک کنـد و از تمام عـدالت تو می گریزم اگر عـذابم کنی خـدایا فَبِذُنُوبِی بَعْدَ حُجَّتِکَ عَلَیَّ، وَإِنْ تَعْفُ عَنِی فَبِحِلْمِکَ وَجُودِکَ بواسطه گناهان من‌است پس از آنکه حجت بر من‌داری و اگر از من درگذری پس به بردباری و بخشـندگی وَکَرَمِکَ. لا إِلهَ إِلّا أَنْتَ سُبْحانَکَ إِنِی کُنْتُ مِنَ الظّالِمِینَ، لا إِلهَ و بزرگواری تو است معبودی جز تو نیست منزهی تو و من از سـتمکارانم معبودی إِلّا أَنْتَ سُبْحانَکَ إِنِی کُنْتُ مِنَ الْمُسْتَغْفِرِینَ، لا إِلهَ إِلّا أَنْتَ جز تو نیست منزهی تو و من از آمرزش خواهانم معبودی جز تو نیست

ص: ۱۱۹

سُبْحانَکَ إِنِی کُنْتُ مِنَ الْمُوَحِّدِینَ، لاـ إِلهَ إِلّا أَنْتَ سُبْحانَکَ إِنِی منزهی تو و من از یگانه‌پرستانم معبودی نیست جز تو منزهی تو و من کُنْتُ مِنَ الْخائِفِینَ، لا إِلهَ إِلّا أَنْتَ سُبْحانَکَ إِنِی کُنْتُ از ترسناکانم معبودی جز تو نیست منزهی تو و من از مِنَ الْوَجِلِینَ، لاإِلهَ إِلّا أَنْتَ سُبْحانَکَ إِنِی کُنْتُ مِنَ الرَّاجِینَ، لا إِلهَ هراسناکانم معبودی جز تو نیست منزهی تو و من از امیدوارانم معبودی إِلّا أَنْتَ سُبْحانَکَ إِنِی کُنْتُ مِنَ الرَّاغِبِینَ، لا إِلهَ إِلّا أَنْتَ نیست جز تو منزهی تو و من از مشتاقانم معبودی جز تو نیست سُبْحانَکَ إِنِی کُنْتُ مِنَ الْمُهَلِلِینَ، لا إِلهَ إِلّا أَنْتَ سُبْحانَکَ منزهی تو و من‌از تهلیل (لا إِلهَ إِلَّااللَّهُ) گویانم معبودی جز تو نیست منزهی تو و إِنِی کُنْتُ مِنَ السَّائِلِینَ، لا إِلهَ إِلّا أَنْتَ سُبْحانَکَ إِنِی کُنْتُ من از خواهندگانم معبودی جز تو نیست منزهی تو و من از مِنَ الْمُسَبِحِینَ، لاـ إِلهَ إِلّا أَنْتَ سُبْحانَکَ إِنِی کُنْتُ مِنَ الْمُکَبِرِینَ، تسبیح‌گویانم معبودی جز تو نیست منزهی تو و من از تکبیر (اللَّه اکبر) گویانم لاـ إِلهَ إِلّا أَنْتَ سُبْحانَکَ رَبِی وَرَبُّ آبائِیَ الْأَوَّلِینَ. اللَّهُمَّ هذا ثَنائِی معبودی نیست جز تو منزهی تو پروردگار من و پروردگار پدران پیشین من خدایا این است ستایش من عَلَیْکَ مُمَجِداً، وَإِخْلاصِی لِذِکْرِکَ مُوَحِّداً، وَإِقْرارِی بِآلائِکَ بر تو در مقام تمجیدت و این است اخلاص من بذکر در مقام یکتاپرستیت و اقرار من به نعمتهایت

ص: ۱۲۰

مَعَدِداً، وَإِنْ كُنْتُ مُقِرّاً أَنِي لَمْ أُحْصِها لِكَثْرَتِها وَسُبُوغِها، در مقام شماره آنها گرچه من اقرار دارم که آنها را نتوانم بشماره درآورم از بسیاری آنها و فراوانی وَ تظاهُرِها وَ تَقادُمِها إِلى حادِثٍ، ما لَمْ تَزَلْ تَتَعَهَّدُنِي بِهِ مَعَها مُنْذُ خَلَقْتَنِي و آشکاری آنها و پیشی جُستن آنها از زمان پیدایش من که همواره در آن عهد مرا بوسیله آن نعمتها یادآوری می‌کردی وَبَرَأْتَنِي مِنْ أَوَّلِ الْعُمُرِ مِنَ الْإِغْناءِ مِنَ الْفَقْرِ، از آن ساعت که مرا آفریدی و خلق کردی از همان ابتدای عمر که از نداری و فقر مرا به توانگری درآوردی وَكَشْفِ الضُّرِ، وَتَسْبِيبِ الْيُسْرِ، وَدَفْعِ الْعُسْرِ، وَتَفريجِ الْكَرْبِ، و گرفتاریم برطرف کردی و اسباب آسایش مرا فراهم ساختی و سختی را دفع نموده و اندوه را زدودی وَالْعافِيَةِ فِي الْبَدَنِ، وَالسَّلامَةِ فِي الدِّينِ. وَلَوْ رَفَدَنِي عَلى قَدْرِ و تنم را تندرست و دینم را بسلامت داشتی و اگر یاریم دهند به اندازه‌ای ذِكْرِ نِعْمَتِكَ جَمِيعُ الْعالَمِينَ مِنَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ،، ما قَدَرْتُ که نعمتت را ذکر کنم تمام جهانیان از اولین و آخرین نه من قدرت وَلاهُمْ عَلى ذلِكَ. تَقَدَّسْتَ وَتَعالَيْتَ مِنْ رَبٍّ كَرِيمٍ، عَظِيمٍ ذکرش را دارم نه آنها منزهی تو و برتری از اینکه پروردگاری هستی کریم و بزرگ رَحِيمٍ، لا تُحْصى آلاؤُكَ، وَلا يُبْلَغُ ثَناؤُكَ، وَلاً تُكافَأُ نَعْماؤُكَ، و مهربان که مهرورزی‌هایت به شماره درنیاید و ستایشت به آخر نرسد و نعمتهایت را تلافی نتوان کرد صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ أَتْمِمْ عَلَيْنا نِعَمَكَ، وَ أَسْعِدْنا بِطاعَتِكَ.

درود فرست بر محمد و آل محمد و کامل گردان بر ما نعمتهایت را و بوسیله اطاعت خویش

ص: ۱۲۱

سُبْحانَکَ لاـ إِلهَ إِلّا أَنْتَ، أَللَّهُمَّ إِنَّکَ تُجِیبُ الْمُضْطَرَّ، سعادتمندمان گردان منزهی تو معبودی جز تو نیست خدایا تویی که اجابت کنی دعای درمانده را وَتَکْشِفُ السُّوءَ، وَتُغِیثُ الْمَکْرُوبَ، وَتَشْفِی السَّقِیمَ، وَتُغْنِی و برطرف کنی بدی را و فریادرسی کنی از گرفتار و شفا دهی به بیمار و بی‌نیاز کنی الْفَقِیرَ، وَتَجْبُرُ الْکَسِیرَ، وَتَرْحَمُ الصَّغِیرَ، وَتُعِینُ الْکَبِیرَ، وَلَیْسَ فقیررا و مرمت‌کنی شکستگی‌را و رحم‌کنی به کودک‌خردسال‌و یاری‌دهی به پیرکهنسال و جزتو دُونَکَ ظَهِیرٌ، وَلا فَوْقَکَ قَدِیرٌ، وَأَنْتَ الْعَلِیُّ الْکَبِیرُ. یا مُطْلِقَ پشتیبانی نیست و نه فوق (توانایی) تو توانایی و تویی والای بزرگ ای رهاکننده الْمُکَبَّلِ الْأَسِیرِ، یا رازِقَ الطِفْلِ الصَّغِیرِ، یا عِصْمَةَ الْخائِفِ اسیر در کُند و زنجیر ای روزی دهنده کودک خردسال ای پناه شخص ترسانی الْمُسْتَجِیرِ، یا مَنْ لا شَرِیکَ لَهُ وَلا وَزِیرَ، صَلِ عَلی مُحَمَّدٍ وآل که پناه جوید ای که شریک و وزیری برای او نیست درود فرست بر محمد و آل مُحَمَّدٍ، وَأَعْطِنِی فِی‌هذِهِ‌الْعَشِیَّةِ، أَفْضَلَ ما أَعْطَیْتَ وَأَنَلْتَ أَحَداً محمد و عطا کن به من در این شام بهترین چیزی را که عطا کردی و دادی به یکی مِنْ عِبادِکَ، مِنْ نِعْمَةٍ تُولِیها، وَآلاءٍ تُجَدِّدُها، وَبَلِیَّةٍ تَصْرِفُها، از بندگانت چه آن نعمتی باشد که می‌بخشی و یا احسانهایی که تازه کنی و بلاهایی که می‌گردانی وَکُرْبَةٍ تَکْشِفُها، وَدَعْوَةٍ تَسْمَعُها، وَحَسَنَةٍ تَتَقَبَّلُها، وَسَیِّئَةٍ و غم و اندوهی که برطرف کنی و دعایی که اجابت کنی و کار نیکی که بپذیری و گناهانی

ص: ۱۲۲

تَتَغَمَّدُها، إِنَّکَ لَطِیفٌ بِما تَشاءُ خَبِیرٌ، وَعَلی کُلِ شَیْ‌ءٍ قَدِیرٌ.

که بپوشانی که براستی تو بهر چه خواهی دقیق و آگـاهی و بر هرچیز توانایی أَللَّهُمَّ إِنَّکَ أَقْرَبُ مَنْ دُعِیَ، وَأَسْرَعُ مَنْ أَجابَ، وَأَکْرَمُ مَنْ عَفا، خدایا تو نزدیکترین کسی هستی که خوانندت و از هر کس زودتر اجابت کنی و در گذشت از هرکس بزرگوارتری وَأَوْسَعُ مَنْ أَعْطی وَأَسْمَعُ مَنْ سُئِلَ، یا رَحْمانُ الدُّنْیا والْآخِرَةِ ودرعطابخشی عطایت از همه وسیعتر و در اجابت درخواست ازهمه شنواتری ای بخشاینده دنیا و آخرت وَرحِیمَهُما، لَیْسَ کَمِثْلِکَ مَسْؤُولٌ، وَلا سِواکَ مَأْمُولٌ، دَعَوْتُکَ و مهربان آن‌دو براستی کسی که مانند تو از او درخواست‌شود نیست و جز تو آرزو شده‌ای نیست خواندمت فَأَجَبْتَنِی، وَسَأَلْتُکَ فَأَعْطَیْتَنِی، وَرَغِبْتُ إِلَیْکَ فَرَحِمْتَنِی، و تو اجابت کردی و درخواست کردم و تو عطاکردی و به درگاه تو میل کردم و تو مرا مورد مهر خویش قراردادی وَوَثِقْتُ بِکَ فَنَجَّیْتَنِی، وَفَزِعْتُ إِلَیْکَ فَکَفَیْتَنِی. اللَّهُمَّ فَصَلِ و به تو اعتماد کردم و تو نجاتم دادی و به درگاه تو نالیدم و تو کفایتم کردی خدایا درود فرست عَلی مُحَمَّدٍ عَبْدِکَ وَرَسُولِکَ وَنَبِیِّکَ، وَعَلی آلِهِ الطَّیِّبِینَ بر محمد بنده و رسول و پیامبرت و بر آل پاک الطَّاهِرِینَ أَجْمَعِینَ، وَتَمِمْ لَنا نَعْماءَکَ، وَهَنِئْناعَطاءَکَ، وَاکْتُبْنا لَکَ و پاکیزه‌اش همگی و نعمتهای خود را بر ما کامل‌گردان و عطایت‌را بر ما گواراکن و نام‌مارادر زمره شاکِرِینَ، وَلِآلائِکَ ذاکِرِینَ، آمِینَ آمِینَ رَبَّ الْعالَمِینَ.

سپاسگزارانت بنویس و هم جزء یادکنندگان نعمتهایت آمین آمین ای پروردگار جهانیان

ص: ۱۲۳

اللَّهُمَّ یا مَنْ مَلَکَ فَقَدَرَ، وَقَدَرَ فَقَهَرَ، وَعُصِیَ فَسَتَرَ، وَاسْتُغْفِرَ خدایا ای که مالك آمد و توانا، و توانا است و قاهر و نافرمانی شد ولی پوشانـد و آمرزشـش خواهنـد فَغَفَرَ، یـا غایَهَٔ الطَّالِبِینَ، وَمُنْتَهی أَمَلِ الرَّاجِینَ، یـا مَنْ و آمرزد ای کمـال مطلوب جوینـدگان مشـتاق و منتهای آرزوی امیدواران ای که أَحاطَبِکُلِ شَیْءٍ عِلْماً، وَوَسِعَ الْمُسْتَقِیلِینَ رَأْفَهًٔ وَرَحْمَهًٔ وَحِلْماً.

دانشـش بهر چیز احـاطه دارد و رأفت و مهر و بردباریش توبه‌جویان را فرا گرفته اللَّهُمَّ إِنَّا نَتَوَجَّهُ إِلَیْکَ فِی هـذِهِ الْعَشِیَّهِٔ، الَّتِی شَرَّفْتَها وَعَظَّمْتَها خدایا ما رو به‌درگاه تو آوریم در این شبی که آنرا شرافت و بزرگی دادی بِمُحَمَّدٍ نَبِیکَ وَرَسُولِکَ، وَخِیَرَتِکَ مِنْ خَلْقِکَ، وَأَمِینِکَ عَلی بوسیله محمد پیامبرت و فرستاده‌ات و برگزیده‌ات از آفریدگان و امین تو بر وَحْیِکَ، الْبَشِیرِ النَّذِیرِ، السِراجِ الْمُنِیرِ، الَّذِی أَنْعَمْتَ بِهِ و حیت آن مژده دهنـده و ترساننـده و آن چراغ تابناك آنکه بوسـیله‌اش بر عَلَی الْمُسْلِمِینَ، وَ جَعَلْتَهُ رَحْمَهًٔ لِلْعالَمِینَ. اللَّهُمَّ فَصَلِ عَلی مُحَمَّدٍ مسلمانان نعمت بخشیدی و رحمت عالمیان قرارش دادی خدایا درود فرست بر محمد وَآلِ مُحَمَّدٍ، کَما مُحَمَّدٌ أَهْلٌ لِذلِکَ مِنْکَ یا عَظِیمُ، فَصَلِ عَلَیْهِ و آل محمد چنانچه محمـد نزد تو شایسـته آنست ای خـدای بزرگ پس درود فرست بر او وَعَلَی الْمُنْتَجَبِینَ الطَّیِبِینَ الطَّاهِرِینَ أَجْمَعِینَ، وَتَغَمَّدْنا و بر آل برگزیده پاك و پاکیزه‌اش همگی و بپوشان ما را

ص: ۱۲۴

بِعَفْوِکَ عَنَّا، فَإِلَیْکَ عَجَّتِ الْأَصْواتُ بِصُنُوفِ اللُّغاتِ، فَاجْعَلْ به گذشت خود زیرا صداها با انواع مختلف لغتهاشان (و هر کس به زبانی ناله‌اش) بسوی تو بلند است لَنا اللّهُمَّ فِی هذِهِ الْعَشِیَّةِ نَصِیباً مِنْ کُلِ خَیْرٍ تَقْسِمُهُ بَیْنَ عِبادِکَ، پس ای خدا برای ما قرار ده در این شام بهره‌ای از هر خیری که میان بندگانت تقسیم فرمایی وَنُورٍ تَهْدِی بِهِ، وَرَحْمَهٍ تَنْشُرُها، وَبَرَکَهٍ تُنْزِلُها، وَعافِیَهٍ تُجَلِلُها، و نوری که بدان هدایت فرمایی و رحمتی که بگستری آنرا و برکتی که نازلش کنی و عافیتی که بپوشانی وَرِزْقٍ تَبْسُطُهُ، یا أَرْحَمَ الرَّاحِمِینَ. اللَّهُمَّ أَقْلِبْنا فِی هذَا الْوَقْتِ و روزی و رزقی که پهن کنی ای مهربانترین مهربانان خدایا برگردان ما را در این هنگام مُنْجِحِینَ مُفْلِحِینَ مَبْرُورِینَ غانِمِینَ، وَلا تَجْعَلْنا مِنَ الْقانِطِینَ، پیروزمند و رستگار و پذیرفته و بهره‌مند و از ناامیدان قرارمان مده وَلا تُخْلِنا مِنْ رَحْمَتِکَ، وَلا تَحْرِمْنا ما نُؤَمِلُهُ مِنْ فَضْلِکَ، و از رحمتت دست خالیمان مفرما و محروممان مکن از آنچه از فضل تو آرزومندیم وَلاتَجْعَلْنا مِنْ رَحْمَتِکَ مَحْرُومِینَ، وَلا لِفَضْلِ مانُؤَمِلُهُ مِنْ عَطائِکَ و جزء محرومان رحمتت قرارمان مده و نه ناامیدمان کن از آن زیادی عطایت قانِطِینَ، وَلا تَرُدَّنا خائِبِینَ، وَلا مِنْ بابِکَ مَطْرُودِینَ، یا أَجْوَدَ که آرزومندیم و ناکام بازمان مگردان و از درگاهت مطرود و رانده‌مان مکن ای بخشنده‌ترین الْأَجْوَدِینَ، وَأَکْرَمَ الْأَکْرَمِینَ، إِلَیْکَ أَقْبَلْنا مُوقِنِینَ، وَلِبَیْتِکَ الْحَرامِ بخشندگان و کریمترین کریمان ما با یقین به درگاه تو روآوردیم و به آهنگ (زیارت) خانه محترم تو

ص: ۱۲۵

آمِينَ قاصِدِينَ، فَأَعِنّاعَلى مَناسِكِنا، وَأَكْمِلْ لَناحَجَّنا، وَاْعْفُ عَنَّا (كعبه بـدينجا) آمـديم پس كمـك ده ما را بر انجام مناسك حـج و حجمان را كامل گردان و از ما درگذر وَعافِنا، فَقَدْ مَدَدْنا إِلَيْكَ أَيْدِيَنا، فَهِىَ بِذِلَّةِ الاعْتِرافِ و تندرسـتمان دار زيرا كه ما بسوى تو دو دست (نيـاز) دراز كرده‌ايم و آن دسـتها چنان است كه به خوارى اعتراف به گناه مَوْسُومَةٌ. اللَّهُمَّ فَأَعْطِنا فِى هـذِهِ الْعَشِيَّةِ ما سَأَلْناكَ، وَاكْفِنا نشاندارشـده خدايا دراين‌شام به ما عطاكن آنچه‌را از توخواسـته‌ايم و كفايت‌كن ازماآنچه را از تو كفايت مَا اسْتَكْفَيْناكَ، فَلا كافِىَ لَنا سِواكَ، وَلا رَبَّ لَنا غَيْرُكَ، نافِذٌ فِينا آنرا خواستيم زيرا كفايت‌كننده‌اى جز تو نداريم و پروردگارى غير از تو براى ما نيست تويى كه فرمانت درباره ما نافـذ حُكْمُكَ، مُحِيطٌ بِنا عِلْمُكَ، عَدْلٌ فِينا قَضاؤُكَ، اقْضِ لَنَا الْخَيْرَ، و دانشت به ما احاطه دارد و حكمى كه درباره ما فرمايى از روى عـدالت است خـدايا خيرونيكى براى ما مقرر كن وَاجْعَلْنا مِنْ أَهْلِ الْخَيْرِ. اللَّهُمَّ أَوْجِبْ لَنا بِجُودِكَ عَظِيمَ الْأَجْرِ، و از اهل خير قرارمان‌ده خـدايا واجب‌گردان براى‌ما از آن جودى كه دارى پاداشـى بزرگ وَكَرِيمَ الذُّخْرِ، وَدَوامَ الْيُسْرِ، وَاغْفِرْ لَنا ذُنُوبَنا أَجْمَعِينَ، و ذخيره‌اى گرامى و آسايشـى هميشـگى و بيامرز گناهان ما را همگى و در وَلا تُهْلِكْنا مَعَ الْهالِكِينَ، وَلا تَصْرِفْ عَنَّارَ أْفَتِكَ وَ رَحْمَتِكَ، يـا أَرْحَمَ زمره هلاـك شـدگان بـدست هلاكتمان مسپار و مهر و رأفتت را از ما باز مگردان اى مهربانترين الرَّاحِمِينَ. اللَّهُمَّ اجْعَلْنا فِى هـذَا الْوَقْتِ مِمَّنْ سَأَلَكَ فَأَعْطَيْتَهُ، مهربانان خدايا قرارمان ده در اين وقت از آن كسانى‌كه از تو درخواسـت كرده و بديشان عطا فرموده‌اى

ص: ۱۲۶

وَشَـكَرَكَ فَزِدْتَهُ، وَتـابَ إِلَيْـكَ فَقَبِلْتَهُ، وَتَنَصَّلَ إِلَيْـكَ مِنْ ذُنُـوبِهِ وشـكر تـو را بجـاآورده و تـونعمتت را برآنهـا افزون‌کرده و بسویت‌بازگشته‌وتو پذیرفته‌ای و از گناهان بسوی‌تو بیرون‌آمده‌و كُلِها فَغَفَرْتَها لَهُ، يا ذَا الْجَلالِ وَالْإِكْرام. اللَّهُمَّ وَفِقْنا وَسَدِدْنا تو همه را آمرزیـده‌ای، ای صـاحب جلالـت و بزرگواری خـدایا مـا را موفق و (در دین) محکممان گردان وَاعصِمنا وَاقْبَلْ تَضَرُّعَنا، يا خَيْرَ مَنْ سُئِلَ، وَيـا أَرْحَمَ مَنِ ومـا را از گنـاه حفظ کن و تضـرع و زاریمان بپـذیر ای بهترین کسـی که از او درخواست شود و ای مهربانترین اسْتُرْحِمَ، يـا مَنْ لاـ يَخْفى عَلَيْهِ إِغْمـاضُ الْجُفُونِ، وَلا لَحْظُ کسـی‌که از او مِهر خواهنـد ای که بر او پوشـیده نیست بهم نهادن پلکهای چشم و نه بر هم خوردن الْعُيُونِ، وَلا مَااسْتَقَرَّ فِي الْمَكْنُونِ، وَلا مَا انْطَوَتْ عَلَيْهِ مُضْمَراتُ دیـدگان و نه آنچه در مکنون ضـمیر مسـتقر گردیده و نه آنچه در پرده دلها الْقُلُوبِ، أَلا كُلُّ ذلِكَ قَدْ أَحْصاهُ عِلْمُكَ، وَوَسِعَهُ نهفته است آری تمام آنها را دانش تو شماره کرده و بردبـاریت همـه حِلْمُكَ، سُـبْحانَكَ وَتَعـالَيْتَ عَمَّا يَقُولُ الظَّالِمُونَ عُلُوّاً كَبِيراً، را در برگرفتـه اسـت منزهی تـو و برتری از آنچه ستمکاران گوینـد برتری بسـیاری، تُسَبِحُ لَكَ السَّماواتُ السَّبْعُ، وَالْأَرَضُونَ وَمَنْ فِيهِنَّ، وَإِنْ مِنْ تنزیه کنند تو را آسـمانهای هفتگانه و زمینها و هرکه در آنها است و چیزی نیست شَيْءٍ إِلَّا يُسَبِحُ بِحَمْدِكَ، فَلَكَ الْحَمْدُ وَالْمَجْدُ، وَعُلُوُّ الْجَدِ، يا ذَا جز آنکه به سـتایش تو تسبیح کند پس تو را است ستایش و بزرگواری و بلندی رتبه، ای صاحب

ص: ۱۲۷

الْجَلالِ وَالْإِكْرامِ، وَالْفَضْلِ وَالْإِنْعامِ، وَالْأَیادِی الْجِسامِ، وَأَنْتَ جلالت و بزرگواری و فضل و نعمت‌بخشی و موهبتهای بزرگ و تویی الْجَوادُ الْكَرِیمُ، الرَّؤُوفُ الرَّحِیمُ. اللَّهُمَّ أَوْسِعْ عَلَیَّ مِنْ رِزْقِكَ بخشنده بزرگوار رؤوف و مهربان خدایا فراخ گردان بر من از روزی الْحَلالِ، وَعافِنِی فِی بَدَنِی وَدِینِی، وَآمِنْ خَوْفِی، وَأَعْتِقْ رَقَبَتِی حلال خود و عافیتم بخش در تن و هم در دینم و ترسم را امان بخش و از آتش دوزخ مِنَ النَّارِ. اللَّهُمَّ لا تَمْكُرْ بِی، وَلا تَسْتَدْرِجْنِی، وَلا تَخْدَعْنِی، آزادم کن خدایا مرا به مکر خود دچار مساز و در غفلت تدریجی بسوی نابودی مبر و فریبم مده وَادْرَأْ عَنِی شَرَّ فَسَقَةِ الْجِنِ وَالْإِنْسِ».

و شرّ تبهکاران جن و انس را از من دور کن.»

آنگاه صورت را به سوی آسمان کرد، درحالی‌که از دیده‌های مبارکش اشك می‌ریخت، با صدای بلند عرضه می‌داشت:

«یاأَسْمَعَ السَّامِعِینَ، وَیاأَبْصَرَالنَّاظِرِینَ، وَیاأَسْرَعَ الْحاسِبِینَ، «ای شنواترین شنوندگان ای بیناترین بینایان و ای سریعترین حساب‌رسان وَیا أَرْحَمَ الرَّاحِمِینَ، صَلِ عَلی مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ السَّادَةِ و ای مهربانترین مهربانان درود فرست بر محمد و آل محمد آن آقایان

ص: ۱۲۸

الْمَیامِینِ، وَأَسْأَ لُکَ اللّهُمَّ حاجَتِیَ الَّتِی إنْ أَعْطَیْتَنِیها لَمْ یَضُرَّنِی فرخنده و از تو ای خدا درخواست کنم حاجتم را که اگر آنرا به من عطا کنی دیگر هرچه را از ما مَنَعْتَنِی، وَإِنْ مَنَعْتَنِیها لَمْ یَنْفَعْنِی ما أَعْطَیْتَنِی، أَسْأَ لُکَ فَکاکَ مندریغ کنی زیانم‌نزنند و اگرآنرااز من دریغ‌داری دیگر سودم‌ندهد هرچه به من عطا کنی و آن این است که از تو خواهم رَقَبَتِی مِنَ النَّارِ، لا إِلهَ إِلّا أَنْتَ، وَحْدَکَ لا شَرِیکَ لَکَ، لَکَ مرا از آتش دوزخ آزاد گردانی معبودی جز تو نیست یگانه‌ای که شریک نداری از تو است الْمُلْکُ، وَلَکَالْحَمْدُ، وَأَنْتَعَلی کُلِ شَیءٍ قَدِیرٌ، یارَبِ یا رَبِ».

فرمانروایی و از تو است ستایش و تویی که بر هرچیز توانایی ای پروردگار ای پروردگار.» پس مکرّر می‌گفت: یا رَبِّ، و کسانی که دور آن حضرت بودند گوش به دعای آن حضرت فراداده، و به آمین گفتن اکتفا کرده بودند. و صدایشان همراه حضرت به گریه بلند شد تا آفتاب غُروب کرد، آنگاه روانه به‌سوی مشعرالحرام شدند.

سیّد بن طاووس در اقبال بعد از «یارَب یا رَب یا رَب» نقل کرده، که حضرت در ادامه عرضه داشت:

«إِلهِی أَنَا الْفَقِیرُ فِی غِنایَ فَکَیْفَ لا أَکُونُ فَقِیراً فِی فَقْرِی، «خدایا من چنانم‌که در حال توانگری هم فقیرم پس چگونه فقیرنباشم درحال تهیدستیم إِلهِی أَنَا الْجاهِلُ فِی عِلْمِی فَکَیْفَ لا أَکُونُ جَهُولًا فِی جَهْلِی، خدایا من نادانم در عین دانشمندی پس چگونه نادان نباشم در عین نادانی

ص: ۱۲۹

إِلهِی إِنَّ اخْتِلافَ تَدْبِیرِکَ، وَسُرْعَةَ طَواءِ مَقادِیرِکَ، مَنَعا عِبادَکَ خدایا براستی اختلاف تدبیر تو و سرعت تحول و پیچیدن در تقدیرات تو جلوگیری کنند از بندگان الْعارِفِینَ بِکَ عَنِ السُّکُونِ إِلی عَطاءٍ، وَالْیَأْسِ مِنْکَ فِی بَلاءٍ.
عارف تو که به عطایت دل آرام و مطمئن باشند و در بلای تو مأیوس و ناامید شوند إِلهِی مِنِی ما یَلِیقُ بِلُؤْمِی، وَمِنْکَ مایَلِیقُ بِکَرَمِکَ.
إِلهِی وَصَفْتَ خدایا از من همان سرزند که شایسته پستی من است و از تو انتظار رود آنچه شایسته بزرگواری تو است خدایا تو خود را نَفْسَکَ بِاللُّطْفِ وَالرَّأْفَةِ لِی قَبْلَ وُجُودِ ضَعْفِی، أَفَتَمْنَعُنِی مِنْهُما به‌لطف‌ومهر به من توصیف فرمودی پیش از آنکه ناتوان باشم آیا پس از ناتوانیم لطف و مهرت بَعْدَ وُجُودِ ضَعْفِی، إِلهِی إِنْ ظَهَرَتِ الْمَحاسِنُ مِنِی فَبِفَضْلِکَ، را از من دریغ می‌داری خدایا اگر کارهای نیک از من سرزند به فضل تو بستگی دارد وَلَکَ الْمِنَّةُ عَلَیَّ، وَإِنْ ظَهَرَتِ الْمَساوِئُ مِنِی فَبِعَدْلِکَ، و تو را منّتی است بر من و اگر کارهای بد از من روی دهد آن‌هم بستگی به عدل تو دارد وَلَکَ الْحُجَّةُ عَلَیَّ. إِلهِی کَیْفَ تَکِلُنِی وَ قَدْ تَکَفَّلْتَ لِی، وَ کَیْفَ أُضامُ و تو را بر من حجت است خدایا چگونه مرا وا می‌گذاری در صورتی که کفایتم کردی و چگونه مورد ستم واقع گردم وَأَنْتَ النَّاصِرُ لِی، أَمْ کَیْفَ أَخِیبُ وَأَنْتَ الْحَفِیُّ بِی، ها أَنَا با اینکه تو یاور منی یا چگونه ناامید گردم در صورتی که تو نسبت به من مهربانی هم اکنون أَتَوَسَّلُ إِلَیْکَ بِفَقْرِی إِلَیْکَ، وَکَیْفَ أَتَوَسَّلُ إِلَیْکَ بِما هُوَ مَحالٌ به درگاه تو توسل جویم بوسیله آن نیازی که به درگاهت دارم و چگونه توسل جویم بوسیله فقری که محال است

ص: ۱۳۰

أنْ یَصِلَ إلَیْکَ، أمْ کَیْفَ أَشْکُو إلَیْکَ حالِی وَهُوَ لا یَخْفی عَلَیْکَ، پیرامون تو راه یابد یا چگونه از حال خویش به‌درگاهت شکوه کنم با اینکه حال من بر تو پنهان نیست یا أمْ کَیْفَ أُتَرْجِمُ بِمَقالِی، وَ هُوَ مِنْکَ بَرَزٌ إلَیْکَ، أمْ کَیْفَ تُخَیِبُ آمالِی چگونه با زبان (قال) ترجمه حال خود کنم در صورتی که آنهم از پیش تو بُرُوز کرده به نزد خودت یا چگونه آرزوهایم به نومیدی گراید وَهِیَ قَدْ وَفَدَتْ إلَیْکَ، أمْ کَیْفَ لا تُحْسِنُ أَحْوالِی وَبِکَ قامَتْ با اینکه به آستان تو وارد شده یا چگونه احوالم را نیکو نکنی با اینکه احوال من به تو قائم است یا إلهِی ما أَلْطَفَکَ بِی مَعَ عَظِیم جَهْلِی وَما أَرْحَمَکَ بِی مَعَ قَبِیح خدایا چه اندازه به من لطف داری با این نادانی عظیم من و چقدر به من مهر داری با این کردار فِعْلِی إلهِی ما أَقْرَبَکَ مِنِی وَ قَدْ أَبْعَدَنِی عَنْکَ! وَما أَرْأَفَکَ بِی زشت‌من‌خدایا چقدر تو به‌من‌نزدیکی و در مقابل چقدرمن ازتودورم و با اینهمه که تو نسبت به من مهربانی فَمَاالَّذِی یَحْجُبُنِیعَنْکَ، إلهِی عَلِمْتُ بِاخْتِلافِ الْآثارِ، وَتَنَقُّلاتِ پس آن چیست که مرا از تو محجوب دارد خدایا آن طوری که من از روی اختلاف آثار و تغییر و تحول الْأَطْوارِ، أَنَّ مُرادَکَ مِنِی أنْ تَتَعَرَّفَ إلَیَّ فِی کُلِ شَیْءٍ، حَتّی اطوار بدست آورده‌ام مقصود تو از من آنست که خود را در هر چیزی (جداگانه) به من بشناسانی تا من در هیچ چیزی لا أَجْهَلَکَ فِی شَیْءٍ. إلهِی کُلَّماأَخْرَسَنِی لُؤْمِی أَنْطَقَنِی کَرَمُکَ، نسبت به تو جاهل نباشم خدایا هر اندازه پستی من زبانم را لال می‌کند کرم تو آنرا گویا می‌کند وَکُلَّما آیَسَتْنِی أَوْصافِی أَطْمَعَتْنِی مِنَنُکَ. إلهِی مَنْ کانَتْ و هر اندازه اوصاف من مرا مأیوس می‌کند نعمتهای تو به طمعم اندازد خدایا آنکس که

ص: ۱۳۱

مَحاسِنُهُ مَساوِیَ فَکَیْفَ لا تَکُونُ مَساوِیهِ مَساوِیَ، وَمَنْ کانَتْ کارهای خوبش کار بـد باشد پس چگونه کار بدش بد نباشد و آنکس که حَقائِقُهُ دَعاوِیَ، فَکَیْفَ لاتَکُونُ دَعاوِیهِ دَعاوِیَ، إلهِی حُکْمُکَ حقیقت گویی‌هایش ادعایی بیش نباشد پس چگونه ادعاهایش ادعا نباشـد خـدایا فرمان النّافِذُ وَمَشِیَّتُکَ الْقاهِرَهُ لَمْ یَتْرُکا لِذِی مَقالٍ مَقالًا، وَلا لِذِی حالٍ نافـذت و مشیت قاهرت برای هیـچ گوینـده‌ای فرصت گفتار نگذارد و برای هیچ صاحب حالی حالًا. إلهِی کَمْ مِنْ طاعَهٍ بَنَیْتُها، وَحالَهٍ شَیَّدْتُها، هَدَمَ اعْتِمادِی حس‌وحال به‌جای‌ننهد خـدایا چه بسیارطاعتی که (پیش‌خود) پایه گـذاری کردم وچه‌بسیارحالتی که بنیـادش کردم ولی (یـاد) عَلَیْها عَدْلُکَ، بَلْ أَقالَنِی مِنْها فَضْلُکَ. إلهِی إنَّکَ تَعْلَمُ أَنِی وَإنْ عدل تو اعتمادی را که بر آنها داشتم یکسره فروریخت بلکه فضل تو نیز اعتمادم را بهم زد خدایا تو می‌دانی که اگر چه لَمْ تَدُم الطّاعَهُ مِنِی فِعْلًا جَزْماً فَقَدْ دامَتْ مَحَبَّهً وَعَزْماً. إلهِی طاعت تو در من بصورت کاری مثبت ادامه ندارد ولی دوسـتی و تصـمیم بر انجـام آن در من ادامه دارد خـدایا کَیْفَ أَعْزِمُ وَ أَنْتَ الْقاهِرُ، وَ کَیْفَ لا أَعْزِمُ وَ أَنْتَ الْآمِرُ، إلهِی تَرَدُّدِی چگونه تصـمیم گیرم در صورتی که تحت قهر توام و چگونه تصـمیم نگیرم بااینکه تو دسـتورم دهی خدایا تفکر (یا گردش) من فِی الْآثارِ یُوجِبُ بُعْدَ الْمَزارِ، فَاجْمَعْنِی عَلَیْکَ بِخِدْمَهٍ در آثار تو راه مرا به دیدارت دور سازد پس کردار مرا با خودت بوسیله خدمتی که مرا تُوصِلُنِی إلَیْکَ، کَیْفَ یُسْتَدَلُّ عَلَیْکَ بِما هُوَ فِی وُجُودِهِ مُفْتَقِرٌ به تو برساند چگونه استدلال شود بر وجود تو به چیزی که خود آن موجود در هستیش نیازمند

ص: ۱۳۲

إلَيْكَ، أَيَكُونُ لِغَيْرِكَ مِنَ الظُّهُورِ ما لَيْسَ لَكَ حَتّى يَكُونَ هُوَ به تو است و آيا اساساً براى ما سواى تو ظهورى هست كه در تو نباشد تا آن الْمُظْهِرَلَكَ، مَتىغِبْتَ حَتّىتَحْتاجَإلى دَليلٍ يَدُلُّ عَلَيْكَ، وَمَتى وسيله ظهور تو گردد تو كِى پنهان شده‌اى تا محتاج بدليلى باشد كه به تو راهنمائى كند و چه وقت بَعُدْتَ حَتّى تَكُونَ الْآثارُ هِيَ الَّتِي تُوصِلُ إلَيْكَ، عَمِيَتْ عَيْنٌ دور مانده‌اى تا آثار تو ما را به تو واصل گرداند كور است آن چشمى كه لا تَراكَ عَلَيْها رَقِيباً، وَخَسِرَتْ صَفْقَةُ عَبْدٍ لَمْ تَجْعَلْ لَهُ مِنْ تو را نبيند كه مراقب او هستى و زيان كار باد سوداى آن بنده كه از محبت خويش به او حُبِكَ نَصِيباً. إلهِي أَمَرْتَ بِالرُّجُوعِ إلَى الْآثارِ، فَأَرْجِعْنِي إلَيْكَ بِكِسْوَةِ بهره‌اى ندادى خدايا فرمان دادى كه به آثار تو رجوع كنم پس بازم گردان بسوى خود (پس از مراجعه به آثار) به پوششى الْأَنْوارِ، وَهِدايَةِ الاسْتِبْصارِ، حَتّى أَرْجِعَ إلَيْكَ مِنْها كَما دَخَلْتُ از انوار و راهنمايى و از بينش‌جوئى تا بازگردم بسويت پس از ديدن آثار هم چنانكه آمدم إلَيْكَ مِنْها، مَصُونَ السِرِ عَنِ النَّظَرِ إلَيْها، وَمَرْفُوعَ الْهِمَّةِ بسويت از آنها كه نهادم از نظر به آنها مصون مانده و همتم را از عَنِالاعْتِمادِعَلَيْها، إنَّكَعَلى كُلِ شَىءٍقَدِيرٌ. إلهِي هذاذُلِي ظاهِرٌ اعتماد بدانها برداشته باشم كه براستى تو بر هر چيز توانائى خدايا اين خوارى من است كه پيش رويت بَيْنَ يَدَيْكَ، وَهذا حالِي لا يَخْفى عَلَيْكَ، مِنْكَ أَطْلُبُ الْوُصُولَ عيان و آشكار است و اين حال (تباه) من است كه بر تو پوشيده نيست از تو خواهم كه مرا به خود

ص: ۱۳۳

إِلَيْكَ، وَبِكَ أَسْتَدِلُّ عَلَيْكَ، فَاهْدِنِي بِنُورِكَ إِلَيْكَ، وَأَقِمْنِي برسانی و بوسیله ذات تو بر تو دلیل می‌جویم پس به نور خود مرا بر ذاتت راهنمائی فرما و به یادآر مرا بِصِدْقِ الْعُبُودِيَّةِ بَيْنَ يَدَيْكَ. إِلهِي عَلِّمْنِي مِنْ عِلْمِكَ الْمَخْزُونِ، با بندگی صادقانه در پیش رویت خدایا بیاموز به من از دانش مخزونت وَصُنِّي بِسِتْرِكَ الْمَصُونِ. إِلهِي حَقِّقْنِي بِحَقائِقِ أَهْلِ الْقُرْبِ، و محفوظم دار به پرده مصونت خدایا مرا به حقائق نزدیکان درگاهت بیارای وَاسْلُكْ بِي مَسْلَكَ أَهْلِ الْجَذْبِ. إِلهِي أَغْنِنِي بِتَدْبِيرِكَ لِي عَنْ و به راه اهل جذبه و شوقت ببر خدایا بی‌نیاز کن مرا به تدبیر خودت در باره‌ام از تَدْبِيرِي، وَبِاخْتِيارِكَ عَنِ اخْتِيارِي، وَأَوْقِفْنِي عَلى مَراكِزِ تدبیر خودم و به اختیار خودت از اختیار خودم و بر جاهای بیچارگی و درماندگی‌ام اضْطِرارِي. إِلهِي أَخْرِجْنِي مِنْ ذُلِّ نَفْسِي، وَطَهِّرْنِي مِنْ شَكِّي مرا واقف گردان خدایا مرا از خواری نفسم نجات ده و پاکم کن از شک وَشِرْكِي قَبْلَ حُلُولِ رَمْسِي، بِكَ أَنْتَصِرُ فَانْصُرْنِي، وَعَلَيْكَ و شرک خودم پیش از آنکه داخل گورم گردم به تو یاری جویم پس تو هم یاریم کن و بر تو أَتَوَكَّلُ فَلا تَكِلْنِي، وَإِيَّاكَ أَسْأَلُ فَلا تُخَيِّبْنِي، وَفِي فَضْلِكَ توکل کنم پس مرا وامگذار و از تو درخواست کنم پس ناامیدم مگردان و در فضل تو أَرْغَبُ فَلا تَحْرِمْنِي، وَبِجَنابِكَ أَنْتَسِبُ فَلا تُبْعِدْنِي، وَبِبابِكَ رغبت کرده‌ام پس محرومم مفرما و به حضرت تو خود را بسته‌ام پس دورم مکن و به درگاه تو

ص: ۱۳۴

أَقِفُ فَلا تَطْرُدْنِی. إلِهِی تَقَدَّسَ رِضاکَ أنْ تَکُونَ لَهُ عِلَّةٌ مِنْکَ، ایستاده‌ام پس طردم مکن خدایا مبرّا است خوشنودی تو از اینکه علت و سببی از جانب تو داشته باشد فَکَیْفَ یَکُونُ لَهُ عِلَّةٌ مِنِی، إلِهِی أَنْتَ الْغَنِیُّ بِذاتِکَ أنْ یَصِلَ پس چگونه ممکن است من سبب آن گردم خدایا تو به ذات خود بی‌نیازی از اینکه إلَیْکَ النَّفْعُ مِنْکَ، فَکَیْفَ لا تَکُونُ غَنِیّاً عَنِی، إلِهِی إنَّ الْقَضآءَ سودی از جانب خودت به تو برسد پس چگونه از من بی‌نیاز نباشی خدایا براستی قضا وَالْقَدَرَ یُمَنِینِی، وَإنَّ الْهَوی بِوَثائِقِ الشَّهْوَةِ أَسَرَنِی، فَکُنْ أَنْتَ و قدر مرا آرزومند می‌کنند و از آن سو هوای نفس مرا به بندهای شهوت اسیر کرده پس تو النَّصِیرَ لِی، حَتّی تَنْصُرَنِی وَتُبَصِرَنِی، وَأَغْنِنِی بِفَضْلِکَ حَتّی یاور من باش تا پیروزم کنی و بینایم کنی و بوسیله فضل خویش بی‌نیازم گردانی تا أَسْتَغْنِیَ بِکَ عَنْ طَلَبِی، أَنْتَ الَّذِی أَشْرَقْتَ الْأَنْوارَ فِی قُلُوبِ بوسیله تو از طلب کردن بی‌نیاز شوم توئی که تابانندی انوار (معرفت) را در دل أَوْلِیائِکَ حَتّی عَرَفُوکَ وَوَحَّدُوکَ، وَأَنْتَ الَّذِی أَزَلْتَ الْأَغْیارَ اولیائت تا اینکه تو را شناختند و یگانه‌ات دانستند و توئی که اغیار و بیگانگان را عَنْ قُلُوبِ أَحِبَّائِکَ حَتّی لَمْ یُحِبُّوا سِواکَ، وَلَمْ یَلْجَأُوا إلِی از دل دوستانت براندی تا اینکه کسی را جز تو دوست نداشته و به غیر تو پناهنده و غَیْرِکَ، أَنْتَ الْمُونِسُ لَهُمْ حَیْثُ أَوْحَشَتْهُمُ الْعَوالِمُ، وَأَنْتَ الَّذِی ملتجی نشوند و توئی مونس ایشان در آنجا که عوالم وجود آنها را به وحشت اندازد و توئی که

ص: ۱۳۵

هَدَیْتَهُمْ حَیْثُ اسْتَبانَتْ لَهُمُ الْمَعالِمُ. یا إِلهِی ماذا وَجَدَ مَنْ فَقَدَکَ؟

راهنمائیشان کنی آنگاه که نشانه‌ها برایشان آشکار گردد چه دارد آنکس که تو را گم کرده؟ و چه وَمَا الَّذِی فَقَدَ مَنْ وَجَدَکَ؟ لَقَدْ خابَ مَنْ رَضِیَ دُونَکَ بَدَلًا، وَلَقَدْ نداردآنکس که تو را یافته است براستی محروم است آنکس که بجای تو بدیگری راضی شود و بطور حتم خَسِرَ مَنْ بَغی عَنْکَ مُتَحَولًا، کَیْفَ یُرْجی سِواکَ وَأَنْتَ ما زیانکار است کسی که از تو به دیگری روی کند چسان می‌شود بغیر تو امیدوار بود در صورتی که تو قَطَعْتَ الْإِحْسانَ، وَکَیْفَ یُطْلَبُ مِنْ غَیْرِکَ وَأَنْتَ ما بَدَّلْتَ عادَةَ احسانت را قطع نکردی و چگونه از غیر تو می‌توان طلب کرد با اینکه تو تغییر نداده‌ای شیوه الامْتِنانِ، یا مَنْ أذاقَ أَحِبّاءَهُ حَلاوَةَ الْمُؤانَسَةِ، فَقامُوا بَیْنَ یَدَیْهِ عطابخشیت را ای خدائی که به دوستانت شیرینی همدمی خود را چشاندی و آنها در برابرت مُتَمَلِقِینَ، وَیا مَنْ أَلْبَسَ أَوْلِیاءَهُ مَلابِسَ هَیْبَتِهِ، فَقامُوا بَیْنَ یَدَیْهِ به چاپلوسی‌برخاستند و ای خدائی که پوشاندی براولیاء خودت خلعتهای هیبت خود را پس آنها در برابرت مُسْتَغْفِرِینَ. أَنْتَ الذّاکِرُ قَبْلَ الذّاکِرِینَ، وَأَنْتَ الْبادِی بِالْإِحْسانِ به آمرزش خواهی بپا خواستند توئی که یاد کنی پیش از آنکه یاد کنندگان یادت کنند و توئی آغازنده به احسان قَبْلَ تَوَجُّهِ الْعابِدِینَ، وَأَنْتَ الْجَوادُ بِالْعَطاءِ قَبْلَ طَلَبِ الطّالِبِینَ، قبل از آنکه پرستش‌کنندگان بسویت توجه‌کنند و توئی بخشنده‌عطا پیش از آنکه خواهندگان از تو خواهند وَأَنْتَ الْوَهّابُ ثُمَّ لِما وَهَبْتَ لَنا مِنَ الْمُسْتَقْرِضِینَ. إِلهِی و توئی پربخشش و سپس همان را که به ما بخشیده‌ای از ما به قرض می‌خواهی خدایا

ص: ۱۳۶

اطْلُبْنِی بِرَحْمَتِکَ حَتّی أَصِلَ إِلَیْکَ، وَاجْذِبْنِی بِمَنِکَ حَتّی أُقْبِلَ مرا بوسیله رحمتت بطلب تا من به نعمت وصالت نائل گردم و بوسیله نعمتت مرا جذب کن تا به تو عَلَیْکَ. إِلهِی إِنَّ رَجائِی لا یَنْقَطِعُ عَنْکَ وَإِنْ عَصَیْتُکَ، کَما أَنَّ رو کنم خدایا براستی امید من از تو قطع نگردد و اگرچه نافرمانیت کنم چنانکه خَوْفِی لا ـ یُزایِلُنِی وَإِنْ أَطَعْتُکَ، فَقَدْ دَفَعْتَنِی الْعَوالِمُ إِلَیْکَ، وَقَدْ ترسم و از تو زائل نشود و گرچه فرمانت برم همانا جهانیان مرا بسوی تو رانده‌اند و آن أَوْقَعَنِی عِلْمِی بِکَرَمِکَ عَلَیْکَ. إِلهِی کَیْفَ أَخِیبُ وَأَنْتَ أَمَلِی، علمی که به کرم تو دارم مرا به درگاه تو آورده خدایا چگونه نومید شوم و تو آرزوی منی أَمْ کَیْفَ أُهانُ وَعَلَیْکَ مُتَّکَلِی، إِلهِی کَیْفَ أَسْتَعِزُّ وَفِی الذِلَّةِ و چگونه پست‌وخوار شوم با اینکه اعتمادم بر تو است خدایا چگونه عزت جویم با اینکه در خواری أَرْکَزْتَنِی، أَمْ کَیْفَ لا أَسْتَعِزُّوَ إِلَیْکَ نَسَبْتَنِی، إِلهِی کَیْفَ لا ـ أَفْتَقِرُ جایم دادی و چگونه عزت نجویم با اینکه به خود مُنْتَسبَم کردی خدایا چگونه نیازمند نباشم وَأَنْتَالَّذِی فِیالْفُقَرآءِأَقَمْتَنِی، أَمْکَیْفَأَفْتَقِرُ وَأَنْتَالَّذِی بِجُودِکَ با اینکه تو در نیازمندانم جای دادی یا چگونه نیازمند باشم و توئی که به جود أَغْنَیْتَنِی، وَأَنْتَ الَّذِی لا ـ إِلهَ غَیْرُکَ تَعَرَّفْتَ لِکُلِ شَیْءٍ و بخششت بی‌نیازم کردی و توئی که معبودی جز تو نیست شناساندی خود را به هر چیز فَما جَهِلَکَ شَیْءٌ، وَأَنْتَ الَّذِی تَعَرَّفْتَ إِلَیَّ فِی کُلِ شَیْءٍ، و هیچ چیزی نیست که تو را نشناسد و توئی که شناساندی خود را به من در هر چیز

ص: ۱۳۷

فَرَأَیْتُکَ ظاهِراً فِی کُلِ شَیْ‌ءٍ، وَأَنْتَ الظَّاهِرُ لِکُلِ شَیْ‌ءٍ، یا مَنِ و من تو را آشکار در هر چیز دیدم و توئی آشکار بر هر چیز ای که اسْتَوی بِرَحْمانِیَّتِهِ فَصارَ الْعَرْشُ غَیْباً فِی ذاتِهِ، مَحَقْتَ الْآثارَ بوسیله مقام رحمانیت خود (بر همه چیز) احاطه کردی و عرش در ذاتش پنهان شد توئی که آثار را به بِالْآثارِ، وَمَحَوْتَ الْأَغْیارَ بِمُحِیطاتِ أَفْلاکِ الْأَنْوارِ، یا مَنِ آثار نابود کردی و اغیار را به احاطه‌کننده‌های افلاک انوار محو کردی ای که احْتَجَبَ فِی سُرادِقاتِ عَرْشِهِ عَنْ أنْ تُدْرِکَهُ الْأَبْصارُ، یا مَنْ در سراپرده‌های عرشش محتجب شد از اینکه دیده‌ها او را درک کنند ای که تَجَلّی بِکَمالِ بَهائِهِ، فَتَحَقَّقَتْ عَظَمَتُهُ الاسْتِواءَ، کَیْفَ تَخْفی تجلی کردی به کمال زیبائی و نورانیت و پابرجا شد عظمتش از استواری چگونه پنهان شوی وَأَنْتَ الظَّاهِرُ، أَمْ کَیْفَ تَغِیبُ وَأَنْتَ‌الرَّقِیبُ الْحاضِرُ، إِنَّکَ عَلی با اینکه تو آشکاری یا چگونه غایب شوی که تو نگهبان و حاضری براستی تو بر کُلِ شَیْ‌ءٍ قَدِیرٍ، وَالْحَمْدُ للَّهِ وَحْدَهُ».

هر چیز توانائی و ستایش تنها مخصوص خدا است.»

دعای امام سجّاد (ع) در روز عرفه

دعای امام سجّاد علیه السلام در روز عرفه

«الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِ الْعالَمِینَ. اللَّهُمَّ لَکَ الْحَمْدُ بَدِیعَ السَّماواتِ «سپاس خداوند را که پروردگار جهانیان است، خداوندا سپاس ترا ای آفریننده آسمانها

ص: ۱۳۸

وَالْأَرْضِ، ذَا الْجَلالِ وَالْإِكْرامِ، رَبَّ الْأَرْبابِ، وَإِلهَ كُلِ مَأْلُوهٍ، و زمین، و ای صاحب بزرگی و کرم پرورنـده پرورنـدگان، و معبود هر پرسـتنده، وَخالِقَ كُلِ مَخْلُوقٍ، وَوارِثَ كُلِ شَيْءٍ، لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ، وَ و آفریننده هر آفریده، و وارث هر چیز، نیست مانند او چیزی، و پوشیده لايَعْزُبُ عَنْهُ عِلْمُ شَيْءٍ، وَهُوَ بِكُلِ شَيْءٍ مُحِيطٌ، وَهُوَ عَلى كُلِ نمی‌باشد از او دانش چیزی و او است هر چیزی را فرا گیرنده، و او است بر هر شَيْءٍ رَقِيبٌ، أَنْتَ اللَّهُ لا إِلهَ إِلّا أَنْتَ، الْأَحَدُ الْمُتَوَحِّدُ، الْفَرْدُ چیزی نگهبان، توئی خـدایی که نیست معبودی جز تو، که یکی و یگـانه‌ای، یکتا الْمُتَفَرِّدُ، وَأَنْتَ اللَّهُ لا إِلهَ إِلّا أَنْتَ، الْكَرِيمُ الْمُتَكَرِّمُ، الْعَظِيمُ و بی‌همتایی، و تویی خـدایی که نیست معبودی غیر تو، کریمی در نهـایت کرامت عظیمی الْمُتَعَظِمُ، الْكَبِيرُ الْمُتَكَبِّرُ، وَأَنْتَ اللَّهُ لا إِلهَ إِلّا أَنْتَ، الْعَلِيُّ در نهایت عظمت بزرگواری بمنتهای کبریـائی و توئی خداونـد و معبودی جز تو نیست و بلنـدتر الْمُتَعالِ، الشَّدِيدُ الْمِحالِ، وَأَنْتَ اللَّهُ لا إِلهَ إِلّا أَنْتَ، الرَّحْمنُ و برتری از هر چیز و بغـایت توانـائی و توئی خداونـد نیست معبودی جز تو که بخشاینـده الرَّحِيمُ، الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ، وَأَنْتَ اللَّهُ لا إِلهَ إِلّا أَنْتَ، السَّمِيعُ و مهربـان و دانـا و حکیمی و تـوئی خداونـد نیست معبودی غیر تو که شـنوا الْبَصِيرُ، الْقَدِيمُ الْخَبِيرُ، وَأَنْتَ اللَّهُ لا إِلهَ إِلّا أَنْتَ، الْكَرِيمُ الْأَكْرَمُ، و بینائی همیشه بوده و بر همه چیز آ گاهی و توئی خداوند نیست خدائی غیر تو کریمی و کرمت

ص: ۱۳۹

الدَّائِمُ الْأَدْوَمُ، وَأَنْتَ اللَّهُ لا إِلهَ إِلّا أَنْتَ، الْأَوَّلُ قَبْلَ كُلِ أَحَدٍ، بی‌پایان پیوسته پایداری و توئی خداوند و معبودی جز تو نیست در آغاز بودی و پیش از هر کس وَالْآخِرُ بَعْدَ كُلِ عَدَدٍ، وَأَنْتَ اللَّهُ لا إِلهَ إِلّا أَنْتَ، الدَّانِی فِی عُلُوِّهِ، و در انجام باشی پس از هر چیز و توئی خداوند نیست خدائی غیر از تو که نزدیکی وَالْعالِی فِی دُنُوِّهِ، وَأَنْتَ اللَّهُ لا إِلهَ إِلّا أَنْتَ، ذُوالْبَهاءِ وَالْمَجْدِ، با وجود بلندیت و بلندمقامی با وجودنزدیکیت و توئی‌خداوند نیست معبودی‌بغیرتو که صاحب فرّ وَالْكِبْرِياءِ وَالْحَمْدِ، وَأَنْتَ اللَّهُ لا إِلهَ إِلّا أَنْتَ، الَّذِی أَنْشَأْتَ و شکوه و عظمتی و سزاوار سپاسی و توئی خداوند نیست معبودی غیر تو، آنی‌که الْأَشْیاءَ مِنْ غَیْرِ سِنْخٍ، وَصَوَّرْتَ ما صَوَّرْتَ مِنْ غَيْرِ مِثالٍ، آفریدی همه چیز را بدون مادّه و نگاشتی آنچه نگاشتی بدون وَابْتَدَعْتَ الْمُبْتَدَعاتِ بِلَا احْتِذاءٍ، أَنْتَ الَّذِی قَدَّرْتَ كُلَّ شَیْءٍ نمونه و پدید آوردی پدیده‌ها را بدون رنگ آمیزی و طرحی توئی که مقرّر نمودی هر تَقْدِيراً، وَيَسَّرْتَ كُلَّ شَیْءٍ تَيْسِيراً، وَدَبَّرْتَ ما دُونَکَ تَدْبِيراً، چیزی را اندازه‌ای و آماده ساختی هر چیزرا به آسانی و تدبیر نمودی ماسوی أَنْتَ الَّذِی لَمْ يُعِنْکَ عَلی خَلْقِکَ شَرِيکٌ، وَلَمْ يُؤازِرْکَ فِی را «بحکمت خود» توئی که یاریت نکرده در امر آفرینش احدی و مدد ننموده ترا أَمْرِکَ وَزِيرٌ، وَلَمْ يَكُنْ لَکَ مُشاهِدٌ وَلا نَظِيرٌ، أَنْتَ الَّذِی أَرَدْتَ در کار تو مددکاری ونبود «آفرینش» ترا تماشاگری و نه مانندی توئی آنکه

ص: ۱۴۰

فَكانَ حَتْماً ما أَرَدْتَ، وَقَضَيْتَ فَكانَ عَدْلًا ما قَضَيْتَ، خواستی و شد هر چه خواستی و حکم کردی و از روی عدالت بود آنچه حکم کردی وَحَكَمْتَ فَكانَ نِصْفاً ما حَكَمْتَ، أَنْتَ الَّذِی لا يَحْوِيكَ مَكانٌ، و داوری نمودی از روی انصاف بود آنچه داوری نمودی، توئی آنکه گنجایش ترا ندارد جائی وَلَمْ يَقُمْ لِسُلْطانِكَ سُلْطانٌ، وَلَمْ يُعْيِكَ بُرْهانٌ وَلا بَيانٌ، أَنْتَ و بر نخیزد در برابر قدرتت قدرتی و واماندهات نکند برهان و بیانی، توئی الَّذِی أَحْصَيْتَ كُلَّ شَیْءٍ عَدَداً، وَجَعَلْتَ لِكُلِ شَیْءٍ أَمَداً، آنکه به شمار آری تعداد هر چیز را و قرار دهی هر چیز را اجل و فرجامی وَقَدَّرْتَ كُلَّ شَیْءٍ تَقْدِيراً، أَنْتَ الَّذِی قَصُرَتِ الْأَوْهامُ عَنْ و مقرّر داری هر چیز را اندازه‌ای، توئی آنکه بازمانـد انـدیشه‌ها از درک ذاتِيَّتِكَ، وَعَجَزَتِ الْأَفْهامُ عَنْ كَيْفِيَّتِكَ، وَلَمْ تُدْرِكِ الْأَبْصارُ ذات تو و فرومانـد دانشـها از ادارک چگونگی تو و در نیابـد دیده‌ها مَوْضِعَ أَيْنِيَّتِكَ، أَنْتَ الَّذِی لا تُحَدُّ فَتَكُونَ مَحْدُوداً، وَلَمْ تُمَثَّلْ جای بودنت را، توئی آنکه پایان نداری تا محدود باشی و مجسّم نیستی فَتَكُونَ مَوْجُوداً، وَلَمْ تَلِدْ فَتَكُونَ مَوْلُوداً، أَنْتَ الَّذِی لا ضِدَّ تا محسوس شوی و فرزند نیاوردی تا فرزند دیگری باشی، توئی آنکه دشـمنی نیست مَعَكَ فَيُعانِدَكَ، وَلا عِدْلَ لَكَ فَيُكاثِرَكَ، وَلانِدَّ لَكَ فَيُعارِضَكَ، با تو بعناد برخیزد و همتا نداری که با تو رقابت کند و مانند نداری تا با تو برابری نماید،

ص: ۱۴۱

أَنْتَ الَّذِی ابْتَدَأَ وَاخْتَرَعَ وَاسْتَحْدَثَ وَابْتَدَعَ، وَأَحْسَنَ صُنْعَ ما توئی آنکه ایجاد نمودی و آفریدی «جهان را» و پدید آوردی و نو ساختی و نیکو بود هرچه صَنَعَ، سُبْحانَکَ ما أَجَلَّ شَأْنَکَ، وَأَسْنی فِی الْأَماکِنِ مَکانَکَ، ساختی، منزّهی تو چه بزرگ است شأن تو و چه بلند است در میان اماکن مکان تو وَأَصْدَعَ بِالْحَقِّ فُرْقانَکَ، سُبْحانَکَ مِنْ لَطِیفٍ ما أَلْطَفَکَ، و آشکار کننده حقّست قرآن تو منزّهی چه نیکو چاره سازی وَرَءُوف ما أَرْأَفَکَ، وَحَکِیم ما أَعْرَفَکَ، سُبْحانَکَ مِنْ مَلِیکٍ ما و چه بسیار مهربانی و حکیمی که هر چیز را می‌شناسی پاک خداوندا چه پادشاه با فرّ أَمْنَعَکَ، وَجَوادٍ ما أَوْسَعَکَ، وَرَفِیعٍ ما أَرْفَعَکَ، ذُو الْبَهاءِ و شکوهی و چه بخشنده توانگری و چه بلند و بلند پایه فروغمند با وَالْمَجْدِ، وَالْکِبْرِیاءِ وَالْحَمْدِ، سُبْحانَکَ بَسَطْتَ بِالْخَیْراتِ یَدَکَ، فرّ و بزرگی و سزاوار سپاسی منزّهی تو دست بخیرات گشودی وَعُرِفَتِ الْهِدایَةُ مِنْ عِنْدِکَ، فَمَنِ الْتَمَسَکَ لِدِینٍ أَوْ دُنْیا و شناخته شد هدایت از جانب تو هر کس ترا خواند برای دین یا دنیا وَجَدَکَ، سُبْحانَکَ خَضَعَ لَکَ مَنْ جَری فِی عِلْمِکَ، وَخَشَعَ بیافتت منزّهی تو فروتنی کند برای تو هر چه علم توبدان تعلّق گرفته و سر فرودآورد لِعَظَمَتِکَ ما دُونَ عَرْشِکَ، وَانْقادَ لِلتَّسْلِیمِ لَکَ کُلُّ خَلْقِکَ، در برابر عظمت تو هر آنچه زیر عرش تو است و گردن‌نهد بفرمانبرداری تو همه آفریدگان

ص: ۱۴۲

سُبْحانَکَ لا تُحَسُّ وَلا تُجَسُّ وَلا تُمَسُّ، وَلا تُکادُ وَلا تُماطُ وَلا منزّهی تو در نیابـد ترا حواسّ و دستی بتو نرسـد و لمس نمی‌شوی و نیرنگ‌برنداری و فرانگیرد تراچیزی تُنازَعُ، وَلا تُجاری وَلا تُماری وَلا تُخادَعُ وَلا تُماکَرُ، سُبْحانَکَ و کس با تو برنیاید و برابری نکند و با تو به جـدال برنخیزد و ترا فریب ندهـد و با تو نیرنگ نبازد منزّهی تو سَبیلُکَ جِدَدٌ، وَأَمْرُکَ رَشَدٌ، وَأَنْتَ حَیٌّ صَمَدٌ، سُبْحانَکَ قَوْلُکَ راه تو هموار و فرمان تو حقّ است و توئی زنده و بی‌نیاز منزّهی تو گفتار تو حُکْمٌ، وَقَضاؤُکَ حَتْمٌ، وَإِرادَتُکَ عَزْمٌ، سُبْحانَکَ لا رادَّ بحکمت و فرمان تو شدنی و مشیّت تو انجام‌شدنی است منزّهی تو رد نکند کسـی لِمَشِیَّتِکَ، وَلا مُبَدِّلَ لِکَلِماتِکَ، سُبْحانَکَ قـاهِرَ الْأَرْبـابِ، بـاهِرَ خواسـته ترا و دگرگون نسـازد سـخنان ترا منزّهی تو بر پادشاهـان پیروزی آشـکار است نشانه‌هـای الْآیاتِ، فاطِرَ السَّماواتِ، بارِئَ النَّسَماتِ، لَکَ الْحَمْدُ حَمْداً الوهیّت تو و آفریننده آسـمانهائی پدید آرنده جاندارانی سـپاس ترا سپاسـی که یَدُومُ بِدَوامِکَ، وَلَکَ الْحَمْدُ حَمْداً خالِداً بِنِعْمَتِکَ، وَلَکَ پایدار باشد با هستی تو و سـپاس ترا سپاسـی که جاوید ماند با نعمت تو الْحَمْدُ حَمْداً یُوازی صُنْعَکَ، وَلَکَ الْحَمْدُ حَمْداً یَزِیدُ عَلی سپاس ترا سپاسی که برابر احسان تو باشد و سپاس ترا سپاسی که افزونی کند بر رِضاکَ، وَلَکَ الْحَمْدُ حَمْداً مَعَ حَمْدِ کُلِ حامِدٍ، وَشُکْراً یَقْصُرُ رضای تو سپاس ترا سپاسی که همراه باشد با سپاس هر سپاسگزاری و سپاسی که فرو ماند

ص: ۱۴۳

عَنْهُ شُکْرُ کُلِ شاکِرٍ، حَمْداً لا یَنْبَغِی إِلّا لَکَ، وَلا یُتَقَرَّبُ بِهِ إِلّا از او شکر هر شکرگزاری سپاسی که سزاوار نیست جز بتو و موجب تقرّب نشود جز به إِلَیْکَ، حَمْداً یُسْتَدامُ بِهِ الْأَوَّلُ، وَیُسْتَدْعی بِهِ دَوامُ الْآخِرِ، حَمْداً پیشگاه تو سپاسی که پایدار بود بسبب او نعمت اوّل و خواسته شود به او پایداری نعمت بعدی سپاسی که یَتَضاعَفُ عَلی کُرُورِ الْأَزْمِنَهِْ، وَیَتَزایَدُ أَضْعافاً مُتَرادِفَهًْ، حَمْداً افزایش یابد با گذشتن زمانهاو زیاد گردد چند برابر پی درپی سپاسی که یَعْجِزُ عَنْ إِحْصائِهِ الْحَفَظَهُْ، وَیَزِیدُ عَلی ما أَحْصَیَتْهُ فِی کِتابِکَ فرو ماند از شمار آن آمارگیران و فزون آید بر آنچه بشمار آورده‌اند در کتاب تو الْکَتَبَهُْ، حَمْداً یُوازِنُ عَرْشَکَ الْمَجِیدَ، وَیُعادِلُ کُرْسِیَّکَ الرَّفِیعَ، نویسندگان سپاسی که برابری کند با عرش عظیم تو و همانند باشد با کرسی رفیع تو حَمْداً یَکْمُلُ لَدَیْکَ ثَوابُهُ، وَیَسْتَغْرِقُ کُلَّ جَزاءٍ جَزاؤُهُ، حَمْداً سپاسی که کامل باشد به پیشگاه تو پاداش او و افزون آید به هر ثواب ثواب او سپاسی که ظاهِرُهُ وَفْقٌ لِباطِنِهِ، وَ باطِنُهُ وَفْقٌ لِصِدْقِ النِیَّهِْ، حَمْداً ظاهر آن موافق باطن باشد و باطنش هم موافق با نیّت صادق باشد سپاسی که لَمْ یَحْمَدْکَ خَلْقٌ مِثْلَهُ، وَلا یَعْرِفُ أَحَدٌ سِواکَ فَضْلَهُ، حَمْداً یُعانُ نگذارده باشد آفریده مانندش را و نشناسد کسی جز تو فضل آن را سپاسی که یاری شود مَنِ اجْتَهَدَ فِی تَعْدِیدِهِ، وَیُؤَیَّدُ مَنْ أَغْرَقَ نَزْعاً فِی تَوْفِیَتِهِ، حَمْداً هر که بکوشد در گذاردن آن و تأیید شود هر که مبالغه کند در ادای آن سپاسی که

ص: ۱۴۴

یَجْمَعُ ما خَلَقْتَ مِنَ الْحَمْدِ، وَیَنْتَظِمُ ما أَنْتَ خالِقُهُ مِنْ بَعْدُ، جامع باشد آنچه را که آفریده‌ای از انواع حمد و در آید به سلک آنچه خواهی آفرید بعد از این حَمْداً لا حَمْدَ أَقْرَبُ إِلی قَوْلِکَ مِنْهُ، وَلا أَحْمَدَ مِمَّنْ یَحْمَدُکَ سپاسی که هیچ حمدی نزدیک‌تر از آن بگفتار تو نباشد و بالاتر از آن هیچکس تورا حمد بِهِ، حَمْداً یُوجِبُ بِکَرَمِکَ الْمَزیدَ بِوُفُورِهِ، وَتَصِلُهُ بِمَزیدٍ بَعْدَ نکرده باشد سپاسی که سبب گردد بکرم تو مزید نعمت را به فراوانی و بپیوندی آنرا بفزونی پی مَزیدٍ طَوْلًا مِنْکَ، حَمْداً یَجِبُ لِکَرَمِ وَجْهِکَ، وَیُقابِلُ عِزَّ درپی برحمت خود سپاسی که شایسته بزرگی ذات تو و سزاوار فرّ و جَلالِکَ، رَبِ صَلِ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ الْمُنْتَجَبِ الْمُصْطَفی عظمت تو باشد پروردگارا درود فرست بر محمّد و آل محمّد که برگزیده وبهترین خلق و الْمُکَرَّمِ الْمُقَرَّبِ أَفْضَلَ صَلَواتِکَ، وَبارِکْ عَلَیْهِ أَتَمَّ بَرَکاتِکَ، گرامی و مقرّب نزد تست به بهترین درود و خجسته گردان بر او کمال فرخندگی را وَتَرَحَّمْ عَلَیْهِ أَمْتَعَ رَحماتِکَ، رَبِ صَلِ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِهِ صَلاةً و بخشایش فرما بر او به برترین بخشایش خود پروردگارا درود فرست بر محمّد و آلش درودی زاکِیَةً لا تَکُونُ صَلاةٌ أَزْکی مِنْها، وَصَلِ عَلَیْهِ صَلاةً نامِیَةً فزاینده که نباشد درودی فزاینده‌تر از آن و درود فرست بر آن درودی برومند لا تَکُونُ صَلاةٌ أَنْمی مِنْها، وَصَلِ عَلَیْهِ صَلاةً راضِیَةً لا تَکُونُ صَلاةٌ که نباشد درودی برومندتر از آن و درود فرست بر او درودی پسندیده که نباشد درودی

ص: ۱۴۵

فَوْقَها، رَبِ صَلِ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِهِ صَلاةً تُرْضِيهِ وَتَزِيدُ عَلی برتر از آن خداوندا درود فرست بر محمّد و آل او درودی که خوشنودش گردانی و بیفزاید بر رِضاهُ، وَصَلِ عَلَيْهِ صَلاةً تُرْضِيکَ وَتَزِيدُ عَلی رِضاکَ لَهُ، وَصَلِ خوشنودیش و درودفرست بر اودرودی که خوشنودت گرداند وبیفزاید برخوشنودیت و درود فرست عَلَيْهِ صَلاةً لا تَرْضی لَهُ إِلّا بِها، وَلا تَری غَيْرَهُ لَها أَهْلًا، رَبِ بر آنحضرت درودی که راضی نگردی جز بآن و نبینی غیر او را برآن شایسته خداوندا صَلِ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِهِ صَلاةً تُجاوِزُ رِضْوانَکَ، وَيَتَّصِلُ اِتِصالُها درود فرست بر محمّد و آل او درودی که تجاوز کند از رضای تو و به پیوند پیوندد او بِبَقائِکَ، وَلا يَنْفَدُ کَما لا تَنْفَدُ کَلِماتُکَ، رَبِ صَلِ عَلی مُحَمَّدٍ ببقای تو و پایان نیابد چنانکه پایان نپذیرد کلمات تو خداوندا درود فرست بر محمّد وَآلِهِ صَلاةً تَنْتَظِمُ صَلَواتِ مَلائِکَتِکَ وَأَنْبِيائِکَ وَرُسُلِکَ وَأَهْلِ و آل او درودی که در برگیرد درود فرشتگان و پیغمبران و رسولان و طاعَتِکَ، وَتَشْتَمِلُ عَلی صَلَواتِ عِبادِکَ مِنْ جِنِکَ وَإِنْسِکَ فرمانبرداران تو را و شامل گردد بر درود بندگانت از جنّ و انس وَأَهْلِ إِجابَتِکَ، وَتَجْتَمِعُ عَلی صَلاةِ کُلِ مَنْ ذَرَأْتَ وَبَرَأْتَ مِنْ وآنانکه دعوت ترا اجابت کردند و مجتمع‌شود بر درود هرآنکه هستیش‌بخشیدی وپدیدآوردی از أَصْنافِ خَلْقِکَ، رَبِ صَلِ عَلَيْهِ وَآلِهِ صَلاةً تُحِيطُ بِکُلِ صَلاةٍ اصناف آفریدگانت خداوندا درود فرست بر او و آل او درودی که فرا گیرد هر درود

ص: ۱۴۶

سالِفَةٍ وَمُسْتَأْنَفَةٍ، وَصَلِ عَلَيْهِ وَعَلى آلِهِ صَلاةً مَرْضِيَّةً لَكَ وَلِمَنْ گذشته و آينده را و درود فرست بر او و بر آل او درودی که پسنديده باشـد تورا و دُونَكَ، وَتُنْشِئُ مَعَ ذلِكَ صَلَواتٍ تُضاعِفُ مَعَها تِلْكَ غير تو را و برانگيزی با اين همه درودی را که بيفزايـدبا آن اين الصَّلَواتِ عِنْدَها، وَتَزِيدُها عَلى كُرُورِ الْأَيَّامِ زِيادَةً فِي درودها بنزد آن و افزوده گردد بر گـذشت روزگار افزايش تَضاعِيفَ لا يَعُدُّها غَيْرُكَ، رَبِ صَلِ عَلى اطائِبِ أَهْلِ بَيْتِهِ، چنـد برابر که نشـمارد آنرا غير تو خداونـدا درود فرست بر پاکان خانـدان او الَّذِينَ اخْتَرْتَهُمْ لِأَمْرِكَ، وَجَعَلْتَهُمْ خَزَنَةَ عِلْمِكَ، وَحَفَظَةَ دِينِكَ، آنـانکه برگزيـديشان برای اجرای امر خـود و قرارشـان دادی گنجينه علم خـود و نگهبانان دين خود وَخُلَفاءَكَ فِي أَرْضِكَ، وَحُجَجَكَ عَلى عِبادِكَ، وَطَهَّرْتَهُمْ مِنَ و جانشـينان خود در روی زمين و حجّت‌های خود بر بنـدگانت و پاکشان نمودی از الرِّجْسِ وَالـدَّنَسِ تَطْهِيراً بِإِرادَتِكَ، وَجَعَلْتَهُمُ الْوَسِيلَةَ إِلَيْكَ، هر ناپاکی و پليدی پاک کردنی که به اراده خـود بـود و قرارشـان دادی وسـيله بسوی خويش وَالْمَسْلَكَ إِلى جَنَّتِكَ، رَبِ صَلِ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ صَلاةً تُجْزِلُ و راه بسوی بهشت خود خداوندا درود بر محمّد وآلش فرست درودی که بهره‌مند گردانی لَهُمْ بِها مِنْ نِحَلِكَ وَكَرامَتِكَ، وَتُكْمِلُ لَهُمُ الْأَشْياءَ مِنْ عَطاياكَ آنها را از عطا و کرامت خود و کامل گردانی برای آنها همه‌گونه بخشش

ص: ۱۴۷

وَنَوافِلِـکَ، وَتُوَفِرُ عَلَيْهِمُ الْحِظَّ مِنْ عَوائِـدِکَ وَفَوائِـدِکَ، رَب صَلِ و نعمت خود را و فراوان گردانی برای آنها لـذّت نعمت‌ها و فوائد خود را خداونـدا درود فرست عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ صَـلاةً لا أَمَـدَ فِی أَوَّلِها، وَلا غايَهَ لِأَمَـدِها، وَلانِهايَهَ بر او و خاندان او درودی که نه حدّی باشد در آغاز آن و نه پایانی بمدّت آن و نه نهایتی باشد لِآخِرِها، رَبِ صَلِ عَلَيْهِم زِنَهَ عَرْشِکَ وَما دُونَهُ، وَمِلْأَ سَـماواتِکَ به انجام آن خداونـدا درود فرست بر آنـان همـوزن عرش خـود و آنچه در زیر آن است و به پُری آسـمانهایت وَمـا فَوْقَهُنَّ، وَعَـدَدَ أَرَضِـيکَ وَما تَحْتَهُنَّ وَما بَيْنَهُنَّ، صَـلاهً و آنچه بالای آنها است و به شماره زمینهایت و آنچه زیر آنها است و آنچه در لابلای زمین و آسمان است درودی که تُقَرِّبُهُمْ مِنْـکَ زُلْفی وَتَکُونُ لَـکَ وَلَهُمْ رِضـیً، وَمُتَّصِـلَهً نزدیـک سـازد آنهـا را به مقـام تـو و بـوده باشـد برای تو و آنها خوشـنودی و پیوسـته باشـد بِنَظـائِرِهِنَّ أَبَـداً. اللَّهُمَّ إِنَّکَ أَيَّدْتَ دِينَـکَ فِی کُلِ أَوانٍ بِامامٍ أَقَمْتَهُ بماننـد خود همیشه بار خـدایا تو تأیید کردی دین خود را درهر زمـان به امـامی که برافراشتیش عَلَماً لِعِبادِکَ، وَمَناراً فِی بِلادِکَ، بَعْـدَ أَنْ وَصَـلْتَ حَبْلَهُ بِحَبْلِکَ، ماننـد علم برای‌بنـدگانت و ماننـد نورافکن در شـهرهایت پس از آنکه پیوستی ریسـمان او را بر ریسـمان خود وَجَعَلْتَهُ الذَّرِيعَهَ إِلی رِضْوانِـکَ، وَافْتَرَضْتَ طاعَتَهُ، وَحَذَّرْتَ و قرارش دادی بسوی خوشـنودی خود و واجب فرمودی اطاعت او را و بیم دادی مَعْصِـيَتَهُ، وَأَمَرْتَ بِامْتِثالِ أَمْرِهِ وَ الْانْتِهـاءِ عِنْـدَ نَهْيِهِ، وَأَلّا يَتَقَـدَّمَهُ ازنافرمانی او و امرفرمودی بفرمانبرداری از اوامر او و به پرهیز نمودن از مناهی او و اینکه پیش نیفتد از او

ص: ۱۴۸

مُتَقَدِّمٌ، وَلا یَتَأَخَّرَ عَنْهُ مُتَأَخِّرٌ، فَهُوَعِصْمَهُ اللَّائِذِینَ، وَکَهْفُ پیش روی و پس نماند از او کسی پس او است حافظ پناهندگان و سنگر الْمُؤْمِنِینَ، وَعُرْوَهُ الْمُتَمَسِّکِینَ، وَبَهاءُ الْعالَمِینَ. اللَّهُمَّ فَأَوْزِعْ مؤمنان و دستاویز نجات جویان و فروغ مردم جهان بار خدایا الهام کن لِوَلِیکَ شُکْرَ ما أَنْعَمْتَ بِهِ عَلَیْهِ، وَأَوْزِعْنا مِثْلَهُ فِیهِ، وَآتِهِ مِنْ برای ولیّ خود تا شکر آنچه را که انعامش فرمودی بجای آورد و ما را نیز الهام فرما مانند او بوجود او شکر کنیم و عنایت کن او را لَدُنْکَ سُلْطاناً نَصِیراً، وَافْتَحْ لَهُ فَتْحاً یَسِیراً، وَأَعِنْهُ بِرُکْنِکَ الْأَعَزِ، از جانب خود پیروزی و نصرت و بگشا برایش گشایشی آسان و مدد فرما او را به پشتیبانی محکم خود وَاشْدُدْ أَزْرَهُ، وَقَوِ عَضُدَهُ، وَراعِهِ بِعَیْنِکَ، وَاحْمِهِ بِحِفْظِکَ، وقوی گردان پشت او را و نیرو بخش بازوی او را و رعایتش فرما بدیده رحمت خود و حمایتش کن بنظر نگهداری خود وَانْصُرْهُ بِمَلائِکَتِکَ، وَامْدُدْهُ بِجُنْدِکَ الْأَغْلَبِ، وَأَقِمْ بِهِ کِتابَکَ و یاریش فرما بفرشتگانت و مددش کن به سپاه نیرومندت و بپادار بوسیله او کتاب وَحُدُودَکَ وَشَرائِعَکَ وَسُنَنَ رَسُولِکَ صَلَواتُکَ اللَّهُمَّ عَلَیْهِ و احکام و قوانین خود و سنّت پیغمبر خویش را درود بی‌پایانت خدایا بر او وَآلِهِ، وَأَحْیِ بِهِ ما أَماتَهُ الظَّالِمُونَ مِنْ مَعالِمِ دِینِکَ، وَاجْلُ بِهِ باد و اولادش و زنده گردان به او آنچه را که ناپدید کرده‌اند ستمکاران از آثار دین خود و جلا ده به او صَداءَ الْجَوْرِ عَنْ طَرِیقَتِکَ، وَأَبِنْ بِهِ الضَّرَّاءَ مِنْ سَبِیلِکَ، وَأَزِلْ بِهِ زنگ ستم را از صفحه ملّت خویش و دور گردان به او دشواریها را از راه دین تو و نابود کن به او

ص: ۱۴۹

النَّاكِبِينَ عَنْ صِـراطِكَ، وَامْحَقْ بِهِ بُغاةَ قَصْدِكَ عِوَجاً، وَأَلِنْ آنان را كه منحرفند از طريق تو و محو نما به او آنان را كه طالبان ترا براه كـج برنـد و منعطف گردان جانِبَهُ لِأَوْلِيائِكَ، وَابْسُطْ يَدَهُ عَلى أَعْدائِكَ، وَهَبْ لَنا رَأْفَتَهُ او را بدوسـتانت و چيره گردان دست او را بر دشـمنانت و برسـان بر مـا از مهر وَرَحْمَتَهُ وَتَعَطُّفَهُ وَتَحَنُّنَهُ، وَاجْعَلْنـا لَهُ سامِعِينَ مُطِيعِينَ، وَفِي و بخشايش و دلجوئى و نوازش او و چنان كن ما را كه او را شـنوا و فرمانبردار باشيم و در رِضاهُ ساعِينَ، وَإِلى نُصْرَتِهِ وَالْمُدافَعَةِ عَنْهُ مُكْنِفِينَ، وَإِلَيْكَ خوشنودى او بكوشيم و به جهت يارى كردن و دفاع نمودن از او به دورش باشـيم و به سوى تو وَإِلى رَسُولِكَ صَلَواتُكَ اللَّهُمَّ عَلَيْهِ وَآلِهِ بِذلِكَ مُتَقَرِّبِينَ. اللَّهُمَّ و بهسـوى پيغمـبر تـو كه درود فراوانت خداونـدا بر او و آلش بـاد بـدين جهت تقرّب جوئيم خداونـدا وَصَـلِّ عَلى أَوْلِيـاءِهِمُ الْمُعْـتَرِفِينَ بِمَقامِهِمْ، الْمُتَّبِعِينَ مَنْهَجَهُمْ، و درود فرست بر دوسـتان آنها كه شـناختند مقام آنها را و تبعيّت كردنـد از روش آنها الْمُقْتَفِينَ آثارَهُم، الْمُسْتَمْسِـكِينَ بِعُرْوَتِهِمْ، الْمُتَمَسِـكِينَ و پيروى نمودنـد دز آثـار آنهـا و پيوسـتند به دسـتاويز آنهـا و چنـگ زدنـد بِوِلا-يَتِهِم، الْمُؤْتَمِينَ بِإِمـامَتِهِم، الْمُسَـلِمِينَ لِأَمْرِهِم، الْمُجْتَهِـدِينَ به ولا-يت آنهـا و پذيرفتنـد پيشوائى آنهـا را و گردن نهادنـد بفرمـان آنها و كوشـيدند فِي طـاعَتِهِمْ، الْمُنْتَظِرِينَ أَيَّامَهُم، الْمـادِّينَ إِلَيْهِمْ أَعْيُنَهُم، در اطاعت آنها و انتظار كشـيدند روزگار دولت آنها را و دوختنـد به سوى ايشان چشمان خود را

ص: ۱۵۰

الصَّلَواتِ الْمُبارَکاتِ الزَّاکِیاتِ النَّامِیاتِ الْغادِیاتِ الرَّائِحاتِ، درودهایی که فرخنده و پاک و برومند باشد هر صبح و هر شام وَسَلِمْ عَلَیْهِمْ وَعَلی أَرْواحِهِمْ، وَاجْمَعْ عَلَی التَّقْوی أَمْرَهُمْ، و سلام فرست بر آنها و بر جانهای آنها و جمع نما بر پرهیزکاری کار آنها را و وَأَصْلِحْ لَهُمْ شُؤُونَهُمْ، وَتُبْ عَلَیْهِمْ، إِنَّکَ أَنْتَ التَّوَّابُ الرَّحِیمُ، اصلاح فرما حال آنها را و بپذیر توبه آنها را که توئی توبه‌پذیر و مهربان وَخَیْرُالْغافِرِینَ، وَاجْعَلْنا مَعَهُمْ فِی دارِ السَّلامِ، بِرَحْمَتِکَ یا و بهترین آمرزندگان و قرار ده ما را با آنها در منزل سلامت برحمت خود ای أَرْحَمَ الرَّاحِمِینَ. اللَّهُمَّ هذا یَوْمُ عَرَفَةَ، یَوْمٌ شَرَّفْتَهُ وَکَرَّمْتَهُ مهربانترین مهربانان بار خدایا این است روز عرفه روزی است که شرافت دادی و گرامی نمودی وَعَظَّمْتَهُ، نَشَرْتَ فِیهِ رَحْمَتَکَ، وَمَنَنْتَ فِیهِ بِعَفْوِکَ، وَأَجْزَلْتَ و بزرگ داشتی منتشر ساختی در آن روز رحمت خود را و منّت نهادی در آن روز به عفو خود و فراوان ساختی فِیهِ عَطِیَّتِکَ، وَتَفَضَّلْتَ بِهِ عَلی عِبادِکَ. اللَّهُمَّ وَأَنَا عَبْدُکَ الَّذِی در آن روز عطای خود را و تفضّل فرمودی به آن بر بندگان خود خداوندا من بنده توأم بنده‌ای که أَنْعَمْتَ عَلَیْهِ قَبْلَ خَلْقِکَ لَهُ، وَبَعْدَ خَلْقِکَ إِیَّاهُ، فَجَعَلْتَهُ مِمَّنْ انعام فرمودی بر آن پیش از آفرینش او و پس از آفرینش او و قرار دادی آن را از کسانی که هَدَیْتَهُ لِدِینِکَ، وَ وَفَّقْتَهُ لِحَقِکَ، وَ عَصَمْتَهُ بَحَبْلِکَ، وَ أَدْخَلْتَهُ فِی راهنمودی بسوی دین خود و توفیقش دادی به ادای حقّ خود و نگهداشتی او را به طناب خود و درآوردی او را در

ص: ۱۵۱

حِزْبِکَ، وَ أَرْشَدْتَهُ لِمُوالاةِ أَوْلِیائِکَ، وَمُعاداةِ أَعْدائِکَ، ثُمَّ أَمَرْتَهُ گروه خود و هدایت فرمودی او را بدوستی دوستانت و دشمنی دشمنانت سپس فرمان دادی فَلَمْ یَأْتَمِرْ، وَزَجَرْتَهُ فَلَمْ یَنْزَجِرْ، وَنَهَیْتَهُ عَنْ مَعْصِیَتِکَ، فَخالَفَ اطاعت نکرد و منع فرمودی امتناع نکرد و نهی فرمودی او را از گناه مخالفت نمود أَمْرَکَ إِلی نَهْیِکَ، لا مُعانَدَةً لَکَ وَلَا اسْتِکْباراً عَلَیْکَ، بَلْ دَعاهُ فرمان ترا به ارتکاب نهی تو لکن نه از دشمنی با تو و نه از گردنکشی بر تو بلکه کشانید او را هَواهُ إِلی ما زَیَّلْتَهُ وَإِلی ما حَذَّرْتَهُ، وَأَعانَهُ عَلی ذلِکَ عَدُوُّکَ به سوی آنچه از آن دفع کردی و بسوی آنچه از آن بیم‌دادی و یاری کرد آن‌را براین‌همه گستاخی دشمن تو وَعَدُوُّهُ، فَأَقْدَمَ عَلَیْهِ عارِفاً بِوَعِیدِکَ، راجِیاً لِعَفْوِکَ، واثِقاً و دشمن خود او «ابلیس» تا اقدام به گناه نمود در حالی که معترف بود به بیم تو و امیدوار بود به عفو تو و اطمینان داشت بِتَجاوُزِکَ، وَکانَ أَحَقَّ عِبادِکَ مَعَ ما مَنَنْتَ عَلَیْهِ أَلّا یَفْعَلَ، وَها بگذشت تو و سزاوارترین بندگان بود که با این همه نعمت‌هایت این همه معصیت نکند اکنون أَنَاذا بَیْنَ یَدَیْکَ صاغِراً ذَلِیلًا، خاضِعاً خاشِعاً، خائِفاً مُعْتَرِفاً اینم که درمقابل توام درحالی که خوار و ذلیل و سرافکنده و افسرده و ترسانم در حالیکه اقرار دارم بِعَظِیمٍ مِنَ الذُّنُوبِ تَحَمَّلْتُهُ، وَجَلِیلٍ مِنَ الْخَطایَا اجْتَرَمْتُهُ، به بزرگترین گناهی که بار آن را بدوش گرفته‌ام و به بزرگترین خطائی که به او آلوده گشتم مُسْتَجِیراً بِصَفْحِکَ، لائِذاً بِرَحْمَتِکَ، مُوقِناً أَنَّهُ لا یُجِیرُنِی مِنْکَ درحالی که پناه آورده‌ام به عفو تو و زنهار میجویم از رحمت‌تو و یقین‌دارم که پناه‌نمی‌دهدمرااز تو

ص: ۱۵۲

مُجِيرٌ، وَلا ـ يَمْنَعُنِى مِنْكَ مانِعٌ، فَعُدْ عَلَيَّ بِما تَعُودُ بِهِ عَلى مَنِ پناه‌دهنده‌ای و مانع نمی‌شود مرا از عذاب تو مانعی پس فرا گیر مرا به آنچه فرا می گیری به او آنکه را اقْتَرَفَ مِنْ تَغَمُّدِكَ، وَجُدْ عَلَيَّ بِما تَجُودُ بِهِ عَلى مَنْ أَلقى بِيَدِهِ که‌دست بگناه آلود از رحمت‌خودوببخش بر من آنچه‌را که می‌بخشی بر آنکه بگشاید دست امید إِلَيْكَ مِنْ عَفْوِكَ، وَامْنُنْ عَلَيَّ بِما لْا يَتعاظَمُكَ أَنْ تَمُنَّ بِهِ عَلى بسوی تو از عفو خود و منّت نِه بر من به آنچه دریغت نیاید مَنْ أَمَّلَكَ مِنْ غُفْرانِكَ، وَاجْعَلْ لِى فِى هذَا الْيَوْمِ نَصِيباً أَنالُ بِهِ بر کسی که آرزوی بخشش را دارد و قرار ده برای من در این روز بهره‌ای که برسم به سبب آن حَظّاً مِنْ رِضْوانِكَ، وَلا ـ تَرُدَّنِى صِفْراً مِمّا يَنْقَلِبُ بِهِ الْمُتَعَبِّدُونَ به حظّی از خوشنودیت و باز مگردان مرا دست خالی از آنچه باز گردند به او عبادت‌کنندگان لَكَ مِنْ عِبادِكَ، وَإِنِى وَإِنْ لَمْ أُقَدِّمْ ما قَدَّمُوهُ مِنَ الصّالِحاتِ از بندگانت و من گرچه تقدیم نداشته‌ام آنچه تقدیم داشته‌اند از اعمال شایسته فَقَدْ قَدَّمْتُ تَوْحِيدَكَ، وَنَفْىَ الْأَضْدادِ وَالْأَنْدادِ وَالْأَشْباهِ عَنْكَ، لکن پیش آوردم این را که ترا به یگانگی شناختم و نفی کردم از تو ضدّ و مثل و مانند را وَأَتَيْتُكَ مِن الْأَبْوابِ الَّتِى أَمَرْتَ أَنْ تُؤْتى مِنْها، وَتَقَرَّبْتُ إِلَيْكَ و آمدم به پیشگاهت از آن درها که فرمودی از آنها سوی تو آیند و تقرّب جستم بسوی تو بِما لا يَقْرُبُ بِهِ أَحَدٌ مِنْكَ إِلّا بِالتَّقَرُّبِ بِهِ، ثُمَّ أَتْبَعْتُ ذلِكَ به عملی که نزدیک نمیگردد کسی به تو مگر به آن عمل سپس تعقیب کردم همین عمل را

ص: ۱۵۳

بِالْإِنابَهِٔ إِلَیْکَ، وَالتَّذَلُّلِ وَالاسْتِکانَهِٔ لَکَ، وَحُسْنَ الظَّنِ بِکَ، به توبه کردن و بفروتنی و زاری نمودن و بتو گمان نیک دارم وَالثِقَهِٔ بِما عِنْدَکَ، وَشَفَعْتُهُ بِرَجائِکَ الَّذِی قَلَّ ما یَخِیبُ عَلَیْهِ و دلگرمم به آنچه نزد تو است و شفیع خود ساخته‌ام آن امیدواری را که کم افتد که ناامید شود کسی که راجیک، وَسَأَلْتُکَ مَسْأَلَهَٔ الْحَقِیرِ الذَّلِیلِ، الْبائِسِ الْفَقِیرِ، الْخائِفِ امید به تو دارد و در خواستم از تو آنچنانکه شخص حقیر و ذلیل و مستمند و فقیر و ترسان الْمُسْتَجِیرِ، وَمَعَ ذلِکَ خِیفَهًٔ وَتَضَرُّعاً وَتَعَوُّذاً وَتَلَوُّذاً، و پناهجو درخواست می کند و با این همه در حالت بیم و زاری می کنم و زنهار میخواهم و پناه می‌جویم نه مانند لامُسْتَطِیلًا بِتَکَبُّرِ الْمُتَکَبِرِینَ، وَلا- مُتَعالِیاً بِدالَّهِٔ الْمُطِیعِینَ، سرکشی آنان که تکبر می‌ورزند و نه مانند آنکه تفوّق جوید بعبادت دیگران وَلا مُسْتَطِیلًا بِشَفاعَهِٔ الشَّافِعِینَ، وَأَنَا بَعْدُ أَقَلُّ الْأَقَلِینَ، وَأَذَلُّ و نه مانند آنکه مغرور شود به شفاعت شفیعان و من هنوز پست‌ترین هر پستم و خوارتر الْأَذَلِینَ، وَمِثْلُ الذَّرَّهِٔ أَوْ دُونَها، فَیا مَنْ لَمْ یُعاجِلِ الْمُسِیئِینَ، از هر خوارم و مانند موری هستم بلکه کمتر از آنم پس ای خدایی که شتاب نمی‌فرمائی در کیفر گنهکاران وَلایَنْدَهُالْمُتْرَفِینَ، وَیا مَنْ یَمُنُّ بِإِقالَهِٔالْعاثِرِینَ، وَیَتَفَضَّلُ بِإِنْظارِ و ناگهان نمی گیری غافلان را و ای آنکه منّت می‌نهی بدستگیری لغزندگان و تفضّل می‌فرمائی به مهلت دادن الْخاطِئِینَ، أَنَا الْمُسِیءُ الْمُعْتَرِفُ الْخاطِئُ الْعاثِرُ، أَنَا الَّذِی أَقْدَمَ خطاکاران من بدکردارم و اقرار دارم و خطا کردم و لغزیده‌ام من آنم که در پیشگاهت

ص: ۱۵۴

عَلَيْكَ مُجْتَرِئاً، أَنَا الَّذِی عَصاكَ مُتَعَمِّداً، أَنَا الَّذِی اسْتَخْفی مِنْ جرئت پیدا کرده‌ام من آنم که بتو نافرمانی کرده‌ام از روی عمد من آنم که پنهان داشتم از عِبادِكَ وَبارَزَكَ، أَنَا الَّذِی هابَ عِبادَكَ وَأَمِنَكَ، أَنَا الَّذِی بندگانت «گناه خود را» و بر تو ظاهر نمودم من آنم که ترسیدم از بندگانت و از تو ایمن بودم من آنم که لَمْ يَرْهَبْ سَطْوَتَكَ وَلَمْ يَخَفْ بَأْسَكَ، أَنَا الْجانِی عَلی نَفْسِهِ، أَنَا بیم نکردم از هیبت تو و نترسیدم از خشم تو منم که جنایت کردم بر خویشتنم منم الْمُرْتَهَنُ بِبَلِيَّتِهِ، أَنَا الْقَلِيلُ الْحَياءِ، أَنَا الطَّوِيلُ الْعِناءِ، بِحَقِ مَنِ که در گرو بلاهای خودم هستم منم که کم است حیاء من منم که بسیار است گرفتاری من بحقّ آنکه انْتَجَبْتَ مِنْ خَلْقِكَ، وَبِمَنِ اصْطَفَيْتَهُ لِنَفْسِكَ، بِحَقِ مَنِ اخْتَرْتَ برگزیدی‌از میان آفریدگانت و بحقّ آنکه اختصاصش دادی بقرب حضورت و بحقّ آنکه انتخاب فرمودی مِنْ بَرِيَّتِكَ، وَمَنِ اجْتَبَيْتَ لِشَأْنِكَ، بِحَقِ مَنْ وَصَلْتَ طاعَتَهُ از میان مخلوقاتت و آنکه شایسته‌اش دیدی برای اجرای فرمانت بحقّ آنکه قرین ساختی طاعت او را بِطاعَتِكَ، وَمَنْ جَعَلْتَ مَعْصِيَتَهُ كَمَعْصِيَتِكَ، بِحَقِ مَنْ قَرَنْتَ بطاعت خود و بحقّ آنکه قرار دادی نافرمانی او را مانند نافرمانی خود مُوالاتَهُ بِمُوالاتِكَ، وَمَنْ نُطْتَ مُعاداتَهُ بِمُعاداتِكَ، تَغَمَّدْنِی فِی بحقّ‌آنکه برابرنمودی دوستی اورا با دوستی‌خود وآنکه پیوستی دشمنی او را بدشمنی خود بپوشان مرا در يَوْمِی هذا بِما تَتَغَمَّدُ بِهِ مَنْ جَأَرَ إِلَيْكَ مُتَنَصِّلًا، وَعاذَ این روز برحمت خود همانطوری که میپوشانی کسی را که رو آوَرَد بتو در حالی که از گناه بیزاری جوید و پناه طلبد

ص: ۱۵۵

بِاسْتِغْفارِکَ تائِباً، وَتَوَلَّنِی بِما تَتَوَلّی بِهِ أَهْلَ طاعَتِکَ، وَالزُّلْفی با طلب آمرزش از تو بحال توبه و رو آور بمن همچنان که رفتار می‌نمائی با آنکه ترا اطاعت کردند و تقرّب جستند لَدَیْکَ، وَالْمَکانَهِٔ مِنْکَ، وَتَوَحَّدْنِی بِما تَتَوَحَّدُ بِهِ مَنْ وَفی به پیشگاه تو و دارای مقام ارجمند شدند از ناحیه تو و تو تنها کفالت من کن بمانند کفالت نمودنت به کسی که وفا نمود بِعَهْدِکَ، وَأَتْعَبَ نَفْسَهُ فِی ذاتِکَ، وَأَجْهَدَها فِی مَرْضاتِکَ، به عهد تو و به رنج واداشت خود را در راه تو و کوشش نمود در خوشنودی تو وَلاتُؤاخِذْنِی بِتَفْرِیطِی فِی جَنْبِکَ، وَتَعَدِّی طَوْرِی فِی حُدُودِکَ، و مرا مؤاخذه مکن بجهت کوتاهی در خدمت تو و بجهت تجاوز کردنم از حدود تو وَمُجاوَزَهِٔ أَحْکامِکَ، وَلا تَسْتَدْرِجْنِی بِإِمْلائِکَ لِی اسْتِدْراجَ مَنْ وبجهت‌نافرمانی در احکام تو و مرا سرگرم مساز بمهلت دادنت همانطور که سرگرم ساختی آنکه را که مَنَعَنِی خَیْرَ ما عِنْدَهُ، وَلَمْ یَشْرَکْکَ فِی حُلُولِ نِعْمَتِهِ بِی، وَنَبِّهْنِی مِنْ دریغ داشت از من خیر خود را و شرکت نکرد با تو در دادن نعمت بمن و بیدار کن مرا رَقْدَهِٔ الْغافِلِینَ، وَسِنَهِٔ الْمُسْرِفِینَ، وَنَعْسَهِٔ الْمَخْذُولِینَ، وَخُذْ از خواب غافلان و غفلت بزهکاران و غنودگی مخذولان و برگمار بِقَلْبِی إِلی مَا اسْتَعْمَلْتَ بِهِ الْقانِتِینَ، وَاسْتَعْبَدْتَ بِهِ الْمُتَعَبِّدِینَ، قلب مرا به آنچه واداشتی به آن پرستندگان را و بعبادت واداشتی به آن عبادت‌کنندگان را وَاسْتَنْقَذْتَ بِهِ الْمُتَهاوِنِینَ، وَأَعِذْنِی مِمَّا یُباعِدُنِی عَنْکَ، وَیَحُولُ و نجات‌بخشیدی به آن سستکاران را و پناهده مرا ازهرچه‌که دورمی‌کند مرا از تو و حائل میگردد

ص: ۱۵۶

بَیْنِی وَبَیْنَ حَظِی مِنْکَ، وَ یَصُدُّنِی عَمَّا أُحاوِلُ لَدَیْکَ، وَسَهِلْ میان من و میان بهره من از تو و باز می‌دارد مرا از آنچه امیدوارم در پیشگاه تو و هموار کن لِی مَسْلَکَ الْخَیْراتِ إِلَیْکَ، وَالْمُسابَقَهَٔ إِلَیْها مِنْ حَیْثُ أَمَرْتَ، بر من راه خیرات را که به‌سوی تو آیم و سبقت جویم بسوی آنها چنانکه فرمان داده‌ای وَالْمُشاحَّهَٔ فِیها عَلی ما أَرَدْتَ، وَلا تَمْحَقْنِی فِیمَنْ تَمْحَقُ مِنَ و کوشش نمایم در آن خیرات چنانکه خواسته‌ای و هلاک مکن مرا در زمره آنانکه هلاک کردی الْمُسْتَخِفِّینَ بِما أَوْعَدْتَ، وَلا تُهْلِکْنِی مَعَ مَنْ تُهْلِکُ مِنَ بجهت آنکه سبک شمردند عذاب تو را و مرا نابود مساز در جرگه آنانکه نابودشان ساختی بجهت آنکه الْمُتَعَرِّضِینَ لِمَقْتِکَ، وَلا تُتَبِرْنِی فِیمَنْ تُتَبِرُ مِنَ الْمُنْحَرِفِینَ عَنْ خود را در معرض خشم تو قرار دادند و بخطر میفکن مرا مانند آنان که منحرف شدند از سُبُلِکَ، وَنَجِّنِی مِنْ غَمَراتِ الْفِتْنَهِٔ، وَخَلِّصْنِی مِنْ لَهَواتِ راههای تو و نجاتم ده از گردابهای دریای فتنه و باز رهانم از غفلت‌های الْبَلْوی وَأَجِرْنِی مِنْ أَخْذِ الْإِمْلاءِ، وَحُلْ بَیْنِی وَبَیْنَ عَدُوٍّ بلا و مرا پناه ده از سرگرمی نعمت و حائل شو میان من و دشمنی که مرا یُضِلُّنِی، وَهَویً یُوبِقُنِی، وَمَنْقَصَهٍٔ تَرْهَقُنِی، وَلا تُعْرِضْ عَنِی گمراه می‌سازد و هوسی که مرا به هلاکت افکند و هر نقیصه‌ای که افسرده‌ام کند و روی مگردان ازمن إِعْراضَ مَنْ لا تَرْضی عَنْهُ بَعْدَ غَضَبِکَ، وَلا تُؤْیِسْنِی مِنَ الْأَمَلِ مانند آنان‌که از آنها خوشنودنمی‌شوی چون بر آنها خشم گرفته‌ای و مأیوسم مفرما از امیدهایم که

ص: ۱۵۷

فِیکَ فَیَغْلِبَ عَلَیَّ الْقُنُوطُ مِنْ رَحْمَتِکَ، وَلا تَمْتَحِنِی بِما لا طاقَةَ به تو دارم تا فرا نگیرد مرا ناامیدی از رحمت تو ومرا مبتلا مگردان بچیزی که طاقت آن را لِی بِهِ فَتَبْهَظَنِی مِمَّا تُحَمِلُنِیهِ مِنْ فَضْلِ مَحَبَّتِکَ، وَلا تُرْسِلْنِی مِنْ ندارم تا محروم نگردم بسبب بار سنگین آن از فضل محبّت تو و مرا از دست رحمت خود یَدِکَ إِرْسالَ مَنْ لا خَیْرَ فِیهِ، وَلا حاجَةَ بِکَ إِلَیْهِ، وَلا إِنابَةَ لَهُ، وَ فرو میفکن مانند کسی که سودی در او نیست و نیازی بدو نداری و بسوی تو باز نمیگردد و لاتَرْمِ بِی رَمْیَ مَنْ سَقَطَ مِنْ عَیْنِ رِعایَتِکَ، وَمَنِ اشْتَمَلَ عَلَیْهِ دورمدار مرا مانند آن کسی که از نظر عنایت تو افتاده باشد و مانند کسی که فرا گرفته او را الْخِزْیُ مِنْ عِنْدِکَ، بَلْ خُذْ بِیَدِی مِنْ سَقْطَةِ الْمُتَرَدِّینَ، وَوَهْلَةِ رسوائی از پیشگاه خود بلکه بگیر دست مرا از پرتگاه درافتادگان و گمراهی الْمُتَعَسِّفِینَ، وَزَلَّةِ الْمَغْرُورِینَ، وَوَرْطَةِ الْهالِکِینَ، وَ عافِنِی مِمَّا کجروان و لغزش خود پسندان و خطر گمشدگان و عافیت بخش مرا از آنچه ابْتَلَیْتَ بِهِ طَبَقاتِ عَبِیدِکَ وَ إِمائِکَ، وَبَلِغْنِی مَبالِغَ مَنْ عُنِیتَ بِهِ، آزمایش می‌کنی به آن عموم بندگان و کنیزانت را و برسان مرا به مقام آن که عنایت داری به او وَأَنْعَمْتَ عَلَیْهِ وَرَضِیتَ عَنْهُ، فَأَعَشْتَهُ حَمِیداً، وَتَوَفَّیْتَهُ سَعِیداً، و انعام فرمودی بر او و خوشنودی از او و زندگی بر او خوش کردی و مرگ او را سعادتمند نمودی وَطَوِّقْنِی طَوْقَ الْإِقْلاعِ عَمَّا یُحْبِطُ الْحَسَناتِ، وَیَذْهَبُ و گردن مرا بطوق تقوی آراسته کن تا از هر چه حسنات را نابود میکند و میبرد

ص: ۱۵۸

بِالْبَرَکاتِ، وَأَشْعِرْ قَلْبِیَ الْاْزْدِجارَ عَنْ قَبائِحِ السَّیِئاتِ، وَفَواضِحِ برکات را و آگاه کن قلب مرا که نفرت کند از زشتیهای گناهان و رسوائیهای کردار الْحَوْباتِ، وَلا تَشْغَلْنِی بِما لا أُدْرِکُهُ إِلّا بِکَ عَمَّا لا یُرْضِیکَ ناپسند و مشغولم‌مساز به آنچه بدونرسم مگر بخواست‌تو از چیزی که غیر او تورا از من خوشنود نمی‌نماید عَنِی غَیْرُهُ، وَأَنْزِعْ مِنْ قَلْبِی حُبَّ دُنْیا دَنِیَّةٍ تَنْهی عَمَّا عِنْدَکَ، و بیرون کن از دلم محبّت دنیای پست را که باز میدارد مرا از نعمتهای حضرتت وَتَصُدُّ عَنِ ابْتِغاءِ الْوَسِیلَةِ إِلَیْکَ، وَتُذْهِلُ عَنِ التَّقَرُّبِ مِنْکَ، و مانع‌می‌شود از اینکه به پیشگاهت توسل جویم و اغفال میکند مرا از اینکه نزدیک گردم بدرگاهت وَزَیِنْ لِیَ التَّفَرُّدَ بِمُناجاتِکَ بِاللَّیْلِ وَالنَّهارِ، وَهَبْ لِی عِصْمَةً و مزیّن گردان برایم که تنها بمناجات تو پردازم همه شب و همه روز و عنایت فرما به من عصمتی را تُدْنِینِی مِنْ خَشْیَتِکَ، وَتَقْطَعُنِی عَنْ رُکُوبِ مَحارِمِکَ، وَتَفُکَّنِی که نزدیک کند مرا به ترس از تو و بازدارد مرا از ارتکاب به محرّمات تو و برهاند مرا مِنْ أَسْرِ الْعَظائِمِ، وَهَبْ لِیَ التَّطْهِیرَ مِنْ دَنَسِ الْعِصْیانِ، وَأَذْهِبْ از زنجیر گناهان بزرگ و عنایت فرما مرا به اینکه پاک گردانی از آلودگی گناه و دور کن عَنِّی دَرَنَ الْخَطایا، وَسَرْبِلْنِی بِسِرْبالِ عافِیَتِکَ، وَرَدِّنِی رداءَ از من کثافت معاصی را و بپوشان مرا بلباس عافیت خود و آراسته کن مرا به پوشش مُعافاتِکَ، وَجَلِلْنِی سَوابغَ نَعْمائِکَ، وَظاهِرْ لَدَیَّ فَضْلَکَ سلامت خود و فراگیر مرا به فراوانی نعمت‌های خود و ظاهر گردان بر من فضل

ص: ۱۵۹

وَطَوْلَکَ، وَأَیِّدْنِی بِتَوْفِیقِکَ وَتَسْدِیدِکَ، وَأَعِنِّی عَلی صالِحِ و عطای خویش را و تأییدم فرما بتوفیق و نیروی خود و یاری فرما مرا بر نیکوترین النِیَّةِ، وَمَرْضِیِ الْقَوْلِ، وَمُسْتَحْسَنِ الْعَمَلِ، وَلا تَکِلْنِی إِلی حَوْلِی نیّت و پسندیده‌ترین گفتار و بهترین عمل و وامگذار مرا به نیرو وَقُوَّتِی دُونَ حَوْلِکَ وَقُوَّتِکَ، وَلا تُخْزِنِی یَوْمَ تَبْعَثُنِی لِلِقائِکَ، و قدرت خودم بدون نیرو و قدرت تو و رسوا مکن مرا روزی که برانگیزی مرا برای لقای خود وَلا تَفْضَحْنِی بَیْنَ یَدَیْ أَوْلِیائِکَ، وَلا تُنْسِنِی ذِکْرَکَ، وَلا تُذْهِبْ و مفتضح مکن مرا در مقابل دوستان خودت و از یادم مبر ذکر خود را و دور مگردان عَنِی شُکْرَکَ، بَلْ أَلْزِمْنِیهِ فِی أَحْوالِ السَّهْوِ عِنْدَ غَفَلاتِ از من حالت سپاسگزاری را بلکه ملزم‌گردان مرا به سپاسگزاری در حال سهو هنگامی‌که غفلت دارند الْجاهِلِینَ لِآلائِکَ، وَأَوْزِعْنِی أَنْ أُثْنِیَ بِما أَوْلَیْتَنِیهِ، وَأَعْتَرِفَ بِما مردم نادان از نعمت‌های تو و الهام کن بمن که ثنا گویم در مقابل نعمتی که ارزانی فرموده‌ای و اعتراف کنم به آنچه أَسْدَیْتَهُ إِلَیَّ، وَاجْعَلْ رَغْبَتِی إِلَیْکَ فَوْقَ رَغْبَةِ الرَّاغِبِینَ، وَحَمْدِی عطا نموده‌ای بمن و قرار ده رغبت مرا به سوی خود بیشتر از رغبت راغبان و سپاس مرا إِیَّاکَ فَوْقَ حَمْدِ الْحامِدِینَ، وَلا تَخْذُلْنِی عِنْدَ فاقَتِی إِلَیْکَ، وَلا به تو مافوق سپاس سپاسگزاران و وامگذار مرا به هنگامی‌که نیازمند گردم به سوی تو و تُهْلِکْنِی بِما أَسْدَیْتُهُ إِلَیْکَ، وَلا تَجْبَهْنِی بِما جَبَهْتَ بِهِ الْمُعانِدِینَ هلاکم مفرما بسبب اعمالی که فرستادم بدرگاه تو و دور مگردان مرا به آنچه راندی به او دشمنان خود را

ص: ۱۶۰

لَکَ، فَإِنِی لَکَ مُسَلِمٌ، أَعْلَمُ أَنَّ الْحُجَّهَ لَکَ، وَأَنَّکَ أَوْلی به درستی که من در پیشگاه تو گردن نهاده‌ام و می‌دانم که حجّت توراست و تو سزاواری بِالْفَضْلِ، وَأَعْوَدُ بِالْإِحْسانِ، وَأَهْلُ التَّقْوی وَأَهْلُ الْمَغْفِرَهِ، وَأَنَّکَ به فضل و عادت‌داری به احسان وشایسته‌ای که ازتو پرواکنند و از تو آمرزش طلبند و بدرستی که بِأَنْ تَعْفُوَ أَوْلی مِنْکَ بِأَنْ تُعاقِبَ، وَأَنَّکَ بِأَنْ تَسْتُرَ أَقْرَبُ مِنْکَ تو به عفو کردن سزاوارتری از آنیکه عقاب کنی و به درستی که تو به پرده‌پوشی اولاتری إِلی أَنْ تَشْهَرَ، فَأَحْیِنِی حَیاهً طَیِبَهً تَنْتَظِمُ بِما أُرِیدُ، وَتَبْلُغُ ما أُحِبُّ از آنیکه رسوا نمائی پس مرا زنده‌دار بزندگی خوشی که فراهم آوری خواسته مرا و برسانی مرا به آنچه دوست دارم مِنْ حَیْثُ لا آتِی ما تَکْرَهُ، وَلا أَرْتَکِبُ ما نَهَیْتَ عَنْهُ، وَأَمِتْنِی لکن انجام ندهم کاری را که تو خوش نداری و مرتکب‌نشوم به آنچه نهی فرموده‌ای و بمیران مرا مِیْتَهً مَنْ یَسْعی نُورُهُ بَیْنَ یَدَیْهِ وَعَنْ یَمِینِهِ، وَذَلِّلْنِی بَیْنَ یَدَیْکَ، مانند کسی که میرود نور او از پیش روی و از جانب راست، و ذلیل کن مرا در پیشگاه خودت وَأَعِزَّنِی عِنْدَ خَلْقِکَ، وَضَعْنِی إِذا خَلَوْتُ بِکَ، وَارْفَعْنِی بَیْنَ و عزیزم گردان در نزد مردم و خوارم ساز چون در خلوت شدم با تو و سرافرازم فرما در میان عِبادِکَ، وَأَغْنِنِی عَمَّنْ هُوَ غَنِیٌّ عَنِی، وَزِدْنِی إِلَیْکَ فاقَهً وَفَقْراً، بندگانت و بی‌نیازم‌فرما از کسی که بی‌نیازتر ازمن‌نیست و افزون کن بسوی خود حاجت و نیاز مرا وَأَعِذْنِی مِنْ شَماتَهِ الْأَعْداءِ، وَمِنْ حُلُولِ الْبَلاءِ، وَمِنَ الذُّلِ و پناه ده مرا از سرزنش دشمنان و از فرو ریختن بلا واز ذلّت

ص: ۱۶۱

وَالْعَنـاءِ، تَغَمَّدْنِی فِیمَا اطَّلَعْتَ عَلَیْهِ مِنِی بِما یَتَغَمَّدُ بِهِ الْقادِرُ و رنـج پوشـیده دار مرا در آنچه تو آگاهی بر آن از من به آنچه می‌پوشاند بـه او آنکه قـدرت عَلَی الْبَطْشِ لَوْلا ـ حِلْمُهُ، وَالْآخِذُ عَلَی الْجَرِیرَهِٔ لَوْلا ـ أَنـاتُهُ، وَإِذا بر سـختگیری دارد اگر نباشـد بردبـاری او و آنکه مؤاخـذه میکرد بر جرم اگر نبـود صـبر او و هرگـاه أَرَدْتَ بِقَوْمٍ فِتْنَهًٔ أَوْ سُوءاً فَنَجِنِی مِنْهـا لِواذاً بِـکَ، وإِذْ لَمْ تُقِمْنِی اراده‌فرمودی‌برای گروهی آزمـایش یـا عـذابی‌را پس نجـاتم‌بخش از آن زیرا که‌من‌بتو پناه‌آورده‌ام و چنانکه قرارم نـدادی مَقامَ فَضِیحَهٍٔ فِی دُنْیاکَ فَلا تُقِمْنِی مِثْلَهُ فِی آخِرَتِـکَ، وَاشْـفَعْ لِی در مقـام رسـوائی در دنیـا پس قرارم مـده همچنین در آخرت و بپیونـد برای من نعمتهـای أَوائِلَ مِنَنِکَ بِأَواخِرِها، وَقَدِیمَ فَوائِدِکَ بَحَوادِثِها، وَلا تَمْدُدْ لِی نخستین را به آخرین آن و عطاهای دیرین خود را به تازه‌ترین آن و سـرگرم نعمتم مساز مَـدّاً یَقْسُو مَعَهُ قَلْبِی، وَلا تَقْرَعْنِی قارِعَهًٔ یَذْهَبُ لَها بَهائِی، وَ همچنان‌که سـخت‌گردد با آن دل‌من و مبتلایم مگردان ببلائی که برود به جهت آن آبروی من و لاتَسُـمْنِی خَسِیسَهًٔ یَصْـغُرُ لَها قَدْرِی، وَلا نَقِیصَهًٔ یُجْهَلُ مِنْ أَجْلِها مشهورم‌مساز به صفتی‌که کم‌گردد بـدان جهت قـدر من و نه بصـفت نقصـی‌که مجهول‌گردد بخـاطر آن مَکـانِی، وَلا ـ تَرُعْنِی رَوْعَهًٔ أُبْلِسُ بِهـا، وَلا خِیفَـهًٔ أُوجِسُ دُونَها، مکانت من و مترسان بترسـی که ناامید گردم بسـبب آن و نه بیمی که در باطن جانم استوار گردد اجْعَلْ هَیْبَتِی فِی وَعِیدِکَ، وَحَذَرِی مِنْ إِعْذارِکَ وَإِنْذارِکَ، «اما» قرار ده ترس مرا در وعده عذاب خود واینکه بیمناک گردم از اتمام حجّت و وعید تو

ص: ۱۶۲

وَرَهْبَتِی عِنْدَ تِلاوَهِْ آیاتِکَ، وَاعْمُرْ لَیْلِی بِإِیقاظِی فِیهِ لِعِبادَتِکَ، و خشیت مرا فراگیرد هنگام خواندن آیات تو و معمور کن شبهای مرا به بیداری در عبادت خود وَتَفَرُّدِی بِالتَّهَجُّدِ لَکَ، وَتَجَرُّدِی بِسُکُونِی إِلَیْکَ، وَإِنْزالِ و اینکه تنها به مناجات تو برخیزم و فقط از تو آرامش دل جویم و صرفاً حَوائِجِی بِکَ، وَمُنازَلَتِی إِیَّاکَ فِی فَکاکِ رَقَبَتِی مِنْ نارِکَ، از تو حاجت خواهم و به آستان تو فرود آیم که رها سازی گردن مرا از آتش خشمت وَإِجارَتِی مِمَّا فِیهِ أَهْلُها مِنْ عَذابِکَ، وَلا تَذَرْنِی فِی طُغْیانِی و پناه دهی به من از آنچه اهل آتش در آن معذّب هستند و وامگذار مرا در سرکشی خود عامِهاً، وَلا فِی غَمْرَتِی سَاهِیاً حَتّی حِینٍ، وَلا تَجْعَلْنِی عِظَهًْ لِمَنِ سرگردان و نه در بطالت خود بی‌خبر تا دم مرگ و قرار مده مرا پند به آنان که اتَّعَظَ، وَلا نَکالًا لِمَنِ اعْتَبَرَ، وَلا فِتْنَهًْ لِمَنْ نَظَرَ، وَلا تَمْکُرْ بِی پندپذیرند و همچنین مرا موجب عبرت عبرت‌گیرندگان و فتنه‌بینندگان مگردان و فریب مده مرا فِیمَنْ تَمْکُرُ بِهِ، وَلا تَسْتَبْدِلْ بِی غَیْرِی، وَلا تُغَیِرْ لِی اسْماً، وَ مانند آنان که بنعمت تو فریب خوردند و برمگزین بجای من دیگری را و تغییر مده اسم مرا لا تُبَدِّلْ لِی جِسْماً، وَلا تَتَّخِذْنِی هُزُواً لِخَلْقِکَ، وَلا سُخْرِیّاً لَکَ و دگرگون مساز جسم مرا و قرار مده مرا مضحکه خلق خود و نیز با من عمل مستهزءان مکن وَلا تَبَعاً إِلّا لِمَرْضاتِکَ، وَلا مُمْتَهَناً إِلّا بِالانْتِقامِ لَکَ، وَأَوْجِدْنِی و مرا پیرو چیزی مگردان جز موجبات‌خوشنودی‌تو و مرا به رنج و تعب مدار جز در راه انتقام از دشمنان و روزی من کن

ص: ۱۶۳

بَرْدَ عَفْوِكَ وَ حَلاوَةَ رَحْمَتِكَ، وَ رَوْحِكَ وَ رَيْحانِكَ وَ جَنَّةِ نَعِيمِكَ، سردی مغفرت و شیرینی رحمت و خوشی و بوی جانفزا و بهشت پر نعمت خود را وبچشان‌بمن مزه وَأَذِقْنِی طَعْمَ الْفَراغِ لِما تُحِبُّ بِسَعَةٍ مِنْ سَعَتِكَ، وَالاجْتِهادِ فِيما آسودگی به آنچه دوست داری و وسعتی عنایت فرما که بکوشم در آنچه نزدیک میکند مرا به يُزْلِفُ لَدَيْكَ وَعِنْدَكَ، وَ أَتْحِفْنِی بِتُحْفَةٍ مِنْ تُحَفاتِكَ، وَاجْعَلْ پیشگاه تو و ارمغان فرست بمن از نعمت‌های خود و قرار ده سودای مرا پُر سود تِجارَتِی رابِحَةً، وَكَرَّتِی غَيْرَ خاسِرَةٍ، وَأَخِفْنِی مَقامَكَ، وَشَوِّقْنِی وایستادن مرا بدون زیان و بترسان مرا بمقام عظمت خود ومرا مشتاق لقای خود گردان و بپذیر لِقاءَكَ، وَتُبْ عَلَىَّ تَوْبَةً نَصُوحاً، لا تُبْقِ مَعَها ذُنُوباً صَغِيرَةً وَلا توبه مرا براستی که باقی نگذاری گناهان کوچک و بزرگ مرا و رها نکنی كَبِيرَةً، وَلا تَذَرْ مَعَها عَلانِيَةً وَلا سَرِيرَةً، وَانْزِعِ الْغِلَّ مِنْ صَدْرِی گناهان آشکار و نهان مرا و بیرون کن از سینه من کینه مؤمنان را و لِلْمُؤْمِنِينَ، وَاعْطِفْ بِقَلْبِی عَلَى الْخاشِعِينَ، وَكُنْ لِی كَما تَكُونُ مهربان گردان دل مرا بر زیر دستان و بوده باش برای من همچنانکه میباشی با بندگان شایسته خود لِلصَّالِحِينَ، وَحَلِنِی حِلْيَةَ الْمُتَّقِينَ، وَاجْعَلْ لِی لِسانَ صِدْقٍ فِی و آراسته کن مرا به زیور پرهیزکاران و قرار ده برای من زبان نیکوگوی در میان آیندگان الْغابِرِينَ، وَذِكْراًنامِياً فِی‌الْآخِرِينَ، وَوافِ بِی عَرْصَةَ الْأَوَّلِينَ، وَتَمِمْ و ذکر و نام بلندی در میان آخرین و جا ده برای من در میدان آنانکه در خیرات پیش افتادند و تمام گردان

ص: ۱۶۴

سُبُوغَ نِعْمَتِکَ عَلَیَّ، وَظاهِرْ کَراماتِها لَدَیَّ، إِمْلَأْ مِنْ فَوائِدِکَ نعمت خود را بر من و ظاهر ساز کرامتهای خود را در پیش من پر کن از عطاهای خود یَدِی، وَسُقْ کَرائِمَ مَواهِبِکَ إِلَیَّ، وَجاوِرْ بِیَ الْأَطْیَبِینَ مِنْ دست مرا و روانه ساز بخششهای بزرگ خویش را بسوی من و همسایه کن مرا با پاکان از أَوْلِیائِکَ فِی الْجِنانِ الَّتِی زَیَّنْتَها لِأَصْفِیائِکَ، وَجَلِّلْنِی شَرائِفَ دوستانت در بهشتی که آراستی آن را برای برگزیدگانت و بپوشان مرابه بزرگترین نِحَلِکَ فِی الْمَقاماتِ الْمُعَدَّةِ لِأَحِبَّائِکَ، وَاجْعَلْ لِی عِنْدَکَ مَقِیلًا عطاهایت در آن مقام که آماده شده برای دوستانت و قرار ده برای من به پیشگاه خود آسایشگاهی آوِی إِلَیْهِ مُطْمَئِنّاً، وَمَثابَةً أَتَبَوَّأُها وَأَقَرُّ عَیْناً، وَلا تُقایِسْنِی که مأوی گزینم به آرامی دل و مأمنی که در آن بیاسایم و روشن گردد چشمم ومکافات مفرما مرا بِعَظِیماتِ الْجَرائِرِ، وَلا تُهْلِکْنِی یَوْمَ تُبْلَی السَّرائِرُ، وَأَزِلْ عَنِی به بزرگترین گناهانم و هلاک مگردان مرا روزی که آشکار گردد نهانها و زایل نما از من کُلَّ شَکٍّ وَشُبْهَةٍ، وَاجْعَلْ لِی فِی الْحَقِ طَرِیقاً مِنْ کُلِ رَحْمَةٍ، هر شک و شبهه را و قرار ده برای من بسوی حقّ راهی از رحمت بی‌پایان خود وَأَجْزِلْ لِی قِسَمَ الْمَواهِبِ مِنْ نَوالِکَ، وَوَفِّرْ عَلَیَّ حُظُوظَ و بزرگ گردان برایم بهره‌ای از موهبت و عطاهای خود و بسیار کن حظّ مرا الْإِحْسانِ مِنْ إِفْضالِکَ، وَاجْعَلْ قَلْبِی واثِقاً بِما عِنْدَکَ، وَهَمِی از نیکوئی و احسان خود و قرار ده قلب مرا امیدوار بدانچه پیش تو است و اندیشه مرا

ص: ۱۶۵

مُسْتَفْرَغاً لِما هُوَلَکَ، وَاسْتَعْمِلْنِی بِما تَسْتَعْمِلُ بِهِ خالِصَتَکَ، فارغ گردان بکاری که برای تو است و مرا وادار به آنچه وامیداری به آن برگزیدگانت را وَ أَشْرِبْ قَلْبِی عِنْدَ ذُهُولِ الْعُقُولِ طاعَتَکَ، وَاجْمَعْ لِیَ الْغِنی و درآمیز دل مرا به هنگامیکه غافل گردند عقلها از تو با یاد طاعت خود و فراهم کن برای من توانگری وَالْعَفافَ وَالدَّعَهَْ وَالْمُعافاهَْ وَالصِّحَّهَْ وَالسَّعَهَْ وَالطُّمَأْنِینَهَْ و پاک‌دامنی و آسایش و عافیت و تندرستی و فراخی و آرامش دل وَالْعافِیَهَْ، وَلا تُحْبِطْ حَسَناتِی بِما یَشُوبُها مِنْ مَعْصِیَتِکَ، وَلا و سلامت از هر گزند را و باطل مساز کارهای نیک مرا به آلودگیهای معصیت تو خَلَواتِی بِما یَعْرِضُ لِی مِنْ نَزَغاتِ فِتْنَتِکَ، وَصُنْ وَجْهِی عَنِ و خلوتهای مرا به آشفتگیهای فتنه درهم مکن ونگاه‌دار آبروی مرا که الطَّلَبِ إِلی أَحَدٍ مِنَ الْعالَمِینَ، وَذُبَّنِی عَنِ الْتِماسِ ما عِنْدَ طلب نکنم چیزی از هیچ کس از مردمان و محافظت فرما مرا که التماس نکنم چیزی را از الْفاسِقِینَ، وَ لا تَجْعَلْنِی لِلظّالِمِینَ ظَهِیراً، وَلا لَهُمْ عَلی مَحْوِ بدکاران و قرار مده مرا برای ستمکاران پشتیبان و برای از میان بردن کِتابِکَ یَداً وَنَصِیراً، وَحُطْنِی مِنْ حَیْثُ لا أَعْلَمُ حِیاطَهًْ تَقِینِی قرآن خود دستیار و یاور آنان مگردان و نگهدار مرا از جائیکه خود ندانم چنان احتیاطی که مرا حفظ کنی بِها، وَافْتَحْ لِی أَبْوابَ تَوْبَتِکَ وَرَحْمَتِکَ وَرَأْفَتِکَ وَرِزْقِکَ به آن و بگشا به روی من درهای توبه و رحمت و مهربانی و روزی

ص: ۱۶۶

الْواسِعِ، إِنِی إِلَیْکَ مِنَ الرَّاغِبِینَ، وَأَتْمِمْ لِی إِنْعامَکَ إِنَّکَ خَیْرُ فراخ خود را که من بسوی تو رغبت دارم و تمام گردان برای من نعمت خویش را که تو بهترین الْمُنْعِمِینَ، وَاجْعَلْ باقِیَ عُمُرِی فِی الْحَجِ وَالْعُمْرَةِ ابْتِغاءَ نعمت‌دهندگانی و بگذران بقیّه عمر مرا در حجّ و عمره برای طلب وَجْهِکَ یا رَبَّ الْعالَمِینَ، وَصَلَّی اللَّهُ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّیِبِینَ رضای تو ای پروردگار جهانیان و رحمت خدا بر محمّد و خاندانش که پاک الطَّاهِرِینَ، وَالسَّلامُ عَلَیْهِ وَعَلَیْهِمْ أَبَدَ الْآبِدِینَ».

و پاکیزگانند و درود بر او و آنان باد پیوسته تا ابد.»

زیارت امام حسین علیه السلام در روز عرفه

از جمله مستحبات این روز شریف، زیارت حضرت سیدالشهدا علیه السلام می‌باشد و زیارتی که برای آن حضرت در این روز نقل شده است، اختصاص به کسانی دارد که در سرزمین مقدّس کربلا توفیق زیارت آن حضرت را پیدا می‌کنند، علاقمندان به زیارت آن حضرت از راه دور، می‌توانند همان زیارت وارث یا جامعه را که در فصل نخست این کتاب آمده است در این روز بخوانند.

برخی از مستحبّات وقوف به مشعرالحرام:

مستحبّ است حاجی با دلی آرام از عرفات به سوی مشعرالحرام حرکت کرده و در حال استغفار باشد، امام صادق علیه السلام فرمود: در راه رفتن نه تند رود و نه آهسته، بلکه به‌طور معمول حرکت کند و کسی را آزار ندهد، و مستحبّ است نماز را تا مزدلفه به تأخیر اندازد، اگر چه ثلث شب نیز بگذرد، و هر دو نماز را با یک اذان و دو اقامه جمع کند، و نوافل مغرب را بعد از نماز عشا بجا آورد، و درصورتی‌که از رسیدن به مزدلفه پیش از نصف شب مانعی رسید، باید نماز مغرب وعشا را به تأخیر نیاندازد، و در میان راه بخواند.

ومستحبّ است که در وسط وادی ازطرف راست نزول نماید، واگر حاجی صروره باشد (سال اوّل حجّ او باشد)، مستحبّ است که در مشعرالحرام قدم بگذارد، و آن شب را هر مقدار که ممکن باشد به عبادت واطاعت الهی بسر برد، واین دعا را بخواند:

«اللَّهُمَّ هذِهِ جَمْعٌ. اللَّهُمَّ إِنِی أَسْأَلُکَ أَنْ تَجْمَعَ لِی فِیها «خداوندا! اکنون جمع است، خداوندا! همه خوبی‌ها را برایم در این جا،

ص:۱۶۷

ص: ۱۶۸

جَوامِعَ الْخَیْرِ. اللَّهُمَّ لا تُؤْیِسْنِی مِنَ الْخَیْرِ الَّذِی سَأَلْتُکَ أَنْ جمع و فراهم ساز، خداوندا! مرا از برآورده شدن خواست‌های قلبی‌ام تَجْمَعَهُ لِی فِی قَلْبِی، وَأَطْلُبُ إِلَیْکَ أَنْ تُعَرِّفَنِی ماعَرَّفْتَ نومید مساز، و از تو می‌خواهم که از آن شناختی که به اولیایت در اینجا عطا کرده‌ای، أَوْلِیاءَکَ فِی مَنْزِلِی هذا، وَأَنْ تَقِیَنِی جَوامِعَ الشَّرِّ».

به من عنایت کن، و از مجموعه بدی‌ها محفوظم دار.»

امام صادق علیه السلام فرمود: مستحبّ است بعد از نماز صبح در حال طهارت حمد و ثنای الهی را بجا آورد، و به هر مقدار که بتواند از نعمتها و تفضّلات حضرت حق ذکر کند، و بر محمّد و آل محمّد صلوات بفرستد، آنگاه دعا نماید، واین دعا را نیز بخواند:

«اللَّهُمَّ رَبَّ الْمَشْعَرِالْحَرام، فُکَّ رَقَبَتِی مِنَ النَّارِ، وَأَوْسِعْ «ای خدا، ای پروردگار مشعرالحرام! آزادم کن از آتش دوزخ، از روزی حلال عَلَیَّ مِنْ رِزْقِکَ الْحَلالِ، وَ ادْرَأْ عَنِی شَرَّ فَسَقَةِ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ، بر من توسعه بخش، شرّ جنّ و انس را از من دفع کن، اللَّهُمَّ أَنْتَ خَیْرُ مَطْلُوبٍ إِلَیْهِ، وَخَیْرُ مَدْعُوٍّ وَخَیْرُ مَسْؤُولٍ، وَلِکُلِّ تو بهترین مطلوب و بهترین کسی هستی که او را خوانند و از او خواهند

ص: ۱۶۹

وافِدٍ جائِزَةٌ، فَاجْعَلْ جائِزَتِی فِی مَوْطِنِی هـذا أنْ تُقِیلَنِی عَثْرَتِی، هر که به درگاهت آیـد او را جایزه‌ای است، جایزه مرا در اینجا چنین قرار ده که از لغزشم درگذری، وَتَقْبَلَ مَعْذِرَتِی، وَأنْ تَجاوَزَ عَنْ خَطِیئَتِی، ثُمَّ اجْعَلِ التَّقْوی مِنَ پوزشم را بپذیری، از خطایم درگذری و ره توشه‌ام را از دنیا الدُّنْیا زادِی».

تقوا قرار دهی.»

مستحبّ است سنگ‌ریزه‌هایی را که در منا رمی خواهد نمود از مزدلفه بردارد، که مجموع آنها هفتاد دانه است.

ومستحبّ است وقتی از مزدلفه به سوی منا حرکت کرد وبه وادی محسّر رسید، به مقدار صد قدم هَرْوَلَه کند و بگوید:

«اللَّهُمَّ سَلِّمْ لِی عَهْدِی، وَاقْبَلْ تَوْبَتِی، وَأَجِبْ دَعْوَتِی، «خدایا پیمانم را سالم، توبه‌ام را پذیرا و دعایم را مستجاب فرما و در آنچه پس از وَاخْلُفْنِی فِیمَنْ تَرَکْتُ بَعْدِی».

خویش نهادم، جانشین باش.»

مستحبّات رمی جمرات:

در رمی جمرات چند چیز مستحبّ است:

۱. طهارت.

۲. امام صادق علیه السلام فرمود: هنگامی که سنگ ها را در دست

ص: ۱۷۰

گرفته وآماده رمی است، این دعا را بخواند:

«اللَّهُمَّ هـذِهِ حَصَیاتِی، فَأَحْصِهِنَّ لِی، وَارْفَعْهُنَّ فِی عَمَلِی». «خداونـدا! اینست سـنگریزه‌هایم، آنها را برایم احصا، و در نامه عملم ثبت فرما.»

۳. با هر سنگی که می‌اندازد تکبیر بگوید.

۴. باهر سنگی که می‌اندازد این دعا را بخواند:

«اللَّهُ أَکْبَرُ. اللَّهُمَّ ادْحَرْ عَنِی الشَّیْطـانَ. اللَّهُمَّ تَصْدِیقاً بِکِتابِکَ «خـدا بزرگ است، خداونـدا! شـیطان را از من دور سـاز، خداونـدا! به کتـابت وَعَلی سُنَّةِ نَبِیِّکَ. اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ لِی حَجّاً مَبْرُوراً، وَعَمَلًا مَقْبُولًا، و به سنّت پیامبرت تصـدیق می‌نمایم، خداونـدا! این را برای من حجّی خالص و مقبول وَسَعْیاً مَشْکُوراً، وَذَنْباً مَغْفُوراً».

وتلاشی با پاداش مضاعف و با گناه آمرزیده قرارده.»

۵. در جمره عقبه میان او و جمره، ده تا پانزده ذراع فاصله باشد، و در جَمَره اولی و وُسطی کنار جمره بایستد.

۶. جمره عقبه را رو به جمره وپشت به قبله رمی نماید، وجمره اولی ووُسطی را رو به قبله رمی نماید.

۷. سنگ‌ریزه را بر انگشت ابهام گذارده، وبا ناخنِ

ص: ۱۷۱

انگشت شهادت بیندازد.

۸. پس از برگشت به جای خود در منا، این دعا را بخواند:

«اللَّهُمَّ بِـکَ وَثِقْتُ، وَعَلَیْـکَ تَوَکَّلْتُ، فَنِعْمَ الرَّبُّ، وَنِعْمَ «خداونـدا! بتو اعتماد و بر تو توکل کردم، نیکو پروردگار و نیکو مولا الْمَوْلی وَنِعْمَ النَّصِیرُ».

و نیکو یاوری می‌باشی.»

آداب قربانی:

مستحبّات قربانی چند چیز است:

۱. درصورت تمکّن، قربانی شتر باشد. اگر نبود گاو، واگر گاو هم نبود گوسفند باشد.

۲. قربانی بسیار فربه و چاق باشد.

۳. درصورت شتر یا گاو بودن از جنس ماده باشد.

ودرصورت گوسفند یا بز بودن از جنس نر باشد.

۴. اگر قربانی شتر است ایستاده او را نحر کنند. و از سر دست‌ها تا زانوی او را ببندند. و شخص از جانب راست او بایستد. کارد یا نیزه و یا خنجر به گودال گردن او فرو بَرَد.

ص: ۱۷۲

امام صادق علیه السلام فرمود: قربانی را رو به قبله قرار داده، وهنگام ذبح یا نحر این دعا را بخواند:

«وَجَّهْتُ وَجْهِیَ لِلَّذِی فَطَرَ السَّماواتِ وَالْأَرْضَ حَنِیفاً مُسْلِماً «به کسی روی آوردم که پدید آورنده آسمان و زمین است، در حالی که خدا پرست و مسلمانم وَما أَنَا مِنَ الْمُشْرِکِینَ، انَّ صَلاتِی وَنُسُکِی وَمَحْیایَ وَمَماتی لِلَّهِ و از مشرکان نمی‌باشم، نماز، عبادت، زیستن و مردنم به اراده رَبِ الْعالَمِینَ، لا شَرِیکَ لَهُ، وَبِذلِکَ امِرْتُ وَأَنَا مِنَ الْمُسْلِمِینَ، پروردگار جهانیان می‌باشد، او را همتایی نیست، به این کار امر شده‌ام و من از جمله مسلمانانم، اللَّهُمَّ مِنْکَ وَلَکَ بِسْمِ اللَّهِ وَاللَّهُ أَکْبَرُ، اللَّهُمَ تَقَبَّلْ مِنِی».

خداوندا! همه چیز از تو است و برای تو است، به نام خدا، و خداوند بزرگ است، خداوندا از من بپذیر.»

مستحبّات حلق وتقصیر:

مستحبّ است رو به قبله نام خدا را بر زبان جاری کرده، و از جانب راست پیش سر را ابتدا کند، و این دعا را بخواند:

«اللَّهُمَّ أَعْطِنِیْ بِکُلِّ شَعْرَةٍ نُوراً یَوْمَ الْقِیامَهِ، وَحَسَناتٍ «خداوندا! به شمار هر مو، نوری در قیامت به من عطا فرما و نیکی‌های مُضاعَفاتٍ، إِنَّکَ عَلی کُلِّ شَیْءٍ قَدِیرٌ».

مضاعف عنایت کن که تو بر هر چیز توانایی.»

ص: ۱۷۳

ونیز مستحبّ است موی سر خود را در منا در خیمه خود دفن نمایـد، و بهتر این است که بعد از حلق از اطراف ریش و شارب خود گرفته، و هم‌چنین ناخن‌ها را بگیرد.

مستحبّات منا:

۱. مستحبّ است حاجی ایّام تشریق یعنی یازدهم، دوازدهم وسیزدهم را در منا بماند، و این ماندن در منا بهتر است از اینکه به مکه رفته، و طواف مستحبّی انجام دهد.

۲. مستحبّ است حـاجی در منـا بعـد از پـانزده نمـاز واجب ودر غیر منـا بعـد از ده نمـاز که اوّل آن نمـاز ظهر روز عیـد است، این تکبیرات را بخواند:

«اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ، لا ـ إِلهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُ أَكْبَر وَلِلَّهِ «خـدا بزرگ است خـدابزرگ‌است معبودی جز خـدا نیست و خـدابزرگ است خـدابزرگ است و سـتایش الْحَمْدُ، اللَّهُ أَكْبَرُ عَلى ما هَدانا، اللَّهُ أَكْبَرُ عَلى ما رَزَقَنا مِنْ بَهِيمَةِ خاص خدا است خدا بزرگ است برای آنکه ما را هدایت کرد خدا بزرگ است برای آنکه روزی ما کرد از گوشت چهار پایان الْأَنْعامِ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ عَلى ما أَبْلانا». و ستایش خاص خدا است برای آنکه آزمود ما را.»

مستحبّات مسجد خَیفْ:

۱. مسـتحبّ است حاجی‌نمازهای شـبانه‌روزی خود را چه واجب وچه مسـتحب در مسـجد خَیفْ بخواند، و بهترین محلّ جایگاه نماز نبیّ اکرم صلی الله علیه و آله می‌باشد که از مناره تا سی ذراع از طرف قبله واز سمت راست وچپ و پشت سر قرار دارد.

۲. صد مرتبه سُبْحانَ اللَّه گفتن.

۳. صدمرتبه لا إِلهَ إِلَّا اللَّه گفتن.

۴. صد مرتبه الْحَمْدُ للَّهِ گفتن.

۵. خواندن شش رکعت نماز در جایگاه اصلی مسجد، و بهتر است این نماز را هنگام مراجعت به مکّه روز سیزدهم انجام دهد.

مستحبّات برگشت به مکّه معظّمه:

۱. غسل جهت ورود به شهر مکه معظّمه ومسجد الحرام.

۲. وارد شدن به مسجد الحرام ازباب السّلام.

۳. از امام صادق علیه السـلام روایت شده که اگر روز عید قربان به زیارت خانه خدا مشـرّف شدی بر در مسجد بایست، واین دعا را بخوان:

ص:۱۷۴

ص: ۱۷۵

«اللَّهُمَّ اعِنِّی عَلی نُسُکِکَ، وَسَلِّمْنِی لَهُ وَسَلِّمْهُ لِی، أَسْأَلُکَ «خداوندا! مرا بر عبادتت یاری کن، مرا برای عبادت سلامت دار و آن را برای من سالم دار، از تو می‌خواهم مَسْأَلَهَ الْعَلِیلِ الذَّلِیلِ الْمُعْتَرِفُ بِذَنْبِهِ، أنْ تَغْفِرَ لِی ذُنُوبِی، وَأَنْ سؤال بنده ناتوان، خوار، مُعترف به گناه که گناهانم را ببخشایی و با تَرْجِعَنِی بِحاجَتِی. اللَّهُمَّ إنِّی عَبْدُکَ، وَالْبَلَدُ بَلَدُکَ، وَالْبَیْتُ حاجت برآورده بازم گردانی، خداوندا! من بنده تو و این شهر، شهر تو و خانه، بَیْتُکَ، جِئْتُ اطْلُبُ رَحْمَتَکَ، وَاؤُمُّ طاعَتَکَ، مُتَّبِعاً لِأَمْرِکَ، خانه تو است برای طلب رحمت آمده‌ام و به قصد عبادت تو و پیروی از دستوراتت، راضِیاً بِقَدَرِکَ، أَسْأَلُکَ مَسْأَلَهَ الْمُضْطَرِّ إلَیْکَ، الْمُطِیعِ لِأَمْرِکَ، راضی‌ام به تقدیرت، هم چون بیچاره‌ای مطیع فرمانت الْمُشْفِقِ مِنْ عَذابِکَ، الْخائِفِ لِعُقُوبَتِکَ، أنْ تُبَلِّغَنِی عَفْوَکَ، بیمناک از عذابت و ترسان از کیفرت از تو می‌خواهم که مرا مشمول عفوت قرار دهی وَتُجِیرَنِی مِنَ النَّارِ بِرَحْمَتِکَ».

و از آتش در رحمتت قرارم دهی.»

مستحبّات واعمال مکّه مکرّمه:

۱. نمازهای واجب را در مسجد الحرام بجا آورد.

۲. ذکر خدا را بسیار بگوید، وحالت تذکّر وتنبّه را در

ص: ۱۷۶

خود حفظ نماید.

۳. قرآن را ختم نماید، تا نمیرد مگر اینکه جای خود را در بهشت دیده، وحضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله را ببیند.

۴. بسیار به کعبه معظّمه نگاه کند، که موجب آمرزش گناهان می‌شود.

۵. به هر اندازه که بتواند برای خود وپدر و مادر و خویشاوندان طواف مستحبّی انجام دهد، واگر بتواند به تعداد ایّام سال طواف نماید ثواب بسیار دارد.

۶. از آب زمزم بنوشد.

۷. طواف وداع انجام دهد.

طواف وداع:

بدان که برای کسی که می‌خواهد ازمکه بیرون رود، مستحبّ است طواف وداع نماید، ودر هر دور حجرالأسود و رکن یمانی را درصورت امکان استلام کند، و چون به مستجار که نام دیگر آن ملتزم است و نزدیک رکن یمانی است رسد مستحبّاتی را که قبلًا برای آن مکان ذکر شد بجا آورد، وآنچه خواهد دعا کند. بعد حجرالأسود را استلام نموده، وشکم

ص: ۱۷۷

خود را به خانه کعبه بچسباند، یک دست را بر حَجَر ودست دیگر را به طرف در گذاشته، وحمد وثنای الهی نماید، وصلوات بر پیغمبر وآل او بفرستد، واین دعا را بخواند:

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ عَبْدِکَ وَرَسُولِکَ، وَنَبِیِّکَ وَأَمِینِکَ، «خداوندا! درود فرست بر محمد، بنده، و فرستاده، و پیامبر، و امین، وَحَبِیبِکَ وَنَجِیِّکَ، وَخِیَرَتِکَ مِنْ خَلْقِکَ. اللَّهُمَّ کَما بَلَّغَ و حبیب، و رازدار و برگزیده از میان آفریده‌هایت، خداوندا! چنانچه او پیامت رِسالاتِکَ، وَجاهَدَ فِی سَبِیلِکَ، وَصَدَعَ بِأَمْرِکَ، وَأُوذِیَ

را ابلاغ، و در راهت جهاد، و دینت را آشکار و برای دین تو فِی جَنْبِکَ حَتَّی أَتاهُ الْیَقِینُ. اللَّهُمَّ اقْلِبْنِی مُفْلِحاً مُنْجِحاً تا لحظه مرگ رنج کشید، خداوندا! مرا با حاجات برآورده، با رستگاری و دعای مُسْتَجاباً لِی، بِأَفْضَلِ ما یَرْجِعُ بِهِ أَحَدٌ مِنْ وَفْدِکَ مِنَ الْمَغْفِرَةِ مستجاب باز گردان، به بهترین صورتی که فردی از واردان بر خویش را با مغفرت وَالْبَرَکَةِ وَالرِّضْوانِ وَالْعافِیَةِ، (مِمَّا یَسَعُنِی أَنْ أَطْلُبَ أَنْ تُعْطِیَنِی و خوشنودی و عافیت باز می‌گردانی، آنچه را از تو می‌توانم بخواهم مِثْلَ الَّذِی أَعْطَیْتَهُ أَفْضَلَ مَنْ عَبَدَکَ، وَتَزِیدُنِی عَلَیْهِ) اللَّهُمَّ إِنْ

به بهترین صورتی که به بهترین بنده‌ات می‌بخشی و افزون از آن به من عطاکن. خداوندا!

ص: ۱۷۸

أَمَتَّنِی فَاغْفِرْ لِی وَإِنْ أَحْیَیْتَنِی فَارْزُقْنِیهِ مِنْ قابِلٍ. اللَّهُمَّ لا تَجْعَلْهُ هر گاه که مُردم پس بیامرز مرا و اگر زنـده‌ام داشتی، پیشاپیش روزی‌ام ده، خداونـدا! ایـن زیـارت آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ بَیْتِکَ. اللَّهُمَّ إِنِی عَبْدُکَ وَابْنُ عَبْدِکَ وَابْنُ را برایم آخرین زیـارت خـانه‌ات قرار مـده، خداونـدا! من بنده و فرزند بنده أَمَتِکَ، حَمَلْتَنِی عَلی دابَّتِکَ، وَسَیَّرْتَنِی فِی بِلادِکَ، حَتّی و کنیز تو هستم، مرا بر مرکوبت سوار و از مسیر شـهرهایت به أَدْخَلْتَنِی حَرَمَکَ وَأَمْنَکَ، وَقَدْ کانَ فِی حُسْنِ ظَنِّی بِکَ أَنْ حرم امنت رساندی، و گمان نیکم به تو این است که تَغْفِرَلِی ذُنُوبِی، فَإِنْ کُنْتَ قَدْ غَفَرْتَ لِی ذُنُوبِی فَازْدَدْ عَنِّی رِضیً، گناهانم را بیامرزی، و چنانچه آمرزیده‌ای، خوشنودیت را از من افزون ساز، وَقَرِّبْنِی إِلَیْکَ زُلْفی وَلاتُباعِدْنِی، وَإِنْ کُنْتَ لَمْ تَغْفِرْلِی فَمِنَ و به مقام قربت نائل ساز، و دورم نساز و اگر نیامرزیـده‌ای هم الْآنَ فَاغْفِرْ لِی قَبْلَ أَنْ تَنْأی عَنْ بَیْتِکَ داری، وَهذا أوانُ اکنون مرا بیـامرز پیش از آنکه خانه ترا به سوی خانه‌ام ترک کنم، اینک آغاز انْصِرافِی، إنْ کُنْتَ أَذِنْتَ لِی غَیْرَ راغِبٍ عَنْکَ وَلا عَنْ بَیْتِکَ، بازگشتم می‌باشد، اگر اجازه‌ام دهی، بی‌آنکه به تو و خانه‌ات بی‌رغبت شده وَلا مُسْتَبْدِلٍ بِکَ وَلا بِهِ. اللَّهُمَّ احْفَظْنِی مِنْ بَیْنِ یَدَیَّ وَمِنْ و جایگزینی برای تو و خانه‌ات گرفته باشم، خداوندا! مرا از پیش رو و از

ص: ۱۷۹

خَلْفِی وَعَنْ یَمِینِی وَعَنْ شِمالِی، حَتّی تُبَلِّغَنِی أَهْلِی، پشت سر، از راست و چپ محافظت فرما، تا مرا به خانواده‌ام برسانی و چون وَاکْفِنِی مَؤُونَهَ عِبادِکَ وَ عِیالِی، فَإِنَّکَ وَلِیُّ ذلِکَ مِنْ خَلْقِکَ رسیدم، هزینه زندگی‌شان را کفایت کن، که تو کفایت‌کننده من و دیگر آفریده‌هایت وَمِنِی».

می‌باشی.»

پس مقداری از آب زمزم بیاشامد، واین دُعا را بخواند:

«آئِبُونَ تائِبُونَ عابِدُونَ لِرَبِّنا حامِدُونَ، إلی رَبِّنا «بازگشتگان، توبه‌کنندگان، عبادت‌کنندگان و ستایشگران پروردگارمان می‌باشیم، راغِبُونَ، إِلی اللَّهِ راجِعُونَ إِنْ شاءَ اللَّهُ».

به سوی پروردگارمان مشتاقانه بازگشته و رجعت می‌کنیم.»

ص: ۱۸۰

ص: ۱۸۱

بخش دوّم: زیارت مزارهای متبرّکه مکّه مکرّمه

بخش دوّم: زیارت مزارهای متبرّکه مکّه مکرّمه

توضیحی کوتاه درباره مزارهای مکّه مکرّمه:

یکی از اعمال مفید وسازنده که با تأکیدات فراوان مورد توجّه وتوصیه ائمّه اطهار وپیشوایان دین قرار گرفته، یاد گذشتگان وزیارت قبور آنان می‌باشد.

براین اساس محلّ مراقدی که در مکّه مشخص است و حجّاج محترم می‌توانند با حضور در کنار قبور آن بزرگواران یا از دور درک فیض نمایند، یادآوری می گردد:

۱. قبرستان ابوطالب- که به آن حُجُون وجنّهٔ المُعلّی نیز گفته می‌شود- پس از بقیع اشرف مقابر است، و رسول اکرم صلی الله علیه و آله مکرّر به آنجا رفت‌وآمد داشته‌اند.

و در آنجا حضرت عبدمناف جدّ اعلای پیامبر، حضرت عبدالمطّلب جدّ پیامبر، حضرت ابو طالب عموی پیامبر، حضرت خدیجه همسر پیامبر، وعدّه‌ای از علمای

ص: ۱۸۲

بزرگ وجمع بسیاری از مؤمنین، مدفون می‌باشند.

وبنابر قولی مدفن والده مکرّمه حضرت نبیّ اکرم «آمنه بنت وهب» نیز در این قبرستان قرار دارد. گر چه مشهور این است که قبر آن جناب در أَبْواء بین مکّه و مدینه است.

زیارت عبد مناف علیه السلام

جدّ اعلای پیامبر خدا صلی الله علیه و آله

«السَّلامُ عَلَیْکَ أَیُّهَا السَّیِّدُ النَّبِیلُ، السَّلامُ عَلَیْکَ أَیُّهَا الْغُصْنُ «سلام بر تو ای سید بزرگوار، سلام بر تو ای شاخه الْمُثْمِرُ مِنْ شَجَرَةِ إِبْراهِیمَ الْخَلِیلِ، السَّلامُ عَلَیْکَ یا جَدَّ خَیْرِ پر بار شجره (طیّبه) ابراهیم خلیل علیه السلام، سلام بر تو ای جد بهترین الْوَری السَّلامُ عَلَیْکَ یَاابْنَ الْأَنْبِیاءِ الْأَصْفِیاءِ، السَّلامُ عَلَیْکَ آفریده‌ها، سلام بر تو ای پسر پیامبران برگزیده، سلام بر تو یَاابْنَ الْأَوْصِیاءِ الْأَوْلِیاءِ، السَّلامُ عَلَیْکَ یا سَیِّدَ الْحَرَمِ، السَّلامُ ای پسر اوصیای اولیا، سلام بر تو ای بزرگ حرم، سلام بر عَلَیْکَ یا وارِثَ مَقامِ إِبْراهِیمَ، السَّلامُ عَلَیْکَ یا صاحِبَ بَیْتِ اللَّهِ تو ای وارث مقام ابراهیم، سلام بر تو ای سرپرست بیت اللَّه الْعَظِیمِ، السَّلامُعَلَیْکَ وَعَلی آبائِکَ الطَّاهِرِینَ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَکاتُهُ».

عظیم، سلام بر تو و بر پدران و فرزندان پاکت و رحمت خدا و برکاتش بر همه شما باد.»

زیارت عبدالمطّلب جدّ پیغمبر خدا صلی الله علیه و آله

«السَّلامُ عَلَیْکَ یا سَیِّدَ الْبَطْحاءِ، السَّلامُ عَلَیْکَ یا مَنْ ناداهُ «سلام بر تو ای سیّد سرزمین بطحا، سلام بر تو ای فراخوانده هاتِفُ الْغَیْبِ بِأَکْرَمِ نِداءٍ، السَّلامُ عَلَیْکَ یَاابْنَ إِبْراهِیمَ از سوی فراخوان غیبی به بهترین صورت، سلام بر تو ای پسر ابراهیم الْخَلِیلِ، السَّلامُ عَلَیْکَ یا وارِثَ الذَّبِیحِ إِسْماعِیلَ، السَّلامُ عَلَیْکَ خلیل، سلام بر تو ای وارث اسماعیل ذبیح، سلام بر تو یا مَنْ أَهْلَکَ اللَّهُ بِدُعائِهِ أَصْحابَ الْفِیلِ، وَجَعَلَ کَیْدَهُمْ فِی ای آنکه به دعایش اصحاب فیل به نابودی رسید، و توطئه‌شان تَضْلِیلٍ، وَأَرْسَلَ عَلَیْهِمْ طَیْراً أَبابِیلَ، تَرْمِیهِمْ بِحِجارَةٍ مِنْ سِجِّیلٍ، خنثی گردید، و بر سرآنان پرنده ابابیل را فرستاد، و آنان را با سنگ‌های کوچکی هدف قرار داد، فَجَعَلَهُمْ کَعَصْفٍ مَأْکُولٍ، السَّلامُ عَلَیْکَ یا مَنْ تَضَرَّعَ فِی و همه را چون کاه خورد شده قرارشان داد، سلام بر تو ای آنکه متضرّعانه عرض حاجاتِهِ إِلَی اللَّهِ، وَتَوَسَّلَ فِی دُعائِهِ بِنُورِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّی اللَّهُ حاجت به درگاه الهی نمود، و در دعایش به نور رسول خدا صلی الله علیه و آله توسّل عَلَیْهِ وَآلِهِ، السَّلامُ عَلَیْکَ یا مَنِ اسْتَجابَ اللَّهُ دُعاءَهُ، جست، سلام بر تو ای آنکه خداوند دعایش اجابت نمود،

ص:۱۸۳

ص: ۱۸۴

وَنُودِیَ فِی الْکَعْبَهِ، وَبُشِّرَ بِالْإِجابَهِ فِی دُعائِهِ، وَأَسْجَدَ اللَّهُ الْفِیلَ و در کعبه مورد ندای غیبی قرار گرفت، و مژده اجابت دعا به او داده شد، و خداوند فیل إِکْراماً وَإِعْظاماً لَهُ، السَّلامُ عَلَیْکَ یا مَنْ أَنْبَعَ اللَّهُ لَهُ الْماءَ حَتّی را به احترام او به زانو درآورد، سلام بر تو ای آنکه به امر خداوند برایش آب از زمین جوشید تا او شَرِبَ وَارْتَوی فِی الْأَرْضِ الْقَفْراءِ، السَّلامُ عَلَیْکَ یَاابْنَ الذَّبِیحِ در سرزمین بی‌آب و علف سیراب گردید، سلام بر تو ای پسر و وَأَبَا الذَّبِیحِ، السَّلامُ عَلَیْکَ یا ساقِیَ الْحَجِیجِ وَحافِرَ زَمْزَمَ، پدر ذبیح، سلام بر تو ای ساقی حجاج و حفر کننده زمزم، السَّلامُ عَلَیْکَ یا مَنْ جَعَلَ اللَّهُ مِنْ نَسْلِهِ سَیِّدَ الْمُرْسَلِینَ وَخَیْرَ سلام بر تو ای آنکه خداوند در نسل او سرور پیامبران و بهترین أَهْلِ السَّماواتِ وَالْأَرَضِینَ، السَّلامُ عَلَیْکَ یا مَنْ طافَ حَوْلَ آفریده‌های آسمان و زمین را قرار داد، سلام بر تو ای آنکه بر گرد الْکَعْبَهِ وَجَعَلَهُ سَبْعَهَ أَشْواطٍ، السَّلامُ عَلَیْکَ یا مَنْ رَأی فِی کعبه طواف هفتگانه گزارد، سلام بر تو ای کسی که در خواب الْمَنام سِلْسِلَهَ النُّورِ وَعَلِمَ أَنَّهُ مِنْ أَهْلِ الْجَنَّهِ، السَّلامُ عَلَیْکَ یا رشته نوری مشاهده و فهمید که او اهل بهشت می‌باشد، سلام بر تو ای شَیْبَهَ الْحَمْدِ، السَّلامُ عَلَیْکَ وَعَلی آبائِکَ وَأَجْدادِکَ وَأَبْنائِکَ شیبهٔ‌الحمد، سلام بر تو و بر تمام پدر و اجداد و فرزندانت، و رحمت

ص: ۱۸۵

جمیعاً وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَکاتُهُ».

و برکات الهی بر همه شما باد.»

زیارت حضرت ابوطالب عموی گرامی پیامبر صلی الله علیه و آله

و پدر بزرگوار امیرمؤمنان علیه السلام

«السَّلامُ عَلَیْکَ یا سَیِّدَ الْبَطْحاءِ وَابْنَ رَئِیسِها، السَّلامُ عَلَیْکَ «سلام بر تو ای بزرگ سرزمین بطحا و فرزند رئیس آن، سلام بر تو یا وارِثَ الْکَعْبَةِ بَعْدَ تَأْسِیسِها، السَّلامُ عَلَیْکَ یا کافِلَ الرَّسُولِ ای وارث سرپرستی کعبه پس از تجدید بنا، سلام بر تو ای سرپرست وَناصِرَهُ، السَّلامُ عَلَیْکَ یا عَمَّ الْمُصْطَفی وَأَبَا الْمُرْتَضی السَّلامُ و یاور پیامبر، سلام بر تو ای عموی حضرت مصطفی و پدر علی مرتضی، سلام عَلَیْکَ یا بَیْضَةَ الْبَلَدِ، السَّلامُ عَلَیْکَ أَیُّهَا الذَّابُّ عَنِ الدِّینِ، بر تو ای بزرگ شهر، سلام بر تو ای مدافع دین وَالْباذِلُ نَفْسَهُ فِی نُصْرَةِ سَیِّدِ الْمُرْسَلِینِ، السَّلامُ عَلَیْکَ وَعَلی و یار جان‌نثار سرور پیامبران، سلام و رحمت و برکات الهی بر تو و بر وَلَدِکَ أَمِیرِالْمُؤْمِنِینَ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَکاتُهُ».

فرزندت امیر مؤمنان باد.»

زیارت حضرت خدیجه، همسر گرامی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله

«السَّلامُ عَلَیْکِ یا امَّ الْمُؤْمِنِینَ، السَّلامُ عَلَیْکِ یا زَوْجَةَ سَیِدِ «سلام بر تو ای مادر مؤمنان، سلام بر تو ای همسر سرور الْمُرْسَلِینِ، السَّلامُ عَلَیْکِ یا امَّ فاطِمَةَ الزَّهْراءِ سَیِّدَةِ نِساءِ فرستادگان، سلام بر تو ای مادر فاطمه زهرا سرور بانوان الْعالَمِینَ، السَّلامُ عَلَیْکِ یا أَوَّلَ الْمُؤْمِناتِ، السَّلامُ عَلَیْکِ یا مَنْ دو جهان، سلام بر تو ای نخست بانوی مؤمن، سلام بر تو ای آنکه أَنْفَقَتْ مالَها فِی نُصْرَةِ سَیِّدِ الْأَنْبیاءِ، وَنَصَرَتْهُ مَااسْتَطاعَتْ دارائیش را در راه پیروزی اسلام و یاری سرور انبیا هزینه کرد و دشمنان وَدافَعَتْ عَنْهُ الْأَعْداءَ، السَّلامُ عَلَیْکِ یا مَنْ سَلَّمَ عَلَیْها جَبْرَئِیلُ، را از او دور ساخت، سلام بر تو ای آنکه بر او جبرئیل درود فرستاد، وَبلَّغَهَا السَّلامَ مِنَ اللَّهِ الْجَلِیلِ، فَهَنِیئاً لَکِ بِما أَوْلاکِ اللَّهُ مِنْ و سلام خدای بزرگ را به او ابلاغ کرد، این فضل الهی گوارایت باد فَضْلٍ، وَالسَّلامُ عَلَیْکِ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَکاتُهُ».

و سلام و رحمت و برکاتش بر تو باد.»

زیارت حضرت قاسم فرزند رسول اکرم صلی الله علیه و آله

«السَّلامُ عَلَیْکَ یا سَیِدَنا یا قاسِمَ بْنَ رَسُولِ اللَّهِ، السَّلامُ «سلام بر تو ای سرور ما؛ ای قاسم پسر رسول خدا، سلام عَلَیْکَ یَاابْنَ نَبِی اللَّهِ، السَّلامُ عَلَیْکَ یَاابْنَ حَبِیبِ اللَّهِ، السَّلامُ بر تو ای پسر پیامبر خدا، سلام بر تو ای پسر حبیب خدا، سلام عَلَیْکَ یَاابْنَ الْمُصْطَفی السَّلامُ عَلَیْکَ وَعَلی مَنْ حَوْلَکَ مِنَ بر تو ای پسر حضرت مصطفی، سلام بر مردان و زنان با ایمان مدفون در اطرافت، الْمُؤْمِنِینَ وَالْمُؤْمِناتِ، رَضِیَ اللَّهُ تَعالی عَنْکُمْ وَأَرْضاکُمْ أَحْسَنَ خداوند از شما خوشنود و شما را از خود به بهترین صورت الرِّضا، وَجَعَلَ الْجَنَّةَ مَنْزِلَکُمْ وَمَسْکَنَکُمْ وَمَأْوِیکُمْ، السَّلامُ خوشنود گرداند، و بهشت را منزل و مأوایتان قرار دهد، سلام و عَلَیْکُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَکاتُهُ».

رحمت و برکات خدا بر شما باد.»

۲. مزار شهدای فخّ: در این مکان که نزدیک مسجد تنعیم است حدود صد نفر از فرزندان حضرت زهرا علیها السلام به دستور خلیفه عبّاسی «موسی‌الهادی» به شهادت رسیده، و به

ص:۱۸۶

ص:۱۸۷

ص: ۱۸۸

خاک سپرده شده‌اند با همان زیارت که امام زادگان زیارت می‌شوند، آنان زیارت می گردند:

مزار شهدای فخ

«السَّلامُ عَلی جَدِکُمُ الْمُصْطَفی السَّلامُ عَلی أَبِیکُمُ «سلام بر جدتان حضرت مصطفی، سلام بر پدرتان الْمُرْتَضَی الرِّضا، السَّلامُ عَلَی السَّیِدَیْنِ الْحَسَنِ وَالْحُسَیْنِ، علی مرتضی، راضی به قضای حق، سلام بر دو سرور؛ امام حسن و امام حسین، السَّلامُ عَلی خَدِیجَةَ امِّ الْمُؤْمِنِینَ امِّ سَیِدَةِ نِساءِ الْعالَمِینَ، سلام بر خدیجه مام مؤمنان و مادر سرور بانوان دو جهان، السَّلامُ عَلی فاطِمَةَ اُمِ الْأَئِمَّةِ الطَّاهِرِینَ، السَّلامُ عَلَی النُّفُوسِ سلام بر حضرت فاطمه مادر ائمّه اطهار، سلام بر انسان‌های الْفاخِرَةِ، بُحُورِالْعُلُوم الزَّاخِرَةِ، شُفَعائِی فِی الْآخِرَةِ، وَأَوْلِیائِی ارزشمند، دریاها و گنجینه‌های دانش، شفیعانم در روز واپسین و اولیایم عِنْدَ عَوْدِ الرُّوحِ إِلَی الْعِظامِ النَّخِرَةِ، أَئِمَّةِ الْخَلْقِ وَوُلاةِ الْحَقِ، به هنگام بازگشت روح به استخوان‌های فرسوده، امامان و والیان بر حق، السَّلامُ عَلَیْکُمْ أَیُّها الْأَشْخاصُ الشَّرِیفَةُ الطَّاهِرَةُ الْکَرِیمَةُ، أَشْهَدُ سلام بر شما ای گرامی پاکان با شرافت، گواهی می‌دهم أَنْ لا إِلهَ إِلَّا اللَّهُ، وَأَنَّ مُحَمَّداً عَبْدُهُ وَمُصْطَفاهُ، وَأَنَّ عَلِیّاً وَلِیُّهُ که معبودی جز خدای یکتا نیست و حضرت محمّد بنده و برگزیده او است، و حضرت علی ولی

ص: ۱۸۹

وَمُجْتَباهُ، وَأَنَّ الْإِمامَهَٔ فِی وُلْدِهِ إِلی یَوْمِ الدِّینِ، نَعْلَمُ ذلِکَ عِلْمَ و برگزیده او می‌باشد و امامت در میان فرزندانش تا قیامت مستقر است و ما به طور یقین الْیَقِینِ، وَنَحْنُ لِذلِکَ مُعْتَقِدُونَ، وَفِی نَصْرِهِمْ مُجْتَهِدُونَ».

به این حقیقت آگاه و معتقد و در یاری آنها در تلاشیم.»

۳. حِجر اسماعیل: در داخل مسجد الحرام کنار خانه کعبه حدّ فاصل رکن شمالی ورکن غربی، خانه حضرت اسماعیل بوده است که در آن قبر مبارک حضرت اسماعیل ومادرش هاجر وقبور جمع زیادی از پیامبران علیهم السلام قرار دارد. واز برخی روایات استفاده می‌شود که اطراف خانه کعبه قبور انبیای الهی فراوان است، که در این مکان زیارت می‌شوند.

ومستحبّ است احرام حجّ تمتُّع در حِجر اسماعیل زیر ناودان رحمت انجام گیرد، و آن‌جا مکان دعا واستغفار وطلب رحمت وحاجت می‌باشد.

زیارت حضرت‌اسماعیل وهاجر علیهما السلام

در حِجر اسماعیل

«السَّلامُ عَلی سَیِّدِنا إِسْماعِیلَ ذَبِیحِ اللَّهِ ابْنِ إِبْراهِیمَ خَلِیلِ‌اللَّه «سلام بر سرورمان اسماعیل ذبیح اللَّه، پسر ابراهیم خلیل اللَّه،

ص: ۱۹۰

السَّلامُ عَلَیْکَ یا نَبِیَّ اللَّهِ وَابْنَ نَبِیِّهِ، السَّلامُ عَلَیْکَ یا صَفِیَّ اللَّهِ سلام بر تو ای پیامبر خدا و پسر پیامبر خدا، سلام بر تو ای برگزیده خدا وَابْنَ صَفِیِّهِ، السَّلامُ عَلَیْکَ یا مَنْ أَنْبَعَ اللَّهُ لَهُ بِئْرَ زَمْزَم حِینَ و پسر برگزیده خدا، سلام بر تو ای آن که زمزم برایش جوشید، آنگاه أَسْکَنَهُ أَبُوهُ بِوادٍ غَیْرِ ذی زَرْعٍ عِنْدَ بَیْتِ اللَّهِ الْمُحَرَّمِ، وَاسْتَجابَ که پدرش که او را در وادی بی‌آب و علف در کنار بیت الله الحرام اسکان داد و خداوند دعای اللَّهُ فِیهِ دَعْوَةَ أَبِیهِ إِبْراهِیمَ حِینَ قَالَ: رَبَّنا إِنِی أَسْکَنْتُ مِنْ پدرش ابراهیم را درباره‌اش مستجاب ساخت که عرضه داشت: «پروردگارا! من بعضی از ذُرِیَّتِی بِوادٍ غَیْرِ ذی زَرْعٍ عِنْدَ بَیْتِکَ الْمُحَرَّمِ رَبَّنا لِیُقِیمُوا فرزندانم را در سرزمین بی‌آب و علف، در کنار خانه و حرمت ساکن ساختم، پروردگارا! تا الصَّلاةَ فَاجْعَلْ أَفْئِدَةً مِنَ النَّاسِ تَهْوِی إِلَیْهِمْ وَارْزُقْهُمْ مِنَ نماز را بر پا دارند، پس دلهای گروهی از مردم را به آنها متمایل ساز و از ثمرات الثَّمَراتِ لَعَلَّهُمْ یَشْکُرُونَ، السَّلامُ عَلَیْکَ یا مَنْ سَلَّمَ نَفْسَهُ به آنها روزی ده شاید ترا شکر گزارند، سلام بر توی ای آنکه تن به لِلذَّبْحِ طاعَةً لِأَمْرِاللَّهِ تَعالی إِذْ قالَ لَهُ ابُوهُ: إِنِی أَری فِی الْمَنام قربانی شدن داد تا اطاعت امر الهی کرده باشد، آنگاه که پدرش به او گفت: «من در خواب دیدم أَنِی أَذْبَحُکَ فَانْظُرْ ماذا تَری قالَ یا أَبَتِ افْعَلْ ما تُؤْمَرُ که ترا ذبح می‌کنم، نظر تو چیست؟ گفت: پدرم به آنچه دستور داری عمل کن،

ص: ۱۹۱

سَتَجِدُنِی إِنْ شاءَ اللَّهُ مِنَ الصَّابِرِینَ، فَدَفَعَ اللَّهُ عَنْهُ الذِّبْحَ به خواست خدا مرا از صابران خواهی یافت، پس خداوند ذبح را از او برداشت وَفَداهُ بِذِبْحٍ عَظِیمٍ، السَّلامُ عَلَیْکَ یا مَنْ أَعانَ أَباهُ عَلی بِناءِ و ذبحی بزرگ را فدای او کرد، سلام بر تو ای آنکه پدر خویش را در ساخت کعبه الْکَعْبَةِ کَما قالَ اللَّهُ تَعالی وَإِذْ یَرْفَعُ إِبْراهِیمُ الْقَواعِدَ مِنَ یاری داد، چنانچه خدای تعالی فرمود: «آنگاه که ابراهیم و اسماعیل پایه‌های الْبَیْتِ وَإِسْمعِیلُ رَبَّنا تَقَبَّلْ مِنَّا إِنَّکَ أَنْتَ السَّمِیعُ الْعَلِیمُ، کعبه را بالا می‌بردند (می گفتند:) «پروردگارا! از ما بپذیر که تو شنوا و دانایی» السَّلامُ عَلَیْکَ یا مَنْ مَدَحَهُ اللَّهُ تَعالی فِی کِتابِهِ بِقَوْلِهِ: وَاذْکُرْ سلام بر تو ای آنکه خدای تعالی در کتابش چنین توصیف کرده: «و در این کتاب از فِی الْکِتابِ إِسْماعِیلَ إِنَّهُ کانَ صادِقَ‌الْوَعْدِ وَکانَ رَسُولًا نَبِیّاً اسماعیل یاد کن که او در وعده‌هایش صادق و رسول و پیامبر بود، وَکانَ یَأْمُرُ أَهْلَهُ بِالصَّلاةِ وَالزَّکاةِ وَکانَ عِنْدَ رَبِّهِ مَرْضِیّاً، او همواره‌خانواده‌اش را به‌نماز و زکات دستور می‌داد و پیوسته مورد رضایت پروردگارش بود» السَّلامُ عَلَیْکَ یا مَنْ جَعَلَ اللَّهُ مِنْ ذُرِّیَّتِهِ مُحَمَّداً سَیِّدَ الْمُرْسَلِینَ سلام بر تو ای آنکه خداوند از نسل او حضرت محمّد سرور رسولان وَخاتَمَ النَّبِیِّینَ صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ، السَّلامُ عَلَیْکَ وَعَلی و خاتم پیامبران صلی الله علیه و آله را قرار داد سلام بر تو و بر

ص: ۱۹۲

أَبِيكَ إِبْراهِيمَ خَلِيلِ اللَّهِ، وَعَلى أَخِيكَ اسْحقَ نَبِيِّ اللَّهِ، السَّلامُ پدرت ابراهیم خلیل اللَّه و بر برادرت اسحاق پیامبر خدا، سلام عَلَيْكَ وَعَلى جَمِيعِ أَنْبِياءِ اللَّهِ الْمَدْفُونِينَ بِهذِهِ الْبُقْعَةِ الْمُبارَكَةِ بر تو و بر تمام پیامبران الهی که در این بقعه مبارک و بزرگ مدفونند، الْمُعَظَّمَةِ، السَّلامُ عَلَيْكَ وَعَلى أُمِّكَ الطَّاهِرَةِ الصَّابِرَةِ هاجَرَ سلام و رحمت و برکات خدا بر تو و بر هاجر وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكاتُهُ، حَشَرَنَا اللَّهُ فِي زُمْرَتِكُمْ تَحْتَ لِواءِ مُحَمَّدٍ مادر پاک و شکیبایت، خداوند ما را در زمره شما و زیر پرچم پیامبر و خاندانش صلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَلا جَعَلَهُ اللَّهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ صلوات اللَّه علیهم محشور سازد و قرار ندهد (این را) آخرین زیارت از شما، زِيارَتِكُمْ، وَالسَّلامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكاتُهُ».

و سلام و رحمت و برکات خدا بر شما باد.» پس دو رکعت نماز زیارت بخوان، و ثوابش را به آن حضرت اهدا کن.

زیارت سایر انبیای عظام علیهم السلام

در حجر اسماعیل

به نیّت زیارت ارواح طیّبه هریک از انبیای عظام الهی سلام اللَّه علیهم اجمعین یا به نیّت زیارت تمامی آنان

ص: ۱۹۳

می‌خوانی زیـارتی را که مرحوم کُلینی در کتـاب شـریف کـافی، ومرحوم شیخ طوسـی در تهـذیب، وابن قولویه در کامـل الزّیارات آورده‌اند. این زیارت که اوّل آن «السَّلامُ عَلی أَوْلِیاءِ اللَّهِ وَأَصْفِیائِهِ ...» می‌باشد، ودر فصل اوّل این کتاب به‌عنوان زیارت جامعه اوّل قرار داده شـده، در زیـارت همه مرقـدهای متـبرّکه جـایز است، و پس از پایـان آن بسـیار بر محمَّد و آل محمَّد صـلوات می فرستی، وبرای خود ومؤمنین ومؤمنات به هر نحو که بخواهی دعا می کنی.

ص:۱۹۴

ص: ۱۹۵

بخش سوّم: اماکن متبرکه مکّه مکرّمه

بخش سوّم: اماکن متبرکه مکّه مکرّمه

حدود حرم:

اطراف مکّه معظّمه، محدوده‌ای به عنوان حرم در نظر گرفته شده است، وحرم از هر جانب مکّه عبارت از آن حدّی است که نمی‌شود بدون احرام از آن حدّ گذشت، وخداوند متعال آن حدّ را محلّ امن برای انسان و حیوان و گیاهان قرار داده است. محدوده حرم از این قرار می‌باشد:

۱. از جانب شمال مسجد تنعیم است، که در راه مدینه و حدود شش کیلومتر تا مسجدالحرام فاصله دارد.

۲. از جانب جنوب محلّ اضائَهُ لِبْن است، که سر راه یمن وفاصله آن تا مسجدالحرام حدود دوازده کیلومتر می‌باشد.

۳. از جانب شرق جعرانه است که سر راه طائف قرار گرفته، ورسول اکرم صلی الله علیه و آله از این حدّ برای عمره مُحرم شدند.

۴- از جانب غرب منطقه حُدَیبیّه (شُمَیسی) می‌باشد، که

ص: ۱۹۶

در کنار راه سابق جدّه، و محل بیعت رضوان است.

حرم در فقه دارای احکامی است که حجّاج و واردین به این سرزمین باید بدان توجّه نمایند، ودر کتب فقهیه و مناسک ذکر شده است.

برخی از مساجد شهر مکّه:

در شهر مکّه علاوه بر مسجد الحرام مساجد تاریخی زیادی وجود دارد، که از آن جمله است:

۱. مسجد جِنّ، که نزدیک بازار معروف به ابوسفیان است، و محلّ نزول سوره مبارکه جنّ بر پیامبر عظیم‌الشّأن می‌باشد، و سزاوار است در آن دو رکعت نماز تحیّت خوانده شود.

۲. مسجد الرّایه، که بعد از فتح مکّه رسول اکرم صلی الله علیه و آله دستور دادند آنجا پرچم پیروزی را به پا داشتند، وبه این مناسبت آن‌جا مسجدی ساخته‌اند به نام مسجد الرّایه.

مسجد الحرام وخصوصیات کعبه

مسجد الحرام مسجدی است بسیار با عظمت که در فضیلت و شرافت بی‌نظیر می‌باشد، یک نماز در آن برابری

ص: ۱۹۷

می کند با صد هزار نماز در مساجد دیگر، پس بایستی وقت را غنیمت شـمرده واز فضـیلت‌های معنوی مسـجدالحرام حدّاکثر بهره را بُرد.

کعبه در وسط مسجد الحرام قرار دارد با بنایی ساده ومکعب شکل، به ارتفاع حدود ۱۵ متر.

وچون کعبه را می بینی بگو:

«الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی عَظَّمَکِ وَشَرَّفَکِ وَجَعَلَکِ مَثابَةً لِلنَّاسِ «حمد خدایی را که ترا بزرگ و با شرافت و محل آمد و شد مردم و جای امن وَأَمْناً مُبارَکاً وَهُدیً لِلْعالَمِینَ».

و مبارك و عامل هدایت جهانیان قرار داد.»

ارکان کعبه

رکن شرقی: که حجر الأسود در آن منصوب است.

رکن عراقی یا شمالی، بعد از در کعبه قرار دارد.

رکن غربی: در طواف از حِجر اسماعیل که می گذری به آن می‌رسی.

رکن جنوبی: که به نام رکن یمانی معروف است، بعد از رکن غربی ومحاذی رکن شرقی است، امام صادق علیه السلام فرمود:

ص: ۱۹۸

رکن یمانی در ورود ما به بهشت می‌باشد. (۱)

حَجَر الأسود: سنگ سیاه رنگ بیضی شکلی است که در رکن شرقی کعبه قرار دارد، و به دست حضرت ابراهیم علیه السلام نصب گردیده است. ارتفاع آن از سطح زمین یک متر ونیم می‌باشد.

مُلْتَزَم: نزدیک رکن یمانی مقابل در کعبه می‌باشد و آنجا جای دعا و استغفار است. ومستحبّ است انسان خود را به آنجا چسبانده، واین دعا را بخواند:

«اللّهُمَّ الْبَیْتُ بَیْتُکَ، وَالْعَبْدُ عَبْدُکَ، وَهـذا مَقامُ الْعائِذِ بِکَ مِنَ «خداوندا! خانه خانه توست، و بنده بنده توست، و این جایگاه پناهنده به تو از عذاب النَّارِ ...».

دوزخ است.»

واز خدا طلب آمرزش نماید.

مُسْتَجار: همان ملتزم است و آن مکانی است که گناهکاران بدان جا پناه می برند.

ناودان رحمت: بالای کعبه در طرف حِجر اسماعیل قرار

۱- مجمع البیان، ج ۱، ص ۴۷۸، رکن یمانی در ورود ما به بهشت می‌باشد.

ص: ۱۹۹

گرفته، وآنجا محلّ نزول رحمت وجای تضرّع واستغفار است.

حَطِیم: محلّی است که بین درب کعبه وحجر الأسود قرار دارد، وحطیم نامیده‌اند چون در این جا مردم تلاش می‌کنند تا استلام حجر نموده وبیکدیگر فشار می‌آورند.

وبرخی گفته‌اند حطیم نام دیوار منحنی نیم دایره‌ای است که حِجر اسماعیل را محصور نموده، وما بین دو زاویه شمالی وغربی خانه کعبه به ارتفاع ۳۱ /۱ متر وعرض ۵۲ /۱ متر از بالا و ۴۴ /۱ متر از پایین قرار دارد، وفاصله نهایی دیوار حِجر اسماعیل (حطیم) تا دیوار خانه از قسمت وسط حدود ده متر است.

حِجر اسماعیل:

بنایی است به شکل نیم دایره با دیواری به ارتفاع یک متر و ۳۰ سانتیمتر که در جانب شمالی کعبه قرار دارد، و قبر حضرت اسمعیل و هاجر، مادر آن حضرت در آن جا می‌باشد، وبنابر بعض روایات قبور جمعی از انبیا علیهم السلام هم در آن جا است.

مقام ابراهیم:

محلی است در نزدیک کعبه، به فاصله حدود ۱۳ متر، دارای گنبدی کوچک که با شیشه احاطه شده، و در آن سنگی قرار دارد، که گفته می‌شود حضرت ابراهیم خلیل علیه السّلام بر آن ایستاده، ومردم را به حجّ خدا دعوت کرده است، واثر پاهای مبارکش در آن پیدا می‌باشد، حجاج محترم نماز طواف خود را پشت این مقام بجای می‌آورند.

زمزم:

نام چاه آبی است که خداوند به لطف خود در زیر پای حضرت اسماعیل جاری ساخت، و در طول تاریخ و پیش آمد حوادث، بارها مرمَّت ولایروبی گردیده، وفعلًا آب آن نیز مورد استفاده حُجّاج بیت اللَّه الحرام قرار می‌گیرد، و آب آن مورد توجّه خاصّ نبیّ اکرم صلی الله علیه و آله بوده است، و در طول تاریخ اسلام مؤمنین بدان تبرّک می‌جسته‌اند. آب زمزم، مبارک و موجب شفاست. رسول خدا صلی الله علیه و آله در مدینه آب زمزم را درخواست می‌فرمودند. ودر روایت وارد شده: وقتی از آب زمزم

ص:۲۰۰

ص: ۲۰۱

نوشیدی، بگو:

«اللّهُمَّ اجْعَلْهُ عِلْماًنافِعاً وَرِزْقاًواسِعاً وَشِفاءاًمِنْ کُلِّ داءٍ وَسُقْمٍ».

«خداوندا! این را سبب دانشی سودمند و روزی واسع و شفای از هر درد و بیماری قرار ده.»

نوشیدن آب زمزم بعد از نماز طواف مستحب است.

صفا و مروه:

صفا در سمت جنوب شرقی ومروه در سمت شمال شرقی کعبه قرار دارند.

منظره صفا ومروه بسیار زیبا و باشکوه می‌باشد، ومستحب است‌مردها قریب هفتاد متر از سعی را به طور «هَرْوَلَه» حرکت کنند، که‌حدود آن‌با رنگ وچراغ سبز مشخّص گردیده است.

شِعب ابی طالب

شعب ابی‌طالب در شمال شرقی مسجدالحرام و در نزدیکی صفا ومروه‌واقع‌شده، و محلّ ولادت رسول‌خدا صلی الله علیه و آله و فاطمه زهرا علیها السلام است. خاندان بنی‌هاشم و عبدالمطلب در همین مکان زندگی می‌کرده‌اند و پس از بعثت توسط مشرکان حدود سه سال محاصره اقتصادی شدند. طبق نقل مورّخین

ص: ۲۰۲

عده‌ای از سران قریش در دارالندوه گردآمدند و عهدنامه‌ای تنظیم و پیمان بستند که نسبت به فرزندان عبدالمطلب سختگیری و آنها را تحریم اقتصادی و تحت اذیت و آزار قرار دهند، سرانجام بعد از گذشت سه سال از این پیمان پنج‌نفر از مشرکین پشیمان شده وعهدنامه را پاره کردند.

محلّ ولادت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله

در نزدیکی صفا و مروه می‌دانی است که در آنجا کتابخانه‌ای به نام «مکتبهٔ مکّهٔ المکرّمه» واقع شده، در این بقعه نور عالم تاب نبیّ اکرم صلی الله علیه و آله بر جهانیان تابید، ودر همین محل مدّتی در کنار مادرش آمنه زندگی نمود. حجّاج محترم این دعا را در این مکان مقدّس می‌خوانند:

«اللَّهُمَّ بِجاهِ نَبِیِّکَ الْمُصْطَفی وَرَسُولِکَ الْمُرْتَضی وَأَمِینِکَ «خداوندا! به جایگاه پیامبر برگزیده‌ات و رسول مورد رضایتت که امین عَلی وَحْیِ السَّماءِ، طَهِّرْ قُلُوبَنا مِنْ کُلِّ وَصْفٍ یُباعِدُنا عَنْ وحی آسمانی تواست، دلهای ما را از آنچه ما را از تو و محبتت دور و مهجور مُشاهَدَتِکَ وَمَحَبَّتِکَ، وَأَمِتْنا عَلی مُوالاةِ أَوْلِیائِکَ، می‌سازد پاک ساز، و ما را بر دوستی اولیایت

ص: ۲۰۳

وَمُعاداةِ أَعْدائِکَ، وَالشَّوْقِ إِلی لِقائِکَ، یا ذَاالْجَلالِ و دشمنی اعدایت، و به شوق دیدارت، ای ذوالجلال وَالْإِکْرام. اللَّهُمَّ إِنِی أَوْدَعْتُ فِی هذَا الْمَحَلِّ الشَّرِیفِ و الإکرام بمیران، خداوندا! من به ودیعه سپردم در این جای شریف مِنْ یَوْمِنا هذا إِلی یَوْمِ الْقِیامَهِٔ خالِصاً مُخْلِصاً، أَشْهَدُ أنْ لا إِلهَ از امروز تا روز برپایی رستاخیز ایمان خالص و مخلصم را و گواهی می‌دهم که معبودی جز خدای یکتا إِلَّا اللَّهُ، وَأَنَّ مُحَمَّداً عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ».

نیست و حضرت محمد صلی الله علیه و آله بنده و فرستاده او می‌باشد.»

غار حِرا

جبل النور، اسم کوهی است در داخل شهر مکه، و در آن غاری می‌باشد به نام غارِ حِرا که رسول‌اکرم صلی الله علیه و آله قبل از بعثت در آن به تفکّر و عبادت خداوند می‌پرداخت، و در هر فرصتی به سوی آن می‌شتافت، تا اینکه در ۲۷ رجب، جبرئیل بر آن حضرت نازل شد، وبا آوردن آیات سوره علق اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّکَ الَّذِی خَلَقَ

آن حضرت به نبوّت مبعوث شد. مناسب است اگر موفّق به دیدن غار حرا

ص: ۲۰۴

شدی، با خواندن دو رکعت نماز وخواندن زیارت آن حضرت از راه دور یاد زحمات طاقت‌فرسای رسول اکرم صلی الله علیه و آله را گرامی داری.

کوه ثَوْر

کوهی است که در پایین شهر مکّه، تقریباً در دو فرسخی مسجدالحرام واقع شده، در آن کوه غاری است که رسول خدا صلی الله علیه و آله در وقت مهاجرت به جانب مدینه در آن پنهان شدند، و این کوه را جبل‌الثّور نامیده‌اند، از آن جهت که ثور بن عبد مناف زمانی در آن نزول کرده است.

مرحوم شیخ انصاری رحمه الله در مناسک این دعا را برای کوه ثور نقل کرده، که به قصد رجاء می‌خوانی:

«اللَّهُمَّ بِجاهِ مُحَمَّدٍ وَأَمِينِهِ وَصِدِيقِهِ يَسِّرْ امُورَنا، وَاشْرَحْ «خداوندا! به جایگاه پیامبرت حضرت مصطفی و رسولت حضرت مرتضی وامینت کارهای ما را آسان‌گردان صُدُورَنا، وَنَوِّرْ قُلُوبَنا، وَاخْتِمْ بِالْخَيْرِ امُورَنا، اللَّهُمَّ إِنَّکَ تَعْلَمُ و سینه‌های ما را گشاده و قلوب ما را نورانی و امور ما را ختم به نی ۹ کی فرما خدایا تو از سِرِی وَعَلانِيَتِی فَاقْبَلْ مَعْذِرَتِی، وَتَعْلَمُ حاجَتِی وَتَعْلَمُ ما فِی

ص: ۲۰۵

نهان و آشکار من آگاهی داری، عذر من را بپذیر و از نیاز من با خبری و نسبت به نَفْسِی فَاغْفِرْ لِی ذُنُوبِی، فَإِنَّهُ لا یَغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلّا أَنْتَ. اللَّهُمَّ إِنِی من آگاهی، گناهانم بیامرز که جز تو کسی نخواهد آمرزید خدایا من أَوْدَعْتُ فِی هذَا الْمَحَلِّ الشَّرِیفِ مِنْ یَوْمِنا هذا إِلی یَوْم الْقِیامَةِ ایمانم را در این مکان شریف خالصانه و مخلصانه و در این روز تا روز قیامت به ودیعه خالِصاً مُخْلِصاً، أَنِی أَشْهَدُ أَنْ لا إِلهَ إِلَّا اللَّهُ، وَأَنَّ مُحَمَّداً عَبْدُهُ می گذارم و گواهی می‌دهم که معبودی جز خدا نیست و محمد بنده وَرَسُولُهُ».

و فرستاده اوست.»

عَرَفات

سرزمین عرفات بیابان وسیع وهمواری است که در شمال مکّه در مسافت حدود ۲۱ کیلومتری واقع شده است، واز حدّ حرم خارج است.

عرفات سرزمینی است که آدم و حوّا علیهما السلام بعد از جدایی طولانی، در این سرزمین به یکدیگر رسیدند، ونسبت به هم آشنا وعارف گردیدند.

عرفات سرزمینی است که آدم در این سرزمین اعتراف به

ص: ۲۰۶

گناه خویش کرده است.

عرفات سرزمینی است که دعا در آن مستجاب است، کوه عرفات را «جبل الرّحمه» می‌گویند، وامام حسین علیه السلام دعای معروف عرفه را در کنار همین کوه خواندند.

وقوف در عرفات از ارکان حج می‌باشد، و مستحبّات و دعاهای مربوط به آن قبلًا گذشت.

مُزدَلفه (مشعرالحرام)

از انتهای مأزَمَین در سمت عرفات تا وادی مُحَسِّر در سمت مِنی مُزدلفه یا مَشعرالحرام نامیده شده است، در سال‌های اخیر حدود مشعرالحرام علامت‌گذاری شده.

وقوف به مشعر در شب دهم ذی‌حجّه بین‌الطّلوعین از ارکان حج می‌باشد، مستحبّات و ادعیه مربوط به مشعر قبلًا بیان شد.

مِنا

منا، سرزمینی است میان وادی مُحَسِّر و جمره عقبه که جزو حرم می‌باشد، و در فاصله کمی در جانب شرقی بین مکّه و مشعرالحرام قرار دارد. از جمره عقبه که حدّ نهایی مکّه است تا وادی محسّر در طرف مُزدلفه، منا است، وطول آن

ص: ۲۰۷

حدود «۳۶۰۰ متر» می‌باشد.

یکی از جهاتی که این جا را منا گفته‌اند آن است که جبرئیل امین در این حصار به حضرت ابراهیم گفت از خدا تمنّا و درخواست کن.

مسجد خَیفْ:

از مساجد بسیار باعظمت است و در منا قرار دارد.

رمی جمرات، قربانی، حلق یا تقصیر وبیتوته شب یازدهم ودوازدهم، ودر بعض موارد شب سیزدهم ذی‌حجه از اعمالی است که باید در منا انجام شود. اعمال مستحبّ منا ومسجد خَیفْ قبلًا گذشت.

ص: ۲۰۸

بخش چهارم: اماکن مقدّسه بین راه مکّه ومدینه

اماکن مقدّسه بین راه مکّه ومدینه

پایان بخش این قسمت یادی از اماکن ومَشاهد مقدّسه‌ای است که در مسیر راه مکّه ومدینه وجود دارد، مانند:

قبر عبداللَّه بن عبّاس در وادی طائف، قبر میمونه همسر رسول‌اکرم صلی الله علیه و آله در سَرَف واقع در دو فرسخی مکه، قبر حوّا در جدّه، وآمنه در ابواء، مسجد غدیر خم در نزدیکی جُحفه با فاصله سه میل یا دو میل از جُحفه، و قبور شهدا بدر در بدر، ومدفن عبداللَّه بن الحارث بن عبدالمطلب که در مراجعه از جنگ بدر در اثر زخم های زیادی شهید شد، و در «رَوحاء» ۱۷ کیلومتری مدینه به خاک سپرده شد.

مناسب است در خاتمه کتاب درباره برخی از آنها بطور خلاصه مطالبی را یادآور شویم:

مسجد غدیر خم:

غدیر خم در سه میلی جُحفه و به روایت دیگر در دو میلی آن واقع شده است.

مرحوم شیخ صدوق در «فقیه» از امام صادق علیه السلام روایت کرده که نماز در مسجد غدیر خم مستحبّ است.

ابواء

ابواء، نام قریه‌ای است در سیزده میلی میقات جُحفه، که مادر رسول خدا جناب آمنه بنت وهب پس از زیارت قبر همسرش عبداللَّه در مدینه، ومراجعت به سوی مکه در آن قریه مریض شد واز دنیا رفت، و در آن محل به خاک سپرده شد.

زیارت آمنه بنت وهب مادرگرامی حضرت رسول صلی الله علیه و آله

«السَّلامُ عَلَيْكِ أَيَّتُهَا الطَّاهِرَةُ الْمُطَهَّرَةُ، السَّلامُ عَلَيْكِ يا مَنْ «سلام بر تو ای بانوی پاك و پاكيزه، سلام بر تو ای خَصَّهَا اللَّهُ بِأَعْلَى الشَّرَفِ، السَّلامُ عَلَيْكِ يا مَنْ سَطَعَ مِنْ جَبِينِها آنكه خدايش به برترين شرافت اختصاص داد، سلام بر تو ای آنكه از پيشانيش

ص:۲۰۹

ص: ۲۱۰

نُورُ سَیِّدِ الْأَنْبیاءِ، فَأَضاءَتْ بِهِ الْأَرْضُ وَالسَّماءُ، السَّلامُ عَلَیْکِ نور سرور رسولان درخشید و زمین وآسمان را روشن ساخت، سلام بر تو یا مَنْ نَزَلَتْ لِأَجْلِهَا الْمَلائِکَهُ، وَضُـرِبَتْ لَها حُجُبُ الْجَنَّهِ، ای آنکه به خاطرش فرشـتگان نازل شدند و سرا پرده بهشتی برایش زده شد، السَّلامُ عَلَیْکِ یا مَنْ نَزَلَتْ لِخِدْمَتِهَا الْحُورُ الْعِینُ، وَسَـقَیْنَها مِنْ سـلام بر تو که حور العین برای خـدمتش فرود آمـد و او را از شَـرابِ الْجَنَّهِ، وَبَشَّرْنَها بِولادَهِ خَیْرِ الْأَنْبِیاءِ، السَّلامُ عَلَیْکِ یا أُمَّ آشامیدنی بهشت نوشانید و به تولد برترین پیامبران نویدش داد، سـلام بر تو ای مادر رَسُولِ اللَّهِ، السَّلامُ عَلَیْکِ یا أُمَّ حَبِیبِ اللَّهِ، فَهَنِیئاً لَکِ بِما آتَاکِ رسول خـدا، سـلام بر تو ای مادر حبیب خدا، گوارا باد تو را بر آن چیزی که اللَّهُ مِنْ فَضْـلٍ، وَالسَّلامُ عَلَیْکِ وَعَلی رَسُولِ اللَّهِ صَـلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ خـدا از فضـل و کرم به تو عطا فرمود. سـلام بر تو و بر پیامبر خدا، درود خدا براو وَآلِهِ، وَرَحْمَهُ اللَّهِ وَبَرَکاتُهُ».

و بر آلش و رحمت و برکات خدا بر شما باد.»

بَدر

در رمضان سال دوّم هجری، جنگ بدر کبری در آنجا به وقوع پیوست که در جریان آن چهارده تن از اصحاب

ص: ۲۱۱

آن حضرت به شهادت رسیدند، در زیارت آن شهدا می گویی:

«السَّلامُ عَلی رَسُولِ اللَّهِ، السَّلامُ عَلی نَبِیِّ اللَّهِ، السَّلامُ عَلی «سلام بر رسول خدا، سلام بر پیامبر خدا، سلام بر مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، السَّلامُ عَلی أَهْلِ بَیْتِهِ الطَّاهِرِینَ، السَّلامُ محمّد بن عبداللَّه، سلام بر اهل بیت پاکش، سلام عَلَیْکُمْ أَیُّها الشُّهَداءُ الْمُؤْمِنُونَ، السَّلامُ عَلَیْکُمْ یا أَهْلَ بَیْتِ بر شما ای شهدای با ایمان، سلام بر شما ای خاندان الْإِیمانِ وَالتَّوْحِیدِ، السَّلامُ عَلَیْکُمْ یا أَنْصارَ دِینِ اللَّهِ وَأَنْصارَ ایمان و توحید، سلام بر شما ای یاوران دین خدا، و یاران رَسُولِهِ صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ، سَلامٌ عَلَیْکُمْ بِما صَبَرْتُمْ رسول او و صلی الله علیه و آله سلام بر شما که شکیبایی ورزیدید فَنِعْمَ عُقْبَی الدَّارِ، أَشْهَدُ أَنَّ اللَّهَ قَدِ اخْتارَکُمْ لِدِینِهِ وَاصْطَفاکُمْ و نیکو سرایی است سرای آخرت گواهی دهم که خداوند شما را برای دینش برگزید لِرَسُولِهِ، وَأَشْهَدُ أَنَّکُمْ قَدْ جاهَدْتُمْ فِی اللَّهِ حَقَّ جِهادِهِ، وَنَصَرْتُمْ و برای پیامبرش انتخاب کرد و گواهی دهم که شما حقّ جهاد در راه او را گزاردید و یاری لِدِینِ اللَّهِ وَسُنَّهِٔ رَسُولِهِ، وَجُدْتُمْ بِأَنْفُسِکُمْ دُونَهُ، وَأَشْهَدُ أَنَّکُمْ دین خدا و پیامبر او کردید و در برابر او جانفشانی نمودید و گواهی دهم

ص: ۲۱۲

قُتِلْتُم عَلی مِنْهاجِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ، که شما در راه پیامبر خدا صلی الله علیه و آله سیر نمودید فَجَزاکُمُ اللَّهُ عَنْ نَبیِّهِ وَعَنِ الْإِسْلامِ وَأَهْلِهِ أَفْضَلَ الْجَزاءِ، وَعَرَّفَنا پس خداوند از سوی پیامبرش و از اسلام و اهل اسلام بهترین پاداش را به شما عنایت فرماید فِی مَحِلِّ رِضْوانِهِ وَمَوْضِعِ إِکْرامِهِ مَعَ النَّبِیِّینَ وَالصِّدِّیقِینَ و ما را در بهشت و محل کرامتش با پیامبران و صدیقان وَالشُّهَداءِ وَالصّالِحِینَ، وَحَسُنَ أُولئِکَ رَفِیقاً، أَشْهَدُ أَنَّکُمْ حِزْبُ و شهدا و صالحان آشنا سازد که آنان بهترین رفیق‌اند و گواهی دهم که شمایید اللَّهِ، وَأَنَّ مَنْ حارَبَکُمْ فَقَدْ حارَبَ اللَّهَ، وَأَنَّکُمْ لَمِنَ الْمُقَرَّبِینَ حزب اللَّه و هر کس با شما بستیزد با خداوند جنگیده است و اینک شما از مقربین الْفائِزِینَ، الَّذِینَ هُمْ أَحْیاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ یُرْزَقُونَ، فَعَلی مَنْ قَتَلَکُمْ و رستگارانید آنان که نزد پروردگارشان زنده‌اند و روزی می‌خورند لَعْنَةُ اللَّهِ وَالْمَلائِکَةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِینَ، وَالسَّلامُ عَلَیْکُمْ وَرَحْمَةُ و لعنت خدا و فرشتگان و مردم بر آنانکه شما را کشتند و سلام و رحمت و برکات اللَّهِ وَ بَرَکاتُهُ».

خداوند بر شما باد.»

ص: ۲۱۳

بخش پنجم: ربذه

بخش پنجم:

ربذه

«ربذه» در فاصـله حدود ۲۰۰ کیلومتری شـمال شـرقی مـدینه در کوه‌های حجاز غربی، بر خط طولی ۴۱– ۱۸ و خط عرضی ۲۴– ۴۰ قرار دارد. نزدیک ترین راه برای رسیدن به آن، از راه قصیم به مدینه است که حـدود ۷۰ کیلومتر از مدینه فاصـله دارد. (۱)جناب ابوذر غفاری و جمعی از صحابه در آن‌جا مدفون می‌باشند. و مستحبّ است ابوذر را به این عبارات زیارت کنید:

«السَّلامُ عَلَیْکَ یا أَبا ذَرٍّ الْغِفارِیُّ، السَّلامُ عَلَیْکَ یا صاحِبَ «سـلام بر تو ای ابوذر غفاری، سـلام بر تو ای یار رَسُولِ اللَّهِ صَـلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ، وَرَحْمَـهُ اللَّهِ وَبَرَکـاتُهُ، رسول خـدا درود و سـلام و رحمت و برکـات خـدا بر رسول خـدا بـاد السَّلامُ عَلَیْکَ یا مَنْ قالَ فِی حَقِّهِ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ سلام بر تو ای آنکه پیامبر خدا صلی الله علیه و آله درباره‌ات فرمود:

۱– میقات حج، ش ۴۸، ربذ کجاست؟ سید علی قاضی‌عسکر.

ص: ۲۱۴

وَآلِهِ: ما أَقَلَّتِ الْغَبْراءُ وَلا أَظَلَّتِ الْخَضْراءُ عَلی ذی لَهْجَهٍ «زمین حمل نکرده و آسمان سایه نگسترانیده بر گوینده‌ای أَصْدَقَ مِنْ أَبی ذَرٍّ، السَّلامُ عَلَیْکَ یا مَنْ نَطَقَ بِالْحَقِّ، وَلَمْ یَخَفْ راستگوتر از ابی‌ذّر»، سلام بر تو ای که سخن حق گفتی و در راه خدا فِی اللَّهِ لَوْمَهَ لائِم، وَلا ظُلْمَ ظالِم، أَتَیْتُکَ زائِراً شاکِراً لِبَلائِکَ فِی از سرزنش سرزنشگری و نه از ستم ستمگری بیمی به خود راه ندادی، به زیارتت آمده‌ام در حالی که برای آنچه در راه اسلام دیدی الْإِسْلام، فَأَسْأَلُ اللَّهَ الَّذی خَصَّکَ بِصِدْقِ اللَّهْجَهِ وَالْخُشُونَهِ شکرگزارم و از خدایی که ترا به راستگویی فی ذاتِ اللَّهِ وَمُتابَعَهِ الْخَیِّرینَ الْفاضِلینَ أَنْ یُحْیِیَنِی حَیاتَکَ، نستوهی و پیروی از نیکوکاران برتر اختصاص داد می‌خواهم که مرا زندگی وَیُمِیتَنِی مَماتَکَ، وَیَحْشُرَنِی مَحْشَرَکَ، عَلی إِنْکارِ ما أَنْکَرْتَ، و مرگی چون تو ببخشد، چون تو محشورم سازد. بر انکار آنچه انکار کردی وَمُنابَذَهِ مَنْ نابَذْتَ، جَمَعَ اللَّهُ بَیْنَنا وَبَیْنَکَ وَبَیْنَ رَسُولِهِ وَآلِهِ و مخالفت آنکه با او مخالفت کردی، خداوند بین ما و شما و رسولش و اهلبیت او صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَعَلَیْهِمْ فِی مُسْتَقَرِّ رَحْمَتِهِ، وَالسَّلامُ عَلَیْکَ- که درود خداوند بر او باد- جمع کند در جایگاه رحمتش و درود و وَرَحْمَهُ اللَّهِ وَبَرَکاتُهُ».

رحمت و برکات خداوند بر او باد.»

درباره مرکز

بسم الله الرحمن الرحیم
جاهِدُوا بِأَمْوالِكُمْ وَ أَنْفُسِكُمْ فی سَبیلِ اللَّهِ ذلِكُمْ خَیْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)
با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السّلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند
بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹
بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهلبیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.
مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.
اهداف :دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السّلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.
از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :
الف)چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی
ب)تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن سهمراه
ج)تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما ، انیمیشن ، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و...
د)ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر
ه)تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای
و)راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)
ز)طراحی سیستم های حسابداری ، رسانه ساز ، موبایل ساز ، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک ، SMS و...
ح)همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط)برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه
ی)برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضوری و مجازی) در طول سال
دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان
تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت : ۲۳۷۳ شناسه ملی : ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶
وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com
تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳- (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵(۰۳۱۱)

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی ، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشاالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳ ، شماره کارت :۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳و شماره حساب شبا : IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱-۰۶۰۹-۵۳به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان – خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام -: هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کَرَم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می گشایی که آن بینوا، خود را بِدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».


قائمیه
اصفهان
مرکز تحقیقات رایانه‌ای
WWW
برای داشتن کتابخانه های‌تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشـــانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹